نشانه های ظهور او





بسم الله الرحمن الرحیم

نشانه های ظهور او

نویسنده:

محمد خادمی شیرازی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نشانه های ظهور او

مشخصات کتاب

سرشناسه : خادمی شیرازی، محمد ،۱۳۰۶ – ۱۳۷۸.

عنوان و نام پدیدآور : نشانه‌های ظهور او/ محمد خادمی‌شیرازی .

مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس صاحب الزمان (جمکران،)۱۳۷۸.

مشخصات ظاهری : ۲۲۰ص.

شابک : ۶۵۰۰ریال ؛ ۷۰۰۰ ریال (چاپ دوم) ؛ ۷۰۰۰ ریال (چاپ سوم) ؛ ۷۰۰۰ریال (چاپ چهارم) ؛ ۸۰۰۰ ریال (چاپ پنجم) ؛ ۸۰۰۰ ریال (چاپ هشتم) ؛ ۲۰۰۰۰ریال: چاپ چهاردهم۷-۳۵-۶۷۰۵-۹۶۴-۹۷۸ : ؛ ۲۰۰۰۰ ریال (چاپ پانزدهم) ؛ ۲۰۰۰۰ ریال (چاپ شانزدهم)

یادداشت : چاپ دوم، سوم و چهارم: ۱۳۸۰ .

یادداشت : چاپ پنجم: بهار۱۳۸۲.

یادداشت : چاپ هشتم: تابستان ۱۳۸۳.

یادداشت : چاپ چهاردهم: زمستان ۱۳۸۷.

یادداشت : چاپ پانزدهم: بهار ۱۳۸۸.

یادداشت : چاپ شانزدهم: بهار ۱۳۸۹.

یادداشت : کتابنامه: [۲۱۹] – ۲۲۰؛ همچنین به صورت زیرنویس .

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق-

موضوع : مهدویت-- انتظار

شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره : BP۲۲۴/۴/خ۲۴ن۵ ۱۳۷۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی : م۷۸-۲۲۴۱۰

مهدی در قرآن

قرآن کریم و نشانه های ظهور حضرت مهدی

اشاره

آنچه در قرآن کریم از طرف خداوند بزرگ به وسیله رسول اکرم صلی الله علیه و آله به ما رسیده واجب الاطاعه است و کوچکترین تردیدی درباره آن نباید داشت، چرا که از منبع علم خداوندی سرچشمه گرفته است. از جمله بشارتهایی که در قرآن مجید در ضمن آیاتی داده شده مساءله قیام جهانی حضرت بقیهٔ الله ارواحنا له الفداء و سیطره عدل و داد در عالم بعد از پر شدن آن از ظلم و جور است که مرحوم علامه نوری در مقدمه کتاب شریف «کشف الاءستار» ادعای تواتر، از فریقین (شیعه و سنی) فرموده است و این نتیجه به دست می آید که باید ظلم و تباهی از سرتاسر جهان محو گردد و جهان از عدالت پر شود، نه اینکه به خیال

خام بعضی از نویسندگان، عدالت در حکومت حضرت مهدی سلام اللّه علیه تغلیبی باشد و همچنان افراد شرور، کم یا زیاد، در اجتماع دیده شوند. خیر، طبق نص صریح آیات قرآن و تفاسیر رسیده از اهل بیت عصمت و طهارت سلام اللّه علیهم اجمعین پس از پر شدن عالم از ظلم و جور، قسط عدل بر آن حاکمیت خواهد یافت و همان گونه که عرض شد در این زمینه بزرگان مذهب نظیر علامه نوری و دیگران نیز دعوی تواتر نموده اند. بنابراین، دیگر جایی برای عدالت تغلیبی و طرفداران آن نمی ماند.

نشانه های پیدایش این حکومت

سنریهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق اولم یکف بربک انه علی کل شیء شهید. [۱] .بزودی آیات و نشانه هایی از قدرت خود را در صحنه گیتی و در (کشور) وجودشان بدانها نشان خواهیم داد، تا بر آنها آشکار شود که حق است.ممکن است نشانه های آفاقی همان صیحه آسمانی باشد و منظور از آیات انفسی همان رعب و ترس باشد که در دلها جای می گیرد.خواننده عزیز!تا این ساعت چنین علائم و نشانه هایی که برای بشر تمام مجهولات را از بین ببرد و پرده از روی حقایق و ملکوت عالم بردارد به نحوی که حق آشکار و باطل نابود شود، در صحنه گیتی دیده نشده است و با توجه به اینکه خداوند خلف وعده نخواهد فرمود و حتما باید این کار بشود، غیر از قیام آخرین نماینده و سفیر اعظم او حضرت بقیهٔ الله روحی و ارواح العالمین له الفداء نشانه دیگری نخواهد بود.و لنبونکم بشیء من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابرین. [۲] .و هر آینه شما را به وسیله ترس و گرسنگی و نقص در مالها و جانها و میوه ها می آزماییم، و صبرکنندگان را بشارت ده.محمد بن مسلم از امام صادق علیه السّلام روایت می کند که پیش از قیام مهدی ما سلام اللّه علیه مردم به انواع بلاها مبتلا می شوند و موفقیت با صابران است.به طور خلاصه علائم و نشانه های قبل از ظهور در این روایات عبارت است از:۱. وحشت و اضطرابی که در حال حاضر در میان مردم بعضی از کشورهای اسلامی دیده می شود.۲. گرسنگی و قحطی که در بعضی کشورهای جهان مشهود است و به طور متوسط روزانه چند صد هزارتن از گرسنگی می میرند (مانند بعضی از قسمتهای افریقا و هندوستان).۳. فساد در تجارت و بازرگانی و کمبود درآمد بعضی از اقشار جامعه که به ویژه در ایران ما مشهود است.۴. تلفات جانی مانند تلفات در جنگ ایران و عراق و نقصان زراعت و میوه جات ناشی از آفات و کمی برکت آنها.اکنون به اصل روایت که از امام صادق عزیز ما – که سلام خداوند بر ایشان باد – نقل کرده اند، توجه فرمایید:عن محمد بن مسلم عن ابی عبدالله جعفر بن محمد علیهما السلام اءنه قال ان قدام قیام القائم علامات بلوی من الله تعالی لعباده المؤ منین قلت و ما هی قال ذلک قول الله عزوجل «و لنبلونکم بشیء من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابرین» قال لنبلونکم (یعنی المؤ منین) بشیء من الخوف من ملوک بنی فلان فی آخر سلطانهم (والجوع) بغلاء اسعارهم (و نقص من الاموال) فساد التجارات و قلهٔ الفضل فیها (والانفس) قال موت ذریع (والثمرات) قلهٔ ریع ما یزرع و قلهٔ برکهٔ الثمار (و بشر الصابرین) عند ذلک بخروج القائم علیه السّلام ثم قال لی یا محمد هذا تاءویله ان الله عزوجل یقول «و ما یعلم تاءویله الا الله و الراسخون فی العلم [۳] .». [۴] .محمد بن مسلم از امام صادق علیه السّلام نقل کرده است که امام فرمودند: پیش از قیام قائم نشانه هایی است جهت آزمایش از جانب خداوند نسبت به بندگان مؤ منش. عرض کردم: آن نشانه ها چیست؟ فرمود: آن، گفتار خداوند عزوجل است که فرمود:«و لنبلونکم بشیء». فرمود: «لنبلونکم»یعنی هر آینه بیازماییم شما مؤ منان را «بشیء من الخوف»به مقداری و چیزی از ترس از ملوک بنی فلان (بنی عباس) در پایان زمامداریشان و«الجوع»و گرسنگی به خاطر بالا بودن قیمتها «و نقص من الاموال» و کاستی از مالها (یعنی) فساد تجارتها «والانفس»و جان ها (یعنی) مرگ سریع «والثمرات» و محصولات (یعنی) کم شدن کشاورزی و کمبود برکت محصولات «و بشرالصابرین» (یعنی) بشارت ده صابران را در چنین وقت به خروج قائم علیه السّلام. سپس به من فرمود: ای محمد! این است تاءویل قول خداوند عزوجل که می فرماید: «و ما یعلم تاءویله...» (یعنی) نمی داند تاءویل قرآن را جز خداوند و پایداران در دانش.ان الله قادر علی ان ینزل آیهٔ. [۵] .به درستی که

خداوند (تبارك و تعالی) قادر است که نشانه ای فرو فرستد.در تفسیر این آیه به چند نشانه از نشانه های ظهور حضرت ولی عصر علیه السّلام اشاره شده است:۱. خروج دابهٔ الارض [۶] .۲. دجال۳. نزول عیسی بن مریم علیه السّلام۴. طلوع خورشید از مغربو اینک اصل روایت:فی روایهٔ ابی الجارود: عن ابی جعفر علیه السّلام فی قوله «ان الله قادر علی ان ینزل آیهٔ» و سیریک فی آخر الزمان آیات منها دابه الارض و الدجال و نزول عیسی بن مریم و طلوع الشمس من مغربها. [۷] .ابی الجارود می گوید: امام باقر علیه السّلام در تفسیر آیه «ان الله قادر الخ»فرمودند: زود است که در آخر الزمان آیات و نشانه هایی از قدرت خداوند می بینی:۱. دابهٔ الارض (که منظور تشریف فرمایی حضرت امیرالمؤ منین علیه السّلام در رجعت و یا حضرت بقیهٔ الله روحی له الفداء است).۲. دجال.۳. نزول حضرت عیسی بن مریم از آسمان.۴. طلوع خورشید از مغرب.قل هو القادر علی ان یبعث علیکم عذابا من فوقکم او من تحت ارجلکم او یلبسکم شیعا و یذیق بعضکم باءس بعض. [۸] .بگو او تواناست که بر شما عذابی از بالای سر و زیر پاهای شما بر انگیزد یا اینکه شما را از گروههای غیر متحد قرار دهد و آسیب برخی را به برخی دیگر بچشاند.در این آیه به بعضی از علائم ظهور اشاره شده است:۱. خروج دجال.۲. صیحه آسمانی.۳. خسف و فرورفتن در زمین «بیداء». گویا مقصود لشکر سفیانی باشد. ۴. اختلاف مردم در دین و طعن و شتم یکدیگر کردن و کشتار بعضی به وسیله افراد دیگر در حالتی که همه آنها خودشان را مسلمان می دانند.و اما روایتی که در این باب رسیده است:عن ابی جعفر علیه السّلام فی قوله تعالی «قل هو القادر علی الخ» قال هو الدجال و الصیحهٔ «او من تحت ارجلکم» و هو الخسف «اویلبسکم شیعا» و هو اختلاف فی الدین و طعن بعظکم علی بعض «و یذیق بعضکم باءس بعض» و هو ان یقتل بعضکم بعضا و کل هذا فی اهل القبلهٔ. [۹] .از ابی جعفر (امام باقر) علیه السّلام در فرموده خداوند متعال:«قل هو القادر علی...»منقول است که فرمودند: آن دجال و صیحه است (عذاب آسمانی و از بالا) و مراد از«او من تحت ارجلکم»عبارت از خسف و فرورفتگی زمین است و مراد از«اویلبسکم شیعا»اختلاف در دین و طعن به یکدیگر زدن است و منظور از«یذیق بعضکم باءس بعض » کشتن بعضتان است بعضی دیگر را، و تمام این حوادث در میان اهل قبله و مسلمانان به وقوع می پیوندد.قل اریتم ان اتاکم عذابه بیاتا او نهارا ماذا یستعجل منه المجرمون. [۱۰] .بگو آیا دیدید که اگر عذاب الهی شب هنگام و یا روز بر شما برسد (چه راه گریزی دارید؟) چرا گناهکاران (به جای توبه) عذاب را به تعجیل می طلبند؟از امام باقر علیه السّلام نقل شده که فرمودند: مراد از عذاب در این آیه بلاهایی است که در آخرالزمان بر مردم نازل می شود (البته بر مردم مسلمان).ولو تری اذا فزعوا فلا فوت و اخذوا من مکان قریب. [۱۱] .و اگر تو سختی حال مجرمان را مشاهده کنی هنگامی که ترسان و هراسان هستند پس هیچ فرار و گذشتی نیست و از مکان نزدیکی دستگیر شوند.از حضرت باقر علیه السّلام نقل کردند در تفسیر این آیه شریفه که در مقدمه قیام جهانی حضرت مهدی ارواحنا له الفداء صیحه ای از آسمان بلند می شود که همه مردم در هر حالی که هستند این صدا را می شنوند و در زمین بیداء لشکریان سفیانی به زمین فرو خواهند رفت که جمعیت آنها طبق روایات رسیده که بعدا ذکر خواهد شد در حدود سیصد هزار نفر است. و اما اصل روایت:عن ابی الجارود عن ابی جعفر علیه السلام فی قوله تعالی «ولو تری اذا فزعوا فلا فوت» قال من الصوت و ذلک صوت من السماء. [۱۲] .ابی جارود از امام باقر علیه السّلام در مورد این قول خدایتعالی که می فرماید «ولو تری اذا فزعوا فلا فوت»، روایت کرده است که آن حضرت فرمودند: این از صدای آسمانی (صیحه) است.ساءل سائل بعذاب واقع. [۱۳] .سائلی از عذابی که وقوع آن حتمی است سؤ ال نمود.از حضرت باقر علیه السّلام در رابطه با این آیه مبارکه سؤ ال کردند که منظور از این عذاب چیست؟ فرمودند:نار تخرج من المغرب و ملك یسوقها من خلفها حتی یاءتی من جههٔ دار بنی سعد ابن همام عند مسجدهم فلا تدع دارا لبنی امیهٔ الا احرقتها و اهلها و لا تدع دارا فیها و ترلال محمد الا احرقتها و ذلک المهدی علیه السّلام. [۱۴] .عذاب در اینجا آتشی است که از طرف مغرب شعله ور می شد و پادشاهی آن را رهبری می کند و تمام خانه های بنی امیه و همه غاصبان حقوق اهل بیت را آتش می زند و مخصوصا از بنی امیه آثاری باقی نخواهد گذاشت و اوست مهدی آل محمد (سلام اللّه علیه و عجل الله له الفرج).علامه مجلسی می فرماید: این جریان یا از علائم ظهور است و یا در وقت

ظهور واقع می شود.

ظهور

آیا امام عصر زمان ظهورش را می داند؟

بحثی مفصل در روایات اهل بیت سلام اللّه علیهم اجمعین در کتب معتبره عنوان شده است که آیا حجج الهی و ائمه معصومین سلام اللّه علیهم اجمعین به تمام حوادث و آنچه که پیش می آید و در گذشته روی داده و یا در آینده انجام می شود عالم هستند یا خیر؟ برای روشن شدن این حقیقت و به ویژه اینکه آیا وجود مقدس امام زمان ارواحنا له الفداء علم به وقت ظهور خود دارند یا نه، از بیانات رسیده از ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین استفاده می کنیم.

امام باقر و علم رسول اکرم و سایر انبیاء

اشاره

ابی بصیر از حضرت باقر علیه السّلام از کیفیت علم رسول اکرم صلی الله علیه و آله می پرسد. آن حضرت می فرمایند:سئل علی علیه السّلام عن علم النبی صلی الله علیه و آله فقال: علم النبی علم جمیع النبیین و علم ما کان و ما هو کائن الی قیام الساعهٔ ثم قال والذی نفسی بیده انی لاعلم علم النبی صلی الله علیه و آله و علم ما کان و ما هو کائن فیما بینی و بین قیام الساعهٔ. [۱۵] .سؤال شد از علی علیه السّلام از علم پیامبر صلی الله علیه و آله، فرمود: علم پیامبر یعنی علم همه انبیاء (یعنی علم همه انبیاء در خدمت و نزد رسول گرامی اسلام است) و پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله عالم به ماکان و مایکون است (آنچه در گذشته بوده و هرچه که اکنون در دست اقدام است و کارهایی که در آینده انجام می گیرد) تا روز قیامت. قسم به خداوندی که جانم در کف قدرت اوست که من (علی علیه السّلام) همه دانشهای رسول معظم صلی الله علیه و آله را می دانم و از آنچه که در گذشته در دنیا رخ داده و هرچه که اکنون در دست اقدام است و اموری که در آینده عملی خواهد شد عالم هستم.خواننده عزیز!این است شاءن علمی امام علیه السّلام، و طبق مدارک قطعیه این مقام به امر خداوند و رسول مکرمش امروز (زمان غیبت) اختصاص به حضرت بقیهٔ الله روحی له الفداء دارد. بنابراین، چگونه ممکن است کسی که وارث علوم همه انبیاء و ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین است و علم ماکان مایکون و ماهو کائن را دارد از مهمترین مساءله حیاتی خویش (یعنی روز ظهور و قیامش) آگاهی نداشته باشد؟ حاشا و کلا، بلکه می داند ولی چون از اسرار بزرگ الهی است، نباید گفته شود؛ لذا فرمودند «لانوقت»، یعنی روز و وقت ظهور را تعیین نمی کنیم.

ائمه معصومین در پیشگاه خداوند بزرگ

امام صادق علیه السّلام موقعیت وجودی ائمه سلام اللّه علیهم را در این روایت چنین بیان فرموده اند:نحن ولاهٔ امر الله و خزنهٔ علم الله و عیبهٔ وحی الله. [۱۶] .۱. ما فرمانروایان از طرف خداوند هستیم.۲. ما خزانه داران علوم الهی هستیم.۳. ما مرکز اسرار الهی هستیم.خواننده عزیز!چگونه ممکن است که امام علیه السّلام خازن علم خداوند باشد، مرکز اسرار ذات پاک حق باشد - یعنی خداوند اسرار خودش را به دست آنها داده باشد - و از طرف او فرمانروای عالم هستی باشد اما از روز قیام و هنگام انتقام از دشمنان خداوند که برای او ذخیره شده است بی اطلاع باشد؟

موقعیت علمی امام

امام باقر علیه السّلام به راوی می فرمایند:والله انا لخزان الله فی سمائه و ارضه لا علی ذهب و لا علی فضهٔ الا علی علمه. [۱۷] .به خدا سوگند ما خزانه داران خداوند در آسمانها و زمین هستیم و البته نه بر طلا و نقره بلکه بر علم او.خواننده گرامی!امروز وجود مقدس امام عصر روحی له الفداء گنجهای علم خداوند در نزد آن وجود مقدس است، آنوقت چگونه ممکن است که از علم به ظهور خود که در راءس تمام مسائل حیاتی عالم آفرینش قرار دارد، بی اطلاع باشد؟ابی حمزه می گوید: از امام باقر علیه السّلام شنیدم که رسول اکرم صلی الله علیه و آله از خداوند متعال نقل می کنند که فرمود:استکمال حجتی علی الاشقیاء من امتک من ترک ولایهٔ علی والاوصیاء من بعدک فان فیهم سنتک و سنهٔ الانبیاء من قبلک و هم خزانی علی علمی من بعدک ثم قال رسول الله صلی الله علیه و آله لقد انباءنی جبرئیل علیه السلام باسمائهم و اسماء آبائهم. [۱۸] .حجت من بر اشقیای امت تو تمام است، یعنی آنهایی که ولایت علی بن ابی طالب (علیه السّلام) و جانشینان بعد از او را نپذیرفتند؛ زیرا در وجود مقدس امیرالمؤ منین و ائمه بعد از او روش شما و همه پیامبران در او و ائمه بعد از او وجود دارد و نیز علی (علیه السّلام) و ائمه بعد از او خزانه دار علم من اند (پس امروز که حضرت ولی عصر علیه السّلام نگهبان و خزانه دار علم خداوند است، چگونه می شود که علم به وقت و روز و ساعت ظهور از آن حضرت پنهان بماند؟). آنگاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: جبرئیل علیه السّلام نامهای ائمه و نامهای پدرانشان را به من خبر داده است.

جهات مختلفه دانش ائمه معصومین

امام موسی بن جعفر علیهماالسلام می فرمایند:مبلغ عملنا علی ثلاثهٔ وجوه ماض و غابر و حادث فاما الماضی فمفسر و اما الغابر فمزبور و اما الحادث فقذف فی القلوب و نقر فی الاسماع و هو افضل علمنا لانبی بعد نبینا. [۱۹] .دانش ما ائمه بر سه قسم است:۱. علم به گذشته که برای ما تفسیر کرده اند (مفسر یا خداوند بزرگ است یا رسول او یا امام پیش از هر امام).۲. علم به آینده و آنچه در جهان واقع می شود (در لوح محفوظ یا در جامعه یا مصحف حضرت فاطمه - سلام اللّه علیها نوشته شده که امام معصوم از همه آنها باخبر است).۳. علم به آنچه در آینده رخ می دهد (از رویدادهایی که در آنها بدا حاصل می شود) آگاهی ما به آنها از طریق الهام در دل و یا به صورت سخن گفتن فرشته در گوش است، و این برترین دانش ماست، و هرگز پیامبری بعد از پیامبر ما نخواهد بود.

ائمه و رازداری

امام باقر علیه السّلام به عبدالواحد فرزند مختار می گوید:لوکان لا لسنتکم اوکیهٔ لحدثت کل امری ء بما له و علیه. [۲۰] .اگر تملک زبان می داشتید و می توانستید رازدار باشید، هر آینه به شما خبر می دادم از آنچه به زیان و نفع شماست.خواننده گرامی!علم امام علیه السّلام نامحدود است و همه چیز در دایره علمش منعکس می باشد. پس چگونه امام عصر روحی له الفداء از وقت ظهور خود خبر ندارد؟آری، اگر کسی بگوید که امام علیه السّلام نمی داند چه وقت ظهور می کند نسبت جهل و نادانی به امام داده و پیداست که اگر کسی نسبت جهل به امام علیه السّلام بدهد مجازاتش چه خواهد بود.آنچه از روایت مذکور استفاده می شود عدم ظرفیت شیعیان برای گرفتن اسرار از ائمه معصومین سلام اللّه علیهم است (به ویژه در این زمان تاریک غیبت کبری از وجود مقدس آقا حضرت صاحب الامر روحی له الفداء آن هم در ارتباط با تعیین وقت ظهور).

امام صادق و کتب جفر و جامعه و مصحف فاطمه

ابی بصیر گوید:دخلت علی ابی عبدالله علیه السلام فقلت له جعلت فداک انی اساءلک عن مساءلهٔ هیهنا احد یسمع کلامی؟ قال فرفع ابو عبدالله علیه السّلام سترا بینه و بین بیت آخر فاطلع فیه ثم قال یا ابا محمد سل عما بدالک قال قلت جعلت فداک ان شیعتک یتحدثون ان رسول الله صلی الله علیه و آله علم علیا علیه السّلام بابا یفتح له منه اءلف باب قال فقال یا ابا محمد علم رسول الله صلی الله علیه و آله علیا علیه السّلام الف باب یفتح من کل باب الف باب قال قلت هذا والله العلم قال فنکت ساعهٔ فی الارض ثم قال انه لعلم و ما هو بذلک قال ثم قال یا ابا محمد و ان عندنا الجامعهٔ و ما یدریهم ما الجامعهٔ؟ قال قلت جعلت فداک و ما الجامعهٔ؟ قال صحیفهٔ طولها سبعون ذراعا بذارع رسول الله صلی الله علیه و آله و املائه من فلق فیه و خط علی بیمینه فیها کل حلال و حرام و کل شیء یحتاج الناس الیه حتی الارش فی الخدش و ضرب بیده الی قال تاءذن لی یا ابا محمد قال قلت جعلت فداک انما انا لک فاصنع ما شئت قال فغمزنی بیده و قال حتی ارش هذا کانه مغضب قال قلت هذا والله العلم قال انه لعلم و لیس بذالک ثم سکت ساعهٔ ثم قال و ان عندنا الجفر و ما یدریهم ما الجفر قال قلت و ما الجفر قال وعاء من ادم فیه علم النبیین و الوصیین و علم العلماء الذین مضوامن بنی اسرائیل قال قلت ان هذا هو العلم قال انه لعلم و لیس بذلک ثم سکت ساعهٔ ثم قال و ان عندنا لمصحف فاطمهٔ علیهاالسلام و ما یدریهم ما مصحف فاطمهٔ (ع)؟ قال قلت و ما مصحف فاطمهٔ؟ قال مصحف فیه مثل قرآنکم هذا ثلاث مرات والله ما فیه من قرانکم حرف واحد قال قلت هذا والله العلم قال انه لعلم و ما هو بذاک ثم سکت ساعهٔ ثم قال ان عندنا علم ما کان و علم ما هو کائن الی ان تقوم الساعهٔ قال قلت جعلت فداک هذا هو والله العلم قال انه لعلم و لیس بذاک قال قلت له جعلت فداک فای شیء العلم قال ما یحدث باللیل و النهار الامر بعد الامر والشیء الی یوم القیامهٔ. [۲۱] .شرفیاب محضر امام صادق علیه السّلام شدم، عرض کرم: قربانت گردم، می خواهم از شما موضوعی بپرسم. آیا در اینجا غیر از ما کسی هست که سخن مرا بشنود؟ می گوید امام پرده وسط اطاق را بالا- زد تا ابی بصیر ببیند که کسی نیست. آنگاه فرمود: ای ابی بصیر! هرچه می خواهی سؤ ال کن عرض کردم: قربانت گردم، شیعیان شما می گویند امیرالمؤ منین سلام اللّه علیه یک باب از علم از پیامبر بزرگ صلی الله علیه و آله آموخت که از آن هزار باب علم بر روی حضرت علی باز شده است. حضرت فرمود: ای ابابصیر! رسول اکرم صلی الله علیه و آله هزار باب از علم به علی علیه السّلام یاد داد که از هر باب هزار باب علم به روی آن حضرت باز شد. ابابصیر می گوید عرض کردم: به خدا سوگند، این است علم. ابی بصیر می گوید:مولایم ساعتی با انگشتان مبارکش بر زمین زد و فرمود: مسلما این علم است، اما آن علم کامل و همه جانبه نیست. فرمودند: کتاب جامعه نزد ماست و مردم نمی دانند جامعه چیست. می گوید عرض کردم: جامعه چیست؟ فرمود: کتابی است که طول آن هفتاد ذراع است با ذراع رسول اکرم صلی الله علیه و آله و آن را به زبان مبارک بیان فرموده و حضرت علی علیه السّلام نوشته است. به تمام احکام الهی از واجب و حرام و هرچه مردم نیاز به آن دارند در آن هست، حتی دیه و جرم یک خراش. در این موقع امام صادق علیه السّلام دست مبارکشان را بر من زده، فرمودند: اجازه می دهی؟ عرض کردم: مولای من! هرچه میل دارید عمل کنید. آنگاه حضرت یک نشگون (یا در اصطلاح فارسیها یک پنجیر) به من گرفت و فرمود: حتی جزای این عمل کوچک هم در آن بیان شده است. در این موقع امام علیه السّلام به نظر غضبناک می رسیدند. عرض کردم: قربانت بروم، والله این علم است. فرمودند: آری، این علم است اما دانش نهایی نیست. سپس لختی سکوت کردند و سپس فرمودند: در نزد ما کتاب جفر است، و مردم چه می دانند جفر چیست. عرض کردم: قربانت شوم، جفر کدام است؟ فرمود: ظرفی است که تمام علوم انبیاء و اوصیاء و دانشمندان بنی اسرائیل، همه در آن است. عرض کردم: قربانت گردم، این است معنی علم؟ فرمودند: این علم است اما باز علم کامل نیست. آنگاه مدتی ساکت ماندند و فرمودند: نزد ماست مصحف مادرم فاطمه، و مردم چه می دانند مصحف فاطمه چیست. عرض کردم: مصحف فاطمه چیست؟ فرمودند: سه برابر قرآن شماست، به خدا سوگند، یک کلمه از قرآن شما در آن مصحف نیست. عرض کردم: به خدا علم کامل این است. فرمودند: این کتاب علم است اما علم کامل نیست. و لحظاتی خاموش شدند، آنگاه فرمودند: در نزد ماست علم به آنچه گذشته و هرچه که در آینده واقع می شود تا قیام قیامت. عرض کردم: به خدا

سوگند، علم نهایی این است. فرمودند: این علم است اما علم کامل نیست. ابی بصیر می گوید عرض کردم: پس علم کامل و نهایی چیست؟ فرمود: علم کامل آن است که همواره در تزاید باشد، و بر آنچه در شبانه روز پدید می آید، بر فرمانهایی که صادر می شود و حوادثی که تا روز قیامت رخ می دهد، احاطه داشته باشد.خواننده عزیز!این کتابها و علمها در نزد حضرت بقیهٔ الله ارواحنا له الفداء است. آیا باز هم می توان باور کرد با این قدرت بی نهایت علمی، آن حضرت عالم به روز و سال ظهور و ساعت قیام جهانی اش نباشد؟ ابدا. او می داند و باید هم بداند، اما از اسرار بزرگ خداوندی است و کسی به آن آگاهی پیدا نخواهد کرد.(اللهم عجل فرجه و اجعلنا من اعوانه و انصاره).

رسول اکرم و نشانه های ظهور

«عن السکونی عن ابی عبدالله علیه السلام قال: قال رسول الله علیه و آله سیاتی علی امتی زمان تخبث فیه سرائر هم و تحسن فیه علانیتهم طمعا فی الدنیا لا ـ یریدون به ما عند الله عزوجل یکون امرهم ریاء لا یخالطه خوف یعلمهم الله منه بعقاب فیدعونه دعاء الغریق فلا یستجاب لهم. [۲۲] .سکونی از امام جعفر صادق (ع) نقل می کند که رسول خدا ص فرمود بر امت من زمانی بیاید که باطن آنها پلید و ظاهرشان به جهت طمع در دنیا آراسته باشد و خداوند را در نظر ندارند عمل آنها ریا است و از او نمی ترسند. خداوند نیز همه آنان را عقوبت خواهد کرد و هر چه دعا کنند حتی غریق مستجاب نخواهد شد.از این روایت علامت برای ظهور حضرت بقیهٔ الله ارواحنا الفداء آن هم از زبان آورنده اسلام حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله نقل کرده اند.۱ – دلها مملو از خبائث و صفات رذیله می شود.۲ – مردم تظاهر به خوبیها می کنند در حالی که دلشان از خوبیها خالی است۳ – هدف از این تظاهرات فرورفتن در کثافات اخلاقی دنیا و تعینات آن است۴ – کارهای آنها اکر چه به صورت عبادت است اما برای غیر خدا انجام می شود (ریا)۵ – توجهی به عالم آخرت نخواهند داشت و از خداوند نمی ترسند.۶ – به جهت این صفات خداوند آنها را عقاب می کند به بلاهای اجتماعی از قبیل جنگ گرفتار ظلم شدن گرانی سلب برکت و...۷ – در این موقع هر چه دعا کنند حتی دعای غریق هم مستجاب نخواهد شد [۲۳] .رسول خدا صلی الله علیه و آله در روایتی در مورد نشانه های ظهور مهدی روحی له الفداء می فرمایند:سیاتی زمان علی امتی لا یبقی من القران الا رسمه و لا من الاسلام الا اسمه یسمون به وهم ابعد الناس منه مساجد هم عامره و هی خراب من الهدی فقهاء ذلک الزمان شرفقهاء تحت ظل السماء منهم خرجت الفتنه و الیهم تعود. [۲۴] .بزودی زمانی بر امت من فرارسد که از قرآن جز رسم و از اسلام جز اسم باقی نماند آنان به نام مسلمانان خوانده می شوند در حالی که دورترین مردم از اسلام اند مساجد آنان آباد و از هدایت خراب (خالی) است فقهای آن زمان بدترین فقها در زیر آسمان اند فتنه از ایشان آغاز می شود و به آنان باز می گرددوجود مبارک منجی عالم بشریت حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم در این حدیث که در حقیقت آیینه ای است که دنیای اسلام و مردم آن را نشان می دهد و این خود معجزه ای است از آن بزرگوار به جند علامت در ارتباط با ظهور فرزند عزیزش اشاره فرموده است:۱ – محتوی و حقایق حیاتبخش قرآن متروک و فقط اسمی از آن می ماند.۲ – از اسلام نامی می ماند و قوانین جامع و کامل آن به حالت تعطیل در می آید و به انزوا سپرده می شود. [۲۵] .۳ – تقریبا یک چهارم از جمعیت دنیا ادعای مسلمانی می کنند در صورتی که عملا از اسلام بیگانه اند.۴ – مساجدشان از نظر بنیان و جهات ظاهری آباد اما از لحاظ تقوا ویران است. مساجد مرکز غیبت، تهمت، ریختن آبروی مردم و بدعتها – البته به صورتهای مختلف – شده است.۵ – فقها و دانشمندان بدترین دانشمندانی هستند که در زیر این آسمان بسر می برند. با تاملی کوتاه درباره عالم نماهای زمان خودمان و فسادی که در اجتماع کرده اند معنی روایات معلوم می شود.۶ – تمام فتنه ها از ناحیه علمای سوء است و بازگشت آنها نیز به خودشان خواهد بود. «اذا فسد العالم فسد العالم» رسول اکرم ص می فرماید هرگاه دانشمندی راه فساد را پیش بگیرد جهانی را به تباهی می کشد. زیرا مردم این دسته از افراد راالگو و سمبل دین می دانند.خواننده گرامی! نا گفته نماند که از نظر

منطق و برهان، همیشه حساب مکتب، از اشخاص جداست.امام صادق (ع) به نقل از پدران مکرم خود ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین می فرماید:قال رسول الله صلی الله علیه و آله: (ان) الاسلام بدا غریبا و سیعود غریبا کما بدا فطوبی للغرباء. [۲۶] .رسول خدا ص فرمودند: اسلام در ابتدا غریب و تنها بود و بزودی نیز همچون زمان پیدایش غریب و تنها خواهد شد. خوشا به حال تنهایان و غربا.خواننده ارجمند! اسلام عزیز ما در ابتدا بسیار غریب بود و فقط یک اقلیت از آن استقبال کردند. در آخر الزمان نیز چنان خواهد شد، کما اینکه اکنوننیز اینچنین است و با این همه امکانات نظامی، اقتصادی و انسانی که در جهان اسلام وجود دارد، مع الوصف، مسلمین در چنگال ستمگران و کفاری مانند اسرائیل بسر می برند. دلیل بر اثبات عرض ما وضع موجود دنیای اسلام است و در روایات بالاـ تحت عنوان نشانه های ظهور دولت حق، رسول اکرم ص به غربت مجدد اسلام اشاره فرموده و در ضمن کلمه «فطوبی للغرباء» بشارت پیروزی اسلام را داده اند (البته بشارت ضمنی). آری، اسلام در ابتدای امر واقعا غریب بود، درست مانند کسی که وارد شهری بشود، آشنایی نداشته باشد و پولی هم همراه نداشته باشد که بتواند خودش را اداره کند و زبانش هم با مردم آن شهر یکی نباشد، همچنانکه زبان اسلام زبان توحید بود در حالی که زبان مردم لسان کفر و الحاد و بت پرستی بود و پیامبر بزرگوار فرمودند در آخرالزمان هم این طور خواهد شد.خواننده محترم! ملاحظه می فرمایید زبان اسلام در دنیای ما نیز زبان صلح، عدالت، ایمان، امنیت و برادری است، در حالی که در جهان کنونی، اعمال مردم بر خلاف این برنامه هاست.از امام صادق (ع) منقول است که رسول خدا ص فرمودند: من ابغضنا اهل البیت بعثه الله یهودیا قیل یا رسول الله و ان شهد الشهادتین؟ قال نعم انما احتجب بهاتین الکلمتین عند سفک دمه او یودی الجزیهٔ و هو صاغر ثم قال ابغضنا اهل البیت بعثه الله یهودیا قیل و کیف یا رسول الله؟قال ان ادرک الدجال آمن به. [۲۷] .هر که ما اهل بیت را دشمن دارد خداوند (عزوجل) او را یهودی برانگیزد.سؤال شد: یا رسول الله! اگر چه شهادتین بگوید؟ فرمودند: بله. در نتیجه دو کلمه شهادت (اشهد ان لا الله و اشهد ان محمد رسول الله) فقط جان او محفوظ می ماند و یا از پرداخت جزیه معاف می شود. سپس ادامه دادند: هر کسی که ما اهل بیت را دشمن بدارد خداوند او را یهودی بر انگیزد. پرسیدند: چگونه ای رسول خدا؟ فرمودند: اگر زمان دجال را دریابد به او ایمان آورد.در این روایت، پیامبر بزرگوار اسلام (ص) پس از اشاره به وظیفه مردم در ارتباط با اهل بیت (ع) و نیز زیان دشمنی با خاندان گرامی اش، به خروج دجال که از علائم ظهور حضرت بقیه الله روحی له الفدا است، اشاره فرموده اند. بنابراین، زیان دشمنی با اهل بیت سلام الله علیهم اجمعین را می توان این گونه خلاصه کرد:۱ - محشور شدن در روز قیامت با یهودیان.۲ - حسرت و پشیمانی که در سایه قطع ارتباط با خاندان وحی دامنگیر انسان می شود.۳ - از دست دادن نعمتهای ابدی خداوند.۴ - مخلد بودن در آتش جهنم.۵ - محرومیت از مصاحبت با ذوات مقدسه معصومین سلام الله علیهم اجمعین. رسول مکرم (ص) خبر از قیام مهدی روحی له الفدا می دهد و از آن حضرت به نام خاتمه دهنده به دین چنین می فرماید:«المهدی منا یختم الدین به کما فتح بنا... (و اخرج الحاکم فی صحیحه) یحل بامتی فی آخر الزمان بلاء شدید من سلطانهم لم یسمع بلاء اشد منه حتی لایجد الرجل ملجا فیبعث الله رجلا من عترتی اهل بیتی یملا الارض قسطا و عدلا کما ملئت ظلما وجورا و ساکن السماء و ترسل السماء قطرها و تخرج الارض نباتها.» [۲۸] .همچنانکه دین به وسیله من آغاز شد، توسط فرزندم مهدی (ع) خاتمه می یابد... در آخر الزمان امت من در سایه زمامداری ستمگر به بلاهایی مبتلا می شوند که مانند آن را نشنیده اند و به اندازه ای عرصه بر مردم تنگ می شود که پناهگاهی برای خود پیدا نمی کنند. در این هنگام خداوند مردی از عترت و ظلم و جور شده باشد. از ویژگیهای او این است که اهل زمین و ساکنان آسمانها او را دوست می دارند و آسمان بارانهای خودش را می بارد و زمین برکاتش را در اختیار مردم قرار می دهد.«سیجیء فی آخر الزمان اقوام تکون وجوههم وجوه الآدمیین و قلوبهم قلوب الشیاطین امثال الذئاب الضواری لیس فی قلوبهم شیء من الرحمه سفاکین للدماء و لا یرعون عن قبیح ان تابعتهم واروک و ان تواریت عنهم اغتابوک و ان حد ثوک کذبوک و ان ائتمنتهم خانوک صبیهم عارم و شابهم شاطر و شیخهم لایامر بمعروف و لاـ ینهی عن منکر الاـعتزازبهم ذل و طلب ما فی ایدیهم فقر الحلیم فیهم غاو و الامر فیهم

بالمعروف متهم المؤ من فیهم مستضعف و الفاسق فیهم مشرف السنه فیهم بدعه و البدعه فیهم سنه فعند ذلک یسلط الله علیهم شرارهم و یدعو خیارهم فلایستجاب لهم.» [۲۹] .در آخر الزمان مردمانی بیایند که از نظر ظاهر، سیمای آدمیان را دارند، اما دلهایشان مانند قلبهای شیطانها است (پر از خود خواهی و تکبر و غرور و امثال اینها است). مانند گرگهای درنده دلشان خالی از رحمت و عطوفت انسانی باشد، قتل و خونریزی برای آنها یک امر بسیار ساده و بی اهمیت خواهد بود و از کارهای زشت دوری نمی کنند. اگر از آنها متابعت کنی تو را از خود می رانند و اگر از آنان فاصله بگیری تو را مورد غیبت و عیبجوی قرار می دهند،اگر با تو سخن گویند دروغ می گویند و اگر آن مردم را امین خویش قرار دادی به تو خیانت می کنند. بچه های آنها با ناز و نخوت زندگی می کنند و جوانانشان بیباک و از خود راضی اند چندان که مردم را از بی تربیتی خویش عاجز می کنند. پیروان آنها امر به خوبیها و نهی از بدیها نمی کنند. عزت جستن به وسیله آنها ذلت و خواری است، مطالبه موجودی آنها فقر و ناتوانی است. شخص عاقل در میان آنها گمراه به شمار می آید و امر به معروف کننده مورد تهمت و افترا قرار می گیرد. افراد با ایمان و صاحبان تقوا در میان ایشان ضعیف خواهند بود، اما افراد فاسق در میان آنها با شخصیت حساب می شوند. کارهای خوب و سنتهای الهی در میان این جمعیت بدعت محسوب می شود و از طرفی بدعت در میان آنها سنت به حساب می آید. در چنین زمانی که مردمش دارای چنین خصوصیات اخلاقی شده اند، خداوند اشرار و مردم بد را بر آنها مسلط می کند و دیگر دعاوی خوبان اجابت نخواهد شد.

شب معراج و نشانه های ظهور

در حدیث مبارکی که ابن عباس از زبان پر نور آورنده اسلام حضرت محمد بن عبد الله (ص) نقل کرده به نشانه هایی در رابطه با قیام جهانی حضرت صاحب الامر(ع) تصریح شده است که به نظر خوانندگان عزیز می رسد:«عن ابن عباس عن رسول الله صلی الله علیه و آله: فی حدیث ان الله اوحی الیه لیله اسری به ان یوصی الی علی و اخبره بالائمه من ولده الی ان قال و آخر رجل منهم یصلی عیسی ابن مریم خلفه یملا الارض عدلا کما ملئت جورا و ظلما انجی به من الهلکه و اهدی به من الضلاله و ابری به الاعمی و اشفی به المریض فقلت الهی و سیدی متی یکون ذاک فاوحی الله عزوجل الی یکون ذلک اذا رفع العلم و ظهر الجهل و کثر القراءه و قل العمل و کثر القتل و قل الفقهاء و الهادون و کثر فقهاء الضلاله و الخونه و کثر الشعراء و اتخذ امتک قبورهم مساجد و حلیت المصاحف و زخرفت المساجد و کثر الجور و الفساد و ظهر المنکر و امر امتک به و نهی عن المعروف و اکتفی الرجال بالرجال و النساء و صار الامراء کفره و اولیائهم فجره و اعوانهم ظلمه ذووا الرای منهم فسقه و عند ثلاثه خسوف خسف بالمشرق و خسف بالمغرب و خسف بجزیره العرب و خراب بصره علی ید رجل من ذریتک تتبعه الزنوج و خروج رجل من ولد الحسین بن علی و ظهور الدجال یخرج من المشرق من سجستان و ظهور السفیانی.» [۳۰] .ابن عباس می گوید: در شب معراج مطالبی به رسول اکرم (ص) وحی شد که باید به وجود مقدس حضرت امیر المؤ منین (ع) خبر داده شود و نیز به ائمه بعد از آن حضرت. بعد فرمودند که خداوند برای آخرین آنها نشانه هایی بیان فرمودند:۱ – عیسی بن مریم پشت سر آن بزرگوار نماز می خواند.۲ – زمین را پر از عدل و داد می کند چنانچه پر از ظلم و جور شده باشد.۳ – بندگان را به وسیله او (امام عصر) از هلاکت نجات می دهم.۴ – گمراهان را به وسیله او هدایت می کنم.۵ – نابینایان و بیماران را به وسیله او شفا می دهم.عرض کردم خداوندا! آن کی خواهد شد؟ خطاب رسید:۶ – هرگاه علم از میان برداشته شود و جهل و نادانی به جای آن نشیند.قرائت قرآن زیاد اما به آن کم شود.۷ – قتل و کشتار زیاد شود.۸ – فقها و هدایت کنندگان واقعی کم شوند (اشاره است به وجود علمای ربانی).۹ – علمای فاسق (بی عمل) و خیانتکار زیاد شوند (آنان که دین را به فکر خود معنی می کنند).۱۰ – شعرا زیاد شوند.۱۱ – امت شما قبرستانها را مساجد قرار دهند.۱۲ – قرآنها را زینت کنند.۱۳ – مساجد را مجلل بسازند.۱۴ – جور و فساد زیاد شود.۱۵ – منکرات ظاهر شود.۱۶ – امت شما امر به منکر

کنند.۱۷ – پیروان شما نهی از معروف کنند.۱۸ – مردها به مردها اکتفا کنند (لواط).۱۹ – زنان به زنان قناعت کنند (مساحقه).۲۰ – زمامداران کافر شوند.۲۱ – دوستان حکمرانان گنهکار باشند.۲۲ – یاوران آنها ستمگران باشند.۲۳ – صاحبان راءی و نظر از آنان فاسقان باشند.۲۴ – سه خسف [۳۱] در دنیا واقع شود: یکی خسف در مشرق، خسف دیگر در مغرب و خسف سوم در جزیره العرب.۲۵ – خراب شدن بصره به دست یکی از ذراری تو (سید) که زنگیها دنبالش را بگیرند.۲۶ – قیام مردی از اولاد امام حسین (ع).۲۷ – ظهور دجال و قیامش از سجستان.۲۸ – خروج سفیانی.

انتظار فرج

رسول اکرم و موقعیت منتظران حضرت مهدی قبل از ظهور

امام صادق علیه السّلام از وجود مبارک رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره مقام منتظران ظهور و علاقه مندان به ساحت قدس حضرت بقیهٔ الله روحی له الفداء و آباء گرامی اش چنین نقل فرموده اند:طوبی لمن ادرک قائم اهلبیتی و هو مقتد به قبل قیامه یتولی ولیه و یتبراء من عدوه و یتولی الائمهٔ من قبله اولئک رفقائی و ذووا ودی و مودتی و اکرم امتی علی و اکرم خلق الله علی. [۳۲] .خوشا به حال کسانی که قائم از اهل بیت مرا درک کنند و اقتدای به آن حضرت می کنند (فرمانبرداری) پیش از قیامش، دوستان او را دوست می دارند و با دشمنانش دشمن اند و از آنها تبرا می جویند و ائمه معصومین قبل از آن حضرت را دوست می دارند. اینان رفقای من و دوستان من و بهترین افراد امت من در نزد من بلکه بهترین مخلوقات خداوند برای من هستند (گوارا باد بر صاحبان این نعمت (ولایت)).حذیفه می گوید: دیدم رسول معظم اسلام صلی الله علیه و آله پرده کعبه را گرفته و گریه می کند. عرض کردم یا رسول الله! چه چیز شما را به گریه آورده است؟خداوند چشمهای تو را نگریاند. فرمودند:یا حذیفه قد ذهبت الدنیا او کانک بالدنیا لم تکن قلت فداک ابی و امی یا رسول الله فهل من علامهٔ یستدل بها علی ذلک قال نعم یا حذیفهٔ احفظ بقلبک و انظر بعینک و اعقد بیدک اذا ضیعت امتی الصلواهٔ و اتبعت الشهوات و کثر الخیانات و قلت الامانات و شربوا القهوات و اظلم الهوی و غار الماء و اغبرت الافق و خیفت الطرق و تشاتم الناس و فسدوا و فجرت الباعهٔ و رفضت القناعهٔ و ساءت الظنون و تلاشت السنون و کثرت الاشجار و قلت الثمار و غلت الاسعار و کثرت الریاح و تبینت الاشراط و ظهر اللواط و استحسنوا الخلف و ضاقت المکاسب و قلت المطالب و استمروا بالهوی و تفاکهوا بینهم بشتیمهٔ الاباء و الامهات و اکلوا الربا و فشا الزنا و قل الرضا و استعملوا السفهاء و کثرت الخیانهٔ و قلت الامانهٔ و ذکی کل امرء نفسه و عمله و اشتهر کل جاهل بجهله و زخرفت جدران الدور و رفع بناء القصور و صار الباطل حقا و الکذب صدقا و الصحهٔ عجزا و اللؤ م عقلا و الضلالهٔ هدی و البیان عمی و الصمت بلاههٔ و العلم جهالهٔ و کثرت الایات و تتابعت العلامات و تراجموا بالظنون و دارت علی الناس رحی المنون و عمیت القلوب و غلب المنکر المعروف و ذهب التواصل و کثرت التجارات و استحسنوا البطالات و تهادوا انفسهم بالشهوات و تهاونوا بالمعضلات و رکبوا جلود النمور و اکلوا الماءتور و لبسوا الحبور و آثروا الدنیا علی الاخرهٔ و ذهبت الرحمهٔ من القلوب و عم الفساد و اتخذوا کتاب الله لعبا و مال الله دولا و استحل الخمر بالنبیذ و النجش بالزکوهٔ و الربا بالبیع و تکافاء الرجال بالرجال و النساء بالنساء و صارت المباهات فی المعصیهٔ و الکبر فی القلوب والجور فی السلاطین و السفاهه فی سائر الناس فعند ذلک لا یسلم لذی دین دینه الا من فر بدینه من شاهق الی شاهق و من واد الی واد و ذهب الاسلام حتی لایبقی الا اسمه و اندرس القران من القلوب حتی لایبقی الا رسمه یقرؤ ن القرآن لا یجاوز تراقیهم لا یعلمون بما فیه من وعد ربهم و وعیده و تحذیره و تنذیره و ناسخه و منسوخه فعند ذلک تکون مساجدهم عامرهٔ و قلوبهم خاربهٔ من الایمان علمانهم شر خلق الله علی وجه الارض منهم بدت الفتنهٔ و الیهم تعود و یذهب الخیر و اهله و یبقی الشر و اهله و یصیر الناس بحیث لایعباء الله بشیء من اعماله قد حبب الیهم الدینار و الدارهم حتی ان الغنی لیحدث نفسه بالفقر. [۳۳] .ای حذیفه!

دنیا از بین رفته یا مثل اینکه تو در این دنیا نبودی. عرض کردم پدر و مادرم به قربانت باد! آیا علائمی هست که دال بر وقوع چنین وضعی در دنیا باشد؟ فرمودند: آری – ای حذیفه! – مطالبی که می گویم به قلبت بسپار و با چشمت ببین و با انگشتانت شماره کن:۱. وقتی که امت من نماز را ضایع کنند.۲. از شهوات پیروی کنند.۳. خیانت در میان مردم زیاد شود.۴. امانت و امانتداری کم شود.۵. مشروبات الکلی بنوشند.۶. فضا تاریک شود (ممکن است به خاطر آلودگی فضا به معصیت یا دود ناشی از بنزین و غیره باشد).۷. به واسطه خشکسالی، آب قناتها و چاهها کم می شود – کما اینکه الان شده است –.۸. آسمان و این فضای لایتناهی غبارآلود شود (ممکن است کنایه از ظلمهای جهانی باشد مانند جنگهای جهانی از قبیل دو جنگ اول و دوم و جنگهای پراکنده).۹. امنیت از راههای زمینی و هوایی برداشته شود (نظیر هواپیما ربایی، آدم دزدی).۱۰. و مردم همدیگر را سب و لعن کنند.۱۱. خانواده ها در دامن فساد سقوط کنند (مانند بی حجابی، رقاصی، قمار و غیره).۱۲. مردم در زندگی گرفتار تجملات و مدپرستی شوند و سرانجام قناعت و میانه روی متروک گردد.۱۳. افراد جامعه نسبت به یکدیگر بدبین شوند و سوءظن و عدم اعتماد بر جامعه سایه افکند.۱۴. سالهای دنیا پست و خوار شود.۱۵. درختکاری زیاد شود و محصولها اندک شود.۱۶. قیمتها بالا رود (نرخ اجناس مورد لزوم به طور سرسام آوری بالا برود تا جایی که زندگی را تبدیل به جهنم سوزان کند).۱۷. بادها زیاد شود (طوفانها و تندبادها مرتبا در دنیا زیانهای سنگین جانی و مالی به بار آورد).۱۸. پرده از روی باطن مردم برداشته شود (و جنایتکاران و دنیاپرستان و جاه طلبان شناخته شوند، یا بدان آشکار شوند یا علائم ظاهر شوند).۱۹. عمل شنیع لواط علنی شود (کما اینکه در انگلستان با گذراندن قانونی از تصویب مجلس لواط بلامانع شده است).۲۰. خلاف، پسندیده شود.۲۱. تجارت و کاسبی دچار سختی و تنگی شود و اشیاء مورد درخواست کم شود.۲۲. تمام برنامه ها را با کمال گستاخی و خودسری بر مبنای هوای نفس (دلم می خواهد) پیاده کنند.۲۳. ناسزا و فحش دادن به پدر و مادران را وسیله سرگرمی و مزاح قرار دهند.۲۴. آشکارا ربا بخورند و کوچکترین ترسی از خداوند نداشته باشند.۲۵. بی عصمتی و زنا در میان مردم رواج پیدا کند (مراکز خودفروشی و زنا در دنیا با ابعاد گسترده ای بالاترین شاهد ماست).۲۶. خشنودی و راضی بودن از زندگی و برنامه آن بسیار کم شود.۲۷. افراد سفیه و نادان زمام امور را به دست گیرند.۲۸. خیانت به انواع و اقسام مختلف در میان همه طبقات زیاد شود.۲۹. امانت را بی اهمیت بدانند و به آن بی اعتنا باشند و افراد امین کم شوند.۳۰. افراد از اخلاق و کار خویش تعریف کنند.۳۱. نادانها به دلیل نادانی خویش مشهورند.۳۲. مردم خانه های خود را بیارایند و دیوارهای آن را زینت دهند.۳۳. قصرها و خانه ها بلند ساخته شود (مانند ساختمانهای چندین طبقه ای که آسایش و امنیت را از همسایه ها سلب می کند.)۳۴. باطل را به لباس حق جلوه دهند.۳۵. زشتی دروغ از بین برود بحدی که لباس راستی بر آن بپوشانند.۳۶. اگر کسی در کارش صحت عمل داشته باشد او را ضعیف بدانند.۳۷. پستی و لئامت و سرزنش یکدیگر را به حساب عقل بگذارند (صاحبش را عاقل بدانند)۳۸. گمراه بودن و راه کج رفتن را هدایت بشمارند.۳۹. بیان را کوری بدانند (اگر به وسیله بیان، حقایقی گفته شود که به نظر آنها خوش نیاید بگویند این شخص کور است و واقعیت دنیا را نمی بیند).۴۰. و خموشی را بی خردی بدانند.۴۱. دانشمند اگر بخواهد از علم خویش به نفع خود و جامعه حرف بزند او را جاهل و عملش را نادانی بدانند.۴۲. نشانه ها بسیار شود و علامتها یکی پس از دیگری ظاهر گردد.۴۳. تحقیق نکرده سخنان دور از حقیقت بگویند (مردم را متهم کنند و بدون دلیل آبروی بندگان خدا را بریزند).۴۴. آسیای مرگ بر سر جامعه بچرخد (جنگهای خانمانسوز به راه بیندازند و افراد بیگناه را قتل عام کنند، مانند بمباران مناطق مسکونی و غیر نظامی و..).۴۵. مردم از نظر بینش و دید قلبی کور شوند و حقایق را نبینند (مانند جنایاتی که از زمامداران خود می بینند و در عین حال می گویند خوب است).۴۶. کارهای ناپسند بر اعمال خوب غلبه پیدا کند (مردم طرفدار کارهای بد شوند).۴۷. محبت نسبت به یکدیگر وصله رحم از دلهای مردم برداشته شود.۴۸. تجارت و بازرگانی زیاد شود و مردم کارهای باطل و ناچیز را نیکو بدانند.۴۹. جان خود را به یکدیگر به خاطر شهوتهای زیادی که دارند، بذل کنند.۵۰. کارهای بزرگ را آسان شمارند (نظیر جنگ با دولتهای بزرگ).۵۱. از پوشیدن پوستهای حیوانات حرام گوشت (یا

ذبح شرعی نشده) باکی نداشته باشند.۵۲. جامه های نرم و زیبا و نازک بپوشند (و بدن آنها از روی لباس پیدا باشد).۵۳. رغبت به دنیا پیدا کنند و آن را بر آخرت مقدم بدارند (اعمال بد مردم گواه این مطلب است).۵۴. رحم از دلهای همه مردم برود (اعم از زمامدار، تاجر، کاسب، زن، شوهر و غیر آنها).۵۵. فساد جنبه عمومی پیدا کند (خواهی نشوی رسوا همرنگ جماعت شو).۵۶. قرآن را به بازی بگیرند (از نام آن و آیاتش به نفع اهداف شوم خود سوء استفاده کنند).۵۷. اموال بیت المال (وجوه شرعیه) را مال شخصی خود بدانند یا حقوق شرعیه مال خود را ندهند و بگویند مال خودمان است.۵۸. مسکرات را با تغییر نام حلال بدانند.۵۹. در وقت دادن زکات مال خود خیانت کنند (کم بدهند یا جنس نامرغوب عرضه کنند).۶۰. ربا را به نام خرید و فروش و اجاره دادن محلی از مقروض بگیرند.۶۱. در فسق و فجور مردها با مردها و زنها با زنها برابری کنند.۶۲. به نافرمانی از خداوند (گناه کردن) مباهات کنند.۶۳. دلهای مردم پر از تکبر و نخوت شود و ظلم و جور در پادشاهان و نادانی در مردم (زیر بار ظلم رفتن) ظاهر شود.۶۴. در چنین وضعی دیندار باید دین خود را بردارد و از این طرف به آن طرف و از این قله کوه به آن قله و از این دره به دره دیگر برود تا سلامت دین داشته باشد.۶۵. از اسلام باقی نماند جز اسمی و از قرآن باقی نماند جز رسمی (قرآن در دلها کهنه شود و فقط اسم و رسمی از آن باقی بماند).۶۶. قرآن بخوانند در حالی که از گلوگاه و استخوان ترقوه و گردن نگذرد و از وعده های خداوندی و وعیدهای آن عملا در میان مردم خبری نباشد و از خداوند نترسند و به یاد او نباشند و از ناسخ و منسوخ قرآن بی خبر باشند.۶۷. در این حالات مساجدشان آباد باشد اما دلهاشان از تقوا و ایمان تهی.۶۸. علما و دانشمندان آن زمان بدترین مردم روی زمین باشند و تمام فسادها و فتنه ها از ناحیه آنها برخیزد و بازگشت همه آنها (فتنه ها) به سوی خود ایشان است.۶۹. مردم خیّر و نیکوکار و مراکز خیر از بین برود اما اهل شر و فساد بمانند.۷۰. مردم به خداوند عالم در کارهایشان بی اعتنا باشند و اعمالشان از روی تحقیق نباشد.۷۱. تنها محبوب مردم دینار و درهم باشد (ثروت دنیا از هر راهی که بیاید، حلال یا حرام، مانعی نداشته باشد).۷۲. هر قدر ثروتشان زیاد شود باز بگویند فقیریم.خواننده عزیز!این هفتاد و دو علامت را به منزله یک آیینه قرار بده و آن را در مقابل جهان امروز بگذار؛ اگر همه اینها را در این آیینه و در قیافه های این مردم ندیدید نویسنده را نفرین کنید وگرنه به دعای خیر از او یاد کنید. حتما می بینید.جابر بن عبدالله انصاری می گوید:قال حججت مع رسول الله صلی الله علیه و آله حجهٔ الوداع فلما قضی النبی صلی الله علیه و آله ما افترض علیه من الحج اءتی مودع الکعبهٔ فلزم حلقهٔ الباب و نادی برفیع صوته ایها الناس فاجتمع اهل المسجد و اهل السوق فقال اسمعوا انی قائل ما هو بعدی کائن فلیبلغ شاهد کم غائبکم ثم بکی رسول الله صلی الله علیه و آله حتی بکی لبکائه الناس اجمعین فلما سکت من بکائه قال اعلموا رحمکم الله ان مثلکم فی هذا الیوم کمثل ورق لا شوک فیه الی اربعین و ماءئهٔ سنهٔ ثم یاءتی من بعد ذلک شوک و ورق الی مائتی سنهٔ ثم یاءتی من بعد ذلک شوک لاورق فیه حتی لایری فیه الا سلطان جائر او غنی بخیل او عالم مراغب فی المال او فقیر کذاب او شیخ فاجر او صبی و قح او امراهٔ رعناء ثم بکی رسول الله صلی الله علیه و آله فقام الیه سلمان الفارسی و قال یا رسول الله اخبرنا متی یکون ذلک فقال صلی الله علیه و آله اذا قلت علمائکم و ذهبت قراؤ کم و قطعتکم زکاتکم و اظهرتم منکراتکم و علت اصواتکم فی مساجدکم و جعلتم الدنیا فوق رؤ وسکم و العلم تحت اقدامکم و الکذب حدیثکم و الغیبهٔ فاکهتکم و الحرام غنیمتکم و لا یرحم کبیرکم صغیرکم و لا یوقر صغیرکم کبیرکم فعند ذلک تنزل اللعنهٔ علیکم و یجعل باءسکم بینکم و بقی الدین بینکم لفظا بالسنتکم فاذا اوتیتم هذه الخصال توقعوا الریح الحمراء او مسخا او قذفا بالحجارهٔ و تصدیق ذلک فی کتاب الله عزوجل «قل هو القادر علی ان یبعث علیکم عذابا من فوقکم او من تحت ارجلکم او یلبسکم شیعا و یذیق بعضکم باءس بعض انظر کیف نصرف الایات لعلهم یفقهون». [۳۴] .فقام الیه جماعهٔ من الصحابهٔ فقالوا یا رسول الله اخبرنا متی یکون ذلک فقال صلی الله علیه و آله عند تاءخیر الصلوهٔ و اتباع الشهوات و شرب القهوات و شتم الاباء و الامهات حتی ترون الحرام مغنما و الزکاهٔ مغرما و اطاع الرجل زوجته و جفا جاره و قطع رحمه و ذهبت رحمهٔ الاکابر و قل حیاء الاصاغر و شیدوا البنیان و ظلموا العبید و الاماء و شهدوا بالهوی و حکموا بالجور و یسب الرجل اباه و یحسد الرجل اخاه و یعامل الشرکاء بالخیانهٔ و قل

الوفاء و شاع الزنا و تزين الرجال بثياب النساء و سلب عنهن قناع الحياء و دب الكبر فى القلوب كدبيب السم فى الابدان و قل المعروف و ظهرت الجرائم و هونت العظائم و طلبوا المدح بالمال و انفقوا المال للغناء و شغلوا بالدنيا عن الاخرة و قل الورع و كثر الطمع و الهرج و المرج و اصبح المؤ من ذليلا و المنافق عزيزا مساجدهم معمورة با لاذان و قلوبهم خالية من الايمان و استخفوا بالقرآن و بلغ المؤ من عنهم كل هو ان فعند ذلك ترى وجوههم وجوه الادميين و قلوبهم قلوب الشياطين كلامهم احلى من العسل و قلوبهم امر من الحنظل فهم ذئاب و عليهم ثياب ما من يوم الا يقول الله تبارك و تعالى اءفبى تغترون ام على تجترون «افحسبتم انما خلقناكم عبثا و انكم الينا لا ترجعون» [۳۵] فو عزتى و جلالى لولا من يعبدنى مخلصا ما امهلت من يعصينى طرفة عين ولولا ورع الورعين من عبادى لما انزلت من السماء قطرة ولا انبت ورقة خضراء فوا عجبا لقوم آلهتهم اموالهم و طالت آمالهم و قصرت آجالهم و هم يطمعون فى مجاورة مولاهوم ولا يصلون الى ذلك الا بالعمل ولايتم العمل الا بالعقل. [۳۶] .در حجة الوداع (آخرين حج) در خدمت رسول اكرم صلى الله عليه و آله بودم. وقتى كه پيامبر بزرگ اعمال واجب حج را تمام فرمودند به عنوان وداع به خانه كعبه نزديك شدند، حلقه در خانه را گرفتند و با صداى بلند كه همه اهل مسجدالحرام و بازاريان صداى مباركشان را شنيدند و اجتماع كردند، فرمودند: اى مردم! بشنويد و به آنهايى كه در اينجا نيستند برسانيد. آنگاه وجود مقدس رسول گرامى صلى الله عليه و آله گريه كردند و از گريه آن بزرگوار همه به گريه افتادند و چون از گريه فارغ شدند، فرمودند: اى مردم! خداوند شما را رحمت كند. مثل شما از امروز تا يكصد و چهل سال ديگر مانند درخت بى خار خواهيد بود (ممكن است كه كنايه از زندگى آرام باشد) و دويست سال ديگر بر شما خواهد آمد كه مانند درختى باشيد كه هم برگ دارد و هم خاردار است (اين نيز ممكن است كنايه از زندگى همراه با نيش و نوش و زحمت و خوشى باشد). ديگر بعد از اين مثل شما مانند درختى است كه خارهاى جانگداز دارد و در اين فصل از زندگى نمى بينيد مگر پادشاه ستمگر يا ثروتمند بخيل يا عالم دنياپرست يا فقير دروغگو يا پيرمرد زناكار يا بچه گستاخ يا زن نادان و احمق. آنگاه رسول اكرم صلى الله عليه و آله گريه كردند. سلمان فارسى از جا برخاست و عرض كرد: يا رسول الله! به ما خبر بده كى خواهد شد. حضرت فرمودند: هرگاه علما و دانشمندان شما كم شوند و قاريان قرآن شما از بين بروند و زكات دادن متروك شود و منكرات در اجتماع شما رواج پيدا كند و در مساجد صداهاى شما بلند شود و كارهاى مربوط به دنيا را مقدم بر امور اخروى بلكه روى سر آخرت بگذاريد و علم را زير پاى خود قرار دهيد (كنايه از علوم اسلامى و معارف حقه اهل بيت عليهم السلام است) و سخن معمولى و همگانى شما دروغ، ميوه و نقل مجالس شما غيبت و آنچه به دست مى آوريد حرام باشد. (اى سلمان!) در آن زمان بزرگان بر كوچكان رحم نمى كنند و كوچكان نيز احترام بزرگان را نگاه نمى دارند (اى سلمان!) در اين حالت، لعنت خداوند بر شما نازل مى شود و سختيها دامن شما را خواهد گرفت و از دين در ميان شما جز لفظى باقى نمى ماند و آنگاه كه شما داراى اين صفات ناپسند شديد، منتظر وزيدن باد سرخ يا سنگباران شدن يا مسخ شدن باشيد، به درستى كه در كتاب خداوند عزوجل آمده است: «خداست كه مى تواند به وسيله عذابهاى مختلف از بالا و پايين (سنگباران يا بادهاى سخت) شما را مجازات كند يا شما را گروه گروه كند و بچشاند برخى از شما را آسيب برخى ديگر. بنگر چگونه آيه ها را گونه گون مى كنيم، شايد آنها فهم كنند».در اين موقع بعضى از اصحاب برخاسته، عرض كردند: يا رسول الله! به ما خبر ده اين جريانات كى خواهد بود. فرمودند: آنگاه كه نماز را در وقت خودش نخوانند، متابعت از شهوات كنند، شرب خمر كنند (زيرا قهوه خوردن گناه نيست)، به پدران و مادران ناسزا بگويند، به دست آوردن مال حرام را غنيمت بدانند و زكات دادن را زيان و ضرر تلقى كنند، مرد از همسر خود اطاعت كند، درباره همسايه جفا كنند، با ارحام قطع ارتباط كنند، رحم از بزرگان برداشته شود و حياى كوچكان كم گردد، ساختمانها را محكم بنا كنند، درباره نوكران و كلفتها ظلم كنند، شهادتشان از روى هوى و هوس باشد، حكم آنها بر اساس ظلم باشد، مرد پدرش را لعنت كند، برادر نسبت به برادر حسد ورزد، شركاء در معاملاتشان به يكديگر خيانت كنند، وفا كم شود، زنا شيوع پيدا كند، مردان خود را به لباس زنان بيارايند، پرده حيا از زنها برداشته شود، تكبر دلهاى مردم را پر كند مانند سمهاى

کشنده ای که در بدنها جای می گیرد، کارهای خوب کم شود و جرایم و بدیها ظاهر شود، واجبات الهی سبک پنداشته شود، با گرفتن پول صاحبان مال را بستایند، ثروت را در راه غنا و خوانندگی به مصرف برسانند، از آخرت غفلت کنند و تمام توجه خود را به دنیا معطوف دارند، ورع و پرهیزکاری کم و طمع زیاد شود، هرج و مرج بالا گیرد، بندگان خدا در جامعه ذلیل و منافقان در میان مردم محترم باشند، مساجد از نظر ظاهر به وسیله اذان آباد اما دلهای ساکنان آن تهی از ایمان باشد، قرآن را سبک بشمارند، انواع خواریها درباره اهل ایمان اعمال کنند. در این هنگام می بینی که صورت این مردم چهره آدمی است اما قلبهای آنان دلهای شیاطین است (پر است از مکر و حیله و تکبر و امثال این صفات بد)؛ سخنان آنان از عسل شیرین تر اما دلهایشان پر است از زهرهای کشنده. اینان گرگهای درنده ای هستند که به لباس آدمیان در آمده اند. در این حالات، روزی نیست که خداوند به آنها نفرماید آیا از رحمت من مغرور شده و به من جراءت پیدا کرده اید؟ «تصور می کنید که من شما را بی فایده خلق کردم و بازگشت شما به سوی من نیست؟». به عزت و جلالم سوگند، اگر به خاطر بندگان صالح و با اخلاصم نبود یک آن به معصیتکاران مهلت نمی دادم و اگر ورع و پرهیزکاری بندگان باتقوا نبود یک قطره باران از آسمان فرو نمی فرستادم و یک برگ سبز از زمین نمی رویاندم. عجبا از مردمی که مال و ثروت را خدای خویش قرار داده اند و آرزوهای آنها طولانی است (با توجه به عمر کوتاه دنیا) و چشم طمع دارند که در جوار رحمت الهی باشند، و حال آنکه به مقام قرب نمی رسند مگر به وسیله عمل صالح و عمل هم قبول نخواهد شد مگر با راهنمایی عقل.در این حدیث نبی معظم صلی الله علیه و آله از حوادث و بلاهایی که بعد از آن بزرگوار متوجه خاندان عزیزش می شود یاد می فرمایند و در ضمن به بعضی از علائم ظهور امام عصر روحی له الفداء اشاره می کنند:ان رسول الله صلی الله علیه و آله ذکر بلاء یلقاه اهل بیته حتی یبعث الله رایهٔ من المشرق سوداء من نصرها نصره الله و من خذلها خذله الله حتی یاءتوا رجلا اسمه کاءسمی فیولوه امرهم فیویده الله و ینصره. [۳۷] .پرچمهای سیاهی از جانب مشرق (خراسان) به احتزاز در می آید. هر کسی که زیر این پرچمها برود و صاحبش را یاری کند خداوند او را یاری خواهد فرمود و هر فردی که آنها را مخذول کند، یعنی با پرچم و صاحب آن مخالفت کند، خداوند او را مخذول خواهد کرد تا اینکه مردی بیاید که نامش مانند نام من باشد. پس زمام امور را به دست گیرد و خداوند او را از نصرت و تاءییدات خودش بهره مند خواهد فرمود.نعیم بن حماد می گوید:قال رسول الله صلی الله علیه و آله تکون فتنهٔ ثم تکون جماعهٔ ثم تکون فتنهٔ تعوج فیها عقول الرجال. [۳۸] .رسول معظم اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: بعد از من فتنه هایی خواهد بود و جماعتهایی رهبری فتنه ها را به عهده خواهند گرفت؛ اما در آخر فتنه ای خواهد بود که بر اثر آن عقل مردم دچار انحراف خواهد شد.ممکن است منظور از فتنه ها حادثه بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله (غصب خلافت)، زمامداری بنی امیه، خلافت بنی عباس و فتنه های دیگری باشد که واقع شده است.عبدالله بن مسعود از بنیانگذار اسلام صلی الله علیه و آله روایت می کند که آن حضرت در ارتباط با حوادث بعد از خودشان چنین فرمودند:احذرکم سبع فتن تکون بعدی فتنهٔ تقبل من المدینهٔ و فتنهٔ بمکهٔ و فتنهٔ تقبل من الیمن و فتندهٔ تقبل من المشرق و فتنهٔ من قبل المغرب و فتنهٔ من بطن الشام و هی فتنهٔ السفیانی قال ابن مسعود منکم من یدرک اولها و من هذه الامهٔ من یدرک آخرها. [۳۹] .من شما را از هفت فتنه می ترسانم که بعد از من در دنیای اسلام به وجود می آید:۱. فتنه ای که در مدینه برپا می شود (ممکن است اشاره به فتنه طلحه و زبیر باشد یا حادثه سقیفه).۲. فتنه دوم از مکه است (ممکن است اشاره به جریان عبدالله بن زبیر باشد).۳. فتنه ای که از جانب یمن (نجده) باشد.۴. فتنه ای که از جانب شام برخواهد خاست (ممکن است اشاره به فتنه بنی امیه باشد).۵. فتنه ای که از جانب مشرق به وجود می آید (ممکن است فتنه بنی عباس باشد).۶. فتنه ای که از سوی مغرب خواهد بود.۷. فتنه هفتم از شام برمی خیزد، که همانا قیام سفیانی است.عبدالله بن مسعود می گوید: بعضی از افراد این امت اول این فتنه ها را درک می کنند و بعضی دیگر آخر این فتنه ها را خواهند دید.خواننده ارجمند!باید از خداوند بزرگ به وسیله آقا حضرت بقیهٔ الله روحی له الفداء استدعا کنیم که همه ما را در این فتنه ها و امتحانات حفظ فرماید تا ظهور حضرت ولی عصر علیه السّلام را با عافیت درک نماییم - آمین یا رب العالمین -.راوی خبر می گوید: در

خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بودم، جوانانی از بنی هاشم وارد شدند، رنگ مبارک آن حضرت دگرگون. پس آن جوانان عرض کردند: یا رسول الله ما همیشه در رخسار شما حالی را می بینیم که آن را خوش نداریم. حضرت فرمودند:انا اهل بیت اختار الله لنا الاخرهٔ علی الدنیا و ان اهل بیتی هؤ لاء یلقون بعدی بلاء و تطریدا و تشریدا حتی یاءتی قوم من هیهنا نحو المشرق اصحاب رایات سود یساءلون الحق فلا یعطونه مرتین او ثلاثا فیقاتلون فینصرون فیعطون ما ساءلوا فلا یقبلونها حتی یدفعوها الی رجل من اهل بیتی فیملاء الارض عدلا کما ملؤ وها ظلما فمن ادرک ذلک منکم فلیائهم ولو حبوا علی الثلج فانه المهدی. [۴۰] .ما اهل بیتی هستیم که خداوند به جای دنیا آخرت را برای ما قرار داده است. به درستی که اهل بیت من (این جمعیت) بعد از من به انواع بلاها مبتلا می شوند (شهادت، اسارت، تبعید، زندان و...) تا اینکه قومی از سمت مشرق بیایند که دارای پرچمهای سیاه هستند. آنان مطالبه حق کنند و به آنها داده نشود. پس جنگ کنند تا دفعه دوم و سوم پیروزی نصیب آنها شود و آنها این موفقیت را به مردی از خاندان من تقدیم می کنند و او جهان را پر از عدل و داد می کند چنانکه پر شده باشد از ظلم و جور. پس هر کسی از شما آن زمان را درک کرد خودش را به او برساند ولو اینکه از راه خزیدن و سینه خیز روی برف باشد، زیرا او مهدی من است.خواننده گرامی!در این روایات خبر داده اند از قیام جناب سید حسنی و یاران او و تسلیم شدنش به امام عصر روحی له الفداء و اینکه در خدمت آن بزرگوار خواهد بود، و البته مرکز قیام خراسان خواهد بود.

ظهور

رسول اکرم و مواریث انبیاء

در این روایت رسول خدا صلی الله علیه و آله از مواریث انبیاء سخن گفته اند. آری، یکی از علائم ظهور حضرت مهدی روحی له الفداء همین است که باید آنچه انبیای گذشته داشته اند و به وسیله آن دشمنان را به زانو در می آوردند و موقعیت خود را تثبیت می کردند، آن حضرت نیز داشته باشند. لذا در این خبر می گوید پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند:تخرج الدابهٔ و معها عصا موسی و خاتم سلیمان فتجلو وجه المؤ من بالعصار و تختم انف الکافر. [۴۱] .«دابه» [۴۲] بیرون می آید در حالتی که عصای موسی و انگشتر سلیمان (علیهما السلام) در دست اوست. پس به وسیله عصا صورتهای اهل ایمان روشن می شود و دماغ کفار و دشمنان حق به وسیله خاتم سلیمان مهر می گردد.این است معنی ولایت مطلقه الهی و این قدرتی است که با آن تمام صفحه آفرینش را مسخّر خود قرار می دهند.

رسول اکرم و خراب شدن مسجد براثا

مسجد براثا واقع در غرب بغداد مسجدی است بسیار باعظمت که هفتاد پیامبر در آن نماز خوانده اند. در این روایت، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پس از ذکر موقعیت این مسجد، خراب شدن آن را یکی از فتنه های پیش از ظهور بیان فرموده اند. خلاصه روایت از این قرار است که مسجدی را در حیات پیامبر صلی الله علیه و آله شبانه خراب کردند. اصحاب ناراحت شدند، آن حضرت فرمودند:لا تنکروا ذلک فان هذا المسجد یعمر ولکن اذا هدم مسجد براثا بطل الحج قیل له و این مسجد براثا هذا قال فی غربی الزوراء من ارض العراق صلی فیه سبعون نبیا و وصیا و آخر من یصلی فیه هذا و اشار بیده الی مولانا علی بن ابی طالب علیه السّلام. [۴۳] .منکر نشوید این را زیرا که این مسجد آباد می شود، اما اگر مسجد براثا خراب شود (کنایه از اهمیت مسجد است) زیانهایی در بر دارد که از جمله آن تعطیل شدن برنامه حج است. عرض کردند: این مسجد در کجا قرار گرفته است؟ فرمودند: در غرب زوراء (بغداد) از زمین عراق. هفتاد پیامبر در این مسجد نماز خوانده اند و آخر کسی که در آن نماز می خواند علی بن ابی طالب

علیه السّلام است.رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بعد از خودشان برای امت اسلامی از سه عامل می ترسیدند:۱. لغزش عالم و دانشمند که قدرت تخریبی آن از صدها بمب اتمی بیشتر است. زیرا لغزش عالم عقاید و افکار مردم را مسموم می کند و آنها را برای ابد از بین می برد، اما اثر بمبهای اتمی فقط مربوط به جسم است.۲. حکم حاکم ستمگر که بر مبنای خلاف حق صادر می شود.۳. متابعت از هوی و هوس که همه چیز مردم را به باد فنا می دهد (وضع فعلی مسلمانان در دنیا خود گواه این مطلب است):قال رسول الله صلی الله علیه و آله: انی اخاف علی امتی من بعدی من اعمال ثلاثه قالوا ما هن یا رسول الله قال: زلهٔ العالم و حکم الجائر و هوی متبع. [۴۴] .رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: در خصوص امت، پس از خود در سه مورد بیمناک هستم. سؤ ال شد یا رسول الله آن سه مورد چیست؟ فرمودند: لغزش عالم و حکم ستمگر و هوی و هوسی که متابعت و پیروی شود.ان جبرئیل اتی النبی صلی الله علیه و آله فقال اناالله و انااليه راجعون فقال النبی صلی الله علیه و آله وسلم: و اناالله و انااليه راجعون فمم ذلک؟ فقال ان امتک ستفتن بعدک بقلیل زمان من دهرک غیر کثیر فقلت: فتنهٔ کفر او فتنهٔ ضلال؟ فقال: کل سیکون. فقلت: و من این و انما فیهم کتاب الله تعالی؟ فقال: بکتاب الله تعالی یفتنون و ذلک من قبل اءمرائهم و قرائهم یمنع الامراء القراء الحقوق فیظلمون حقوقهم و لایعطونها فیقتتلون و یقتتنون و یتبع القرآن اهواء الامراء فیمدونهم بی الغی ثم لایقصرون فقلت یا جبرئیل فکیف یسلم من یسلم؟ فقال: بالکف والصبر ان اعطوا الذی لهم اخذوه و ان منعوا ترکوه. [۴۵] .جبرئیل شرفیاب محضر مقدس رسول اکرم صلی الله علیه و آله شد و این آیه شریفه را تلاوت کرد:«اناالله و انااليه راجعون». پس پیامبر صلی الله علیه و آله آیه «اناالله و انااليه راجعون» را تلاوت فرمودند و سپس از جبرئیل پرسیدند: خواندن این آیه برای چیست؟ عرض کرد: یا رسول الله! امت شما بعد از رحلتتان مبتلا به یک امتحان سنگین می شوند، آن هم خیلی زود. فرمودند: امتحان کفر است یا گمراهی و گم کردن راه حق؟ عرض کرد: همه اینها خواهد بود. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: این از کجاست، و حال آنکه قرآن در میان امت من است؟ عرض کرد: به وسیله قرآن امتحان می شوند و این برنامه از ناحیه دو دسته پیاده می شود: زمامداران و قراء و دانشمندان آنها. فرمانروایان حقوق قراء را نمی دهند، پس به آنها ظلم می شود و درگیری و جنگ در بین آنها پدید می آید. آنگاه فرمانروایان قرآن را تابع هواهای نفسانی خود قرار می دهند (طبق دلخواه خود تفسیر می کنند) و قراء را به گمراهی می کشانند (ممکن است غرض از قراء علما و دانشمندان هر زمانی باشند). پرسیدم از جبرئیل که راه سلامت ماندن از این خطر کدام است؟ گفت: کف نفس و بردباری در مقابل تضییع حقوق و کناره گیری از مراکز فتنه.درباره اوضاع و احوال آخرالزمان از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمودند:یاءتی علی امتی زمان تکثر فیه الاراء و تتبع فیه الاهواء و یتخذ القرآن مزامیر و یوضع علی الحان الاغانی یقراء بغیر خشی لایاءجرهم الله علی قراءته بل یلعنهم فعند ذلک تهش النفوس الی طیب الالحان فتذهب حلاوهٔ القرآن اولئک لانصیب لهم فی الاخرهٔ و یکثر الهراج و المرج و تخلع العرب اعنتها و تکتفی الرجال بالرجال و النساء بالنساء و یتخذون ضرب القصیب فیما بینهم فلا ینکره منکر بل یتراضون به و هو من احدی الکبائر الخفیهٔ فویل لهم من دیان یوم الدین لاتنالهم شفاعتی فمن رضی بذلک منهم ولم ینههم ندم بذلک یوم القیمهٔ و انا منه بری و عندها تتخذ النساء مجالس و تکون الجموع الکثیرهٔ حتی ان المراءهٔ لتتکلم فیها مثل الرجال و یکون جموعهن لهوا و لعبا و فی غیر مرضاهٔ الله و هی من عجائب ذلک الزمان فاذا راءیتموه فباینوهم و احذروهم فی الله فانهم حرب الله و لرسوله و الله منهم بری. [۴۶] .زمانی بر امت من بیاید که مردم دارای آراء مختلف خواهند شد و از هواها و خواهشهای نفسانی پیروی می کنند و قرآن را با آواز و مزامیر و به صورت غنا می خوانند بدون اینکه از خداوند ترسی داشته باشند. خداوند بزرگ در سایه خواندن قرآن به آنها اجری نخواهد داد بلکه آنها را لعن می کند (چون به قرآن عمل نمی کنند). پس، در چنین عصری ترانه ها و ساز و آواز آدمیان را به طرب می آورد آنچنانکه نفسهایشان گویی در طرب می آید و لذت و شیرینی قرآن خواندن از آنها گرفته می شود. این دسته از مردم از ثوابهای اخروی بی بهره اند. در این موقعیت بیگناهان را زیاد می کشند، هرج و مرج بالا می گیرد و اجتماع عرب خودسر می شود (هر کاری که خواستند انجام می دهند و در مقابل دستورهای دین بی تفاوت می شوند)،

مردها به مردها اکتفا می کنند (از نظر جنسی) و زنها به زنها قناعت می ورزند در فجور. ساز و آواز در میان آنها رواج می یابد و در مجامع خودشان از آن استفاده می کنند و کسی آنها را نهی نمی کند بلکه تشویق می شوند، با اینکه یکی از گناهان کبیره است که کبیره بودنش بر آنها پوشیده است، پس ای وای بر آنها از جزا دهنده روز رستاخیز. و شفاعت من به آنها نخواهد رسید و کسی که راضی به اعمال بد آنها باشد و آنان را از این عمل نهی نکند نیز در روز قیامت پشیمان شود (البته پشیمانی دیگری سودی نخواهد داشت) و من بیزارم. در چنین جامعه ای زنها برای خود تشکیل مجلس می دهند (کنفراس تشکیل می دهند) و جمعیتهای زیادی به راه می اندازند، به نحوی که زنها در آن اجتماعات برای سرگرمی است و در مسیر غیر رضای خداوند انجام می شود. پس چون این مردم را با این کیفیت دیدید از آنها فاصله بگیرید و اگر می توانید آنها را نهی کنید و از ایشان بترسید برای خدا؛ زیرا این جمعیت در حال جنگ با خدا و رسول او هستند و خداوند و رسولش از آنها بیزارند.خواننده عزیز!این روایت را به منزله آیینه ای قرار ده و سیمای جهان را در آن ببین و برای تعجیل در امر فرج امام عصر ارواحنا له الفداء دعا کن – اللهم عجل فرجه –.رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله از سوی خداوند متعال این حدیث را بیان فرموده است:قال الله تبارک و تعالی: اذا هتکوا عبادی حرمتی و استحلوا محارمی و خالفوا امری سلطت علیهم جیشا من المشرق یقال لهم الترک هم فرسانی انتقم بهم ممن عصانی نزعت الرحمهٔ من قلوبهم لایرحمون من بکی لایجیبون من شکی یقتلون الاباء و الامهات و البنین و البنات یهلکون بلاد العجم و یفتحون العراق فیفترق جیش العراق بثلاث فرق فرقهٔ یلحقون باذناب الابل و فرقهٔ یترکون عیالهم وراء ظهورهم و فرقهٔ یقاتلون فیقتلون اولئک هم الشهداء و تغبطهم الملائکهٔ فاذا راءیتم ذلک فاستعدوا القیامهٔ قالوا یا رسول الله اذا ادرکنا ذلک الزمان این تاءمرنا نستکن فقال رسول الله صلی الله علیه و آله علیکم بالغوطهٔ بالشام الی جانب بلد یقال له دمشق خیر بلاد الشام طوبی لمن کان له فیها مسکن ولو مربط شاهٔ فان الله تعالی تکفل بالشام و اهله. [۴۷] .خداوند فرموده است: وقتی که بندگان من هتک احترام مرا کردند (دین خداوند را محترم نشمردند) و حرام مرا حلال شمردند و اوامر مرا ترک گفتند، جمعیتی را بر آنها مسلط می کنم که سواران منند و به وسیله اینها از کسانی که نافرمانی من کنند انتقام می گیرم. رحمت را از دلهای آنها کنده ام. لذا به آنهایی که می گویند رحم نمی کنند، التماس ملتمسان را نادیده می گیرند، پدران و مادران و فرزندان را می کشند، بلاد عجم را ویران می سازند و عراق را فتح می کنند لشکریان عراق سه دسته می شوند: یک دسته به دنبال شتران می روند (ممکن است کنایه از فرار آنها و رو به بیابان نهادن باشد)، دسته دوم خانواده های خود را رها می کنند و می روند، دسته سوم جنگ می کنند، می کشند و کشته می شوند. اینها شهدا هستند و ملائکه آسمان به آنها غبطه می خورند. هرگاه این برنامه ها را در دنیا دیدید آماده قیامت باشید. عرض کردند: یا رسول الله! اگر این زمان را درک کردیم به کجا منزل کنیم؟ فرمودند: بر شما باد که به غوطه در دمشق بروید که بهترین بلاد شام است. خوشا به حال آن کسی که در شام منزل بگیرد ولو به قدر جایگاه یک گوسفند باشد، زیرا خداوند بزرگ تکفل شام و مردم آن را خود قبول فرموده است.از وصایای رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کتاب «مکارم الاخلاق» به ابن مسعود است که در آن آینده دنیا را در آیینه کلمات و سخنان حیاتبخش خود مجسم فرمودند و اکنون خلاصه فرمایشات آن سرور را با خوانندگان عزیز در میان می گذاریم. امید است برای همه ما آموزنده باشد.یا ابن مسعود الاسلام بداء غریبا کما بداء فطوبی للغرباء فمن ادرک ذلک الزمان ممن یظهر من اعقابکم فلا یسلم علیهم فی نادیهم و لایشیع جائزهم و لایعد مرضا هم فانهم یستسنون بسنتکم و یظهرون بدعواکم و یخالفون افعالکم فیموتون علی غیر ملتکم اولئک لیسوا منی ولست منهم الی ان یقول یا ابن مسعود یاءتی علی الناس زمان الصابر فیه علی دینه مثل القابض بکفه الجمرهٔ فان کان فی ذلک الزمان ذئبا والا اکلته الذئاب.یا ابن مسعود علماؤ هم و فقهاؤ هم خونهٔ فجرهٔ الا انهم اشرار خلق الله و کذلک اتباعهم و من یاءتیهم و یاءخذ منهم و یحبهم و یجالسهم و یشاورهم اشرار خلق الله یدخلهم نار جهنم صم بکم عمی فهم لایرجعون و نحشرهم یوم القیمهٔ علی وجوههم عمیا و بکما وصما ماءویهم جهنم کلما خبت زدناهم سعیرا کلما نضجت جلودهم بدلنا هم جلودا غیرها لیذوقوا العذاب اذا القوا فیها سمعوا لها شهیقا و هی تفور تکاد تمیز من الغیظ کلما ارادو اءن

یخرجوا منها من غماعیدوا فیها و قیل لهم ذوقوا عذاب الحریق لهم فیها زفیر و هم فیها لا یسمعون.یا ابن مسعود یدعون انهم علی دینی و سنتی و منهاجی و شرایعی انهم منی براء و انا منهم بری. یا ابن مسعود لاتجالسوهم فی الملاء و لا تبایعوهم فی الاءسواق و لا تهدوهم الی الطریق و لاـ تسقوهم الماء قال الله تعالی «من کان یرید الحیوهٔ الدنیا و زینتها نوف الیهم اعمالهم فیها و هم فیها لایبخسون» [۴۸] یقول الله تبارک و تعالی «و من کان یرید حرث الدنیا نؤ ته منها و مالهٔ فی الاخرهٔ من نصیب.» [۴۹] ....یا ابن مسعود من تعلم العلم یرید به الدنیا و آثر علیه حب الدنیا و زینتها استوجب سخط الله علیه و کان فی الدرک الاسفل من النار مع الیهود و النصاری الذین نبذوا کتاب الله تعالی قال الله تعالی فلما جائهم ما عرفوا کفروا به فلعنهٔ الله علی الکافرین.یا ابن مسعود من تعلم القران للدنیا و زینتها حرم الله علیه الجنهٔ یا ابن مسعود من تعلم العلم و لم یعمل بما فیه حشره الله یوم القیمهٔ اعمی و من تعلم العلم ریاء و سمعه یرید به الدنیا نزع الله برکته و ضیق علیه معیشته و وکله الله الی نفسه و من و کله الی نفسه فقد هلک قال الله «فمن کان یرجوا لقاء ربه فلیعمل عملا صالحا و لایشرک بعبادهٔ ربه احدا». [۵۰] .یا ابن مسعود فلیکن جلساوک الابرار و اخوانک الاتقیاء و الزهاد لانه تعالی قال فی کتابه «الا خلاء یومئذ بعضهم لبعض عدو الا المتقین». [۵۱] .یا ابن مسعود اعلم انهم یرون المعروف منکرا والمنکر معروفا ففی ذلک یطبع الله علی قلوبهم فلا یکون فیهم الشاهد بالحق و لا القوامون بالقسط قال الله تعالی «کونوا قوامین بالقسط شهداء لله ولو علی انفسکم او الو الدین» [۵۲] .یا ابن مسعود یتفاضلون باءحسابهم و اموالهم یقول الله تعالی: «و ما لاحد عنده من نعمهٔ تجزی الا ابتغاء وجه ربه الاعلی ولسوف یرضی» [۵۳] . [۵۴] .ای پسر مسعود! اسلام در روز اول غریب به این دنیا آمد و بزودی به غربت اول باز می گردد (اشاره به غربت دین مقدس اسلام در ابتدای کار و نیز غربت مجدد در آخرالزمان). ای پسر مسعود! هر کسی از شما که این زمان را درک کرد از اعقاب شما. پس به آنها سلام نکند، در تشییع جنازه آنها شرکت نجوید و از بیماران عیادت نکند. زیرا اینان به ظاهر خود را در همان راهی جلوه می دهند که شما می روید و تظاهر به ادعاهای شما می کنند، اما عملا با شما مخالف هستند. پس وقتی که مرگ اینها فرا رسد به دین و ملت شما از دنیا نمی روند. آنان از من نیستند و من هم از آنان نیستم (سنخیتی با هم نداریم) تا اینکه می فرماید: ای پسر مسعود! زمانی بر مردم بیاید که آن کس که بخواهد در دینداری ثابت بماند و ایمانش را حفظ کند همچون کسی است که می خواهد آتش را در کف دست خود قرار دهد. پس اگر در این زمان (چون) گرگ باشد می تواند زندگی کند، والا گرگهای درنده او را می خورند.ای پسر مسعود! علما و فقهای آنها خیانتکار و فاجرند. آگاه باشید که اینها بدترین مردم روی زمین هستند و نیز آنهایی که از آنها متابعت می کنند و با آنها رفت و آمد دارند و از آنها علم یاد می گیرند و یا آنان را دوست می دارند و با آنها مجالست و مشورت می کنند، جایگاهشان در جهنم است. اینان کور و کر و لال خواهند بود و در روز قیامت نیز نابینا و کر و لال محشور خواهند شد... [۵۵] .ای پسر مسعود! اینها مدعی دینداری و پیروی از من و ادامه دهنده راه من هستند. اما چنین نیست. اینها در حقیقت از من بیزارند و من هم از آنها بیزارم. ای پسر مسعود! در مجالس با آنها ننشینید، در بازارها با آنها داد و ستد نکنید، آنها را به سوی راه رهنمون نشوید، به آنها آب ندهید، که خداوند متعال درباره آنها فرموده است: «هر کس طالب دنیا و زینت دنیا باشد، پاداش اعمالشان را در دنیا به طور کامل عطا می کنیم، و چیزی از آن در دنیا فروگذاری نمی شود». و خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «هر کس خواهان کشت دنیا باشد از آن برایش می دهیم و در آخرت بهره ای برای او نیست».ای پسر مسعود! کسی که تحصیل علم کند اما برای دنیا و رسیدن به نعمتهای دنیوی، مستحق عذاب خداوند خواهد بود و با یهود و نصاری در پست ترین مقامات جهنم محشور خواهد شد. یهود و نصاری کتاب خداوند را پشت سر انداختند و با اینکه نسبت به اسلام و آورنده آن شناخت پیدا کردند، در عین حال، کفر ورزیدند و در نتیجه از رحمت خداوند محروم ماندند. آری، لعنت خدا بر کافران باد.ای پسر مسعود! هر کس قرآن را برای دنیا و زینتهای آن فرا گیرد، خداوند بهشت را به او حرام گرداند.ای پسر مسعود! هر کس علم را بیاموزد و به آنچه در آن است عمل نکند، خداوند او را روز قیامت نابینا محشور سازد. و کسی که به خاطر مردم (ریا) تحصیل علم کند و هدفش این باشد که دنیا را برای خود مرتب کند برکت از زندگی اش برداشته

می شود و به تنگی معیشت گرفتار می آید و خداوند او را به خودش وامی گذارد که سرانجامش البته هلاکت است. خداوند در قرآن می فرماید: «کسی که به لقای او (قرب جوار) امیدوار است باید نیکوکار باشد و در پرستش خدا هرگز احدی را با او شریک نگرداند».ای پسر مسعود! سعی کن همنشینان تو از نیکان باشند و اگر برای خودت برادری انتخاب می کنی از زهاد برگزین (زاهد آن کسی است که گناه نکند و دنیا را بر آخرت مقدم ندارد و نسبت به دنیا بی رغبت باشد)؛ چرا که خداوند در کتابش فرموده است: «در آن روز دوستان همه با یکدیگر دشمن اند مگر پرهیزکاران».ای پسر مسعود! بدان که این اشخاص معروف را منکر می بینند (واجبات الهی به نظر آنها حرام است) و محرمات را معروف (ارتکاب حرام در نظر آنها مانعی ندارد). پس در این حال، خداوند بر دلهای آنان مهر می زند. آنوقت در میان آنها کسی شهادت به حق نمی دهد و نیز قیام به عدل نمی کند با اینکه خداوند امر فرموده است «نگهدار عدالت باشید و برای خدا گواهی دید ولو اینکه به ضرر خودتان و یا پدران و مادران و بستگان نزدیک شما باشد».ای پسر مسعود! اینها افتخارشان را به مال می دانند با اینکه خداوند فرموده «برای هیچ کس در نزد او نعمتی نیست که پاداش داده شود، مگر در پی خشنودی پروردگار برترش، و بزودی خشنود گردد».

رسول اکرم و روز خلاصی دنیا

از رسول گرامی خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود:اذا کانت الصیحهٔ فی رمضان فانها تکون معمهٔ فی شوال و تمیز القبائل و تتحارب فی ذی القعدهٔ و یسلب الحاج و تسفک الدماء فی ذی الحجهٔ و المحرم و ما المحرم؟ هیهات هیهات یقتل الناس هرجا هرجا ثم ینادی مناد من السماء الا ان فلانا ابن فلان هو المهدی قائم آل محمد فاسمعوا له و اطیعوا و ذلک الصوت صوت جبرائیل حین یدعوا للبیعهٔ فی صبیحهٔ یوم الخلاص. [۵۶] .زمانی که صیحه در ماه رمضان شنیده شد پس همهمه و آواز جنگ در شوال بلند می شود و قبایل طعام گردآوری و ذخیره می کنند و ذی القعده با هم نبرد می کنند و در ماه ذی الحجه حجاج بیت الله الحرام قتل و غارت می شوند و خونها ریخته می شود. و محرم، چه محرمی؟ هرگز نمی توانی درک کنی! نه هرگز! مردم، دسته دسته در این فتنه و آن فتنه کشته می شوند (در هرج و مرج)؛ آنگاه منادی از آسمان ندا می کند که فلانی پسر فلانی، مهدی و قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است، به فرمان او گوش فرا دهید و اطاعت کنید. آن صدا صدای جبرئیل است که در بامداد روز رهایی، مردم را به بیعت فرا می خواند.از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که می فرمایند:لا تقوم الساعهٔ حتی یقوم القائم منا و ذلک حین یاءذن الله عزوجل له و من تبعه نجا و من تخلف عنه هلک الله الله عبادالله فاءتوه ولو حبوا علی الثلج فاءنه خلیفهٔ الله عزوجل و خلیفتی. [۵۷] .روز رستاخیز برپا نمی شود تا اینکه قائم ما قیام کند و این قیام در وقتی است که خداوند فرمان ظهورش را امضاء فرماید. هر کس که آن روز از قائم ما متابعت کند نجات می یابد و کسی که سرپیچی نماید دچار هلاکت دو جهان خواهد شد. ای بندگان خدا! از خدا بترسید و به سوی قائم ما بشتابید اگرچه مجبور باشید روی برفها به نحو سینه خیز خود را بکشید، زیرا او جانشین خداوند و خلیفه من است (در روی زمین).رسول اکرم صلی الله علیه و آله به فرزند عزیزش حضرت امام حسین علیه السّلام می فرماید:ثم یظهر اءمیر الاءمرهٔ و قاتل الکفرهٔ السلطان الماءمول الذی تتحیر فی غیبته العقول و هو التاسع من ولدک یا حسین یظهر بین الرکنین یظهر علی الثقلین و لایترک فی الارض الا دنین طوبی للمؤ منین الذین ادرکوا زمانه و لحقوا اوانه و شهدوا ایامه و لا قوا اقوامه. [۵۸] .(ای حسین!) امیر همه امیران عالم، کشنده کافران و ستمگران جهان و شهریار منتظری که در غیبتش عقلها مات و حیران شده اند، نهمین فرزند از فرزندان شماست. ای حسین! او بین رکن و مقام ظاهر می شود و بنیان و اساس گمراهی و پستی را از ریشه می کند و چه سعادتمند افرادی که عصر پرشکوه حکومت او را درک و در دولت حقه اش زندگی می کنند و آن روزگار میمون و مبارک را می بینند و اصحاب باوفای آن سرور را ملاقات می کنند.واقعا خوشا به حال مردم آن زمان. از خداوند بخواهیم لیاقت درک آن زمان را به همه ما عنایت بفرماید.رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره نشانه های قیام حضرت

بقیهٔ الله ارواحنا له الفداء می فرماید:یستخرج الزبور من بحیرهٔ طبریهٔ فیها مما ترک آل موسی و هارون تحمله الملائکهٔ و فیها الا لواح و عصا موسی (ع)... یستخرج الکنوز یفتح مدائن الشرک. [۵۹] .(حضرت مهدی علیه السّلام) زبور را از دریاچه طبریه (که گویا در شمال فلسطین است) بیرون می آورد که از خاندان موسی و هارون چیزهایی به عنوان ماترک این دو خاندان با آن هست و ملائکه آن را به دوش می گیرند (یا به هر وسیله ای آنها را می برند) و نیز الواحی که بر حضرت موسی نازل شده و عصای آن حضرت در این اشیاء هست... گنجها را از دل زمین بیرون می آورد و شهرهای شرک را فتح می کند.درباره لشکر سفیانی که به عزم نبرد با حضرت مهدی علیه السّلام به طرف مکه معظمه حرکت می کند از رسول اکرم صلی الله علیه و آله چنین نقل می کنند:یبعث الله جبرائیل فیقون یا جبرائیل اذهب فابدهم فیضربها برجله ضربهٔ یخسف الله بهم عندها و لا یفلت منهم الا رجلان من جهینهٔ. [۶۰] .خداوند جبرئیل را می فرستد و به او می فرماید: برو نابودشان کن. پس، با پای خود به زمین می کوبد و خداوند همه آنان را در کام زمین فرو می برد و جز دو نفر از اهل جهینه کسی از آنها زنده نمی ماند.مفضل بن عمر از امام صادق علیه السّلام در ضمن حدیث طویلی چنین نقل می کند:ثم یقبل علی القائم رجل وجهه الی قفاه الی صدره و یقف بین یدیه و یقول یا سیدی انا بشیر امرنی ملک من الملائکهٔ ان الحق بک فابشرک بهلاک جیش السفیانی بالبیداء فیقول القائم بین قصتک و قصهٔ اخیک فیقول الرجل کنت و اخی فی جیش السفیانی و خربنا الدنیا من دمشق الی الزوراء و ترکناها جماء و خربنا الکوفهٔ و خربنا المدینهٔ و کسرنا المنبر فی حضرهٔ الرسول و رانت بغالنا فی مسجده و خرجنا منها و عددنا ثلاثمائهٔ الف رجل نرید اخراب البیت و قتل اهله فلما صرنا فی البیداء عرسنا فیها فصاح بنا صائح یا بیداء ابیدی القوم الظالمین فانفجرت الارض و ابتلعت کل الجیش فوالله ما بقی علی وجه الارض عقال ناقهٔ فما سواه غیری و غیر اخی فاذا نحن بملک قد ضرب وجوهنا فصارت الی ورائنا کما تری فقال لاخی و یلک یا نذیر امض الی الملعون السفیانی بدمشق فانذره بظهور المهدی من آل محمد و عرفه ان الله قد اهلک جیشه بالبیداء و قال لی یا بشیر الحق بالمهدی بمکهٔ و بشره بهلاک الظالمین و تب علی یده فانه یقبل تو بتک فیمر القائم یده علی وجهه فیرده سویا کما کان و یبایعه و یکون معه. [۶۱] .آنگاه در این موقع که حضرت قائم ارواحنا له الفداء در مسجدالحرام و در کنار کعبه تشریف فرما هستند، مردی که صورتش به عقب برگشته است وارد می شود و در حضور حضرتش می ایستد و عرض می کند: من بشیر هستم و یکی از ملائکه به من امر فرموده است که خدمت شما شرفیاب شوم و به هلاکت لشکریان سفیانی شما را بشارت بدهم. آری، همه آنها در سرزمین بیداء در زمین فرو رفتند. امام قائم علیه السّلام فرمودند: جریان خودت و برادرت را بیان کن. عرض کرد: من و برادرم در لشکر سفیانی بودیم که شهرها را از دمشق تا زوراء (بغداد) ویران کردیم و نیز شهر کوفه را. آنگاه به مدینه آمدیم و این شهر را نیز در هم کوبیدیم و منبر مسجد نبوی را خرد کردیم و مرکبهای سواری خود را در روضه نبوی بستیم و مرکبهای سواری ما آنجا را آلوده کردند. سپس از مدینه با سپاهی مجهز که بیش از سیصد هزار نفر جمعیت بود به قصد خراب کردن خانه خدا یعنی کعبه حرکت کردیم و نیز کشتار مردم مکه در برنامه کار ما بود. چون به سرزمین بیداء رسیدیم لختی در آنجا توقف کردیم. ناگاه صدایی بلند شد که گفت: «ای سرزمین بیداء! ستمگران را در کام خویش فرو بر و آنها را هلاک کن». در این حال، زمین شکافته شد و تمام جمعیت را در کام خویش فرو برد. به خدا سوگند جز من و برادرم کس دیگری نماند. نه تنها همه افراد بشر نابود شدند بلکه افسار مرکبی هم نماند. در این موقع فرشته ای نمایان شد و به صورت من و برادرم آنچنان کوبید که صورت ما این گونه که ملاحظه می فرمایید به عقب برگشت و به برادرم دستور داد و فرمود: ای نذیر! برو و خبر هلاکت و نیز ظهور مهدی آل محمد صلوات الله علیهم را به سفیانی که در دمشق است، برسان و به او بگو خداوند در سرزمین بیداء تمام سپاهیانت را نابود کرد و آنان در دل زمین فرو رفتند. و نیز به من فرمود:ای بشیر! برو به مکه معظمه و خودت را به حضور مهدی علیه السّلام برسان و عرض کن بشارت باد شما را که خداوند لشکر سفیانی را از بین برد (در سرزمین بیداء به زمین فرو رفتند) و در خدمت آن حضرت توبه کن که او توبه ات را می پذیرد. آنگاه حضرت قائم علیه السّلام دست مبارکش را به صورت او می کشد و به حالت اول برمی گردد. وی با آن حضرت

بیعت می کند و همراه ایشان خواهد بود.

رسول اکرم و گنجهای طالقان

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در تعریف از یاران مخصوص حضرت بقیهٔ الله ارواحنا له الفداء در منطقه طالقان چنین می فرمایند:و له بالطالقان کنوز لاذهب و لافضهٔ الا خیول مطهمهٔ و رجال مسومهٔ یجتمع الله عزوجل له من اقاصی البلاد علی عدد اهل بدر ثلاثمائهٔ و ثلاثهٔ عشر رجلا. [۶۲] .برای او (مهدی من) در طالقان گنجهایی است که از طلا و نقره نیست بلکه عبارت است از اسبهای زیبا و تکاوران و مردانی باتجربه و کاردان که خداوند از این نوع مردان سیصد و سیزده تن به تعداد اهل بدر از اطراف و اکناف جهان به دور او جمع می کند.وجود مقدس رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این روایت به برنامه های حضرت عیسی علیه السّلام در حکومت حضرت بقیهٔ الله ارواحنا له الفداء اشاره فرموده اند:یکون عیسی بن مریم فی امتی حکما مقسطا یرفع الشحناء و التباغض و یفیض المال حتی لایقبله احد و تنزع حمهٔ کل دابهٔ و تکون الارض کفاتور الفضهٔ. [۶۳] .۱. حکم می کند بین مردم بر اساس عدل و داد.۲. کینه و عداوت را از میان جامعه برمی دارد.۳. چندان بذل مال و ثروت می کند که دیگر کسی به سراغ مال نمی آید (همه بی نیاز می شوند).۴. دشمنی و ستیزه جویی از تمام موجودات گرفته می شود.۵. امنیت و آسایش بقدری زیاد می شود که صفحه گیتی مانند یک صفحه ساخته شده از نقره نرم می شود.رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره قیام فرزندش و کیفیت آن چنین می فرمایند:یخرج المهدی و علی راءسه غمامهٔ فیها مناد ینادی هذا المهدی خلیفهٔ الله فاتبعوه. [۶۴] .مهدی (علیه السّلام) ظاهر می شود در حالی که قطعه ابری بر سر آن حضرت قرار گرفته است. در آن حال، منادی فریاد می زند: ای جهانیان! این است مهدی آل محمد و جانشین خداوند در روی زمین. از او متابعت کنید.جابر بن عبدالله انصاری از حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله در ارتباط با حوادث و مصائب آخرالزمان و قبل از ظهور چنین بیان می کند: رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:منا مهدی هذه الامهٔ اذا صارت الدنیا هرجا و مرجا و تظاهرت الفتن و تقطعت السبل و اغاز بعضهم علی بعض فلا کبیر یرحم صغیرا ولا صغیر یوقر کبیرا فیبعث الله عند ذلک مهدینا التاسع من صلب الحسین یفتح حصون الضلالهٔ و قلوبا غفلا یقوم فی الدین فی آخر الزمان کما قمت به فی اول الزمان و یملاء الارض عدلا کما ملئت جورا. [۶۵] .مهدی این امت از ما خاندان رسالت است (گویی حضرت رسول صلی الله علیه و آله به وجود مقدس حضرت مهدی ارواحنا له الفداء که از فرزندان آن حضرت است افتخار می کند). وقتی که دنیا پر از هرج و مرج شد و فتنه ها در میان مردم نمایان گشت و امنیت از راهها گرفته شد و بعضی از این مردم به بعضی دیگر هجوم آوردند و بزرگان قوم به زیردستان رحم نکردند و افراد کم سن و سال به بزرگان و کهنسالان احترام نگذاشتند، در چنین ایامی، خداوند مهدی ما را که نهمین فرزند پسر امام حسین (علیه السّلام) است ماءمور می کند دژهای گمراهی را درهم بکوبد و قلبهای غافل (وامانده از خیر و آکنده از شر) را تسخیر کند و دین مقدس اسلام را در آخرالزمان برپا دارد، چنانکه من در اول زمان آن را برپا داشتم. بعلاوه، فرزندم مهدی جان را پر از عدل و داد می کند آنگاه که پر از جور شده باشد.در حدیث لوح حضرت زهرای مرضیه سلام الله علیها پس از بیان ویژگیهای ائمه معصومین علیهم السلام نوبت به حضرت بقیهٔ الله ارواحنا له الفداء می رسد. خداوند می فرماید:ثم اکمل ذلک بالبنه رحمهٔ للعالمین علیه کمال موسی و بهاء عیسی و صبر ایوب سیذل اولیائی فی زمانه و تتهادی رؤ وسهم کما تتهادی رؤ وس الترک والدیلم فیقتلون و یحرقون و یکونون خائفین مرعو بین و جلین تصبغ الارض بدمائهم و یفشو الویل و الرنهٔ فی نسائهم هؤ لاء اولیائی حقا بهم ادفع کل بلیهٔ و فتنهٔ عمیاء و بهم اکشف الزلازل و ادفع الاصار و الاغلال اولئک علیهم صلوات من ربهم و رحمهٔ و اولئک هم المتهدون. [۶۶] .بعد از امام حسن عسکری علیه السّلام دین خود را به وسیله فرزندش که رحمت واسعه برای جهانیان است کامل می گردانم. خصوصیات او به این شرح است:کمالات حضرت موسی بن عمران در اوست، بهای حضرت عیسی دارد و صبر و بردباری حضرت ایوب در وجود مقدسش جمع شده است. [۶۷]

(دیگر از نشانه های غیبت حضرتش این است:) اولیاء و بندگان صالح من به خاطر فشار ستمگران در زمان غیبت او در ذلت بسر می برند و سرهای بریده آنها را به عنوان تحفه برای یکدیگر می فرستند، چناچه سرهای ترک و دیلم را پیشکش یکدیگر می کردند. بندگان و اولیای مرا می کشند و می سوزانند و مرعوب دشمنان باشند و زمین از خون آنها رنگین شود و ناله و شیون زنهای آنها بلند باشد (در مصیبت عزیزانشان). اینها در حقیقت دوستان منند و به وسیله آنها انواع بلاها و فتنه های کور و تاریک را از مردم دفع می کنم و زلزله ها را به برکت وجود آنها بر می دارم. بر اینها باد درودها و رحمت پروردگارشان و آنها هستند هدایت یافتگان.

امام امیرالمؤمنین و نشانه های ظهور حضرت مهدی

در جواب صعصعهٔ بن صوحان

امام امیرالمؤ منین علیه السلام در جواب صعصعهٔ بن صوحان که از یاران آن حضرت بود در باب دجال و خروجش، به نشانه هایی از ظهور آقا حضرت بقیهٔ الله فی الارضین ارواحنا له الفداء بیاناتی فرمودند که اجمالا به عرض خوانندگان عزیز می رسد.ابتدا امام علیه السّلام اشاره فرمودند که همه علوم از آن خداوند بزرگ است (والله ما المسؤ ل عنه با علم من السائل)، والا یکی از مسلمات مذهب شیعه این است که دانش امام معصوم و برگزیده از طرف خداوند عالم، نامحدود است؛ یعنی از گذشته و آینده و حال اطلاع دارد، آن هم با قرینه «سلونی قبل ان تفقدونی» (بپرسید از من پیش از آنکه دیگر مرا نیابید)، والا لازمه اش یا تناقض یا تهافت در کلام امام است. از یک سو می فرماید هرچه می خواهید تا من میان شما هستم از من بپرسید و از سوی دیگر می فرماید در ندانستن، من هم مثل شما هستم. ممکن است نظر آقا امیرالمؤ منین این باشد که مردم در پیشگاه خداوند همه مساوی هستند. بنابراین علم ما هم از جانب خداوند است که اگر نمی داد من هم مثل شما بودم. اجمالا به اصل مطلب توجه فرمایید.عن النزال بن سبرهٔ: قال خطبنا علی بن ابیطالب علیه السّلام: فحمدالله و اثنی علیه ثم قال سلونی ایها الناس قبل ان تفقدونی - ثلاثا - فقام الیه صعصعهٔ بن صوحان فقال: یا امیرالمؤ منین متی یخرج الدجال؟ فقال له علیه السّلام: اقعد فقد سمع الله کلامک و علم ما اردت و الله ما المسؤ ل عنه باعلم من السائل ولکن لذلک علامات و هیئات یتبع بعضها بعضا کحذو النعل بالنعل و ان شئت اءنباتک بها قال: نعم یا امیرالمؤ منین فقال علیه السّلام: احفظ فان علامهٔ ذلک اذا اءمات الناس الصلاهٔ، و اضاعوا الامانهٔ، و استحلوا الکذب، و اکلوا الربا، و اخذوا الرشا، و شیدوا البنیان، و باعوا الدین بالدنیا، و استعملوا السفهاء، و شاوروا النساء، و قطعوا الارحام، و اتبعوا الاهواء و استخفوا بالدماء، و کان الحلم ضعفا و الظلم فخرا، و کانت الامراء فجرهٔ، و الوزراء ظلمهٔ، و العرفاء خونهٔ، والقراء فسقهٔ، و ظهرت شهادت الزور، و استعلن الفجور، و قول البهتان، والاثم و الطغیان، و حلیت المصاحف، و زخرفت المساجد، و طولت المنار، و اءکرم الاشرار، و ازدحمت الصفوف، و اختلفت الاهواء، و نقضت العهود و اقترب الموعود، و شارک النساء ازواجهن فی التجارهٔ حرصا علی الدنیا، و علت اصوات الفساق و استمع منهم، و کان زعیم القوم ارذلهم، واتقی الفاجر مخافهٔ شره، و صدق الکاذب، و اوتمن الخائن، و اتخذت القیان و المعارف، ولعن آخر هذه الامهٔ اولها، و رکب ذوات الفروج السروج، و تشبه النساء بالرجال و الرجال بالنساء، و شهد شاهد من غیر ان یستشهد و شهد الاخر، قضاء لذمام بغیر حق عرفه و تفقه لغیر الدین و آثروا عمل الدنیا علی الاخرهٔ و لبسوا جلود الضان علی قلوب الذئاب و قلوبهم انتن من الجیف. [۶۸] .نزال بن سبره نقل می کند که (حضرت امیرالمؤ منین) علی بن ابی طالب علیه السّلام خطبه می خواندند. پس از حمد و ثنای الهی سه بار فرمودند: «سلونی قبل ان تفقدونی». پس، صعصعهٔ بن صوحان برخاست و عرض کرد: یا امیرالمؤ منین! دجال کی خروج می کند؟ فرمودند: خداوند سخنت را شنید و از آنچه اراده کرده ای آگاه است. و قسم به خدا که سؤ ال شونده داناتر از سؤ ال کننده نیست (مگر آنچه را که خداوند تفضل فرموده است.) برای خروج دجال علائم و نشانه هایی است که یکی از بعد دیگری واقع می شود، البته پی درپی و طابق النعل بالنعال و اگر بخواهی برای تو

بیان می کنم. صعصعهٔ عرض کرد: بفرمایید، یا امیرالمؤ منین!امیرالمؤ منین علیه السّلام فرمودند: مطالبی که می گویم به خاطر بسپار و بدان که علائم خروج دجال به شرح زیر است:۱. مردم نماز را ترک می کنند و در میان مردم می میرد (کنایه از اعراض مردم و بی تفاوت بودن در مقابل این دستور حیاتی است).۲. امانتها را ضایع می کنند (دیدیم که چطور قرآن و خاندان رسالت را که امانت بزرگی الهی بودند به دست فراموشی سپردند و جامعه اسلامی را به تباهی کشاندند).۳. دروغ گفتن را حلال می شمارند (تحت عنوان سیاست اجتماعی و غیره).۴. ربا خوردن یکی از کارهای معمولی جامعه می شود.۵. رشوه خواری در میان مردم رواج پیدا می کند.۶. ساختمانها را محکم می سازند (از بتون و آهن و سنگ ساخته می شود).۷. دین را به دنیا می فروشند (یعنی برای دست یافتن به دنیا و نعمتهای زودگذر آن از ارتکاب هیچ گناهی باك ندارند).۸. نابخرادان و مردم کم عقل را بر کارها می گمارند.۹. زنان را در کارهای اجتماعی و شخصی طرف مشورت قرار می دهند.۱۰. قطع صله ارحام می کنند و از خویشاوندان فاصله می گیرند (مخصوصا خانواده های فقیر و بی بضاعت).۱۱. در کارهای زندگی از هوی و هوس پیروی می کنند (با منطق «دلم می خواهد» خود را قانع می کنند).۱۲. در کشتار و خونریزی بیباك هستند (که امروزه شاهد آن هستیم.۱۳. بردباری و حلم را به حساب ضعف و ناتوانی می گذارند.۱۴. ظلم و بیدادگری را مایه مباهات و فخر قرار می دهند.۱۵. زمامداران در آن زمان از فاسقان و فاجران (گناهکاران)اند (و مردم با وجود دیدن فسق آنها ساکت هستند بلکه یاریشان می کنند).۱۶. وزیران دولتها ستمگران جامعه هستند (که با تکیه به مقام وزارت از هر ظلمی باك نخواهند داشت).۱۷. عارفان و مدعیان مقام تهذیب نفس و تقوا خیانتکارانند (به عقاید و افکار مردم خیانت می کنند).۱۸. قاریان قرآن از افراد فاسق اند.۱۹. شهادت دادن بر اساس زور به وجود می آید (یعنی از قدرتهای فردی و اجتماعی سوء استفاده می شود و مردم را وادار می کنند که به نفع آنها شهادتهای دروغین بدهند).۲۰. گناهان علنی شده، حیا و شرم از میان برداشته می شود (مانند تشکیل مجالس علنی از زن و مرد و پهن کردن بساط میگساری و اعمال زشت جنسی، رقصهای دسته جمعی از زن و مرد و برپا داشتن مجالس قمار و...).۲۱. بهتان و برخلاف واقع گویی نسبت به مردم رایج می شود.۲۲. سرکشی و طغیان و بدرفتاری علنی می شود.۲۳. قرآنها را با چاپهای زرین و جلدهای زرکوب در اختیار مردم قرار می دهند (در صورتی که از عمل کردن به احکام و قوانین قرآن در میان آن مردم خبری نیست بلکه درست بر خلاف آنچه می فرماید عمل می کنند).۲۴. مساجد را از لحاظ ساختمان مزین می سازند (در صورتی که از محتوای آن یعنی تقوا خبری نیست).۲۵. مناره های مساجد را بسیار مرتفع می سازند (که از راه دور توجه بینندگان را جلب می کند) اما از دورن – یعنی تقوا – خالی است.۲۶. اشرار و مردم دور از خدا و معنویت در جامعه محترم هستند.۲۷. مردم در راه باطل و تقویت و پشتیبانی از اشرار صفوف فشرده خواهند داشت.۲۸. در کارهای فردی و اجتماعی هواهای نفسانی مختلف است و هر دسته یك راه برای خودش انتخاب می کند.۲۹. پیمان شکنی رایج می شود و وعده الهی نزدیك می گردد.۳۰. زنان با مردانشان به جهت حرص به دنیا در کار تجارت شرکت می کنند.۳۱. صدای فساق برخیزد و به آنها گوش فرا داده شود (مورد توجه و مقبول دیگران باشند).۳۲. زعیم و حاکم بر آن مردم رذل ترین افراد جامعه است (فاقد تمام صفتهای خوب).۳۳. مردم از بدکاران و فاسقان می ترسند (از شر آنها در امان نیستند).۳۴. دروغگویان از طرف مردم به عنوان راستگو تاءیید می شوند (مانند دروغهای سیاستمداران که پیوسته در مجامع مورد تاءیید مردم قرار می گیرد).۳۵. خیانتکاران به عنوان امین مردم و پرچمدار امانت معرفی می شوند (نظیر انتخاباتی که در سرتاسر جهان صورت می گیرد، مانند انتخاب ریئس جمهورها، نخست وزیرها، یا نمایندگان مجلس که به عنوان امین اجتماع انتخاب می شوند، در صورتی که از اول اکثرا کار این دسته خیانت به امانتهای مردم بوده است).۳۶. هنر پیشه های آوازه خوان تربیت می شوند.۳۷. مردم گذشتگان را لعنت می کنند.۳۸. زنها سوار بر زینها می شوند (اسب سواری، رانندگی و امثال اینها).۳۹. مردان از نظر لباس و قیافه شباهت به زنها پیدا می کنند و نیز زنان شبیه به مردها می شوند (بطوریکه انسان گاه دچار تردید می شود که این زن است یا مرد – بکرات اتفاق افتاده است –).۴۰. بی آنکه از افراد شهادت بخواهند برای خوشایند اهل دنیا خود را به عنوان شاهد

معرفی می کنند.۴۱. احکام و علوم دین را برای دنیا می آموزنـد و اعمال دنیوی را بر کارهای مربوط به آخرت ترجیح می دهند. بر دلهـای گرگ صـفتشان جامه میش می پوشـند، قلبهای آنها آکنـده از کثافت است بطوریکه از هر مرداری گندیـده تر است.عمر بن الخطاب از حضـرت امیرالمؤ منین سـلام اللّه علیه سؤ ال می کند:اخبرنی عن المهدی ما اسمه فقال اما اسمه فان حبیبی عهد الی ان لا احدث باسـمه حتی یبعثه الله. قال اخبرنی عن صفته فقال هو شاب مربوع حسن الوجه حسن الشعر یسیل شعره علی منکبیه و نور وجهه یعلو سواد لحیته وراءسه، بـابی ابن خیرهٔ الاماء. [۶۹] .نام حضـرت مهدی چیست؟ امام فرمودند: اما اسـمش را نمی گویم، زیرا حبیبم رسـول خـدا از من عهـد گرفته است که تـا ظهورش نـامش را نگویم. عرض کرد: اوصـافش را برای من بیـان کن. آقـا فرمودنـد: او جـوانی است متوسـط القـامه، خوشـرو و خوش موی که موهـایش بر شـانه اش ریخته است و نور صورتش بر سـیاهی محـاسن و سـر مبارك آن حضـرت احاطه نموده است. پدرم به قربان فرزند با شخصیت ترین کنیزان باد. [۷۰] .اصبغ بن نباته می گوید: از حضرت امیرالمؤ منین علیه السّـلام شـنیدم که می فرمودند:ان بین یدی القائم سنین خداعهٔ یکذب فیها الصادق و یصدق فیها الکاذب و یقرب فیهـا الماحـل و ینطق فیها الرویبضـهٔ قلت و ما الرویبضـهٔ و ما الماحل؟ قال: او ما تقرؤ ون القرآن قوله «و هو شدیـد المحال» قال: یرید المکر فقلت و مـا الماحـل؟ قـال: یریـد المکار. [۷۱] .قبـل از قیـام قـائم سالهـای پر از خـدعه ای اسـت. در این سالهـا (پیش از قیـام) راسـتگویان به نـام دروغگو معرفی می شونـد و دروغگویان به عنوان راسـتگو. در این سالها «ماحل»تقرب پیـدا می کنـد و «رویبضه» سخن می گویـد. اصبغ می گویـد: عرض کردم «ماحل»و «رویبضه» چیست؟ فرمودند: مگر قرآن را نخوانده ای که می فرماید:«و هو شدیـد المحـال»؟ قـال یریـد المکر - فرمودنـد: منظور از «ماحل» آدم مکاری است که به وسـیله مکر زیاد مردم را به خود متوجه می کنـد.و اما معنی «رویبضه». اگر چه در این حدیث پاسخ معنای آن افتاده ولی در جای دیگر از رسول گرامی اسـلام صـلی الله علیه و آله نقـل شـده است که «الرویبضـهٔ الرجل التافه ینطق فی امر العامـهٔ» یعنی مرد حقیر و بی شخصـیتی که در امر عامه مردم دخالت می کند و سـخن می گوید.عبید بن کرب می گوید:سـمعت علیا یقول ان لنا اهل البیت رایهٔ من تقدمها مرق تاءخر عنها محق و من تبعها لحق. [۷۲] .از امام امیرالمؤ منین علیه السّلام شنیدم که فرمودند: از برای ما اهل بیت پرچمی هست. هر کسی که جلو بیفتد و یا عقب بمانـد نـابود است، امـا هر کسـی که همراه این پرچم گـام بردارد و از آن متابعت کنـد، نجات می یابـد و با ما خواهـد بود.خواننـده عزیز!جلو افتـادن یـا عقب مانـدن از این پرچم معنـایش این است که ایمـان به ولاـیت مـا نداشـته باشـد و معنی متابعت این است که دسـتورها و اوامر ما را اطاعت کند.درباره ندای آسـمانی در روزهای اول ظهور در این حدیث از حضـرت امیرالمؤ منین علیه السّـلام نقل شده که آن حضـرت فرمودند:اذا نادی مناد من السـماء ان الحق فی آل محمد صلی الله علیه و آله فعند ذلک یظهر المهدی علی افواه الناس و یسرون فلا یکون لهم ذکر غیره. [۷۳] .هرگاه منادی از آسـمان فریاد زند که حق با آل محمد صلی الله علیه و آله است در این موقع مهدی ما ظاهر می شود و مردم او را می بینند و می شناسـند و خوشـحال و مسـرورند و دیگر نام غیر از حضرت بقیهٔ الله را نمی برند.ابی مروان از حضـرت امیرالمؤ منین علیه السّـلام درباره حوادث پیش از قیام حضـرت مهدی روحی له الفداء روایت می کند که فرمودند:اذا راءیتم الرایات السود فالزموا الارض و لاتحرکوا ایدیکم و لا ارجلکم ثم یظهر قوم صـغار لایوبه لهم قلوبهم کزبر الحدید اصـحاب الدولهٔ لایفون بعهد و لا میثاق یدعوا الی الحق ولیسوا من اهله اسمائهم الکنی و نسبهم الغری شعورهم مرقاهٔ کشعور النساء حتی یختلفوا فیما بینهم ثم یؤ تی الله الحق من یشاء. [۷۴] .۱. پرچمهایی پیدا می شوند و رنگ آنها سیاه است. در این موقع در خانه های خود بنشـینید و هیـچ حرکـت نکنید.۲. سپس مردمی کوچـک (یا از نظر سن یعنی جوان یا از لحاظ شخصـیت تهیـدست) پدیـد می آینـد که به آنهـا اعتنـا نمی شود. آنـان دارای قلبهـایی همچون پـاره هـای آهن انـد. این افراد دولتمردانی هستند بـا چنین ویژگیهایی:الف. به عهـد و میثاق خود وفا نمی کننـد (پای بنـد وفای به عهد نیسـتند).ب. مردم را به سوی حق می خوانند اما خود از حق پیروی نمی کنند و از لحاظ واقع اهل حق نیسـتند.آنها به جای اسم از کنیه خود اسـتفاده می کنند و نسـبشان پوشیده و نامعلوم و موها آنها دراز و افتاده مانند موی زنان است. سـپس در میانشان ایجاد اختلاف می شود. آنوقت خداوند به هر کسی که بخواهد حق

را واگـذار می کنـد.خواننـده عزیز!در آیات زیادی از قرآن مجید خداوند وعده فرموده است که باید به وسیله قیام حضرت بقیهٔ الله روحی له الفـداء حق را به آل محمـد برساند و حکومت حقه آنان سراسر جهان را فرا بگیرد.حضرت علی علیه السّلام در خطبه ای معروف به «خطبهٔ البیان» آنگاه که خود را معرفی می فرمایـد، می رسـد به این قسـمت که «اءنا اءبو الاءئمهٔ اءلاطهار اءنا ابوالمهدی علیه السّلام القائم فی آخرالزمان» یعنی: منم پدر امامان پاک، منم پدر مهدی علیه السّلام که در آخرالزمان قیام می کند.در این حال مالک اشتر که پایین منبر مولا بود به پا خاسته، از حضرت می پرسد که این قیام کننده از فرزندان شما کی قیام می فرماید؟ حضرت چنین فرمود: [۷۵] .اذا زهـق الزاهق «۱» و خفت الحقـایق «۲» و لحق اللاـحق «۳» و ثقلت الظهـور «۴» و تقـاربت الامور «۵» و حجب النشور «۶» و اءرغم المالـک «۷» و سـلک السالک «۸» و دهش العـدد «۹» و هـاجت الوساوس «۱۰» و غیطـل العساعس (الفسارس) «۱۱»و ماجت الامواج «۱۲» و ضعف الحاج «۱۳» و اشتد الغرام «۱۴» و ازدلف الحضام «۱۵» و اختلفت العرب «۱۶» و اشتد الطلب «۱۷» و نکص الهرب «۱۸» و طلبت الدیون «۱۹» و ذرفت العیون «۲۰» و اءغبن المغبون «۲۱» و شاط النشاط«۲۲» و حاط الهباط «۲۳» و عجز المطاع «۲۴» و اءظلم الشـعاع «۲۵» و صـمت الاسماع «۲۶» و ذهب العفـاف «۲۷» و سـجسج الانصاف «۲۸» واستحوذ الشیطان «۲۹» و عظم العصیان «۳۰» و حکمت النسـوان «۳۱» و فـدحت الحوادث «۳۲» و نفثت النـوافت «۳۳» و اختلفت الاـهواء «۳۴» و عظمت البلوی «۳۵» و اشـتدت الشکوی «۳۶» و اسـتمرت الدعوی «۳۷» و قرض القـارض «۳۸» و لمض اللاـمض «۳۹»و تلاحم الشـداد «۴۰» و نقل الملحاد «۴۱» و عجت الفلاهٔ «۴۲» و خجعج الولاهٔ «۴۳»و نضل البارخ «۴۴» و عمل الناسخ «۴۵»و زلزلت الارض «۴۶» و عطل الفرض «۴۷» و کبتت الامانهٔ «۴۸» و بدت الخیانهٔ «۴۹» و خشیت الصیانهٔ «۵۰» و اشتد الغیض «۵۱» و اءراع الفیض «۵۲» و قاموا الادعیاء «۵۳» و قعدوا الاولیاء «۵۴» و خبثت الاغنیاء «۵۵» و نالوا الاشقیاء «۵۶» و مالت الجبال «۵۷» و اءشکل الاشکال «۵۸» و شیع الکربال «۵۹» و منع الکمال «۶۰»... فیکـدحون الجرائر – و یملکون الجزائر – و یحـدثون کیسان – و یخربون خراسان – و یصـرفون الحلسان – و یهـدمون الحصون – و یظهرون المصون – و یقتطفون الغصون – و یفتحون العراق – و یحجمون الشـقاق بـدم یراق – فعنـد ذلـک ترقبوا خروج صـاحب الزمان علیه السّـلام. [۷۶] .۱. هنگـامی که نـابود شونـده نابود شود.۲. و حقـایق مخفی شـود (حقـایقی کـه سیاسـتمداران و زمامداران آن را با زبان دیپلماسی و غیره کتمان می کنند)، یا حقایق سبک شمرده شود (در صورتی که جمله مزبور از «خف» باشد نه از «خفی»).۳. و ملحق شونـده ملحق شود (وقتی که حکومت به سـمتی رفت مردمان نیز به آن ملحق شوند، چون «الناس علی دین ملوکهم»).۴. و پشتها سنگین شود (از مشکلات، از گناهان و...)۵. و کارها و اشیاء نزدیک به هم شوند (مکانها نزدیک به هم شوند و دنیـا یـک خـانواده شود یـا اینکه همه جا مثل هم است و نیرنگ و دروغ همگانی است).۶. و از انتشار جلوگیری به عمل آیـد (از انتشـار حق جلوگیری شود، یـا از انتشـار در زمین منع گردد و محـدوده های قانونی و مرزها مطرح شود).۷. و دمـاغ مالک به خاک مالیـده شود (دنـگ و فنگهـایی که برای مالک مثل گرفتن زمین و مالیات و... مطرح می شود).۸. و بپیماید پیماینده.۹. و به شگفتی وادارد عدد از کثرت و زیادتی (یا مبهوت و شگفت زده شود عدد).۱۰. و وسوسه ها به هیجان در آید (مثل شکوک اعتقادی و غیره مثل اینکه این کار چون به مصلحت من است، پس چرا انجام نـدهم؟).۱۱. و گرگها به صـدا (زوزه) در آینـد (مراد، مردمان گرگ صفت است).۱۲. و امواج به خروش در آینـد (شایـد اشاره به امواج گناه و مادی گرایی باشد که به خروش آمده و هر گروهی را به سمتی کشانده و افراد زیادی را روانه دیار نیستی و هلاکت می کند. لذا باید در این میان سوار کشتی حق شد که سبب نجات انسان است و در اخبار آمـده که پیامبر صـلی الله علیه و آله فرمود: مثل اهل بیت من مثل کشتی نوح است که هر کس سوارش شود نجات یافته و هر کس از آن تخلف کند نابود شده است).۱۳. و حج گزارنده ضعیف شود (رفتن به حج ممنوع شود یا مشکلات زیادی سر راهش قرار گیرد و یـا نفقه و مخارج حـج بالا رود که حاجی در مقابلش ناتوان گردد).۱۴. و مطالبه شدیـد شود (یا اشاره به مالیات دولتی است که به زور ستانده شود، یا به خاطر ضعف افراد، افراد بدهکار نتوانند بدهی خود را بدهند و در شدت و تنگنا واقع شوند یا به معنای هلاکتها و عـذابها است که عـذابهای شدیـد بر سر مردمان بیاید).۱۵. و نزاع و خصومت و جـدال پیشـرفت کنـد (فراگیر

باشد و به هر جایی برسد یا دعواها و درگیریها پشت سرهم واقع شوند).۱۶. و عربها با هم اختلاف کنند.۱۷. و خواهشها و خواسته ها شدید شود (هر کس پا را فرا گذارد و درخواست بالاتر و سخت تری بکند).۱۸. و درخواست فرار شود (هر کس می کوشد به جایی فرار کند و خود را برهاند).۱۹. و وامها درخواست شود (اکثر مردم مدیون باشند، لذا مورد مطالبه واقع شوند.)۲۰. و اشکها روان شود (گرفتاریها زیاد شود و مادر نمی داند که فرزندش زنده است یا نه و یا فرزندان و خانواده اش را در پیش چشمش می کشند و...).۲۱. و فریفته شود فریفته شده (نیرنگها زیاد شود).۲۲. تحرکها و فعالیتها زیاد شود (برای به دست آوردن مختصر چیزی بایستی سخت کار کند و به اصطلاح جان بکند).۲۳. افراد بر حق محاصره و پایین نگهداشته شوند (خاموششان نگه دارند).۲۴. و زمامدار مطاع ناتوان شود (چه رسد به زمامدار غیر مطاع با توجه به شدت مشکلات).۲۵. و تاریک شود شعاع (آفتاب) (شعاع حق تاریک شود و کسی به آن توجه نکند).۲۶. و گوشها کر شود (صدای حق را نشنوند).۲۷. و پاکدامنی رخت بر بندد.۲۸. و انصاف از بین برود.۲۹. و شیطان چیره گردد.۳۰. و نافرمانی بزرگ شود (مردم گناهان بزرگ انجام دهند).۳۱. و زنان زمامداری کنند و حکم رانند.۳۲. و رویدادها بزرگ به وقوع پیوندد (قحطیها، زلزله ها و نابودی انسانها بر اثر سلاحهای مخرب و نابودکننده مثل سلاحهای اتمی و شیمیایی).۳۳. و دمنده ها بدمند (با سمپاشیها افکار را مسموم کنند).۳۴. و خواهشها مختلف و گوناگون شود (هر کس سازی می زند و به سازی می رقصد).۳۵. و بلاها و سختیها بزرگ شود.۳۶. و شکوائیه ها و گلایه ها سخت شود.۳۷. و دعوا پیوسته باشد.۳۸. و متجاوز تجاوز کند.۳۹. و به خشم آینده به خشم آید (در نتیجه، مردم شورش کنند).۴۰. و سخت گیرندگان خونریزی و جنگ کنند.۴۱. و ملحد و طعنه زنندگان در دین سخن گویند.۴۲. و بیابان به زوزه و فریاد در آید (یا بیابانها خشک شوند و طراوت خود را بر اثر جنگ و خونریزی از دست بدهند).۴۳. و فریاد برآورند زمامداران.۴۴. و به هدف زننده چیره شد.۴۵. و عمل کرد زایل کننده.۴۶. و زمین لرزید.۴۷. و واجب الهی تعطیل شد.۴۸. و امانت گرفته شد و پرداخت نشد.۴۹. و خیانت آشکار شد.۵۰. و از محافظت و مراقبت ترسیده شد (افرادی که خود را از گناه باز می دارند و خود را در برابر گناه و امور مشتبه کنار می کشند کارشان مورد قبول نباشد).۵۱. کمبود شدت گیرد (کمبود باران و نعمتها).۵۲. و فزونی و بسیاری به هراس اندازد (بسیاری قحطی و گرسنگی).۵۳. و حرامزادگان به پا خاستند.۵۴. و نیکان و اولیاء نشستند و ایستادند (دست کشیدند یا اینکه نتوانستند کاری انجام دهند).۵۵. و ثروتمندان پلید شوند.۵۶. و شقاوتمندان به آرزوهای خود دست یافتند.۵۷. و کوهها انحراف پیدا کردند (یا اشاره به علما است که همانند کوه اند و دچار انحراف می شوند و یا اینکه عبارت «مالت الاجبال» است و جمع «جبل» یا «یاء» یعنی گروهها و طوایف و دسته ها منحرف شدند).۵۸. و امور شبیه به هم، همشکل شوند (و تشخیصشان مشکل شود).۵۹. و سوزانده و نابود شوند غربال (ملاک تشخیص حق از باطل از بین برود).۶۰. و از کمال منع شود (کسی که می خواهد به کمال برسد برایش مانع تراشی می شود).... پس، در زمانی که این علائم واقع شد مردمانی خروج می کنند که گناه و جنایاتی را مرتکب می شوند (و اگر عبارت «الحرائر» با «حاء» مهمله باشد یعنی تجاوز به زنان و دوشیزگان می کنند) و مالک می شوند «جزائر» را (جزیره ها را) و نیرنگها به کار می برند و خراسان را خراب می کنند و دگرگون می سازند حلسان را (یا اسم جایی است یا جمع «حلس» به معنای اینکه باز می گردانند خانه نشینان را از خانه نشینی) و دژها و مواضع دفاعی مستحکم را ویران می کنند و آشکار می سازند آنچه را که مصون و محفوظ مانده بود و می چینند (و قطع می کنند) شاخه ها را و فتح می کنند عراق را و باز می دارند از شکاف و دو دستگی با (ایجاد ترس و) خونریزی (یعنی هر صدای مخالف را به سرعت در نطفه خفه می کنند یا مراد این است که می مکند و سوء استفاده می کنند از شکاف و ایجاد اختلاف بین گروهها با خونی که ریخته می شود). [۷۷] پس، در آن هنگام انتظار بکشید ظاهر شدن صاحب الزمان را؛ یعنی مراقب باشید و چشم و حواستان را متوجه امام زمان کنید که بزودی ظهور خواهد فرمود.اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه و ارفع موانع الظهور یا من الیه تصیر الامور بحق محمد و آله علیهم السلام.

امیرمؤمنان و خطبه ذی قار و علائم آخرالزمان

فبعث الله عزوجل محمدا صلی الله علیه و آله بذلک ثم انه سیاءنی علیکم من بعدی زمان لیس فی ذلک الزمان شیی اخفی من الحق و لا اظهر من الباطل و لا اکثر من الکذب علی الله تعالی و رسوله صلی الله علیه و آله و لیس عند اهل ذلک الزمان سلعهٔ ابور من الکتاب اذا تلی حق تلاوته و لا سلعهٔ انفق بیعا و لا اغلی ثمنا من الکتاب اذا حرف عن مواضعه و لیس فی العباد و لا فی البلاد شیی هو انکر من المعروف و لا اعرف من المنکر و لیس فیها فاحشهٔ انکر و لا عقوبهٔ انکی من الهدی عند الضلال فی ذلک الزمان فقد نبذ الکتاب حملته و تناساه حفظته حتی تمالت بهم الاهواء و توارثوا ذلک من الاباء و عملوا بتحریف الکتاب کذبا و تکذیبا فباعوه بالبخس و کانوا فیه من الزاهدین فاالکتاب و اهل الکتاب فی ذلک الزمان طریدان منفیان و صاحبان مصطحبان فی طریق واحد لا یاءویهماامور و فحبذا ذانک الصاحبان واها لهما و لما یعملان له فاالکتاب و اهل الکتاب فی ذلک الزمان فی الناس ولیسوا فیهم و معهم و لیسوا معهم و ذلک لان الضلالهٔ لاتوافق الهدی و ان اجتمعا وقد اجتمع القوم علی الفرقهٔ و اقترقوا قواعن الجماعهٔ قد ولوا امرهم دینهم من یعمل فیهم بالمکر و المنکر و الرشا و القتل کانهم ائمهٔ الکتاب ولیس الکتاب امامهم لم یبق عندهم من الحق الا اسمه و لم یعرفوا من الکتاب الا خطه وزبره یدخل الداخل لما یسمع من حکم القرآن فلا یطمئن جالسا حتی یخرج من الدین ینتقل من دین ملک الی دین ملک و من ولایهٔ ملک الی ولایهٔ ملک و من طاعهٔ ملک الی طاعهٔ ملک و من عهود ملک الی عهود ملک فاستدرجهم الله تعالی من حیث لایعلمون و ان کیده متین بالامل و الرجاء حتی توالدوا فی المعصیهٔ ودانوا بالجور و الکتاب لم یضرب عن شیی منه صفحا ضلالا تائهین قد دانوا بغیر دین الله عزوجل وادنوا لغیر الله مساجدهم فی ذلک الزمان عامرهٔ من الضلالهٔ خربهٔ من الهدی (قد بدل فیها من الهدی) فقراؤ ها و عمارها اخائب خلق الله و خلیقته من عندهم جرت الضلاله و الیهم تعود فحضور مساجدهم و المشی الیها کفر بالله العظیم الا من مشی الیها و هو عارف بضلالهم فصارت مساجدهم من فعالهم علی ذلک النحو خربهٔ من الهدی عامرهٔ من الضلالهٔ قد بدلت سنهٔ الله و تعدیت حدوده و لا یدعون الی الهدی و لا یقسون الفی و لا یوفون بذمه یدعون القتیل منهم علی ذلک شهیدا قد اتو الله بالافتراء و الجحود و استغنوا بالجهل عن العلم و من قبل ما مثلوا بالصالحین کل مثله و سموا صدقهم علی الله فریهٔ و جعلوا فی الحسنهٔ العقوبهٔ السیئهٔ و قد بعث الله عزوجل الیکم رسولا من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤ منین رؤ ف رحیم صلی الله علیه و آله و انزل علیه کتابا عزیزا لایاءتیه الباطل من بین یدیهٔ و لا من خلفه تنزیل من حکیم حمید قرآنا عربیا غیر ذی عوج لینذر من کان حیا و یحق القول علی الکافرین فلا یلهینکم الامل و لایطولن علیکم الاجل فانما اهلک من کان قبلکم امد اءملهم و تغطیهٔ الاجال عنهم حتی نزل بهم الموعود. [۷۸] .خداوند برای هدایت و ارشاد شما پیامبرش را مبعوث به رسالت فرمود و بدانید که بعد از من دورانی خواهید داشت که در آن چیزی پنهان تر از حق نیست و نیز در آن زمان روشن تر از باطل چیز دیگری نخواهد بود. در این عصر، دروغ بستن بر خدا و پیامبرش از هر چیزی بیشتر است. در این زمان متاعی کم ارزش تر از قرآن خدا در نزد این مردم نیست، در صورتی که قرآن را بحق بخوانند و به آن عمل کنند، هیچ متاعی از نظر ارزش به پای کتاب خدا نمی رسد، اگر تحریف شود و برخلاف حق تفسیر گردد، به تحقیق، سودجویان از آن استفاده می کنند. در این زمان و در میان مردم شهرها هیچ چیزی از معروف (کارهای خوب و خداپسند) زشت تر و منکرتر، و هیچ کاری و عملی از منکر (گناه) زیباتر نیست. در نظر مردم گمراه این زمان هیچ راهی بدتر از رفتن به راه حق نیست (پیمودن راه بندگی به معنی واقعی). در این عصر است که دانایان به قرآن آن را پس پشت می اندازند و نگهبانان قرآن آن را به دست فراموشی می سپرند (البته در عمل نه به زبان) و هوای نفس آنها را به این سو و آن سو می کشد و این انحرافی است که آن را از پدران خود به ارث برده اند. آنان به دروغ قرآن را تحریف و تفسیر می کنند و حقایق آن را خلاف واقع دانسته، آن را به بهای کمی می فروشند و نسبت به آن بی رغبت اند. پس، قرآن و اهل قرآن در این عصر رانده شده از اجتماع هستند و در عین اینکه (بسیار کم اندو) در میان مردم از لحاظ ظاهری حضور دارند در مغنا بیرون و بیگانه از این جامعه اند، و در حقیقت، به تبعید شدگان شباهت دارند و کسی به آنها (قرآن و اهل

آن) مکـان نمی دهـد (آنـان را تحویل نمی گیرد). آفرین بر این دو یار موافق (یعنی قرآن و پیروان واقعی آن). در این زمان قرآن و اقلیت عامـل به آن ظاهرا در میان جامعه هسـتند، اما در واقع بیرون از این مردم زنـدگی می کننـد؛ زیرا راه سـعادت و راه شـقاوت و گمراهی یکسان نیسـتند اگر چه با هم در یک جا جمع شونـد. مردم این زمان گرفتار جدایی و نفاق و از هماهنگی با حق بر حذرند و امور دینی و دنیوی خود را با افرادی برگزار می کنند که کارشان نیرنگ و زشـتکاری و رشوه خواری و کشـتار انسانهاست گویی خود را پیشوای قرآن می داننـد و عملا از رهبری قرآن محروم اند. از حق در میان آنها جز نامی و از قرآن جز جلد و کاغذ و نوشـته هـای آن نمانـده است. در این جـامعه صـدای قرآن و احکـام آن بر می خیزد و بعضـی به آن علاقه منـد می شونـد و در مجلس می نشـینند، ولی آرام نگرفته از مجلس بیرون می شونـد در حالی که از دین اسـلام بیرون رفته انـد (دیدن خلافها و شـنیدن آن) از دین پادشـاهی به مـذهب حکمران دیگر می رونـد، همین طور از سوی این حـاکم به سوی آن فرمـانروا و از سوی آن حکومت به سوی حکومت دیگر و از فرمانبری حکمرانی دیگر در رفت و آمدند (آری، چون پناهگاه اصلـی «دین» را از دست داده اند). خداوند آنها را گرفتـار اسـتدراج خـود می کنـد، یعنی به بـدبختی و عقـوبت خود می کشانـد، اگر چه به ظـاهر سرگرم دنیـای خود هسـتند و به اصـطلاح با خوشـی زنـدگی می کننـد و به راستی که آرزوها و امیـدهای بیجا زنـدگی آنها را فرا می گیرد تا آنجا که فرزندانی در معصیت به وجود می آورند (نسل آینده را پدید می آورند). در مقابل ناحق سـر تسـلیم خم می کنند و در عین حال خود را دیندار می دانند (آری، دین دلخواه اهل دنیا، نه آن دینی که خداوند فرسـتاده است).مساجد این مردم در این زمان از نظر ساختمان (کاشی کـاری، فرشـهای قیمتی، بخـاری، کولر و امثـال اینهـا) آبـاد، اما از هـدایت مردم به دین واقعی ویران است (تبلیغات درست برخلاف آنچه در واقع هست پیاده می شود). خوانندگان قرآن و آبادکنندگان مساجد زیانکارترین و ناکام ترین خلق خدایند. اینان سرچشمه گمراهیها هسـتند و بازگشت ضـلالت و گمراهی نیز به سوی خود آنها خواهـد بود. شـرکت در مساجـد اینها کفر به خداوند بزرگ است مگر برای آن افرادی که نسـبت به گمراهی آنها شـناخت داشـته باشـند. بر اساس اعمال نادرست متصدیان امور دینی، مساجد، این پایگاه دینی، از نظر تقوا خراب و انباشـته از گمراهی می شود و سـنتهای خداوندی را مبدل می سازند و حدود الهی را تغییر می دهند و مردم را به راه راست نمی خوانند و در آمد کشور اسـلامی و اموال بیت المال را به صاحبان واقعی اش، یعنی مسـتحقان نمی دهند بلکه آن را در راه نامشروع و جنگ و خونریزی به مصرف می رسانند و در ارتباط با پناهندگان اسلام پیمان شکنی می کنند و کسانی را که در این مسیر ناحق از آنها کشته می شوند شهید می نامند و به خداوند افترا می بندند و او را انکار می کنند و از دانش به خاطر نادانی خود روی بر می گردانند. در گذشـته هم کسانی همچون اینان بودند که بندگان خوب خداوند را شکنجه می دادند و آنهـا را مثله می کردنـد (یعنی گـوش و بینی آنهـا را می بریدنـد) و گفتـار آسـمانی و بر اسـاس مصـلحت آن افراد را که از طرف خداونـد می گفتنـد دروغ و نـاحق می انگاشـتند و در برابر کـار خوب و شایسـته کیفرهـای نـاصواب مقرر می کردنـد و حـال آنکه خداوند پیامبری را از میان شـما مبعوث کرد که نمی تواند رنج شما را ببیند (یعنی خوشی و رفاه شما را طالب است و همه مسلمانان را دوست می دارد) و بر این پیامبر کتابی نازل شـده است که نظیر نـدارد (چون که جوابگوی تمام خواسـته ها و نیازمندیهای علمی، اقتصادی، صـنعتی، کشاورزی، تجاری، دامپروری، نظامی، سیاسی، اخلاقی، اجتماعی و سایر نیازهای دیگر شماست). خداوند وعده فرموده است که باطل به هیـچ نحو نمی تواند به قرآن حمله ور شود و تحریف در آن راه نمی یابد (از پیش رو و پشت سـر، خداوند نگهبان قرآن است) و با اینکه از تمام گذشـته ها خبر داده کوچکترین خلافی در آن دیده نشده است و تاریخ دنیا نیز بر آن گواهی می دهـد...از خداونـد بزرگ تقاضـا دارم که همه مسـلمانان جهـان به ویژه شـیعیان آن حضـرت را موفق به انجـام و عمـل کردن به دستورات دنیا و نیز دوری از کجرویها بفرماید. آمین یا رب العالمین.

علی و فتنه های پیش از ظهور

یظهر فی شبهة لیستبین فیعلو ذکره و یظهر امره و ینادی باسمه و کنیته و نسبه و یکثر ذلک علی افواه المحقین و المبطلین و الموافقین والمخالفین لتلزمهم الحجة بمعرفتهم به علی انه قد قصصنا و دللنا علیه و نسبناه و سمینا و کنیناه و قلنا سمی جده رسول الله و کنیه لئلا یقول الناس ما عرفنا له اسما و لا کنیة و لا نسبا و الله لیتحقق الایضاح به و باسمه و کنیته علی السنتهم حتی لیسمیه بعضهم لبعض کل ذلک للزوم الحجة علیهم ثم یظهره الله کما وعد به جده صلی الله علیه و آله فی قوله عزوجل «و هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون». [۷۹] .آنگاه که فتنه ها و شبهات جامعه را فراگیرد امام عصر (روحی له الفداء) ظاهر می شود. (همه جا از قیام او سخن گفته می شود و مانند خورشید فروزان می درخشد). در میان آسمان و زمین او را به نام کنیه و نسب یاد می کنند و نام عزیزش در محافل دوست و دشمن و مردم باایمان و بی ایمان نقل می گردد تا حجت بر همگان تمام شود و جامعه او را بشناسد و ما پیوسته نام و نشان او را اعلام کرده ایم (در کتابها و در سخنان) و گفته ایم که او همنام جدش خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و هم کنیه اوست تا کسی نگوید که من نام و نسب و کنیه او را نمی دانستم. به خدا سوگند آنقدر نام و نسب و کنیه او بر زبان مردم جاری می شود تا دیگر برای کسی ابهامی نماند. اجرای این برنامه ها یکسره برای این است که حجت بر همگان تمام شود. آنگاه خداوند امر به ظهورش می فرماید، چنانکه در آیه شریفه «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون» [۸۰] به جدش خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله وعده فرموده است که باید دین مقدس اسلام بر تمام ادیان غلبه و پیروزی داشته باشد اگر چه دشمنان خداوند نخواهند.عن امیرالمؤ منین علیه السّلام: ان لنا اهل البیت رایة من تقدمها سرق و من تاءخر عنها زهق و من تبعها لحق یکون مکتوبا فی راءیته «البیعة لله». [۸۱] .حضرت امیرالمؤ منین علی بن ابی طالب علیه السّلام می فرماید: برای ما اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) پرچمی هست که هر کسی بر آن سبقت بگیرد دزدیده می شود (استعمارگران و استثمارگران او را می برند و عقایدش را می دزدند کما اینکه تمام سرمایه های معنوی دنیای اسلام را دزدیدند) و هر کسی که عقب بماند از این پرچم، نابود و هلاک خواهد شد و هر کسی که متابعت از این پرچم نمود، سعادتمند و موفق خواهد شد. روی آن پرچم نوشته است «بیعت از آن خداوند است».اللهم فاجعل بیته خروجا من الغمة واجمع به شمل الامة. [۸۲] .خداوندا! بیعت با حضرت بقیة الله (علیه السّلام و عجل الله له الفرج) را برای مردم بیرون رفتن از تمام غم و اندوه ها قرار بده و پراکندگی و سرگردانی امت را به اتحاد و اتفاق مبدل فرما.

امیرالمؤمنین و علائم قیام قائم

سلمان فارسی می گوید: آمدم خدمت حضرت امیرالمؤ منین علیه السّلام عرض کردم قائم از فرزندان شما کی قیام می کند؟ آن حضرت آهی کشیده، فرمودند:لایظهر القائم حتی یکون امور الصبیان و یضیع حقوق الرحمن و یتغنی بالقرآن فاذا قتلت ملوک بنی العباس اولی العمی و الالتباس اصحاب الرمی عن الاقواس بوجوه کالتراس و خربت البصرة هناک یقوم القائم من ولد الحسین علیه السّلام. [۸۳] .قائم ظاهر نمی شود تا اینکه چند نشانه به وجود آید:۱. کارها به دست نوجوانان و افراد ناآگاه قرار گیرد.۲. حقوق خداوند رحمان (احکام دین خدا) ضایع گردد.۳. قرآن را با تغنی (به غنا) بخوانند.۴. پادشاهان بنی عباس که از دیدن حق محروم، و از شناخت آن ناتوانند، به دست تیراندازان و کماندارانی کشته شوند، که صورتهایشان همانند سپر می باشد (منظور مغولها هستند که در نهج البلاغه - خطبه ۱۲۸ - از آنها «المجان المطرقة» یعنی: سپرهای چکش خورده، تعبیر شده است).۵. بصره خراب گردد.در این موقع قائم ما از فرزندان امام حسین علیه السّلام قیام می کند.از امام امیرالمؤ منین و نیز از حضرت صادق و حضرت باقر علیهم السلام نقل شده است که فرموده اند:و یحا للطالقان فان لله فیها کنوزا لیست من ذهب ولا فضة ولکن بها رجال عرفواالله حق معرفته و هم انصار المهدی فی آخر الزمان. [۸۴] .خوشا به حال مردم طالقان که در اجتماع و منطقه آنان برای خداوند متعال گنجهایی است که از طلا و نقره نیست، اما مردانی هستند که به درستی خداوند را شناخته اند و اینان از یاوران حضرت مهدی روحی له الفداء در

آخر الزمان هستند (به راستی خوشا به حال آنها).حضرت امام امیر المومنین و وسایل نقلیهزمان حکومت حضرت مهدی (ع)امام امیر المومنین (ع) درباره وسایل نقلیه دوران جهانگیری حضرت بقیه الله روحی له لفدا چنین می فرماید:«ثم یامر المهدی بالنشاء مراکب یبنی اربعمائه سفینه فی ساحل عکا و یوافی المهدی طرطوس فیفتحها و یتقدم الی انطاکیه فیفتحها و یهاجم القسطنطنیه فیفتحها و یتوجه الی بلاد الروم فیفتح رومیه مع اصحابه.» [۸۵] .آنگاه حضرت مهدی (ع) امر می فرمایند مرکبهای سواری بسازند و در کرانه عکا چهار صد کشتی ساخته می شود و به طرف طرطوس [۸۶] به حرکت در می آیند و آنجا را فتح می کند و از طرطوس به سمت انطاکیه می رود، آنجا را هم فتح می کند و از انطاکیه به طرف قسطنطنیه [۸۷] هجوم می آورد، آن سرزمین را هم فتح می کند و به جانب بلاد روم (کشورهای غربی) حرکت می کند و همه آن کشورها را مسخر می نماید (اللهم عجل فرجه).

حکومت مهدی

امیرالمؤمنین و نزول حضرت عیسی

امام امیرالمؤ منین علیه السّلام به تشریف فرمایی حضرت عیسی بن مریم علی نبینا و علیه السّلام در روزهای اول ظهور اشاره می فرمایند، آن هم در بیت المقدس روز جمعه:ثم ان المهدی یرجع الی بیت المقدس فیصلی بالناس ایاما فاذا کان یوم الجمعهٔ وقد اقیمت الصلوهٔ ینزل عیسی بن مریم فی تلک الساعهٔ من السماء و علیه ثوابان احمر ان کانما یقطر من راءسه الدهن و هو رجل صبیح المنظر والوجه اشبه الخلق بابراهیم فیاءتی المهدی و یصافحه و یبشره بالنصر فعند ذلک یقول له المهدی تقدم یا روح الله وصل بالناس فیقول عیسی بل الصلوهٔ لک یا ابن رسول الله فعند ذلک یؤ ذن عیسی و یصلی خلف المهدی. [۸۸] .مهدی ما به جانب بیت المقدس برمی گردد و چند روزی در آنجا با مردم نماز می خواند تا روز جمعه می رسد و مردم آماده نماز هستند که ناگهان حضرت عیسی بن مریم در همین ساعت از آسمان به زیر می آید، در حالتی که دو لباس قرمز به تن دارد و قطرات عرق از سر و صورتش مانند قطرات روغن می ریزد. مردی زیبا و خوش اندام است که شبیه ترین مردم به حضرت خلیل الرحمن (علیه السّلام) است پیش می آید و با حضرت بقیهٔ الله مصاحفه می کند و بشارت به فتح و پیروزی می دهد. در این موقع حضرت مهدی علیه السّلام تعارف می فرماید به حضرت عیسی که جلو بایستید و با مردم نماز بخوانید. حضرت عیسی می فرماید: ای فرزند رسول خدا! «بل الصلوهٔ لک». کنایه از اینکه پیشوایی دیگر مخصوص به شماست. در این موقع حضرت عیسی اذان می گوید و حضرت بقیهٔ الله ارواحنا له الفداء جلو می ایستد و جناب عیسی علیه السّلام به آن حضرت اقتدا می کند (اللهم عجل فرجه).امام امیرالمومنین و نشانه های پیش از قیامامام صادق (ع) از وجود مقدس حضرت امیرالمومنین سلام علیهما روایت می کنند که آن سرور فرمودند:«قال امیر المؤ منین علیه السلام لیاتین علی الناس زمان یظرف فیه الفاجر و یقرب فیه الماجن و یضعف فیه المنصف قال فقیل له متی ذاک یا امیر المؤ منین فقال (اذ اتخذت الامانه مغنما و الزکاه مغرما و العباده استطاله و الصله منا قال فقیل له متی ذلک یا امیر المؤ منین فقال (ع» اذا تسلطن النساء وسلطن الاماء و امر الصبیان. [۸۹] .مسلما زمانی بر مردم خواهد آمد که افراد فاجر و گناهکار را مورد احترام خاص قرار می دهند، سخن چین و بد زبان را مقرب خود می سازند و افراد با انصاف را ضعیف و ناتوان می شمارند. عرض کردند: یا امیر المؤ منین! کی خواهد شد؟ فرمودند: (هر وقت دیدید امانت را غنیمت می شمارند (خیانت به امانت می کنند)، دادن زکات را برای خود زیان و غرامت می پندارند، عبادت را بار و سنگینی بر دوش خود می دانند وصله کردن را با منت انجام می دهند. عرض کردند: یا امیر المؤ منین! کی خواهد شد؟ فرموند:) هرگاه دیدید زنان تسلط پیدا کردند (بر امور اجتماعی و سیاسی و غیره) و نیز هر وقت دیدید که اماء و کنیزان استیلا یافتند و نوجوانان به زمامداری رسیدند.خواننده عزیز!اگر دقت کنید تمام این علامتها در اجتماع ما در ابعاد مختلف دیده می شود.

نشانه های ظهور

رسول اکرم و نشانه های ظهور

عن السکونی عن ابی عبدالله علیه السّلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله سیاءتی علی امتی زمان تخبث فیه سرائرهم و تحسن فیه علانیتهم طمعا فی الدنیا لایریدون به ما عند الله عزوجل یکون امرهم ریاء، لا یخالطه خوف، یعمهم الله منه بعقاب فیدعونه دعاء الغریق فلا یستجاب لهم. [۹۰] .سکونی از امام جعفر صادق علیه السّلام نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بر امت من زمانی بیاید که باطن آنها پلید و ظاهرشان به جهت طمع در دنیا آراسته باشد و خداوند را در نظر ندارند عمل آنها ریا است و از او نمی ترسند. خداوند نیز همه آنان را عقوبت خواهد کرد و هرچه دعا کنند، حتی دعای غریق، مستجاب نخواهد شد.از این روایت چند علامت برای ظهور حضرت بقیهٔ الله ارواحنا له الفداء - آن هم از زبان آورنده اسلام حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله - نقل کرده اند:۱. دلها مملو از خبائث و صفات رذیله می شود.۲. مردم تظاهر به خوبیها می کنند در حالی که دلشان از خوبیها خالی است.۳. هدف از این تظاهرات، فرورفتن در کثافات اخلاقی دنیا و تعینات آن است.۴. کارهای آنها اگرچه به صورت عبادت است اما برای غیر خدا انجام می شود (ریا).۵. توجهی به عالم آخرت نخواهند داشت و از خداوند نمی ترسند.۶. به جهت این صفات، خداوند آنها را عقاب می کند به بلاهای اجتماعی از قبیل جنگ، گرفتار ظلم شدن، گرانی، سلب برکت و...۷. در این موقع هرچه دعا کنند حتی دعای غریق هم مستجاب نخواهد شد. [۹۱] رسول خدا صلی الله علیه و آله در روایتی در مورد نشانه های ظهور مهدی روحی له الفداء می فرمایند:سیاءتی زمان علی امتی لایبقی من القرآن الا رسمه و لا من الاسلام الا اسمه یسمون به وهم ابعد الناس منه مساجدهم عامرهٔ و هی خراب من الهدی فقهاء ذلک الزمان شرفقهاء تحت ظل السماء منهم خرجت الفتنه و الیهم تعود. [۹۲] .بزودی زمانی بر امت من فرا رسد که از قرآن جز رسم و از اسلام جز اسم باقی نماند. آنان به نام مسلمان خوانده می شوند در حالی که دورترین مردم از اسلام اند، مساجد آنان آباد و از هدایت خراب (خالی) است. فقهای آن زمان بدترین فقها در زیر آسمان اند فتنه از ایشان آغاز می شود و به آنان باز می گردد.وجود مبارک منجی عالم بشریت حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله وسلم در این حدیث که در حقیقت آیینه ای است که دنیای اسلام و مردم آن را نشان می دهد و این خود معجزه ای است از آن بزرگوار، به چند علامت در ارتباط با ظهور فرزند عزیزش اشاره فرموده است:۱. محتوی و حقایق حیاتبخش قرآن، متروک و فقط اسمی از آن می ماند.۲. از اسلام نامی می ماند و قوانین جامع و کامل آن به حالت تعطیل در می آید و به انزوا سپرده می شود. [۹۳] .۳. تقریبا یک چهارم از جمعیت دنیا ادعای مسلمانی می کنند در صورتی که عملا از اسلام بیگانه اند.۴. مساجدشان از نظر بنیان و جهات ظاهری آباد اما از لحاظ تقوا ویران است. مساجد مرکز غیبت، تهمت، ریختن آبروی مردم و بدعتها - البته به صورتهای مختلف - شده است.۵. فقها و دانشمندان بدترین دانشمندانی هستند که در زیر این آسمان بسر می برند. با تاءملی کوتاه درباره عالم نماهای زمان خودمان و فسادی که در اجتماع کرده اند معنی روایت معلوم می شود.۶. تمام فتنه ها از ناحیه علمای سوء است و بازگشت آنها نیز به خودشان خواهد بود.«اذا فسد العالم فسد العالم»رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید هرگاه دانشمندی راه فساد را در پیش بگیرد جهانی را به تباهی می کشد. زیرا مردم این دسته از افراد را الگو و سمبل دین می دانند.خواننده گرامی!ناگفته نماند که از نظر منطق و برهان، همیشه حساب مکتب، از اشخاص جداست.امام صادق علیه السّلام به نقل از پدران مکرم خود ائمه معصومین سلام اللّه علیهم اجمعین می فرماید:قال رسول الله صلی الله علیه و آله: (ان) الاسلام بداء غریبا و سیعود غریبا کما بداء فطوبی للغرباء. [۹۴] .رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: اسلام در ابتدا غریب و تنها بود و بزودی نیز همچون زمان پیدایش غریب و تنها خواهد شد. خوشا به حال تنهایان و غربا.خواننده ارجمند!اسلام عزیز ما در ابتدا بسیار غریب بود و فقط یک اقلیت از آن استقبال کردند. در آخرالزمان نیز چنان خواهد شد، کما اینکه اکنون نیز اینچنین است و با این همه

امکانات نظامی، اقتصادی و انسانی که در جهان اسلام وجود دارد، مع الوصف، مسلمین در چنگال ستمگران و کفاری مانند اسرائیل بسر می برند. دلیل بر اثبات عرض ما وضع موجود دنیای اسلام است و در روایت بالا تحت عنوان نشانه های ظهور دولت حق، رسول اکرم صلی الله علیه و آله به غربت مجدد اسلام اشاره فرموده و در ضمن کلمه «فطوبی للغرباء»بشارت پیروزی اسلام را داده اند (البته بشارت ضمنی). آری، اسلام در ابتدای امر واقعا غریب بود، درست مانند کسی که وارد شهری بشود، آشنایی نداشته باشد و پولی هم همراه نداشته باشد که بتواند خودش را اداره کند و زبانش هم با مردم آن شهر یکی نباشد، همچنانکه زبان اسلام زبان توحید بود در حالی که زبان مردم لسان کفر و الحاد و بت پرستی بود و پیامبر بزرگوار فرمودند در آخرالزمان هم این طور خواهد شد.خواننده محترم!ملاحظه می فرمایید زبان اسلام در دنیای ما نیز زبان صلح، عدالت، ایمان، امنیت و برادری است، در حالی که در جهان کنونی، اعمال مردم برخلاف این برنامه هاست.از امام صادق علیه السّلام منقول است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:من ابغضنا اهل البیت بعثه الله یهودیا قیل یا رسول الله و ان شهد الشهادتین؟ قال نعم انما احتجب بهاتین الکلمتین عند سفک دمه او یؤ دی الجزیهٔ و هو صاغر ثم قال من ابغضنا اهل البیت بعثه الله یهودیا قیل و کیف یا رسول الله؟ قال ان ادرک الدجال آمن به. [۹۵] .هر که ما اهل بیت را دشمن دارد خداوند (عزوجل) او را یهودی برانگیزد. سؤ ال شد: یا رسول الله! اگرچه شهادتین بگوید؟ فرمودند: بله، در نتیجه دو کلمه شهادت (اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله) فقط جان او محفوظ می ماند و یا از پرداخت جزیه معارف می شود. سپس ادامه دادند: هر کسی که ما اهل بیت را دشمن بدارد خداوند او را یهودی برانگیزد. پرسیدند: چگونه ای رسول خدا؟ فرمودند: اگر زمان دجال را دریابد به او ایمان آورد.در این روایت، پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله پس از اشاره به وظیفه مردم در ارتباط با اهل بیت علیهم السلام و نیز زیان دشمنی با خاندان گرامی اش، به خروج دجال که از علائم ظهور حضرت بقیهٔ الله روحی له الفداء است، اشاره فرموده اند. بنابراین، زیان دشمنی با اهل بیت سلام اللّه علیهم اجمعین را می توان این گونه خلاصه کرد:۱. محشور شدن در روز قیامت با یهودیان.۲. حسرت و پشیمانی که در سایه قطع ارتباط با خاندان وحی دامنگیر انسان می شود.۳. از دست دادن نعمتهای ابدی خداوند.۴. مخلد بودن در آتش جهنم.۵. محرومیت از مصاحبت با ذوات مقدسه معصومین سلام اللّه علیهم اجمعین.رسول مکرم صلی الله علیه و آله خبر از قیام مهدی روحی له الفداء می دهد و از آن حضرت به نام خاتمه دهنده به دین چنین می فرماید:المهدی منا یختم الدین به کما فتح بنا... (و اخرج الحاکم فی صحیحه) یحل بامتی فی آخر الزمان بلاء شدید من سلطانهم لم یسمع بلاء اشد منه حتی لایجد الرجل ملجاء فیبعث الله رجلا من عترتی اهل بیتی یملاء الارض قسطا و عدلا کما ملئت ظلما و جورا یحبه ساکن الارض و ساکن السماء و ترسل السماء قطرها و تخرج الارض نباتها. [۹۶] .همچنانکه دین به وسیله من آغاز شد، توسط فرزندم مهدی (علیه السّلام) خاتمه می یابد... در آخرالزمان امت من در سایه زمامداری ستمگر به بلاهایی مبتلا می شوند که مانند آن را نشنیده اند و به اندازه ای عرصه بر مردم تنگ می شود که پناهگاهی برای خود پیدا نمی کنند. در این هنگام خداوند مردی از عترت و اهل بیت من بر می انگیزد که جهان را پر از عدل و داد می کند چنانکه پر از ظلم و جور شده باشد. از ویژگیهای او این است که اهل زمین و ساکنان آسمانها او را دوست می دارند و آسمان بارانهای خودش را می بارد و زمین برکاتش را در اختیار مردم قرار می دهد.سیجی ء فی آخر الزمان اقوام تکون وجوههم وجوه الادمیین و قلوبهم قلوب الشیاطین امثال الذئاب الضواری لیس فی قلوبهم شیء من الرحمهٔ سفاکین للدماء و لا یرعون عن قبیح ان تابعتهم و ارواک و ان تواریت عنهم اغتابوک و ان حدثوک کذبوک و ان ائتمنتهم خانوک صبیهم عارم و شابهم شاطر و شیخهم لایامر بمعروف و لا ینهی عن منکر الاعتزاز بهم ذل و طلب ما فی ایدیهم فقر الحلیم فیهم غاو و الامر فیهم بالمعروف متهم المؤ من فیهم مستضعف و الفاسق فیهم مشرف السنهٔ فیهم بدعهٔ و البدعهٔ فیهم سنهٔ فعند ذلک یسلط الله علیهم شرارهم و یدعو خیارهم فلا یستجاب لهم. [۹۷] .در آخرالزمان مردمانی بیایند که از نظر ظاهر، سیمای آدمیان را دارند، اما دلهایشان مانند قلبهای شیطانها است (پر از خودخواهی و تکبر و غرور و امثال اینها است). مانند گرگهای درنده دلشان خالی از رحمت و عطوفت انسانی باشد، قتل و

خونریزی برای آنها یک امر بسیار ساده و بی اهمیت خواهد بود و از کارهای زشت دوری نمی کنند. اگر از آنها متابعت کنی تو را از خود می رانند و اگر از آنان فاصله بگیری تو را مورد غیبت و عیبجویی قرار می دهند؛ اگر با تو سخن گویند دروغ می گویند و اگر آن مردم را امین خویش قرار دادی به تو خیانت می کنند. بچه های آنها با ناز و نخوت زندگی می کنند و جوانانشان بی باک و از خود راضی اند چندان که مردم را از بی تربیتی خویش عاجز می کنند. پیروان آنها امر به خوبیها و نهی از بدیها نمی کنند. عزت جستن به وسیله آنها ذلت و خواری است، مطالبه موجودی آنها فقر و ناتوانی است. شخص عاقل در میان آنها گمراه به شمار می آید و امر به معروف کننده مورد تهمت و افترا قرار می گیرد. افراد با ایمان و صاحبان تقوا در میان ایشان ضعیف خواهند بود، اما افراد فاسق در میان آنها با شخصیت حساب می شوند. کارهای خوب و سنتهای الهی در میان این جمعیت بدعت محسوب می شود و از طرفی بدعت در میان آنها سنت به حساب می آید. در چنین زمانی که مردمش دارای چنین خصوصیات اخلاقی شده اند، خداوند اشرار و مردم بد را بر آنها مسلط می کند و دیگر دعاوی خوبان اجابت نخواهد شد.

شب معراج و نشانه های ظهور

در حدیث مبارکی که ابن عباس از زبان پرنور آورنده اسلام حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله نقل کرده به نشانه هایی در رابطه با قیام جهانی حضرت صاحب الامر علیه السّلام تصریح شده است که به نظر خوانندگان عزیز می رسد:عن ابن عباس عن رسول الله صلی الله علیه و آله: فی حدیث ان الله اوحی الیه لیلهٔ اسری به ان یوصی الی علی و اخبره با لائمهٔ من ولده الی ان قال و آخر رجل منهم یصلی عیسی ابن مریم خلفه یملا الارض عدلا کما ملئت جورا و ظلما انجی به من الهلکهٔ و اهدی به من الضلالهٔ و ابری به الاعمی و اشفی به المریض فقلت الهی و سیدی متی یکون ذاک فاوحی الله عزوجل الی یکون ذلک اذا رفع العلم و ظهر الجهل و کثر القراءهٔ و قل العمل و کثر القتل و قل الفقهاء و الهادون و کثر فقهاء الضلالهٔ و الخونهٔ و کثر الشعراء و اتخذ امتک قبورهم مساجد و حلیت المصاحف و زخرفت المساجد و کثر الجور و الفساد و ظهر المنکر و اءمر امتک به و نهی عن المعروف و اکتفی الرجال بالرجال و النساء بالنساء و صار الامراء کفرهٔ و اولیائهم فجرهٔ و اعوانهم ظلمهٔ ذووالراءی منهم فسقهٔ و عند ثلاثهٔ خسوف خسف بالمشرق و خسف بالمغرب و خسف بجزیرهٔ العرب و خراب بصرهٔ علی ید رجل من ذریتک تتبعه الزنوج و خروج رجل من ولد الحسین بن علی و ظهور الدجال یخرج من المشرق من سجستان و ظهور السفیانی. [۹۸] .ابن عباس می گوید: در شب معراج مطالبی به رسول اکرم صلی الله علیه و آله وحی شد که باید به وجود مقدس حضرت امیرالمؤ منین علیه السّلام خبر داده شود و نیز به ائمه بعد از آن حضرت. بعد فرمودند که خداوند برای آخرین آنها نشانه هایی بیان فرمودند:۱. عیسی بن مریم پشت سر آن بزرگوار نماز می خواند.۲. زمین را پر از عدل و داد می کند چنانچه پر از ظلم و جور شده باشد.۳. بندگانم را به وسیله او (امام عصر) از هلاکت نجات می دهم.۴. گمراهان را به وسیله او هدایت می کنم.۵. نابینایان و بیماران را به وسیله او شفا می دهم.عرض کردم خداوندا! آن کی خواهد شد؟ خطاب رسید:۶. هرگاه علم از میان برداشته شود و جهل و نادانی به جای آن نشیند.قرائت قرآن زیاد اما عمل به آن کم شود.۷. قتل و کشتار زیاد شود.۸. فقها و هدایت کنندگان واقعی کم شوند (اشاره است به وجود علمای ربانی).۹. علمای فاسق (بی عمل) و خیانتکار زیاد شوند (آنان که دین را به فکر خود معنی می کنند).۱۰. شعرا زیاد شوند.۱۱. امت شما قبرستانها را مساجد قرار دهند.۱۲. قرآنها را زینت کنند.۱۳. مساجد را مجلل بسازند.۱۴. جور و فساد زیاد شود.۱۵. منکرات ظاهر شود.۱۶. امت شما امر به منکر کنند.۱۷. پیروان شما نهی از معروف کنند.۱۸. مردها به مردها اکتفا کنند (لواط).۱۹. زنان به زنان قناعت کنند (مساحقه).۲۰. زمامداران کافر شوند.۲۱. دوستان حکمرانان گنهکاران باشند.۲۲. یاوران آنها ستمگران باشند.۲۳. صاحبان راءی و نظر از آنان فاسقان باشند.۲۴. سه خسف [۹۹] در دنیا واقع شود: یکی خسف در مشرق، خسف دیگر در مغرب و خسف سوم در جزیرهٔ العرب.۲۵. خراب شدن بصره به دست یکی از ذراری تو (سید) که زنگیها دنبالش را بگیرند.۲۶. قیام مردی

از اولاد امام حسین علیه السّلام۲۷. ظهور دجال و قیامش از سجستان.۲۸. خروج سفیانی.

امام امیرالمؤمنین و نشانه های پیش از قیام

امام صادق علیه السّلام از وجود مقدس حضرت امیرالمؤ منین سلام الله علیها روایت می کنند که آن سرور فرمودند:قال امیرالمؤ منین علیه السّلام لیاءتین علی الناس زمان یظرف فیه الفاجر و یقرب فیه الماجن و یضعف فیه المنصف قال فقیل له متی ذاک یا امیرالمؤ منین فقال (اذ اتخذت الامانهٔ مغنما والزکاهٔ مغرما و العبادهٔ استطالهٔ والصلهٔ منا قال فقیل له متی ذلک یا امیرالمؤ منین فقال (علیه السّلام)) اذا تسلطلن النساء و سلطن الاماء و امر الصبیان. [۱۰۰] .مسلما زمانی بر مردم خواهد آمد که افراد فاجر و گناهکار را مورد احترام خاص قرار می دهند، سخن چین و بد زبان را مقرب خود می سازند و افراد با انصاف را ضعیف و ناتوان می شمارند. عرض کردند: یا امیرالمؤ منین! کی خواهد شد؟ فرمودند: (هر وقت دیدید امانت را غنیمت می شمارند (خیانت به امانت می کنند)، دادن زکات را برای خود زیان و غرامت می پندارند، عبادت را بار و سنگینی بر دوش خود می دانند و صله کردن را با منت انجام می دهند. عرض کردند: یا امیرالمؤ مین! کی خواهد شد؟ فرمودند:) هرگاه دیدید زنان تسلط پیدا کردند (بر امور اجتماعی و سیاسی و غیره) و نیز هر وقت دیدید که اماء و کنیزان استیلا یافتند و نوجوانان به زمامداری رسیدند.خواننده عزیز!اگر دقت کنید تمام این علامتها در اجتماع ما در ابعاد مختلف دیده می شود.

حضرت امام محمد باقر و نشانه های ظهور

فضل بن شاذان از ابی حمزه ثمالی چنین نقل می کند:قلت لابی جعفر علیه السّلام خروج السفیانی من المحتوم؟ قال نعم و النداء من المحتوم و طلوع الشمس من مغربها من المحتوم و اختلاف بنی العباس فی الدولهٔ من المحتوم و قتل النفس الزکیهٔ محتوم و خروج القائم من آل محمد صلی الله علیه و آله محتوم، قلت: و کیف یکون النداء؟ قال ینادی من السماء اول النهار الا ان الحق مع علی وشیعته ثم ینادی ابلیس فی آخر النهار من الارض الا ان الحق مع عثمان وشیعته فعند ذلک یرتاب المبطلون. [۱۰۱] .به امام باقر علیه السّلام عرض کردم: خروج سفیانی حتمی است؟ فرمودند: آری، صیحه آسمانی نیز از علائم حتمی است، طلوع خورشید از مغرب حتمی است، اختلاف بین بنی عباس در رابطه با حکومت حتمی است، کشته شدن نفس زکیه حتمی است، قیام قائم آل محمد حتمی است. عرض کردم: ندای آسمانی چگونه است؟ فرمودند: اول صبح منادی از آسمان ندا می کند که حق با علی (علیه السّلام) و شیعیان اوست. آخر وقت همان روز منادی فریاد می زند که حق با عثمان و پیروان اوست. از شنیدن صدای دوم اهل باطل در شک می افتد (آری، آزمایش است).ابوالجارود، یکی از اصحاب حضرت باقر علیه السّلام، می گوید آن حضرت با آگاهی کامل از آینده قیام حضرت مهدی علیه السّلام فرمودند:اذا قام القائم علیه السّلام سار الی الکوفهٔ فیخرج منها بضعهٔ عشر الف نفس یدعون البتریهٔ علیهم السلاح فیقولون له ارجع من حیث جئت فلا حاجهٔ لنا فی بنی فاطمهٔ فیضع فیهم السیف حتی یاءتی علی آخرهم ثم یدخل الکوفهٔ فیقتل بها کل منافق مرتاب و یهدم قصورها و یقتل مقاتلیها حتی یرضی الله عزوجل. [۱۰۲] .زمانی که حضرت قائم علیه السّلام قیام کند، به کوفه تشریف فرما می شوند و بیش از ده هزار نفر از آنجا بیرون می آیند که آنها را «بتریه» می گویند. پس، به آن حضرت عرض می کنند: برگرد به همان مکانی که بوده ای، ما نیازی به فرزندان فاطمه (سلام الله علیها) نداریم. پس، شمشیر را می کشد و همه آنها را می کشد. سپس وارد کوفه می شود و تمام افراد منافق و جنگجو را می کشد تا خداوند متعال راضی گردد.جابر از امام باقر علیه السّلام در ارتباط با برنامه های دولت کریمه حضرت مهدی علیه السّلام چنین می فرماید:اذا قام القائم علیه السّلام ضرب فساطیط و یعلم الناس القرآن علی ما انزل الله عزوجل فاصعب ما یکون علی من حفظه الیوم لانه یخالف فیه التاءلیف. [۱۰۳] .هنگامی که قائم آل محمد قیام می کند، خیمه های خودش را برپا می سازد (گویا در کوفه باشد) و قرآن را به

مردم یـاد می دهـد، چنانکه خداونـد بر رسول گرامی نازل فرمود (از نظر ترتیب فرود آمـدن در روزهای اول) و مردم را با قرآن این طور آشـنا می کند. آن روز برای آنهایی که قرآن را قبلا حفظ کرده اند بسـیار مشکل است (از نظر ترتیب سوره ها و نازل شدن در گذشـته).به امام باقر علیه السّـلام عرض شد:ان اصـحابنا بالکوفهٔ جماعهٔ کثیرهٔ فلو امرتهم لاطاعوک و اتبعوک فقال یجی احدهم الی کیس اخیه فیاخذ منه حاجته؟ فقال لا فقال فهم بدمائهم ابخل... ثم قال ان الناس فی هدنهٔ نناکحهم و نوارثهم و نقیم علیهم الحدود و نؤ دی امانـاتهم حتی اذا قام القائم جاءت المزایله و یاءت الرجل الی کیس اخیه فیاءخـذ حاجته لایمنعه. [۱۰۴] .اصحاب و شیعیان ما در کوفه زیاد هسـتند؛ اگر دسـتوری صادر بفرمایید از شـما اطاعت می کنند. امام در جوابش فرمودند: آیا شیعیان ما دست در جیب یکدیگر می کنند و نیازمندیهای خودشان را برطرف می سازند؟ عرض شد: خیر. فرمودند: کسی که از انفاق مادیات در راه خداوند مضایقه می کند چگونه جانش را به فرمان ما در راه حق بذل می نماید؟ مردم در معرض امتحان هسـتند. ما با آنها ازدواج می کنیم، از آنها ارث می بریم، حدود الهی را بر آنها اقامه می کنیم و امانات آنها را به ایشان بر می گردانیم تا اینکه حضرت قائم علیه السّلام قیام کنـد. برادری آنچنان گسترش می یابـد که مردم بدون اجازه دست در جیب یکدیگر می کنند و هرچه لازم داشـته باشـند برمی دارند (این است برنامه عملی حکومت حضـرت ولی عصـر ارواحنا له الفداء).محمد بن مسلم ثقفی می گوید از امام باقر علیه السّلام شنیدم که فرمودند:القائم منصور بالرعب مؤ ید بالنصـر تطوی له الارض و تظهر له الکنوز و یبلغ سلطانه المشرق و المغرب و یظهر الله تعـالی به دینه ولو کره المشـرکون فلاـ یبقی فی الاـرض خراب الاـ عمر و ینزل روح الله عیسـی بن مریم فیصـلی خلفه فقلت له یا ابن رسول الله متی یخرج قـائمکم قـال اذا تشـبه الرجـال بالنسـاء و النسـاء بالرجـال و اکتفی الرجال بالرجال والنساء بالنساء و رکب ذوات الفروج السـروج و قبلت شـهادهٔ الزور و ردت شـهادهٔ العدل واستخف الناس بالدماء و ارتکاب الزنا و الکل الربا و اتقی الاسرار مخافهٔ السـنتهم و خرج السـفیانی من الشـام والیمانی من الیمن و خسف بالبیـداء و قتل غلام من آل محمـد صـلی الله علیه و آله بین الرکن و المقام اسـمه محمـد بن الحسن النفس الزکیهٔ و جائت صـیحهٔ من السـماء بان الحق فیه و فی شـیعته فعند ذلک خروج قائمنا فاذا خرج اسند ظهره الی الکعبهٔ و اجتمع الیه ثلاثمائهٔ و ثلاثهٔ عشر رجلا و اول ما ینطق به هذه الایهٔ: «بقیهٔ الله خیر لکم ان کنتم مؤ منین». [۱۰۵] ثم یقول انا بقیـهٔ الله و حجته و خلیفته علیکم فلا یسـلم علیه مسـلم الا قال السـلام علیک یا بقیهٔ الله فی ارضه فاذا اجتمع له العقد و هو عشـرهٔ آلاـف رجـل خرج فلاـ یبقی فی الاـرض معبود دؤ ن الله عزوجـل من صـنم او غیره الا وقعت فیه نارفا حترق و ذلک بعـد غیبهٔ طویلـهٔ لیعلم الله من یطیعه بالغیب و یؤ من به. [۱۰۶] .قائم ما به وسـیله نیروهای مختلفی یاری می شود:۱. ترس و رعبی که در دلهای مردم جایگزین می شود.۲. نصرت و یاری خداوند بزرگ.۳. زمین در اختیار و زیر پای مبارکش و یاران عزیزش درنوردیده و جمع می شود.۴. گنجهای زمین خودشان را در اختیار آن حضرت قرار می دهند.۵. سلطنتش مشرق و مغرب زمین را فرا می گیرد.۶. دین مقدس اسلام بر تمام ادیان غلبه می یابد ولو اینکه دشمنان خدا راضی نباشند، و در زمین جایی غیرآباد دیده نخواهد شد.۷. حضرت عیسـی بن مریم از آسـمان نازل می شود و پشت سـر آن حضـرت نماز می خوانـد.می گوید عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! این قیام کی خواهد بود و چه زمانی قائم شـما قیام می کند؟ فرمودند:۱. هرگاه مردان شبیه به زنان و زنان مانند مردان شوند.۲. مردها به مردها اکتفا کننـد و زنان به زنان (اشاره به لواط و مساحقه).۳. زنان سوار بر زینها شونـد (سوار شدن بر اسب، اتومبیل و وسایط نقلیه دیگر).۴. شـهادت دروغ و برخلاف واقع را بپذیرنـد.۵. گواهی مردان عـادل و صاحبان تقوا را رد کننـد.۶. قتـل و خونریزی در میان مردم کوچک شـمرده شود.۷. مردم مرتکب زنـا شونـد.۸. ربـاخواری در میـان مردم رواج یابـد.۹. مردم از زبان اشـرار بترسـند.۱۰. سفیانی از شام بیرون آید.۱۱. یمانی از یمن حرکت کند.۱۲. خسف و فرورفتگی در بیـداء پدید آید.۱۳. جوانی از آل محمد صلی الله علیه و آله در میان رکن مقام کشته شود که نام عزیزش محمد بن حسن معروف به نفس زکیه است.۱۴. صیحه ای از آسمان بلند شود که حق بـا او و پیروان اوست.در این هنگام قائم ما قیام می کنـد. پس، آنگاه که بیرون آمـد به کعبه تکیه می دهـد و سیصد و سیزده تن از یاران مخصوص آن حضرت اطرافش را می گیرند و اول سخنی که می فرمایند این آیه شریفه است: «باقیمانده خدا بهتر

است برای شما اگر به خدا ایمان دارید». سپس می فرماید من بقیهٔ الله و حجت و جانشین خداوند در روی زمین هستم. پس، همه مسلمانان آن حضرت را با این عبارت سلام می کنند: «سلام بر تو ای بقیهٔ الله در روی زمین». پس، وقتی که آن عدد معین که ده هزار نفر باشد در خدمت آن حضرت اجتماع کردند از مکه بیرون می آیند و در کره زمین معبودی جز خداوند یکتا عبادت نخواهد شد، اساس بت پرستی و غیره از بین خواهد رفت و همه آنها در آتش غضب آن سرور خواهند سوخت. ای محمد بن مسلم! البته این قیام با این محتوی بعد از غیبت طولانی خواهد بود. برای اینکه خداوند عالم، بندگان مطیع و فرمانبردار خودش را به جهانیان معرفی کند و بشناساند.علی بن مهزیار از حضرت ابوجعفر علیه السّلام حدیث می کند که آن جناب فرمودند:کانی بالقائم یوم عاشورا یوم السبت قائما بین الرکن و المقام بین یدیه جبرئیل ینادی البیعهٔ لله فیملاها عدلا کما ملئت ظلما وجورا. [۱۰۷] .گویا می بینم قائم (آل محمد) را در روز عاشورا، روز شنبه بین رکن و مقام ایستاده در حالی که جبرئیل (ع) در کنار ایشان است و فریاد می زند بیعت برای خداست (مردم دنیا! بیعت با حضرت مهدی روحی له الفداء، در حقیقت، بیعت با خداوند است). آنگاه دنیا را پر از عدل و داد می کند چنانکه پر از ظلم و جور شده باشد.یعقوب سراج از جابر روایت می کند که آن حضرت فرمودند:یا جابر لایظهر القائم حتی یشمل (الناس ب)الشام فتنهٔ یطلبون المخرج منها فلا یجدونه و یکون قتل بین الکوفهٔ و الحیرهٔ قتلا هم علی سواء و ینادی مناد من السماء. [۱۰۸] .ای جابر! قائم ظاهر نمی شود مگر اینکه فتنه ای (مردم را) در شام فرا گیرد. مردم راه فرار از این فتنه را پیدا نمی کنند. بین کوفه و حیره کشتاری می شود که هر دو طرف از نظر دادن کشته مساوی هستند (یا از لحاظ کمیت یا کیفیت) و منادی از آسمان ندا می دهد.محمد بن مسلم از حضرت باقر العلوم علیه السّلام حدیث می کند که آن حضرت فرمودند:توقعوا الصوت یاءتیکم بغتهٔ من قبل دمشق فیه لکم فرج عظیم. [۱۰۹] .منتظر صدا که ناگهان از ناحیه دمشق می رسد، باشید. البته در این (صوت) برای شما فرجی عظیمی است.خواننده عزیز!آیا منظور از کلمه «صوت» صیحه آسمانی است؟ به ظاهر یا همین است یا قیام سفیانی. امید است صدای حیاتبخش جبرئیل علیه السلام باشد.از حضرت باقر علیه السّلام در باب نشانه های ظهور حضرت بقیهٔ الله ارواحنا له الفداء حدیث مفصلی نقل شده است که ما به بیان مختصری از آن بسنده می کنیم.امام باقر علیه السّلام می فرمایند:فینزل امیر جیش السفیانی البیداء فینادی مناد من السماء «یابیداء ابیدی القوم» فیخسف بهم فلا یفلت منهم الا ثلاثهٔ نفر یحول الله وجوههم الی افقیتهم و هم من کلب و فیهم نزلت هذه الایهٔ «یا ایها الذین اوتوا الکتاب آمنوا بما نزلنا مصدقا لما معکم من قبل ان نطمس وجوها فنردها علی ادبارها».قال و القائم یومئذ بمکهٔ قد اسند ظهره الی البیت الحرام مستجیرا به فینادی یا ایها الناس انا نستنصر الله فمن اجابنا من الناس فانا اهل بیت نبیکم محمد و نحن اولی الناس بالله و بمحمد صلی الله علیه و آله فمن حاجنی فی آدم فانا اولی الناس بآدم و من حاجنی فی نوح فانا اولی الناس بنوح و من حاجنی فی ابراهیم فانا اولی الناس بابراهیم و من حاجنی فی محمد صلی الله علیه و آله فانا اولی الناس بمحمد صلی الله علیه و آله و من حاجنی فی النبیین فانا اولی الناس بالنبیین الیس الله یقول فی محکم کتابه «ان الله اصطفی آدم و نوحا و آل ابراهیم و آل عمران علی العالمین ذریهٔ بعضها من بعض والله سمیع علیم».فانا بقیهٔ من آدم و ذخیرهٔ من نوح و مصطفی من ابراهیم و صفوهٔ من محمد صلی الله علیهم اجمعین الا ـ فمن حاجنی فی کتاب الله فانا اولی الناس بکتاب الله الا فمن حاجنی فی سنهٔ رسول الله صلی الله علیه و آله فانا اولی بسنهٔ رسول الله صلی الله علیه و آله فاءنشد الله من سمع کلامی الیوم لما بلغ الشاهد منکم الغائب و اساءلکم بحق الله و حق رسوله صلی الله علیه و آله و بحقی فان لی علیکم حق القربی من رسول الله الا ـ اعتنمونا و منعتمونا ممن یظلمنا فقد اءخفنا و ظلمنا و طردنا من دیارنا و ابنائنا و بغی علینا و دفعنا عن حقنا و افتری اهل الباطل علینا فا الله الله فینا لاتخذلونا و انصرونا ینصرکم الله تعالی.قال فیجمع الله علیه اصحابهٔ ثلاثمائهٔ و ثلاثهٔ عشر رجلا و یجمعهم الله له علی غیر میعاد قزعا کقزع الخریف و هی یا جابر الایهٔ التی ذکرها الله فی کتابه: «اینما تکونوا یاءت بکم الله جمیعا ان الله علی کل شیی قدیر».فیبایعونه بین الرکن و المقام ومعه عهد من رسول الله صلی الله علیه و آله علیه و آله قد توارثهٔ الابناء عن الاباء. و القائم یا جابر رجل من ولد الحسین یصلح الله له امره فی لیلهٔ، فما اشکل علی الناس من ذلک یا جابر فلا یشکلن علیهم ولادته من رسول الله

صلی الله علیه و آله ووراثته العلماء عالما بعد عالم فان اشکل هذا کله علیهم فان الصوت من السماء لایشکل علیهم اذا نودی باسمه و اسم ابیه و امه. [۱۱۰] .فرمانده لشکر سفیانی در زمین بیداء فرود می آید. ناگهان منادی از آسمان ندا می دهد: ای زمین بیداء! دشمنان خداوند را نابود کن. پس، زمین شکافته می شود و همه آن جمیعت را فرو می برد مگر سه نفر را که صورتهای آنها به عقب برمی گردد و اینها از طایفه کلب هستند و این آیه درباره آنها نازل شده است: «ای کسانی که ایمان آورده اید! به قرآنی که فرستادیم ایمان آورید که تصدیق کننده تورات و انجیل شماست پیش از آنکه به رویتان از اثر ضلالت خط بطلان کشیم یا گونه ها را واژگون کنیم.» [۱۱۱] .امام باقر علیه السّلام می فرماید: قائم علیه السّلام آن روز در مکه است و پشت به خانه کعبه داده در حالی که پناه به کعبه برده است. پس ندا می دهد: ای مردم! ما از خداوند طلب یاری می کنیم. پس، هر کسی از مردم که دعوت ما را اجابت کرد باید بداند که ما از اهل بیت پیامبر شماها هستیم و من از همه مردم سزاوارتر هستم نسبت به خداوند بزرگ و پیامبر او. ای مردم! هر کسی که با من محاجه کند در مورد آدم علیه السّلام، باید بداند که من نسبت به آدم از همه برترم و هر کسی که در ارتباط با نوح با من محاجه کند، باید بداند که من نسبت به نوح از همه مقدم ترم و هر کسی که با من محاجه کند نسبت به ابراهیم، باید بداند که من اولی از همه هستم و آن کسی که نسبت به حضرت محمد صلی الله علیه و آله از همه برترم و هر کسی که در ارتباط با انبیاء با من محاجه کند، من اولی هستم از همه نسبت به انبیاء. آیا نمی بینی که خداوند در قرآن محکمش می فرماید: «خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و دودمان عمران را بر عالمیان برگزیده است»؟ [۱۱۲] .پس، من باقیمانده از آدم و ذخیره از نوح و برگزیده ابراهیم و خلاصه ای هستم از وجود مقدس محمد صلی الله علیه و آله. آگاه باشید، هر کسی که با کتاب خدا با من به مجادله بپردازد، من اولی از همه هستم نسبت به قرآن خداوند، و هر کسی در ارتباط با سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله با من محاجه نماید، من از همه سزاوارترم نسبت به آن بزرگوار. شما را به خدا سوگند می دهم آن افرادی که امروز سخنان مرا شنیدند آن را به غایبان برسانند. از شما سؤ ال می کنم به حق خداوند و حق رسول خدا صلی الله علیه و آله، به حق من بر شما که به جهت نزدیک بودن با رسول خدا بر شما دارم (فرزند او هستم) ما را یاری کنید نسبت به آن افرادی که به ما ظلم کردند. به درستی که ستمگران ما را از وطنمان دور ساختند و حق ما را غصب کردند و ما و فرزندانمان را آواره نمودند و درباره ما ستم روا داشتند و نگذاشتند که ما از حق خودمان استفاده کنیم و اهل باطل بر ما افترا بستند. بترسید از خدا، بترسید از خدا و ما را رها نسازید بلکه یاریمان کنید تا اینکه خداوند شما را یاری فرماید.امام باقر علیه السّلام فرمودند: در این موقع خداوند سیصد و سیزده تن اصحاب خاص آن حضرت را مانند ابرهای پراکنده در فصل سوم از فصول چهارگانه که آن را «خریف» (پاییز) می نامند در خدمت آن حضرت حاضر می کند و این جریان (حضور اصحاب) - ای جابر! مصداق این آیه شریفه است: «هر کجا باشید خداوند همه شما را به میعادگاه خواهد آورد، به درستی که خداوند بر هر چیز تواناست». [۱۱۳] پس آن سیصد و سیزده تن بین رکن و مقام با آن حضرت بیعت می کنند (با مهدی آل محمد سلام الله علیه) و باوی عهدی است از رسول الله صلی الله علیه و آله که توسط پدران بزرگوارش به دست او رسیده است. ای جابر! قائم مردی است از فرزندان امام حسین (علیه السّلام) که خداوند امر قیامش را در یک شب اصلاح می کند. ای جابر! چگونه برای این مردم مشکل است باور کنند که او (قائم) فرزند رسول اکرم صلی الله علیه و آله است و مقام وراثت از آباء و اجدادش به او رسیده و او وراث علم همه آنهاست؟ ای جابر!اگر پذیرفتن اینها بر مردم مشکل باشد اما صیحه آسمانی را نمی توانند نپذیرند که او (قائم آل محمد روحی له الفداء) را به اسم خودش و نام پدرش و اسم مادرش معرفی می کند (محمد فرزند حسن مادرش نرجس، دیگر نمی توانند او را رد و انکار کنند).جابر بن یزید از حضرت باقر علیه السّلام حدیث می کند درباره اصحاب حضرت مهدی علیه السّلام که امام باقر علیه السّلام فرمودند:کانی باصحاب القائم علیه السلام و قد احاطوا بما بین الخافقین فلیس من شیء الا و هو مطیع لهم حتی سباع الارض و سباع الطیر یطلب رضاهم فی کل شیء حتی تفجر الارض علی الارض و تقول مربی الیوم رجل من اصحاب القائم علیه السّلام. [۱۱۴] .گویی می بینم که یاران امام

عصر علیه السّلام جهان را محاصره کرده اند و همه موجودات مطیع و فرمانبردار آنها هستند حتی درندگان صحرا و درندگان پرنده. موجودات مختلف عالم فقط خشنودی آنها را می خواهند. حتی بعضی از نقاط زمین مباهات می کند بر بعضی دیگر و می گوید امروز یکی از یاران قائم علیه السّلام بر روی من عبور کرد.درباره قیام جناب سید حسنی از خراسان و تشرف ایشان به خدمت حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء، امام باقر علیه السّلام چنین فرموده است:تنزل الرایات السود التی تخرج من خراسان الی الکوفهٔ فاذا ظهر المهدی بمکهٔ بعثت الیه بالبیعهٔ. [۱۱۵] .پرچمهایی که از خراسان حرکت کرده اند در سرزمین کوفه به اهتزاز در می آیند (پرچمدار و رهبر این قیام جناب سید حسنی است). وقتی حضرت مهدی علیه السّلام در مکه ظاهر شدند افرادی را خدمت آن حضرت می فرستد و آمادگی خودش را برای بیعت با آن حضرت اعلام می دارد.راوی می گوید از حضرت ابوجعفر علیه السّلام در مورد حضرت قائم علیه السّلام پرسیدم فرمودند:انه لایکون حتی ینادی مناد من السماء یسمع اهل المشرق و المغرب حتی تسمع الفتاهٔ فی خدرها. [۱۱۶] .امر قیام آن حضرت محقق نخواهد شد مگر اینکه منادی از آسمان صدا بلند کند که تمام مردم مشرق و مغرب حتی دختران پرده نشین نیز بشنوند.ناجیه قطان از حضرت باقر علیه السّلام نقل می کند که شنیدم که آن حضرت می فرمودند:ان المنادی ینادی ان المهدی من آل محمد فلان ابن فلان باسمه و اسم ابیه (یعنی محمد بن الحسن العسکری علیهما السلام) فینادی الشیطان ان فلانا و شیعته علی الحق یعنی رجلا من بنی امیه. [۱۱۷] .منادی از آسمان ندا سر می دهد که مهدی آل محمد (فلان پسر فلان است) که نام مبارک اصلی حضرت باشد و نیز شیطان فریاد می زند و نام یکی از بنی امیه را می برد که فلانی و پیروان او بر حق هستند.خواننده عزیز!امتحانی است برای مردم. خوشا به حال آن کسانی که صدای اول را می شنوند و متابعت می کنند و صدای دوم را رد می کنند.امام باقر علیه السّلام در رابطه با فتنه ها (پیش از قیام حضرت بقیهٔ الله روحی له الفداء) چنین می فرمایند:تکون قبل المهدی فتنهٔ تحصر الناس حصرا فلا تسبوا اهل الشام بل ظلمتهم فان الابدال منهم و سیر سل الله سببا من السماء فیفرقهم حتی لوقاتلهم الثعالب غلبتهم ثم یبعث الله المهدی فی اثنی عشر الفا ان قلوا و خمسهٔ عشر الفا ان کثروا و علامتهم انهم اذا هجموا صرخوا امت امت ثم یظهر فیرد الی المسلمین اءلفتهم و نعمتهم. [۱۱۸] .مردم پیش از قیام مهدی ما به فتنه ای بسیار مهم و کوبنده مبتلا می شوند. به همه مردم شام ناسزا نگویید بلکه ستمگران آنها را نفرین کنید؛ زیرا از میان آنها ابدال و صلحائی بر می خیزند. خداوند از آسمان چیزی بر آنها فرو می فرستد که آنچنان وحدت آنها را درهم می کوبد که اگر با ضعیف ترین حیوانات مانند روباه جنگ کنند شکست می خورند. آنگاه خداوند مهدی ما را با لشکری بین دوازده تا پانزده هزار نفر می فرستد که در وقت حمله رمزشان «امت، امت» (بمیران، بمیران) است. سپس پیروز می شوند و الفت و یگانگی و نعمتهای مسلمین را به آنها برمی گردانند (چه فتنه ای بالاتر از هجوم اسرائیل به سرزمینهای اسلام و کشتار بیرحمانه مردم؟).امام باقر علیه السّلام درباره عصای حضرت موسی علیه السّلام که سرانجام فرعون و لشکریانش را در رود نیل غرق کرد و از بین برد چنین می فرمایند:کانت عصاء موسی لادم فصارت الی شعیب ثم صارت الی موسی بن عمران علیه السّلام و انها لعندنا و ان عهدی بها انفا و هی خضراء کهیئتها حین انتزعت من شجرتها و انها لتنطق اذا استنطقت اعدت لقائمنا یصنع بهاما کان یصنع موسی و انها لتروع و تلقف ما یافکون و تصنع ما تؤ مربه، انها حیث اقبلت تلقف ما یافکون، یفتح لها شعبتان احداهما فی الارض و الاخری فی السقف و بینهما اربعون ذراعا، تلقف ما یافکون بلسانها. [۱۱۹] .این عصا (عصای موسی) روز اول به دست حضرت آدم بود، سپس به شعیب داده شد، بعد از شعیب به حضرت موسی بن عمران علیه السّلام اعطا شد و اکنون نزد ماست و اخیرا که آن را دیدم، درست مانند روزی که از درخت جدا شده باشد رنگش سبز و خرم بود. اگر فرمان سخن گفتن به او بدهیم حرف می زند. و این عصا برای قائم ما ذخیره شده است تا مثل موسی بن عمران در راه نشان دادن عظمت حق و نابودی دشمنان خدا از آن استفاده کند. از خصوصیات این عصا این است که دشمنان را می لرزاند و هرچه را جلوی آن بیندازند یا ببیند می بلعد و آنچه فرمانروای عالم هستی (به اذن خدا) بگوید اطاعت می کند و چون لب بگشاید فاصله بین آن از زمین تا سقف را که چهل ذراع است، می بلعد (هرچه بیندازند همه را می

بلعد).امام باقر علیه السّلام درباره تجهیزات لشکریان امام عصر روحی له الفداء و ساعت حرکت از مکه معظمه به طرف کوفه چنین فرموده اند:اذا خرج القائم علیه السّلام من مکهٔ ینادی منادیه الا لایحملن احد طعاما ولا شرابا و یحمل مه حجر موسی بن عمران علیه السّلام و هو وقر بعیر فلا ینزل منزلا الا انفجرت منه عیون فمن کان جائعا شبع و من کان ظامئا روی و رویت دوابهم فهو زادهم حتی ینزلوا النجف من ظهر الکوفهٔ. [۱۲۰] .ساعت اول حرکت، منادی از طرف آن سرور فریاد می زند که هیچ کس حق بار کردن مواد غذایی و آب آشامیدنی را ندارد و سنگ معروفی که حضرت موسی بن عمران علیه السّلام داشتند آن حضرت همراه خویش بر می دارند که حجم و قطر آن سنگ به اندازه بار یک شتر است. به هر منزلی که می رسند و سربازان و مرکبهای سواری آنها تشنه یا گرسنه می شوند چشمه هایی از آن سنگ خارج می شود. آنهایی که گرسنه اند از آن چشمه ها می خورند و سیر می شوند و افرادی که تشنه اند از آنها سیراب می شوند تا اینکه وارد نجف اشرف که در پشت کوفه واقع است، می شوند.این است معنای ولایت تکوینی و تشریعی و این است آن حکومتی که تمام رژیمها را در هم می کوبد.حضرت باقر علیه السّلام در ارتباط با نشانه های قیام حضرت بقیهٔ الله روحی له الفداء می فرمایند:آیتان بین یدی هذا الامر خسوف القمر لخمس و کسوف الشمس لخمس عشرهٔ ولم یکن ذلک منذ هبط آدم علیه السّلام الی الارض و عند ذلک یسقط حساب المنجمین. [۱۲۱] .در پیشاپیش ظهور مهدی ما دو نشانه بزرگ دیده می شود:۱. خسوف ماه در پنجم آن.۲. کسوف خورشید در پانزدهم ماه.از وقتی که خداوند حضرت آدم را به این دنیا فرستاده چنین واقعه ای رخ نداده است. بنابراین، دیگر اعتباری برای منجمان باقی نخواهد ماند.محمد بن مسلم از حضرت باقر علیه السّلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند:السفیانی و القائم فی سنهٔ واحدهٔ. [۱۲۲] .سفیانی و قائم ما (علیه السّلام) در یک سال قیام می کنند.مسلما سفیانی در همان سال پیش از حضرت ولی عصر علیه السّلام خروج می کند. امام پنجم علیه السّلام بعد از اشاره به ندای آسمانی و فرورفتن لشکر سفیانی در سرزمین بیداء (نزدیک مکه معظمه) چنین امر می فرمایند:فاسعوا الیه ولو حبوا والله کانی انظر الیه بین الرکن و المقام یبایع الناس. [۱۲۳] .به سوی حضرت بقیهٔ الله بشتابید ولو از طریق خزیدن بر روی سینه باشد. به خدا سوگند، گویی می بینم بین رکن و مقام ایستاده و با مردم بیعت می کنند.از حضرت ابی جعفر علیه السّلام نقل می کنند که فرمودند:اذا راءیتم نارا من المشرق شبه الهردی العظیم تطلع ثلاثهٔ ایام او سبعهٔ فتوقعوا فرج آل محمد صلی الله علیه و آله ان شاء الله عزوجل ان الله عزیز حکیم. ثم قال علیه السّلام الصیحهٔ لایکون الا فی شهر رمضان لان شهر رمضان شهر الله و هی صیحهٔ جبرئیل الی هذا الخلق. ثم قال ینادی مناد من السماء باسم القائم علیه السّلام فیسمع من بالمشرق و من بالمغرب لایبقی راقد الا استیقظ ولا قائم الا قعد و لا قاعد الا قام علی رجلیه فزعا من ذلک الصوت فرحم الله من اعتبر بذلک الصوت فاجاب فان الصوت صوت جبرئیل الروح الامین.و قال علیه السّلام الصوت فی شهر رمضان فی لیلهٔ جمعهٔ لیلهٔ ثلاث و عشرین فلا تشکوا فی ذلک و اسمعوا و اطیعوا و فی آخر النهار صوت ابلیس اللعین ینادی الا ان فلانا قتل مظلوما لیشکک الناس و یفتنهم فکم ذلک الیوم من شاک متحیر قد هوی فی النار فاذا سمعتم الصوت فی شهر رمضان فلا تشکوا فیه انه صوت جبرئیل علیه السّلام و علامهٔ ذلک انه ینادی باسم القائم و اسم ابیه علیهما السلام حتی تسمعه العذراء فی خدرها فتحرض اباها و اخاها علی الخروج.قال علیه السّلام لابد من هذین الصوتین قبل خروج القائم صوت من السماء و هو صوت جبرئیل باسم صاحب هذا الامر و اسم ابیه و الصوت الثانی الذی من الارض و هو صوت ابلیس اللعین ینادی باسم فلان انه قتل مظلوما یرید بذلک الفتنهٔ فاتبعوا الصوت الاول و ایاکم والاخیر ان تفتنوا به. [۱۲۴] .هرگاه دیدید که آتشی عظیم از جانب مشرق روشن شد و عمر آن سه روز یا هفت روز ادامه پیدا کرد، منتظر فرج آل محمد باشید (ظهور امام عصر روحی له الفداء)، البته اگر خداوند حکیم و مقتدر بخواهد. صیحه آسمانی حتما در ماه رمضان است، زیرا ماه رمضان ماه خداوند است و این صیحه هم صدای جبرئیل علیه السّلام است که از طرف خداوند برای این مردم فرستاده می شود. منادی از آسمان حضرت قائم علیه السّلام را به اسم صدا می کند (محمد بن الحسن العسکری). پس هر کسی که در مشرق و مغرب زمین است این صدا را می شنود و به جهت ترسناک بودن این صدا، آن که در خواب است بیدار می شود و هر

که ایستاده است می نشیند و آن کسی که نشسته است برمی خیزد و سرپا می ایستد. خداوند رحمت کند کسی که آن صدا را بشنود و عبرت بگیرد و عملا این صدا را جواب بگوید (اطاعت کند از حضرت بقیهٔ الله ارواحنا له الفداء). برای اینکه این صدا، صدای جبرئیل روح الامین است (پیام او از سوی خداوند برای جهانیان است).امام علیه السّلام می فرماید: صدای آسمانی در شب بیست و سوم ماه رمضان خواهد بود. برای شما تردیدی پیدا نشود، بشنوید و اطاعت کنید و در آخر روز ابلیس ملعون فریاد می زند: ای مردم! آگاه باشید که فلانی مظلوم کشته شده است. برای اینکه مردم در شک بیفتند و گرفتار امتحان بشوند. چه بسا اشخاصی که در آن روز به خاطر شنیدن این صدا سرگردان و در آتش غضب خداوند سرنگون خواهند شد. پس، وقتی که در ماه رمضان صدا را شنیدید (اینکه قائم آل محمد آمد) در آن شک نکنید و بدانید آن، صدای جبرئیل علیه السّلام است و علامت حقانیت آن صدا این است که حضرت قائم علیه السّلام را به نام پدرش ذکر می کند (یعنی ان شاءالله می گوید محمد بن الحسن العسکری علیهماالسلام آمد). این صدا چنان فراگیر است که حتی دختران پرده نشین نیز آن را می شنوند و پدر و برادر خود را ترغیب می کنند که از منزل بیرون بروید (و امام عصر را یاری کنید).امام پنجم علیه السّلام می فرماید: دو صدا باید قبل از ظهور شنیده شود: یک صدا از آسمان که صدای جبرئیل است و صاحب این امر را به نام او و نام پدرش معرفی می کند (محمد بن الحسن العسکری علیهماالسلام)؛ صدای دوم صدای شیطان است که به نام فلانی است و می گوید او را مظلوم کشتند و می خواهد مردم را گمراه کند. پس، از صدای اول متابعت کنید؛ اما بترسید از اینکه صدای دوم (صدای شیطان) شما را به گمراهی کشاند.زراره می گوید از حضرت باقر علیه السّلام پرسیدم: آیا ندای آسمانی حق است؟ فرمودند:ای والله حتی یسمعه کل قوم بلسانهم. [۱۲۵] .آری، به خدا قسم، حق است و به صورتی است که تمام مردم به زبان خودشان این ندا را می شنوند.از امام باقر علیه السّلام روایت شده است که فرمودند:فذکر آیتین قبل القائم لم یکونا منذ هبط آدم علیه السّلام ابدا و ذلک ان الشمس تنکسف فی النصف من شهر رمضان و القمر فی آخره فقال رجل یا ابن رسول الله لابل الشمس فی آخر الشهر و القمر فی النصف فقال له ابوجعفر علیه السلام انی لاعلم بما تقول ولکنهما آیتان لم تکونا منذ هبط آدم. [۱۲۶] .در محضر امام باقر علیه السّلام بودیم. آن سرور دو علامت پیش از قیام حضرت قائم را ذکر کرده، فرمودند: از وقتی که حضرت آدم علیه السّلام به این دنیا آمد این دو آیت بزرگ هرگز دیده نشده است: اول کسوف خورشید است در نیمه ماه رمضان؛ دوم خسوف ماه است در آخر همان ماه رمضان. مردی در مجلس نشسته بود، عرض کرد: ای پسر پیامبر! اینطور نیست بلکه درست برعکس است؛ یعنی کسوف در آخر ماه و خسوف در وسط ماه پدید می آید. امام باقر علیه السّلام فرمودند: می دانم شما چه می گویید (از لحاظ برنامه های جاری همین است)، اما من می خواهم بگویم از اول تا قبل از قیام مهدی ما این کار نشده است و اختصاص به پیش از ظهور دارد.ابی الجارود از حضرت باقر علیه السّلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند:لاترون الذی تنتظرون حتی تکونوا کالمعزی المواة التی لایبالی الخابس این یضع یده منها لیس لکم شرف ترقونه ولاسناد تسندون الیه امرکم. [۱۲۷] .آن چیزی را که منتظرش هستید (ظهور حضرت مهدی روحی له الفداء) نمی بینید مگر وضع شما به جایی برسد که مانند گوسفندانی شوید که گرفتار گرگهای درنده شده باشند، در حالی که چوپانی هم نداشته باشید و گرگها از هر جای بدن شما که بخواهند شروع به خوردن می کنند. از سوی دیگر، شرف و موقعیتی هم نداشته باشید که به آن تکیه کنید و نیز اسناد و مدارکی هم در اختیار شما نباشد که استناد به آنها کنید و سرانجام از خودتان دفاع نمایید.جابر از حضرت باقر علیه السّلام روایت نموده است که آن حضرت فرمودند:تنزل الرایات السود التی تخرج من خراسان الی الکوفهٔ فاذا ظهر المهدی بعث الیه بالبیعهٔ. [۱۲۸] .پرچمهای سیاه از خراسان به جانب کوفه می آید (کنایه است از قیام جناب حسنی). پس، وقتی که مهدی ما (علیه السّلام) ظهور کرد امر به بیعت می کند.بعضی از علائم مانند سفیانی و خروج او از حتمیات است؛ یعنی حتما باید پیش از ظهور تحقق پیدا کند. لذا در روایت زیر از زراهٔ بن اعین آمده است:کنت عند ابی جعفر علیه السّلام فجری ذکر القائم علیه السّلام فقلت ارجوا ان یکون عاجلا و لایکون سفیانی فقا لا والله انه لمن لمحتوم الذی لابدمنه. [۱۲۹] .در خدمت حضرت باقر علیه السّلام

بودیم، سخن از حضرت قائم علیه السّلام به میان آمد. عرض کردم: امیدوارم ظهور قائم بسیار نزدیک باشد بدون اینکه نیازی به سفیانی داشته باشد. فرمودند: به خدا نه اینچنین است؛ خروج سفیانی حتما باید پیش از ظهور باشد.

حضرت امام صادق و نشانه های ظهور

ابی بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند:لا یخرج القائم علیه السّلام الا فی وتر من السنین سنهٔ احدی او ثلاث او خمس او سبع او تسع. [۱۳۰] .قائم ما قیام نمی کند مگر در سالهای طاق: یک یا سه یا هفت یا نه.محمد بن مسلم می گوید:سمعت ابا عبد الله علیه السّلام یقول ان قدام القائم علیه السّلام بلوی من الله قلت و ما هو جعلت فداک فقراء «ولنبلونکم بشیی من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابرین». [۱۳۱] .شنیدم از امام صادق علیه السّلام که فرمودند: پیش از قیام قائم مردم دست به گریبان یک امتحان بزرگ خواهند بود. عرض کردم آن امتحان چیست؟ حضرت آیه بالا را تلاوت فرمودند: «هر آئینه امتحان می کنیم شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کم شدن مال و ثروت و از بین رفتن جانها و میوه ها، و مژده بده به صبر کنندگان (به اینکه مهدی ما قیام می کند)». [۱۳۲] .ابی بصیر نقل می کند که امام صادق علیه السّلام فرمودند:ینادی باسم القائم علیه السّلام فی لیلهٔ ثلاث و عشرین و یقوم فی یوم عاشوراء و هو الیوم الذی قتل فیه الحسین بن علی علیهما السلام لکانی فی یوم السبت العاشر من المحرم قائما بین الرکن و المقام جبرئیل علیه السّلام عن یمینه ینادی «البیعهٔ لله» فتصیر الیه شیعته من اطراف الارض تطوی لهم طیا حتی یبایعوه فیملا الله به الارض عدلا کما ملئت جورا و ظلما. [۱۳۳] .در شب بیست و سوم منادی به اسم قائم علیه السّلام ندا می کند. و قیام آن حضرت در روز عاشورا است که حضرت امام حسین علیه السّلام و یارانش را کشتند. گویا می بینم (قائم را) که در روز شنبه دهم محرم (عاشورا) بین رکن و مقام ایستاده و جبرئیل علیه السّلام در طرف راست اوست و ندا می کند که «بیعت برای خدا». شیعیان امام عصر روح له الفداء (شیعیان خاص) از اطراف و اکناف عالم می آیند و زمین زیر پای آنها به سرعت درنوردیده می شود. آنگاه امام زمان دنیا را پر از عدل و داد می کند چنانکه پر از ظلم و جور شده باشد.در ارتباط با نشانه های ظهور حضرت بقیهٔ الله ارواحنا له الفداء ابی بصیر از امام صادق علیه السّلام به چند علامت اشاره می فرماید:۱. ندای آسمانی در شب بیست و سوم است (ظاهرا بیست و سوم ماه مبارک رمضان).۲. قیام در روز عاشورا است.۳. جبرئیل در طرف راست آن حضرت می ایستد و فریاد می زند: «بیعت برای خدا»؛ یعنی بیعت با امام عصر بیعت کردن با خداست.۴. شیعیان (افراد خاص) با طی الارض خدمتشان می رسند.۵. زمین پر از عدل و داد می شود.ابی بصیر، یکی از یاران برجسته امام صادق علیه السّلام از آن حضرت نقل می کند که فرمودند:اذا قام القائم علیه السّلام هدم المسجد الحرام حتی یرده الی اساسه و حول المقام الی الموضع الذی کان فیه و قطع ایدی بنی شیبهٔ و علقها علی باب الکعبهٔ و کتب علیها «هؤ لاء سراق الکعبهٔ.» [۱۳۴] .یکی از برنامه های روزهای اول امام عصر علیه السّلام عبارت است از:۱. مسجدالحرام را ویران می کنند و آن را به صورت اولیه بر می گردانند.۲. مقام حضرت ابراهیم علیه السّلام را نیز به جای اولش برمی گردانند (جنب خانه کعبه).۳. دست طایفه بنی شیبه را قطع می کنند و آن را بر درب کعبه می آویزند و این عبارت بر دیوار کعبه نوشته می شود: «صاحبان این دستها که از بنی شیبه هستند به کعبه معظمه خیانت نمودند» (دزدهای کعبه هستند).ارشاد مفید می گوید:اذا قام القائم علیه السّلام حکم بالعدل و ارتفع فی ایامه الجور و امنت به السبل و اخرجت الارض برکاتها ورد کل حق الی اهله ولم یبق اهل دین حتی یظهروا الاسلام و یعترفوا بالایمان اما سمعت الله سبحانه یقول: «وله اسلم من فی السموات و الارض طوعا و کرها و الیه یرجعون».وقتی قائم آل محمد علیه السّلام قیام می کند برنامه هایش در چند اصل خلاصه می شود:۱. حکومت آن حضرت بر اساس عدل واقعی و همه جانبه است.۲. ظلم و ستم از سرتاسر گیتی برداشته می شود.۳. امنیت سرتاسر راهها و جاده ها را فرا می گیرد.۴. زمین برکات خودش را در اختیار مردم می گذارد.۵. حقوق همه مردم به آنها پس داده می شود (از غاصبان گرفته می شود).۶. اسلام دین همه جهانیان می

شود و همه مردم به ایمان اعتراف می کنند.آیا شنیده ای که خداوند می فرماید: «آنچه در آسمانها و کرات بی شمار و در زمین است (از وجود مقدس امام عصر علیه السّلام) چه بخواهند و چه نخواهند باید اطاعت کنند»؟ [۱۳۵] .ابوخدیجه از امام صادق علیه السّلام روایت می کند که فرمودند:اذا قام علیه السّلام جاء بامر جدید کما دعی رسول الله صلی الله علیه و آله فی بدوا الاسلام الی امر جدید. [۱۳۶] .هر زمان که قائم ما علیه السّلام قیام کند امر تازه ای (قانون جدیدی) می آورند، چنانکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله در ابتدای اسلام چنین بودند (قرآن را آوردند).خواننده عزیز!معلوم می شود پیش از ظهور، احکام خداوند تغییر می کند؛ یعنی حلال، حرام و حرام، حلال می شود کما اینکه الان در دنیای اسلام شده است.مفضل بن عمر از امام صادق علیه السّلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند:یخرج مع القائم علیه السّلام من ظهر الکوفهٔ سبعهٔ و عشرون رجلا خمسهٔ عشر من قوم موسی علیه السّلام الذین کانوا یهدون بالحق و به یعدلون و سبعهٔ من اهل الکهف و یوشع بن نون، و سلمان، و ابودجانهٔ الانصاری، والمقداد و مالک الاشتر فیکونون بین یدیه انصارا و حکاما. [۱۳۷] در پشت کوفه (سهله) قائم ما بیرون می آید در حالی که بیست و هفت نفر مرد در خدمت او هستند: پانزده نفر از اقوام موسی که به حق گرویدند و بحق عدالت ورزیدند و هفت نفر از اصحاب کهف و یوشع بن نون و سلمان و ابودجانه انصاری و مقداد و مالک اشتر. پس این بیست و هفت تن در خدمت امام زمان علیه السّلام هستند و از یاران و فرمانروایان دولت آن بزرگوارند.عبدالله بن عجلان از امام صادق علیه السّلام روایت می کند که فرمودند:اذا قام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم حکم بین الناس بحکم داود علیه السّلام لایحتاج الی بینهٔ یلهمه الله تعالی فیحکم بعلمه و یخبر کل قوم بما استبطنوه و یعرف ولیه من عدوه بالتوسم. قال الله سبحانه و تعالی: «ان فی ذلک لایات للمتوسمین و انها لبسبیل مقیم». [۱۳۸] .قائم ما وقتی قیام می کند، بین مردم همانند حضرت داوود علیه السّلام حکم کند. احتیاج به شاهد و دلیل ندارد، خداوند احکام واقعی را به او الهام می کند. پس، به علم واقعی حکم می کند و از هرچه که مردم در دلهای خود پنهان کرده اند، آن حضرت خبر می دهد، دوستانش را از دشمنانش جدا می کند و می شناسد با فراست و هوشمندی که خداوند در دیدگان مقدسش قرار داده است. خداوند می فرماید: «به راستی در این، نشانه هایی است برای هوشمندان، آنان که در راه راست پایدارند.» [۱۳۹] .از امام صادق علیه السّلام ده صفت و نشانه برای امام بیان شده است:العصمهٔ و النصوص و ان یکون اعلم الناس و اتقاهم لله و اعلمهم بکتاب الله و ان یکون صاحب الوصیهٔ الظاهرهٔ و یکون له المعجزهٔ و الدلیل و تنام عینه و لاینام قلبه و لایکون له فی ء ویری من خلفه کما یری من بین یدیه. [۱۴۰] .۱. عصمت از گناه و خلاف اخلاق و دور از حق.۲. نص بر امامت او از طرف خداوند و پیامبر و امام قبل از او.۳. باید از همه مردم داناتر باشد.۴. از نظر تقوا و پرهیزکاری باید بر همه برتری داشته باشد.۵. به قرآن خداوند و احکام او از همه اعلم باشد (علوم و معارف بیکران قرآن در نزد او باشد).۶. از طرف امام قبل از او به عنوان وصی از لحاظ ظاهر هم معرفی شده باشد.۷. دارای معجزه باشد (کارهای خارج از عادت انجام دهد و در مقابل دشمن متکی به دلیل باشد).۸. چشمش به خواب برود اما قلبش بیدار باشد.۹. بدن مقدسش هیچگاه سایه ندارد.۱۰. همان گونه که از پیش رو همه چیز را می بیند از پشت سر نیز ببیند (هیچ عاملی نمی تواند بین او و عالم هستی و موجوداتش مانع گردد).زراره از امام صادق علیه السّلام روایت می کند که:ینادی مناد باسم القائم علیه السّلام قلت خاص او عالم قال عام یسمع کل قوم بلسانهم قلت فمن یخالف القائم علیه السّلام و قد نودی باسمه قال لایدعهم ابلیس حتی ینادی فی آخر اللیل فیشکک الناس. [۱۴۱] .منادی آن حضرت را به نام اصلی از آسمان صدا می کند. زراره می گوید عرض کردم: آیا همه مردم این صدا را می شنوند یا یک دسته خاص؟ فرمودند: همه مردم به زبان خودشان می شنوند. عرض کردم: پس چه کسی با توجه به اینکه به اسم حضرتش ندا داده شده است با ایشان مخالفت می کند؟ فرمود: شیطان هم ندایی سر می دهد که مردم پس از شنیدن آن تردید و تزلزل پیدا می کنند و از شر شیطان در امان نیستند و این موجب شک و تردید مردم می شود. (آری، مکتب آزمایش است. خداوند همه ما را در این آزمایش پیروز فرماید، آمین.)ابن مغیره از امام صادق علیه السّلام روایت می کند که فرمودند:الصیحهٔ التی فی شهر رمضان تکون لیلهٔ الجمعهٔ لثلاث و عشرین مضین من

شهر رمضان. [۱۴۲] .صیحه آسمانی که در ماه رمضان واقع می شود حتما در شب جمعه، بیست و سوم آن ماه خواهد بود.از میمون بان نقل شده است که در خیمه اختصاصی حضرت صادق علیه السّلام در خدمت آن سرور بودیم. دامن خیمه را بالا زد و فرمود:ان امرنا لو قد کان لکان ابین من هذه الشمس ثم قال ینادی مناد من السماء ان فلان بن فلان هو الامام باسمه و ینادی ابلیس من الارض کما نادی برسول الله لیلهٔ العقبهٔ. [۱۴۳] عامر ما (ولایت و امامت) از این آفتاب روشن تر است و منادی از آسمان قائم ما را به نام خودش و پدرش معرفی می کند و شیطان در همان روز فریاد خود را بلند می کند، مانند شب عقبه که صدا بلند کرد (در آن شبی که رسول الله از جنگ تبوک مراجعت می فرمودند و از گردنه گذشتند، شیطان فریادش بلند شد). در روز قیام جهانی حضرت صاحب الامر علیه السّلام شیطان برای گمراه کردن مردم فریادش بلند می شود.خواننده عزیز!از خداوند بخواهیم که همه ما را در آن روز پرخطر از پیروان صدای اول قرار بدهد (پیروان حضرت مهدی نه ارتباع شیطان).از امام صادق روایت شده است که فرمود:لیس بین قیام القائم علیه السّلام و بین قتل النفس الزکیهٔ الا خمس عشرهٔ لیلهٔ. [۱۴۴] .بین قیام حضرت قائم علیه السّلام و شهادت نفس زکیه [۱۴۵] بیش از پانزده شب نخواهد بود.امام صادق علیه السّلام می فرماید:لاتمضی الایام و اللیالی حتی ینادی من السماء یا اهل الحق اعتزلوا یا اهل الباطل اعتزلوا فیعزل هؤ لاء من هؤ لاء قال قلت اصلحک الله یخالط هؤ لاء و هؤ لاء بعد ذلک النداء قال کلا انه یقول فی الکتاب «ما کان الله لیذر المؤ منین علی ما انتم علیه حتی یمیز الخبیث من الطیب». [۱۴۶] .روزها و شبها تمام نمی شود تا اینکه ندا کننده ای از آسمان فریاد بزند: ای اهل حق! (صاحبان تقوا) کنار بروید، ای پیروان باطل! شما نیز از اهل حق جدا شوید. پس، این دو دسته از یکدیگر جدا می شوند. راوی می گوید عرض کردم: خداوند امر شما را اصلاح فرماید، بعد از این ندا آیا این دو دسته (حق و باطل) با یکدیگر مخلوط خواهند شد؟ فرمودند: هرگز مخلوط نشوند. مگر نه اینکه خداوند در قرآنش می فرماید: «خداوند اهل ایمان را با مشرکان و بندگان دنیا مخلوط نخواهد گذاشت. آری، پاکان حتما باید از ناپاکها جدا بشوند» [۱۴۷] .؟حمران که یکی از اصحاب امام صادق علیه السّلام است از آن حضرت نقل می کند که فرمودند:و ذکر هؤ لاء عنده و سوء حال الشیعهٔ عندهم فقال انی سرت مع ابی جعفر (المنصور) و هو فی موکبه و هو علی فرس و بین یدیه خیل و من خلفه خیل و انا علی حمار الی جانبه فقال لی یا با عبدالله قد کان ینبغی لک ان تفرح بما اعطانا الله من القوهٔ و فتح لنا من العزهٔ و لاتخبر الناس انک احق بهذا الامر منا و اهل بیتک فتغرینا بک و بهم قال فقلت و من رفع هذا الیک عنی فقد کذب فقال اتحلف علی ما تقول قال فقلت ان الناس سحرهٔ یعنی یجبون ان یفسدوا قلبک علی فلا تمکنهم من سمعک فانا الیک احوج منک الینا فقال لی تذکر یوم ساءلتک «هل لنا ملک» فقلت «نعم طویل عریض شدید فلا تزالون فی مهلهٔ من امرکم و فسحهٔ من دنیاکم حتی تصیبوا منا دما حراما فی شهر حرام فی بلد حرام؟» فعرفت انه حفظ الحدیث فقلت لعل الله عزوجل ان یکفیک فانی لم اخصک بهذا انما هو حدیث رویته ثم لعل غیرک من اهل بیتک ان یتولی ذلک فسکت عنی فلما رجعت الی منزلی اتانی بعض موالینا فقال جعلت فداک و الله لقد راءیتک فی موکب ابی جعفر و انت علی حمار و هو علی فرس و قد اشرف علیک یکلمک کانک تحته فقلت بینی و بین نفسی هذا حجهٔ الله علی الخلق و صاحب هذا الامر الذی یقتدی به و هذا الاخر یعمل بالجور و یقتل اولاد الانبیاء و یسفک الدماء فی الارض بما لایحب الله و هو فی موکبه و انت علی حمار فدخلنی من ذلک شک حتی خفت علی دینی و نفسی قال فقلت لوراءیت من کان حولی و بین یدی و من خلفی و عن یمینی و عن شمالی من الملائکهٔ لاحتقرته و احتقرت ما هو فیه فقال الان سکن قلبی ثم قال الی متی هؤ لاء یملکون؟ اومتی الراحهٔ منهم؟ فقلت الیس تعلم ان لکل شیء مدهٔ قال بلی فقلت هل ینفعک علمک ان هذا الامر اذا جاء کان اسرع من طرفهٔ العین انک لو تعلم ما لهم عندالله عزوجل و کیف هی کنت لهم اشد بعضا ولو جهدت وجهد اهل الارض ان یدخلهم فی اشد ما هم فیه من الاثم لم یقدروا فلا یستفزنک الشیطان فان العزهٔ لله و لرسوله و للمؤ منین ولکن المنافقین لا یعلمون الا تعلم ان من انتظر اءمرنا و صبر علی ما یری من الاذی و الخوف هو غدا فی زمرتنا فاذا راءیت الحق قد مات و ذهب اهله و راءیت الجور قد شمل البلاد و راءیت القرآن قد خلق و احدث فیه ما لیس فیه و وجه علی الاهواء و راءیت الدین قد انکفاء کما ینکفی

الاناء و راءیت اهل الباطل قد استعلوا علی اهل الحق و راءیت الشر ظاهرا لاینهی عنه و یعذر اصحابه و راءیت الفسق قد ظهر و اکتفی الرجال بالرجال و النساء بالنساء و راءیت المؤ من صامتا لایقبل قوله و راءیت الفاسق یکذب و لا یرد علیه کذبه و فریته و راءیت الصغیر یستحقر بالکبیر و راءیت الارحام قد و راءیت من یمتدح بالفسق یضحک منه و لا یرد علیه قوله و راءیت الغلام یعطی ما تعطی المرئة و راءیت النساء یتزوجن النساء و راءیت الثناء قد کثر و راءیت الرجل ینفق المال فی غیر طاعة الله فلا ینهی و لا یؤ خذ علی یدیه و راءیت الناظر یتعوذ بالله مما یری المؤ من فیه من الاجتهاد و راءیت الجار یؤ ذی جاره و لیس له مانع و راءیت الکافر فرحا لما یری فی المؤ من مرحا لما یری فی الارض من الفساد و راءیت الخمور تشرب علانیة و یجتمع علیها من لایخاف الله عزوجل و راءیت الامر با المعروف ذلیلا و راءیت الفاسق فیما لا یحب الله قویا محمودا و راءیت اصحاب الایات یحقرون و یحتقر من یحبهم و راءیت سبیل الخیر منقطعا و سبیل الشر مسلوکا و راءیت بیت الله قد عطل و یؤ مر بترکه و راءیت الرجل یقول ما لایفعله و راءیت الرجال یتسمنون للرجال و النساء للنساء و راءیت الرجل معیشته من دبره و معیشة المراءة من فرجها و راءیت النساء یتخذون المجالس کما یتخذها الرجال و راءیت التاءنیث فی ولد العباس قد ظهر و اظهروا الخضاب و امتشطوا کما تمتشط المراة لزوجها و اعطوا الرجال الاموال علی فروجهم و تنوفس فی الرجل و تغایر علیه الرجال و کان صاحب المال اعز من المؤ من و کان الربا ظاهرا لایعیر و کان الزنا تمتدح به النساء و راءیت المراة تصانع زوجها علی نکاح الرجال و راءیت اکثر الناس و خیر بیت من یساعد النساء علی فسقهن و راءیت المؤ من محزونا ذلیلا محتقرا و راءیت البدع و الزنا قد ظهر و راءیت الناس یعتدون بشاهد الزور و راءیت الحرام یحلل و راءیت الحلال یحرم و راءیت الدین بالراءی و عطل الکتاب و احکامه و راءیت اللیل لایستخفی به من الجراءة علی الله و راءیت المؤ من لایتطیع ان ینکر الا بقلبه و راءیت العظیم من المال ینفق فی سخط الله عزوجل و راءیت الولاة یقربون اهل الکفر و یباعدون اهل الخیر و راءیت الولاة یرتشون فی الحکم و راءیت الولایة قبالة لمن زاد و راءیت ذوات الارحام ینکحن و یکتفی بهن و راءیت الرجل یقتل علی (التهمة و علی) الظنة و یتغایر علی الرجل الذکر فیبذل له نفسه و ماله و راءیت الرجل یعیر علی اتیان النساء و راءیت المراءة تقهر زوجها و تعمل ما لا یشتهی و تنفق علی زوجها و راءیت الرجل یکری امراته و جاریته و یرضی بالدنی من الطعام و الشرب و راءیت الایمان بالله عزوجل کثیرة علی الزور و راءیت القمار قد ظهر و راءیت الشرب تباع ظاهرا لیس علیه مانع و راءیت النساء یبذلن انفسهن لاهل الکفر و راءیت الملاهی قد ظهرت یمربها لایمنعها احد و لایجتری احد علی منعها و راءیت الشریف یستذله الذی یخاف سلطانه و راءیت اقرب الناس من الولاة من یمتدح بشتمنا اهل البیت و راءیت من یحبنا یزور و لایقبل شهادته و راءیت الزور من القول ینافس فیه راءیت القرآن قد ثقل علی الناس استماعه و خف علی الناس استماع الباطل و راءیت الجار یکرم الجار خوفا من لسانه و راءیت الحدود قد عطلت و عمل فیها بالاهواء و راءیت المساجد قد زخرفت و راءیت اصدق الناس عند الناس المفتری الکذب و راءیت الشر قد ظهر والسی بالنمیمة و راءیت البغی قد فشا و راءیت الغیبة تستملح و یبشربها الناس بعضهم بعضا و راءیت طلب الحج و الجهاد لغیر الله و راءیت السلطان یذل للکافر المؤ من و راءیت الخراب قد ادیل من العمران و راءیت الرجل معیشته من بخس المکیال و المیزان و راءیت سفک الدماء یستخف بها و راءیت الرجل یطلب الرئاسة لعرض الدنیا و یشهر نفسه بخبث اللسان لیتقی و تسند الیه الامور و راءیت الصلوة قد استخف بها و راءیت الرجل عنده المال الکثیر لم یزکه منذ ملکه و راءیت المیت ینشر من قبره و یؤ ذی و تباع اکفانه و راءیت الهرج قد کثر و راءیت الرجل یمسی نشوان و یصبح سکران لایهتم بما یقول الناس فیه و راءیت البهائم تنکح و راءیت البهائم تفرس بعضها بعضا و راءیت الرجل یخرج الی مصلاة و یرجع و لیس علیه شیء من ثیابه و راءیت قلوب الناس قد قست و جمدت اعینهم و ثقل الذکر علیهم و راءیت السحت قد ظهر ینافس فیه و راءیت المصلی انما یصلی لیراه الناس و راءیت الفقیه یتفقه لغیر الدین یطلب الدنیا و الرئاسة و راءیت الناس مع من غلب و راءیت طالب الحلال یذم و یعیر و طالب الحرام یمدح و یعظم و راءیت الحرمین من یعمل فیهما بما لا یحب الله لا یمنعهم مانع و لا یحول بینهم و بین العمل القبیح احد و راءیت المعازف ظاهرة فی الحرمین و راءیت الرجل یتکلم بشیء من الحق و یاءمر بالمعروف و ینهی عن المنکر فیقوم الیه من

ینصحه فی نفسه فیقول هـذا عنک موضوع و راءیت الناس ینظر بعضـهم الی بعض و یقتـدون باهل الشـرور و راءیت مسـلک الخیر و طریقه خالیـا لایسـلکه احـد و راءیت المیت یهزبه فلاـ یقزع له احـد و راءیت کـل عام یحـدث فیه من البدعـهٔ و الشـر اکثر مما کان و راءیت الخلق و المجـالس لایتـابعون الاـ الاغنیـاء و راءیت المحتـاج یعطی علی الضـحک به ویرحم لغیر وجه الله و راءیت الایـات فی السـماء لایفزع لها احـد و راءیت الناس یتسافـدون کم تسافـد البهائم لاینکر احد منکرا تخوفا من الناس راءیت الرجل ینفق الکثیر فی غیر طاعـهٔ الله و یمنع الیسـیر فی طاعـهٔ الله و راءیت العقوق قد ظهر و اسـتخف بالوالدین و کانا من اسوء الناس حالا عند الولد و یفرح بان یفتری علیهما و راءیت النساء قد غلبن علی الملک و غلبن کل امر لایؤ تی الا ما لهن فیه هوی و راءیت ابن الرجل یفتری علی ابیه و یـدعو علی والـدیه و یفرح بموتهما و راءیت الرجل اذا مربه یوم ولم یکسب فیه الذنب العظیم من فجور او بخس مکیال او میزان او غشـیان حرام او شـرب مسـکر کئیبا حزینا یحسب ان ذلک الیوم علیه وضیعهٔ من عمره و راءیت السلطان یحتکر الطعام و راءیت اموال ذوی القربی تقسم فی الزور و یتقامربهـا و یشـرب بها الخمور و راءیت الخمر یتـدوای بها و توصف للمریض و یستشـفی بها و راءیت الناس قـد اسـتووا فی ترک الامر با المعروف و النهی عن المنکر و ترک التدین به وراءیت ریاح المنافقین و اهل النفاق دائمهٔ و ریاح اهل الحق لاتحرک و راءیت الاذان بالاجر و الصـلاهٔ بالاجر و راءیت المساجد محتشـیهٔ ممن لایخاف الله مجتمعون فیها للغربیهٔ و اکل لحوم اهل الحق و یتواصـفون فیها شراب المسکر و راءیت السکران یصلی بالناس فهو لایعقل و لایشان بالسکر و اذا سکر اکرم واتقی و خیف و ترک لایعاقب و یعذر بسـکره و راءیت من اکل اموال الیتامی یحدث بصلاحه و راءیت القضاهٔ یقضون بخلاف ما امر الله و راءیت الولاهٔ یاءتمنون الخونـهٔ للطمع و راءیت المیراث قد وضـعته الولاهٔ لاهل الفسوق و الجراءهٔ علی الله یاءخذون منهم و یخلونهم و مـا یشـتهون و راءیت المنـابر یؤ مر علیهـا بـالتقوی و لایعمـل القائل بما یاءمر و راءیت الصـلاهٔ قـد اسـتخف باوقاتها و راءیت الصـدقهٔ بالشـفاعهٔ لایردابهـا وجه الله و تعطی لطلب النـاس و راءیت النـاس همهم بطونهم و فروجهم لایبـالون بمـا اکلوا و بمـا نکحوا و راءیت الـدنیا مقبلهٔ علیهم و راءیت اعلام الحق قد درست فکن علی حذر و اطلبت من الله عزوجل النجاهٔ و اعلم الناس فی سـخط الله عزوجل (و انما یمهلهم لامر یردابهم فکن مترقبا و اجتهـد لیراک الله عزوجل) فی خلاف ما هم علیه فان نزل بهم العـذاب و کنت فیهم عجلت الی رحمـهٔ الله و ان اخرت ابتلوا و کنت قـد خرجت مما هم فیه عجلت الی رحمـهٔ الله و ان اخرت ابتلوا و کنت قد خرجت مما هم فیه من الجراءهٔ علی الله عزوجل و اعلم ان الله لا یضـیع اجر المحسـنین و ان رحمهٔ الله قریب ما المحسنین. [۱۴۸] .در خدمت آن بزرگوار سخن از موفقیت بنی عباس (در امر دنیا) و گرفتاری شـیعیان به میان آمد، آن حضـرت فرمودند: روزی همراه منصور (خلیفه عباسی) بودم در حالی که او سوار بر اسب بود و از طرفین راست و چپ او لشـکریان فراوانی در حرکت بودند و من کنار وی سوار بر الاغی حرکت می کردم. منصور در عین حالی که به شوکت خود مغرور بود به من گفت: یا ابا عبـدالله! سـزاوار است که شـما از قـدرت و عزتی که خداوند به ما داده است خوشـحال باشید و به مردم نگویید که شـما اهل بیت احق و اولی هستید از ما در مورد خلافت، تا مانسبت به شـما و دوسـتانتان بـدبین بشـویم. من به منصور گفتم: آن کسـی که این سـخن از زبـان من به شـما گفته است دروغ می گویـد. منصور به من گفت: آیـا سوگنـد می خوری که این حرف را نزده ای؟ به او گفتم: مردم دوست می دارنـد که فساد کننـد و قلب شـما را از ما پر از کینه سازند؛ به آنها گوش مسپارید. نیاز ما به شـما بیش از احتیاج شـما به ما است. [۱۴۹] پس منصور به من گفت: به خاطر داریـد یک روز از شـما سؤ ال کردم که آیا ما (بنی عباس) به حکومت می رسیم؟ شـما گفتید آری، حکومتی بس طولانی و پیوسته؛ شـما همواره در وسعت از نظر دنیا و حکومت بر آن هستیـد تا اینکه دست شـما به ریختن خون ما آن هم در ماه حرام آلوده بشود؛ در آن هنگام خداونـد خشم می گیرد و سـلطنت شـما را نابود می کنـد. متوجه شدم حدیثی را که قبلا به او گفته بودم حفظ کرده است؛ لذا به او گفتم: شاید خداوند تو را از این بلا حفظ کند و من نگفتم که تو خون ما را می ریزی؛ شاید کسـی از خویشانت این کار را بکنـد. پس ساکت شد. وقتی به منزلم برگشـتم یکی از دوسـتان ما به دیدن من آمد و گفت: قربانت گردم، دیدم همراه منصور سوار بر الاغی هستید و او سوار بر اسب است و طوری با شـما صـحبت می کرد که گویی برتر از شـماست. پیش

خودم گفتم این آقا حجت خداونـد است و صاحب این امر و این دسـتگاه و حال آنکه منصور دشـمن خداوند است و فرزندان انبیاء را می کشـد و خون آنها را می ریزد و برخلاف رضای خداونـد عمل می کند و سوار بر مرکب قدرت است و حال آنکه شـما سوار بر الاغی هستید. شـکی در دلم پیدا شد که چرا باید این طور باشد و ترسـیدم که دینم از دستم برود. به آن دوست گفتم: اگر تو می دیدی که در طرف راست و چپ و جلوی رو و پشت سـر من افواجی از ملائکه در حرکت هسـتند هر آینه سطوت و شوکت منصور در نظرت ناچیز می آمد. آن مردی شـیعی به من (امام صادق علیه السّـلام) گفت: اکنون دلم آرام گرفت. آنگاه گفت: یا ابن رسول الله! این حکومت باطل تا کی در دنیا خواهـد بود و کی ما از دست این جباران راحت می شویم؟ به او گفتم: آیا نمی دانی که برای هر دولتی مـدتی خواهـد بود؟ گفت: چرا، می دانم. گفتم: آیـا می دانی که این امر (حکومت ما) وقتی بخواهـد بیایـد زودتر از یک چشم به هم زدن خواهـد آمد؟ به آن دوست گفتم: تو اگر آنچه را که خداوند بزرگ برای آنان مهیا کرده است می دانستی (کنایه از عـذابهایی که خداونـد برای آنهـا مقرر فرموده است) تعجب نمی کردی. تو و همه مردم اگر بکوشـید و تمـام قـدرتها را روی هم انباشـته کنیـد نمی توانید مانند آن عذابی که خداوند برای آنها خلق فرموده است آماده کنید. مراقب باش شیطان تو را فریب ندهد، زیرا عزت مخصوص خداونـد و پیامبران و ایمان آورندگان است (مقصود از مؤ منان در این عبارت، ائمه معصومین سـلام الله علیهم اجمعین هسـتند) که البته منافقان این حقیقت را درک نمی کنند. آیا نمی دانی کسی که منتظر امر ما باشد (حکومت ما) و در مقابل اذیتها و ترسها صبر کند، فردا در عالم آخرت با ما نخواهد بود؟(در اینجا امام علیه السّلام نشانه های ظهور را بیان می فرماید:)هرگاه دیـدی که حق و طرفـداران آن از بین رفتنـد و دیدی که جهان پر از جور و سـتم شد و دیدی که چیزهایی که در قرآن نیست به آن نسـبت می دهند و چیزهایی به نام قرآن بیان می کنند که در آن نیست و بر طبق هوی و هوس خود توجیه می کنند و دیدی که دین موقعیت خود را از دست داده و دچار انقلاب شـده است و دیـدی که طرفـداران باطل بر پیروان حق برتری یافته اند و دیدی که شـر ظاهر شـده است و کسـی را از آن نهی نمی کننـد و مجریان شـر را معـذور می دارند و دیدی که فسق (فساد اخلاقی) در اجتماعات رواج یافته است و دیدی که مردها به مردها اکتفا می کنند (اشاره به عمل شـنیع لواط) و زنها به زنها (اشاره به مساحقه) و دیدی که افراد با ایمان خاموش نشسته اند و اگر حرف بزنند سخن آنها را رد می کنند و دیدی که دروغگو با شناختی که از او دارند در عین حال دروغش را رد نمی کننـد و دیـدی که افراد کوچک به بزرگترها احترام نمی گذارند و دیدی که مردم قطع رحم می کنند و با افرادی که به گناهان مباهات می ورزنـد با خنـده برخورد می شود و حرف بد آنان را به ایشان برنمی گردانند و دیدی که پسـر بچه هاماننـد زنان خود فروشـی می کننـد و دیـدی که عـده ای از زنها با زنان ازدواج می کنند و دیدی که تعریف بیجا زیاد می شود و دیدی که مرد اموال خودش را در راه غیر مشروع به مصـرف می رساند (قمار، شراب، ربا و...) و کسی او را نهی نمی کند و دیدی که مردم از مشاهـده کارهای اهل ایمان به خـدا پناه می برنـد و دیدی همسایه، همسایه خود را اذیت می کند و احدی او را باز نمی دارد (نگارنده سالهای این ابتلاء را داشـتم) و دیدی که کفار از رنجی که اهل ایمان به خاطر شیوع فساد در زمین می برند خوشحال هستند و دیدی که علنا شرب خمر می شود و افرادی که از خداوند نمی ترسند مجلس شراب را گرم می کنند و دیدی کسی که امر به معروف می کنـد (امر به کارهـای خوب و مفیـد) در بین مردم ذلیل و طرفـداران فساد اخلاق در جامعه برومنـد و محترم هسـتند و دیدی که صاحب آیات (یعنی طرفداران و خوانندگان آیات قرآن و هر کسی که آنها را دوست بدارد) کوچک شمرده می شوند و دیـدی که راه خیر منقطع و مسـدود و راه بـدیها و شـرها بـاز و محل رفت و آمـد مردم است و دیـدی که زیارت خانه کعبه معطل و متروک مانـده است (به خاطر مشـکلاتی که در این راه به وجود آمـده است) و دیدی که افراد به آنچه می گویند عمل نمی کنند و دیـدی که مردها و زنها و دواها و اغذیه ای اسـتعمال می کنند تا برای اعمال قبیحه فربه شوند و دیدی که مردها از راه خود فروشـی (لواط) و زنها از راه زنا زنـدگی خود را تاءمین می کننـد [۱۵۰] و دیـدی که زنان برای خود مجلس و کنفراس تشـکیل می دهند - چنانکه مردها دارای مجالس و محافل سیاسی هستند - و در سیاست اجتماعی دخالت می کنند و دیدی که از فرزندان عباس افرادی

خود را مانند زنان می آرایند و اموال خود را در این راه صرف می کنند برای پیاده کردن برنامه های جنسی اعم از مرد یا زن، در این دوره از زمان صاحب مال در میان مردم از صاحب ایمان عزیزتر است و آشکارا رباخواری می شود و کسی سرزنش نمی کند و دیدی که زنان به عمل بد زنا ستوده می شوند و دیدی که زنان به شوهران خود رشوه می دهند تا بتوانند با مردان دیگر رابطه داشته باشند و دیدی که اکثر مردم و بهترین خانه ها آن خانه ای است که زنان را در فسق و گناهانشان کمک کنند و دیدی که مؤ من در اجتماع خوار و ذلیل زندگی می کند و دیدی که بدعت و زنا شیوع یافته است و دیدی که مردم به وسیله شهادت ناحق به یکدیگر تعدی می کنند و دیدی که مردم فعل حرام را حلال و حلال را حرام می شمارند (تغییر احکام) و دیدی که مردم دین را با رای خودشان تطبیق می دهند و قرآن و احکام آن معطل مانده است و دیدی که برای انجام کارهای بد مردم انتظار شب را نمی کشند بلکه در روز انجام می دهند و دیدی که اهل ایمان در مقابل منکرات جز با قلبشان، توان انکار ندارند و دیدی که بخش عظیمی از مال صرف در غضب خدا می شود (مانند پولهای کلانی که خرج خرید اسلحه می شود و افراد مسلمان و غیر مسلمان را آتش می زنند و نابود می کنند) و دیدی که فرمانروایان به دشمنان خدا و کفار تقرب می یابند (مانند فرستادن هیاءتهای به اصطلاح حسن نیت، بستن قراردادهای مختلف، دیدارهای سیاسی از کشورهای غیر مسلمان) و دیدی که زمامداران از اهل خیر دوری می جویند و دیدی که فرمانروایان در حکم دادن رشوه می گیرند و دیدی که به دست آوردن حکومت با پول انجام می شود و دیدی که با محارم خود ازدواج می کنند و به آنها اکتفا می کنند و دیدی که به مجرد تهمت و سوءظن افراد را می کشند (بدون تحقیق و بررسی) و ناگهان هجوم می آورند و مال و جان او را تصاحب می کنند (ممکن است در راه طغیان شهوت باشد که زنان هرجایی همه چیز مردها را می برند یا به وسیله حکام جور اموال مردم مصادره می شود و جانشان هم به مخاطره می افتد) یا اینکه در راه رسیدن به پسر بچه ها برای کار زشت از مال و جان می گذرند و دیدی که مردها را به خاطر تماس و آمیزش با زنان سرزنش می کنند و دیدی که بعضی از مردها از درآمد زنان خود در ارتباط با بی بند و باری و فجور امرار معاش می کنند در حالی که می دانند زن آنها فاسد است و به این وضع تن می دهند.و دیدی که زنان بر مردان غالب می شوند و برخلاف رضای شوهر عمل می کنند و مردشان را از نظر زندگی اداره می کنند و دیدی که بعضی از مردها زنان و کنیزان خود را در اختیار اشخاص قرار می دهند و در مقابل به مختصری از خوراکیها و آشامیدنیها قناعت می ورزند و دیدی که ایمان به خداوند بزرگ (اظهار ایمان) با زور و جبر انجام می شود (یا از طرف اولیاء یا زمامداران) و دیدی که مردم علنا قمار می کنند و دیدی که علنا شراب خرید و فروش می شود و هیچ مانعی هم بر سر راه آن نیست و دیدی که زنان مسلمان خودشان را در اختیار کفار قرار می دهند و دیدی که گناهان در اجتماع آشکار می شود و مردم آنها را می بینند و کسی هم منع نمی کند و جراءت بر منع آنها در مردم نیست و دیدی که افراد با شخصیت ذلیل صاحبان قدرت می شوند و دیدی که نزدیکترین افراد به زمامداران آنهایی هستند که نسبت به ما اهل بیت بدگویی می کنند (یا به زبان و یا در عمل) و دیدی افرادی که نسبت به ما اظهار محبت می کنند مورد احترام نیستند و حرف آنها را نمی پذیرند و دیدی که مردم در گفتار خلاف حق با هم رقابت می کنند و دیدی که شنیدن آیات کریمه قرآن برای مردم سنگین اما شنیدن ساز و آواز آسان و شیرین است و دیدی که به خاطر زبان بد همسایه، همسایه دیگر او را اکرام می کند و دیدی که حدود الهی معطل مانده است و مردم آنها را طبق هوای نفسشان پیاده می کنند و دیدی که مساجد زینت داده می شود (از نظر ساختمان و رنگ آمیزی) و دیدی که راستگوترین مردم دروغگوترین افراد است (از نظر واقع) و دیدی که شر و سخن چینی در میان مردم ظاهر گشته است و دیدی که ستمگری در میان مردم شیوع یافته است و دیدی که غیبت کردن را سخنی خوشمزه و دلچسب می دانند و یکدیگر را به غیبت کردن بشارت می دهند و دیدی حج خانه خدا و جهاد را برای غیر رضای خدا انجام می دهند و دیدی که پادشاهان به خاطر دلجویی از کفار اهل ایمان را ذلیل می کنند و دیدی که خرابی بر عمران و آبادانی فزونی یافته است (اثر شوم جنگها) و دیدی که مردم روزی خود را با کم فروشی به دست می آورند و دیدی که خونریزی در جامعه سبک شمرده می شود و

دیدی که مرد به خاطر رسیدن به ریاست دنیا بدزبانی می کند و خود را به بد زبانی مشهور می سازد تا مردم از او بترسند و دیدی که مردم نماز را سبک می شمارند (هر وقت که شد یا آخر وقت می خوانند) و دیدی کسی که دارای اموال فراوان است از اول زکات آن را نداده است و دیدی که نبش قبر می کنند و کفن مردگان را می فروشند و دیدی که هرج و مرج زیاد می شود (امنیت از مردم گرفته می شود) و دیدی که مردم شبانه سر سفره شراب می نشینند و صبح مست بر می خیزند و به فکر مردم نیستند و دیدی که با حیوانات معامله جنسی انجام می دهند (با آنها آمیزش می کنند) و دیدی که حیوانات بعضی، بعضی دیگر را می درند و دیدی که مردی برای نماز می رود و در برگشتن لباس ندارد (لباس او را می برند) و دیدی که قلبهای مردم سخت شده است و اشکشان جاری نمی شود (و یاد خدا بر آنها گران می آید) و دیدی که مردم در خوردن مال حرام با یکدیگر رقابت می کنند و دیدی که نمازگزار برای خوش آیند و خودنمایی به مردم نماز می خواند و دیدی که فقیه احکام دین را برای رسیدن به دنیا می آموزد (نه خدا) و دیدی که مردم طرفدار آن کسی هستند که قدرت در دست اوست و دیدی که طالب مال حلال را سرزنش و دوستدار حرام را تمجید و تکریم می کنند و دیدی در حرمین (مکه و مدینه) کارهای خلاف انجام می دهند و کسی جلوی آنها را نمی گیرد و دیدن آلات لهو و لعب را در حرمین به طور آشکار (مانند ساز و آواز، قمار و انواع گناهان دیگر) و دیدی به کسانی که حق را می گویند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند، به عنوان نصیحت گفته می شود این موضوع به شما مربوط نیست و بهتر است دست بردارید و دیدی که مردم با هماهنگی یکدیگر به مردم بد اقتدا می کنند (یا پیروی) و دیدی که راه خیر و سعادت خالی مانده است و کسی بدان راه نمی رود و دیدی که مردگان را به مسخره می گیرند و زندگی ابدی ندارند (از خدا) و دیدی که هر سال بدعتها و فتنه های تازه به وجود می آید که بدتر از سال قبل است و دیدی که در میان مردم و در محافل عمومی تنها نسبت به اغنیا احترام می شود و دیدی که در مقابل فقیر و کمک به او مردم می خندند و برای غیر خدا به او رحم می کنند و دیدی که مردم از آیات و نشانه های آسمانی وحشت و ترسی ندارند (مانند سرخی در آسمان و ستاره دنباله دار در همین سال اخیر) و دیدی که مردم مانند بهائم سوار یکدیگر می شوند و کسی آنها را سرزنش نمی کند و دیدی که مردم در راه غیر رضای خداوند انفاق زیاد و در راه خدا انفاق کم می کنند و دیدی که فرزندان احترام پدر و مادر به جای نمی آورند و آنها را حقیر می شمارند و بدترین حالات را پدر و مادر دارند (نزد فرزندانشان) و از افترا زدن به پدر و مادر خوشحال می شوند (پسران و دختران) و دیدی که زنها بر کشورها و بر تمام امور غلبه می یابند (نخست وزیر می شوند، پادشاه می شوند، وکیل مجلس می شوند) و کارها بدون رضا و هوس زنان انجام نمی گیرد و دیدی که پسر به پدرش افترا می زند و به پدر و مادر نفرین می کند و انتظار مرگ آنها را می کشد و از این بابت خوشحال است (برای تقسیم ارث و غیره) و دیدی در هر روزی که بر مرد بگذرد و در آن روز مرتکب معصیتی مانند خوردن حرام و شرب مسکرات یا کم فروشی یا غش در معامله نشود، آن روز برای او روز سختی خواهد بود و دیدی که پادشاهان مواد غذایی را در اختیار خود قرار می دهند و دیدی که خمس آل محمد (سهم امام و سهم سادات) در راه باطل تقسیم می شود و با آن میخوارگی می کنند و دیدی که شراب را وسیله درمان امراض قرار می دهند (بعضی از پزشکان گاه به بیماران خود توصیه می کنند که برای شفای پاره ای امراض از شراب استفاده کنند) و دیدی که همه مردم در ترک امر به معروف و نهی از منکر هماهنگی پیدا کرده اند و دیدی که پرچم نفاق و منافقان به اهتزاز در آمده است اما از حق خبری نیست و دیدی که مؤ ذن برای اذان و نمازگزار (نماز استیجاری) برای نماز خواندن مطالبه پول می کنند (یا نماز میت و امثال آن) و دیدی که مساجد محل اجتماع، اما بیشتر برنامه های غیبت و خوردن گوشت مردم است و در مساجد وصف شراب و شرابخوار را می کنند و دیدی که آدم مست برای مردم نماز می خواند (پیشنماز می شود)و هرگاه مشروب خورد مردم او را احترام می کنند و دیدی که اموال یتیم را می خورند ولی به صلاح و نیکی هم معروف هستند و دیدی که قضات بر خلاف آنچه خداوند فرموده است قضاوت می کنند و دیدی که زمامداران به جهت طمع، خیانتکاران را امین خویش قرار می دهند و دیدی که حکام اجتماع، میراث را به دست اهل فسق و

فجور می دهند و آنها بر خدا جراءت پیدا می کنند و از این اموال می خورند و به هر نحو که بخواهند با آن عمل می کنند و دیدی که بر سر منبرها امر به تقوا می کنند اما گوینده خود به آن عمل نمی کند و دیدی که مردم نماز را در وقت خودش نمی خوانند و آن را سبک می شمارند و دیدی که زکات و صدقات دیگر را به وساطت افراد می دهند اما برای خدا نیست و قصد تقرب به خداوند را ندارند و دیدی که هّم و هدف مردم پر کردن شکم و ارضای غرایز جنسی است و از هر راهی باشد مانعی ندارد و دیدی که دنیا رو به آنها آورده و دیدی که نشانه های حق و درستی کهنه شده است، - ای حمران!- پس بر حذر باش و از پیشگاه خداوند بزرگ تقاضای رهایی کن و بدان که مردم گرفتار خشم خداوند هستند و به آنها مهلت داده شده در مقابل اوامری که به آنها شده است. پس، مواظب خویشتن باش و کوشش کن تا خداوند تو را برخلاف آنها ببیند و اگر در میان آنها باشی و عذاب خداوند نازل شود همانا به سوی رحمت واسعه الهی شتافته ای و اگر از آنها جدا شدی آنها گرفتار هستند و تو از جراءت بر خداوند در امان مانده ای. و بدان که خداوند پاداش نیکوکاران را می دهد و همانا رحمت خداوند نزدیک به نیکوکاران است.مفضل بن عمر از اصحاب حضرت صادق علیه السّلام، از محل و کیفیت ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء و نشانه های آن سؤ ال کرد، می گوید:یا سیدی فمن این یظهر و کیف یظهر قال یا مفضل یظهر وحده و یاءتی البیت وحده و یلج الکعبهٔ وحده و یجن علیه اللیل وحده فاذا نامت العیون و غسق اللیل نزل الیه جبرئیل و میکائیل علیهماالسلام و الملئکهٔ صفوفا فیقول له جبرئیل یا سیدی قولک مقبول و امرک جائز فیمسح علیه السّلام یده علی وجهه و یقول «الحمدلله الذی صدقنا وعده و اورثنا الارض نتبوا من الجنهٔ حیث نشاء فنعم اجر العاملین».و یقف بین الرکن و المقام فیصرخ صرخهٔ فیقول یا معشر نقبائی و اهل خاصتی و من ذخرهم الله لنصرتی قبل ظهوری علی وجه الارض ائتونی طائعین فترد صیحته علیه السّلام علیهم و هم علی محاریبهم و علی فرشهم فی شرق الارض و غربها فیسمعونه فی صیحهٔ واحدهٔ فی اذن کل رجل فیجیئون نحوها و لایمضی لهم الا کلمحهٔ بصر حتی یکون کلهم بین یدیه علیه السّلام بین الرکن و المقام فیاءمر الله عزوجل النور فیصیر عمودا من الارض الی السماء فیستضیی به کل مؤ من علی وجه الارض و یدخل علیه نور من جوف بیته فتفرح نفوس المؤ منین بذالک النور و هم لایعلمون بظهور قائمنا اهل البیت علیه و علیهم السلام ثم یصبحون وقوفا بین یدیه و هم ثلثمائهٔ و ثلاثهٔ عشر رجلا بعدهٔ اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله یوم بدر. [۱۵۱] .ای مولای عزیزم! محل ظهور مهدی شما کجاست و چگونه ظاهر می شود؟ فرمودند: به تنهایی ظاهر می شود، به تنهایی وارد مسجد الحرام می شود، به تنهایی دست به دامن کعبه می زند، شب را به تنهایی در کنار بیت بسر می برد. چون مردم به خواب روند و شب فرا رسد جبرئیل و میکائیل و صفوف فرشتگان بر او وارد شوند. جبرئیل به آن حضرت عرض می کند که ای آقای من! گفتارت مقبول و فرمانت مطاع است. پس، آن حضرت دست بر چهره اش کشیده، می فرماید: «ستایش خداوندی را که وعده لطف و رحمتش را بر ما محقق فرمود و ما را وارث همه سرزمین بهشت گردانید تا هر جای آن که بخواهیم، منزل کنیم، زیرا آن روز پاداش نیکوکاران بسیار نیکو خواهد بود». [۱۵۲] آنگاه امام بین رکن و مقام می ایستد و فریاد می زند: ای یاران مخصوص من و ای کسانی که خداوند شما را برای نصرت و یاری من بر روی زمین ذخیره کرده است! با حالت اطاعت نزد من حاضر شوید. صیحه و فریاد امام در شرق و غرب به گوش آنها می رسد و آن صدای ملکوتی را می شنوند و به طرف امام حرکت می کنند و در چشم به هم زدنی بین رکن و مقام نزد امام حاضر می گردند. در این حال، خداوند متعال به نور امر می کند که به صورت عمودی از زمین تا آسمان بر آید و تمام ساکنان روی زمین را از پرتو خود روشن سازد. مؤ منان را این نور به شادی و سرور وا می دارد، زیرا از قیام قائم ما اهل بیت خبر ندارند، اما چون صبح شود آنها در محضر مقدس و در فرمان امام علیه السّلام قرار می گیرند و تعداد آنها سیصد و سیزده نفر - به عدد اصحاب پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در روز جنگ بدر - است.عمر بن حنظله از امام ششم علیه السّلام روایت می کند که فرمودند:خمس قبل قیام القائم من العلامات الصیحهٔ و السفیانی و الخسف بالبیداء و خروج الیمانی و قتل النفس الزکیهٔ. [۱۵۳] .پیش از ظهور حضرت مهدی (علیه السّلام) پنج نشانه تحقق پیدا می کند:۱. صیحه آسمانی۲. خروج سفیانی۳. فرورفتگی در

بیداء (زمینی است نزدیک مکه منوره)۴. خروج یمانی۵. کشته شدن نفس زکیهفضل بن شاذان از ابی بصیر نموده است که او گفت:قال ابو عبدالله علیه السّلام ان القائم صلوات الله علیه ینادی اسمه لیلهٔ ثلاث و عشرین و یقوم یوم عاشورا یوم قتل فیه الحسین بن علی علیه السّلام. [۱۵۴] .حضرت صادق علیه السّلام فرمودند که قائم آل محمد صلوات الله علیه در شب بیست و سوم ماه رمضان با ندای آسمانی معرفی می شود و روز عاشورا قیام می کند و آن روزی است که امام حسین علیه السّلام را شهید کردند.یعقوب سراج به امام صادق علیه السّلام عرض می کند:متی فرج شیعتکم؟ فقال: اذا اختلف ولد العباس و وهی سلطانهم و طمع فیهم من لم یکن یطمع و خلعت العرب اعنتها و رفع کل ذی صیصیه صیصیته و ظهر السفیانی و اقبل الیمانی و تحرک الحسنی خرج صاحب هذا الامر من المدینهٔ الی مکهٔ بتراث رسول الله صلی الله علیه و آله قلت و ما تراث رسول الله صلی الله علیه و آله؟ فقال سیفه و درعه و عمامته و برده و رایته و قضیبه و فرسه ولامته و سرجه. [۱۵۵] .عرض کردم: یا ابن رسول الله! فرج شیعیان شما کی خواهد بود؟ فرمودند: وقتی که اولاد عباس در حکومت با هم اختلاف پیدا نمایند و افرادی طمع ریاست را پیدا کنند که نباید بکنند (شایستگی اجتماعی نداشتن) و عرب کیان خود را از دست بدهد، سفیانی خروج می کند و یمانی قیام می نماید و حسنی (منظور جناب سید حسنی است از خراسان) حرکت می کند. در این هنگام، صاحب این امر (امر ولایت) از مدینه به سمت مکه معظمه حرکت می کند در حالی که «تراث» رسول خدا صلی الله علیه و آله را همراه دارد. می گوید عرض کردم: «تراث» چیست؟ فرمودند: شمشیر، زره و عمامه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و برد آن حضرت و پرچم او و عصای آن سرور و اسب سواری با آلات جنگی و همه وسایل نبرد که جدش خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله داشتند، امام عصر ارواحنا له الفداء همه این مواریث را همراه دارد.ابی بصیر از حضرت صادق علیه السّلام خبر می دهد که آن حضرت فرمودند:علامهٔ خروج المهدی کسوف الشمس فی شهر رمضان فی ثلاث عشرهٔ و اربع عشرهٔ منه. [۱۵۶] .نشانه ظهور مهدی (علیه السّلام) کسوف خورشید در ماه مبارک رمضان است و وقت کسوف سیزدهم یا چهاردهم ماه رمضان خواهد بود.زراره از امام صادق علیه السّلام درباره حق بودن صیحه آسمانی می پرسد، آن حضرت می فرمایند:ای والله حتی یسمعه کل قوم بلسانهم. [۱۵۷] .آری، به خدا سوگند حق است و تمام مردم به زبان مخصوص خودشان این صدا را می شنوند.هشام بن سالم از امام صادق علیه السّلام حدیث می کند که فرمودند:ما یکون هذا الامر حتی لایبقی صنف من الناس الا وقد ولوا علی الناس حتی لایقول قائل «انا لو ولینا لعدلنا» ثم یقوم القائم با لحق و العدل. [۱۵۸] .امر قیام مهدی ما محقق نخواهد شد مگر اینکه تمام اصناف مردم به حکومت برسند تا نتوانند بگویند اگر حکومت به دست ما داده می شد عدالت و حق را اجرا می کردیم. بعد از رسیدن همه طبقات به حکومت آنگاه مهدی ما ظاهر می شود و حق و عدالت را اجرا می کند.موضوع امتحان و آزمایش شدن همه طبقات یکی از مقدمات و نشانه های قیام جهانی حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء است. لذا امام صادق علیه السّلام در این روایت به منصور می فرماید:قال ابوعبدالله علیه السّلام یا منصور ان هذا الامر لایاءتیکم الا بعد (ا) یاءس لا و الله لا یاءتیکم حتی تمیزوا لا والله لایاءتیکم حتی تمحصوا ولا والله لایاءتیکم حتی یشقی من شقی و یسعد من سعد. [۱۵۹] .امر ولایت و حکومت ما آل محمد محقق نخواهد شد مگر بعد از اینکه آزمایشهایی به عمل آید:۱. به خدا سوگند، مهدی ما قیام نمی کند مگر بعد از ماءیوس شدن همه از وجود مقدسش (آری، می گویند اگر بود، می آمد؛ پس چرا اینقدر طول کشیده است؟).۲. نه به خدا سوگند نمی آید مگر اینکه افراد از یکدیگر امتیاز پیدا کنند (خوبان از بدان مشخص شوند).۳. نه به خدا سوگند، قائم ما ظاهر نمی شود تا اینکه همه شناخته بشنوند (از نظر دینی و ولایت).۴. نه به خدا سوگند، آنگاه موعود اسلام ظهور می کند که افرادی که باید سعادتمند بشوند، به اختیار خودشان راه سعادت را برگزینند و آنهایی که دارای خبث باطن و سوء سریره هستند به اختیار خودشان راه شقاوت را در پیش گیرند.آری، همه مردم باید قبل از حکومت جهانی سرور عالم حضرت مهدی ارواحنا له الفداء امتحان بشوند. سعادتمند آن افرادی هستند که در این آزمایش با معدلی خوب قبول می شوند.از حضرت صادق علیه السّلام حدیث کرده اند که آن امام عزیز فرمودند:ان لله مائدهٔ بقرقیسا یطلع مطلع من السماء فینادی یا طیر السماء و یا سباع الارض هلموا الی

الشبع من لحوم الجبابین. [۱۶۰] .از سوی خداوند متعال سفره ای گسترده می شود، گوینده ای از آسمان فریاد می زند: ای پرندگان آسمان و ای درندگان روی زمین! بیایید و شکم را از گوشت ستمگران و جباران عالم سیر کنید.خواننده عزیز!این بیان کنایه است از اینکه دیگر عمر ستمگران خاتمه یافته و امنیت و رفاه در زندگی برای همه موجودات آماده است.امام صادق علیه السّلام درباره آینده عرب چنین اعلام خطر فرموده اند:ویل لطغاهٔ العرب من شر قد اقترب قلت کم مع القائم من العرب قال شیء یسیر و عن غیبهٔ النعمانی انه لایخرج مع القائم من العرب احد. [۱۶۱] .وای بر سرکشان عرب از شری که نزدیک شده است. راوی می گوید عرض کردم: از اصحاب حضرت قائم چند نفر عرب هستند؟ فرمودند: ناچیز (بسیار کم). اما «غیبت نعمانی» می گوید از عرب در خدمت حضرت قائم کسی نیست.(منظور اصحاب خاص هستند).بنابر نقل «الزام الناصب»، امام صادق علیه السّلام در باب علائم قبل از ظهور امام عصر روحی له الفداء چنین فرمودند:لایخرج القائم عجل الله تعالی فرجه من مکهٔ حتی یکون مثل الحلقهٔ قلت و کم الحلقهٔ قال عشرهٔ آلاف جبرئیل عن یمینه و میکائیل عن یساره ثم یهز الرایهٔ المغلبهٔ و یسیربها فلا یبقی احد فی المشرق و لا فی المغرب الا بلغها و هی رایهٔ رسول الله صلی الله علیه و آله نزل بها جبرئیل یوم بدر ثم لفها و دفعها الی علی علیه السّلام حتی اذا کان یوم البصرهٔ فنشرها امیرالمؤ منین علیه السّلام ففتح الله علیه ثم لفها فهی عندنا لاینشرها احد حتی یقوم القائم فاذا هو قام فنشرها لم یبق بین المشرق و المغرب الا بلغها و یسیر الرعب قدامها شهرا و عن یمینها شهرا و عن یسارها شهرا ثم قال یا محمد (صلی الله علیه و آله) انه یخرج موتورا غضبان اسفا لغضب الله علی هذا الخلق علیه قمیص رسول الله الذی کان علیه یوم احد و عمامهٔ السحاب و درع رسول الله السابغهٔ و سیف رسول الله ذوالفقار یجرد السیف علی عاتقه ثمانیهٔ اشهر هرجا فیبدا ببنی شیبهٔ فیقطع ایدیهم و یعلقها فی الکعبهٔ و ینادی منادیه هؤ لاء سراق الله ثم یتناول المفقودین عن فرشهم و هو قول الله عزوجل «اینما تکونوا یاءت بکم الله جمیعا». [۱۶۲] .مهدی ما عجل الله تعالی فرجه از مکه خارج نمی شود تا اینکه دارای حلقه باشد. راوی می گوید عرض کردم: میزان حلقه چیست؟ فرمودند: یک سپاه ده هزار نفری در حالی که جبرئیل علیه السّلام در طرف راست و میکائیل در طرف چپ آن حضرت در حرکت اند و پرچم رسول اکرم صلی الله علیه و آله را به اهتزاز در می آورند و تمام مردم مشرق و مغرب از خبر قیام و به اهتزاز در آمدن آن آگاه می شوند و این پرچم مخصوص رسول اکرم صلی الله علیه و آله است که در روز بدر جبرئیل آن را از آسمان آورد. آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله آن پرچم را پیچید و به علی علیه السّلام داد تا اینکه جنگ بصره پیش آمد و حضرت امیرالمؤ منین علیه السّلام پرچم را به اهتزاز درآورد و خداوند آن پیروزی درخشان را نصیبش فرمود و بعد از فتح بصره حضرت امام امیرالمؤ منین علیه السّلام آن پرچم را پیچیدند و الان در نزد ماست. و هیچ کس آن پرچم را نمی گشاید و به دست نمی گیرد مگر اینکه قائم ما قیام کند و آن را به اهتزاز درآورد و این پرچم و خبر برافراشته شدنش به شرق و غرب عالم می رسد و جهان را در سیطره خود قرار می دهد و از آن طرف در پیشاپیش آن به اندازه یک ماه مسافت و نیز از طرف راست و چپ آن موجی از خوف و ترس راه می افتد (البته دلهای مردم را پر می کند) و قلبها را مسخر می نماید. او ناراحت و غضبناک ظاهر می شود و برای این مردم که گرفتار غضب خداوند شده اند متاءسف است، در حالی که پیراهن رسول اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ احد و نیز عمامه مخصوص و زره آن حضرت را پوشیده و شمشیر جدش (ذوالفقار) را به دست گرفته است و این شمشیر را از غلاف بیرون می کشد و هشت ماه آن را به زمین نمی گذارد.ابتدا بنی شیبه را از بین می برد و دستهای آنها را قطع می کند و به دیوار کعبه می آویزد و از طرف حضرت بقیهٔ الله روحی له الفداء منادی ندا می کند که اینها دزدان دین خدا و حرم خدا هستند. سپس سیصد و سیزده تن یاران مخصوص شرفیاب می شوند که خداوند درباره شان فرموده است: «همه شما را خداوند خواهد آورد». [۱۶۳] .امام صادق علیه السّلام درباره جهانگیری حضرت ولی عصر و یاران عزیزش برنامه جالبی در این حدیث فرموده اند که شرح آن را به نظر خوانندگان عزیز می رسانیم تا مشکل بی اساس به نظر بعضیها در ارتباط با اینکه چگونه حکومت واحد جهانی به وجود می آید، حل بشود. امام صادق علیه السّلام در این حدیث می فرماید:اذا قام القائم عجل الله تعالی فرجه بعث فی اقالیم الارض فی کل اقلیم

رجلاـ یقول عهدک فی کفک فاذا ورد علیک ما لاتفهمه و لاتعرف القضاء فیه فانظر الی کفک و اعمل بما فیها قال و یبعث جندا الی القسطنطنیهٔ فاذا بلغوا الی الخلیج کتبوا علی اقدامهم شیئا و مشوا علی الماء فاذا نظر الیهم الروم یمشون علی الماء قالوا هؤ لاء اصحابه یمشون علی الماء فکیف هو فعند ذلک یفتحون لهم ابواب المدینهٔ فید خلونها فیحکمون فیها ما یریدون. [۱۶۴] .وقتی قائم ما عجل الله تعالی فرجه قیام کند و جهان را مسخر اراده و حکومت خود قرار دهد، در هر قسمتی و قاره ای از دنیا کسی را به عنوان نمایندگی از طرف خودش معین می فرماید و فرمان کارش را به این مضمون صادر می کند: برنامه قضایی تو در کف دست تو است. پس، هرگاه مشکلی پیش آید که حکم خداوند را در آن امر نمی دانی به کف دستت نظر کن و آنچه را در کف دستت دیدی همان تکلیف تو است و به آن عمل کن. امام صادق علیه السّلام می فرماید: آنگاه حضرت قائم لشکری به قسطنطنیه می فرستد و وقتی که به دریا رسیدند عبارتی به کف پاهای خود می نویسند و روی آب راه می روند. مردم می گویند: اینها که اصحاب حضرت قائم هستند و روی آب راه می روند پس خود آن حضرت چه خواهد کرد. در این موقع چون شکست خود را قطعی می بینند دروازه های شهر را به روی آنها می گشایند. پس، آنها فرمانروایی را به دست می گیرند و هر فرمانی بخواهند صادر می کنند (این است معنی ولایت تکوینی و تشریعی).از امام صادق علیه السّلام در رابطه به صیحه آسمانی حدیث می کنند که فرمودند:انه قال العام الذی فیه الصیحهٔ قبله الایهٔ فی رجب قلت و ما هی قال وجه یطلع فی القمر و ید بارزهٔ. [۱۶۵] .پیش از آن سالی که ندای آسمانی بلند می شود در ماه مبارک رجب نشانه دیگری باید دیده شود. عرض کردم: آن چیست؟ فرمودند: صورتی در ماه پیدا می شود و دستی ظاهر می گردد که همه آن را می بینند.امام صادق علیه السّلام در مقام بیان مواریث انبیاء این طور فرموده اند:الواح موسی عندنا و عصا موسی عندنا و نحن ورثهٔ النبیین. [۱۶۶] .الواحی که خداوند به حضرت موسی علیه السّلام نازل فرموده نزد ماست (وظایف و تکالیف آسمانی از طرف خداوند) و نیز عصای حضرت موسی علیه السّلام که به وسیله دشمنان خداوند را به خاک مذلت می انداخت در نزد ما آل محمد است. بنابراین، ما خاندان رسالت وارث همه پیامبران هستیم.خواننده عزیز!اکنون آن الواح و عصای حضرت موسی علیه السّلام به دست وجود مقدسش حضرت بقیهٔ الله روحی له الفداء است – اللهم عجل فرجه –.امام صادق علیه السّلام درباره ساعت اول تشرف حضرت بقیهٔ الله روحی له الفداء به مسجد الحرام می فرماید:و الله لکاءنی انظر الیه دخل مکهٔ و علیه بردهٔ رسول الله و علی راءسه عمامهٔ صفراء و فی رجلیه نعل رسول الله المخصوفهٔ و فی یده هراوته یسوق بین یدیه اعنزا عجافا حتی یصل بها نحو البیت لیس ثم احد یعرفه. و یصبح الناس فی مکهٔ فیقولون من هذا الرجل الذی بجانب الکعبهٔ و ما هذا الخلق الذی معه هذه الایهٔ التی راءیناها اللیلهٔ ولم نر مثلها؟ فیقول بعضهم لبعض هذا صاحب العنیزات. [۱۶۷] .به خدا سوگند، گویی با این چشم او را می بینم که داخل مکه شده است، در حالی که برد رسول اکرم صلی الله علیه و آله را به تن کرده و عمامه زرد بر سر دارد و نعلین مخصوص رسول الله صلی الله علیه و آله را به پا کرده و نیزه آن حضرت را در دست دارد. در جلوی او تعدادی بزهای لاغر در حرکت اند و آنها را به سوی کعبه سوق می دهد در حالی که کسی آن حضرت را نمی شناسد.مردم مکه صبحگاهان که برمی خیزند به یکدیگر می گویند: این مردی که در اطراف کعبه است، کیست؟ این افرادی که اطراف او را گرفته اند چه کسانی هستند؟ نشانه هایی ملاحظه کردیم که نظیرش را ندیده بودیم. اینها چیست و از کجاست؟ بعضی مردم به بعضی دیگر می گویند: این آقا صاحب بزهاست که دیروز وارد مکه معظمه شد.امام صادق علیه السّلام می فرماید:بخ بخ للطالقان. [۱۶۸] .آفرین بر طالقان.امام صادق علیه السّلام می فرماید:اذا قام القائم عجل الله تعالی فرجه نزلت سیوف القتال علی کل سیف اسم الرجل و اسم ابیه. [۱۶۹] .زمانی که قائم ما عجل الله تعالی فرجه قیام می کند شمشیرهایی از آسمان فرود می آیند که خصوصیاتشان این است که نام جنگجو و نام پدرش با قلم قدرت روی لبه آنها نوشته شده است.امام صادق علیه السّلام در کیفیت آمدن سیصد و سیزده تن یاران مخصوص حضرت مهدی روحی لتراب مقدمهٔ الفداء چنین می فرمایند:سیاءنی الله بثلاثماءهٔ و ثلاثهٔ عشر رجلا فی مسجدکم هذا یعلم اهل مکهٔ انهم لم یولدوا من آبائهم ولا اجدادهم علیهم سیوف مکتوب علی کل سیف اسم الرجل و اسم ابیه و نسبه. [۱۷۰]

.خداوند سیصد و سیزده تن یاران مخصوص حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه را در همین مسجد شما (مسجدالحرام) جمع می کند و مردم مکه با دیـدنشان می دانند که ایشان از اهل مکه و از آباء و اجداد آنها نیستند. شمشیرهایی به دست دارند که روی لبه آنها اسامی صاحبانشان و نام پدرشان و نسب آنها نوشته شده است.در این فرمان کوتاه امام صادق علیه السّلام شیعیان را برای شرکت در قیام جهانی حضرت ولی عصر علیه السّلام مکلف فرموده اند که در خود آمادگی رزمی ایجاد کنند اگر چه تهیه یک تیر باشد و می فرمایند: وقتی که خداوند این آمادگی را در شـما ببیند امیدوارم به شـما مهلتی مرحمت کند و ظهور آن سـرور را درک نمایید:لیعد احـدکم لخروج القائم علیه السّـلام ولو سـهما فان علم الله ذلک من نیته رجوت لان ینساء فی عمره حتی یدرکه و یکون من اعوانه و انصاره. [۱۷۱] .درباره قدرت سپاهیان حضـرت بقیهٔ الله روحی له الفداء امام شـشم علیه السّلام می فرماید:یخرج بجیش لو استقبل به الجبال لهـدمها و اتخـذ فیها طریقا. [۱۷۲] .لشـکریان آن حضـرت اگر بـا کوه روبرو شونـد کوههـا را درهم می کوبنـد و دل آنها را شکافته، مسیر خود قرار می دهند.آری، با نیروی مادی و معنوی، ایجاد تونلها می کنند و بدون گذشت زمان و صـرف وقت زیاد به هدفهای خود می رسـند.امام صادق علیه السّلام درباره آثار شکوهمند قیام حضرت بقیهٔ الله روحی له الفداء چنین می فرمایند:یعز الله به الاسـلام بعد ذله و یحییه بعد موته و یضع الجزیهٔ و یدعو الی الله بالسـیف فمن ابی قتل و من نازعه خذل یظهر من الدین ما هو علیه الـدین فی نفسه ما لو کان رسول الله صـلی الله علیه و آله یحکم به یرفع المـذاهب من الارض فلا یبقی الا الـدین الخالص. [۱۷۳] .۱. عزت واقعی اسـلام را بعد از ذلتش به آن برمی گرداند.۲. احکام و قوانین مرده اسـلام را (از نظر ظاهر) حیات می بخشد.۳. جزیه از کفار برداشـته می شود.۴. بـا شمشـیر قیـام می کنـد و مردم را به سوی خداونـد می خوانـد و هرکس اجـابت نکرد کشـته می شود و هرکس با آن حضرت نبرد کند منکوب می شود.۵. در قیام جهانی حضـرت صاحب الامر علیه السّـلام قیافه واقعی اسلام که بعد از رسول اکرم صـلی الله علیه و آله در زیر پرده هـا پنهان مانـده است، بطوریکه در زمان حیات آن حضـرت بود، آشکار می گردد.۶. تمام مذاهب از سرتاسـر جهان برچیده می شود.۷. تنهـا دین جهانی همه مردم دین مقـدس اسـلام، آن هم بر اساس رهبری اهل بیت عصمت و طهارت سلام الله علیهم اجمعین، خواهد بود.امام صادق علیه السّلام در مورد چگونگی برخورد امام عصر روحی له الفداء بـا مردم - اعم از عرب و عجم و... - چنین می فرمایـد:اذا خرج القـائم لم یکن بینه و بین العرب و الفرس الاـ السـیف لا یاءخـذها الا بالسـیف و لا یعطیها الا السیف. [۱۷۴] .قیام قائم ما بر اساس قـدرت است و چون بنابر اصـلاح جهان است دیگر مـدارا کردن در این دولت وجود نـدارد: با عرب و فارس و غیره با شمشیر برخورد می کنـد، با شمشـیر می گیرد و آنچه بخواهـد عطا کند نیز با شمشـیر است (کنایه از اینکه تمام برنامه و برخوردها بر پایه قدرت است).حضـرت امام ششم علیه السّلام در این روایت تفاوت میان برخورد مردم زمان جاهلیت با رسول اکرم صـلی الله علیه و آله و برخورد مردم زمان ظهور را با حضـرت بقیهٔ الله روحی له الفداء بیان فرموده انـد و شایسـته است خواننـدگان عزیز خوب دقت کنند تا ویژگیهای حکومت حضـرت مهدی علیه السّـلام را بیشتر درک کنند. امام صادق علیه السّلام فرمودند:ان قائمنا اذا قام استقبل من جهلهٔ الناس اشد مما استقبله رسول الله صلی الله علیه و آله من الجاهلیهٔ فقیل له کیف ذلک فقال ان رسول الله اتی الناس و هم یعبدون الحجارهٔ والصخور والعیدان و الخشب المنحوتهٔ و ان قائمنا اذا قام اتی الناس و کلهم یتاءولون علیه کتاب الله و یحتـج علیه به ویقاتله علیه اما و الله لیـدخلن علیهم عـدله جوف بیوتهم کما یدخل الحر و القر. [۱۷۵] .هنگامی که قائم ما قیام کند آنچه از مردم نادان می بیند به مراتب بیش از آن چیزی است که پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله وسلم از مردم دوران جاهلیت دیدند. گفته شد: چگونه است آن؟ پس فرمودند: وقتی که جدم خاتم الانبیاء صـلی الله علیه و آله به رسالت مبعوث شـد مردم انواع بتهای سـنگی و چوبی را پرسـش می کردنـد (اینها کمتر نیاز به دلیل بر اثبات بطلان بت پرستی داشـتند)؛ اما حضـرت صاحب الامر آنگاه که قیام می کند همه مردم با تمسک به قرآن و تاءویل کتاب خداوند (به نفع خودشان) با آن حضـرت به مقابله می پردازند. قسم به خداوند که عدالت مهدی ما در تمام خانه های آنها وارد می شود چنانچه سـرما و گرما داخل می شود (قـدرت نفوذ معنوی ولایت را بیان می کنـد).امام صادق علیه السّـلام درباره آزمایشـی که روزهای اول ظهور برای یاران مخصوص

امام عصر علیه السّلام (سیصد و سیزده تن) پیش می آید چنین فرموده اند:کانی انظر الی القائم علیه السّلام علی منبر الکوفهٔ و حوله اصحابه ثلاثمائهٔ و ثلاثهٔ عشر رجلا عدهٔ اهل بدر و هم اصحاب الالویهٔ و هم حکام الله فی ارضه علی خلقه حتی یستخرج من قبائه کتابا مختوما بخاتم من ذهب عهد معهود من رسول الله صلی الله علیه و آله فیجفلون عنه اجفال الغنم البکم فلا یبقی منهم الا الوزیر و احد عشر نقیبا کما بقوامع موسی بن عمران فیجولون فی الارض و لایجدون عنه مذهبا فیرجعون الیه و الله انی لاعرف الکلام الذی یقوله لهم فیکفرون به. [۱۷۶] .گویی می بینم قائم ما علیه السّلام در کوفه بالای منبر نشسته و اصحاب مخصوص که سیصد و سیزده تن هستند، به عدد اصحاب بدر، در خدمت حضور دارند. ناگهان امام زمان علیه السّلام نامه ای با مهر طلایی از جیب قبای خود بیرون می آورد که البته عهدنامه ای است از رسول خدا صلی الله علیه و آله برای آن حضرت. چون مفاد عهدنامه را برای آنها می خوانند مانند گله گوسفند گرگ زده همه، بجز و زیر و یازده تن از نقبا به عدد نقبای بنی اسرائیل، بقیه همه آن سرور را رها کرده، در سرتاسر کره زمین سیر می کنند و چون مرجع و پناهی غیر از او نمی بینند دوباره برمی گردند. امام صادق علیه السّلام می فرماید: ای مفضل! به خدا سوگند، من می دانم که حضرت قائم علیه السّلام چه می فرماید که سبب فرار کردن آنها می شود.مفضل بن عمر از حضرت صادق علیه السّلام درباره پیراهن یوسف علیه السّلام اینچنین می فرماید:سمعته یقول اءتدری ما کان قمیص یوسف علیه السّلام؟ قلت: لا. قال ان ابراهیم علیه السّلام لما اوقدت له النار اتاه جبرئیل بثوب من ثیاب الجنهٔ فالبسه ایاه فلم یضره معها حر و لابرد فلما حضر ابراهیم الموت جعله فی تمیمهٔ و علقه علی اسحق و علقه اسحق علی یعقوب فلما ولد یوسف علیه السّلام علقه علیه و کان فی عضده حتی کان من امره ما کان فلما اخرجه یوسف علیه السّلام بمصر من التمیمهٔ وجد یعقوب علیه السّلام ریحه و هو قوله تعالی حکایهٔ عنه «انی لاجد ریح یوسف لولا ان تفندون» فهو ذلک القمیص الذی انزل من الجنهٔ قلت جعلت فداک فالی من صار هذا القمیص؟ قال الی اهله و هو مع قائمنا اذا خرج ثم قال کل نبی ورث علما او غیره فقد انتهی الی محمد صلی الله علیه و آله. [۱۷۷] .از امام صادق علیه السّلام شنیدم که می فرماید: می دانی پیراهن یوسف علیه السّلام چه بود؟ عرض کردم: نه. فرمودند: چون برای سوزاندن ابراهیم علیه السّلام آتش افروختند و خواستند آن حضرت را در آتش بیندازند، جبرئیل علیه السّلام برای او پیراهنی آورد و به تن او کرد که جلوی حرارت آتش و همچنین سردی هوا را می گرفت؛ لذا آتش حضرت ابراهیم علیه السّلام را نسوزانید. چون زمان وفاتش رسید آن را در یک جلد قرار داد و به بازو (یا گردن) اسحاق آویزان کرد و جناب اسحاق آن را به یعقوب داد و یعقوب این بازوبند را یا در هنگام ولادت یوسف علیه السّلام و یا وقت رفتن همراه برادرانش به صحرا به بازوی او بست. یوسف علیه السّلام بعد از آن سرگذشت بزرگ آن را از جلدش در مصر بیرون آورد. آنوقت یعقوب پیامبر در کنعان به فرزندانش گفت بوی یوسف را می شنوم اگر مرا متهم قرار ندهید (خرافات پیری یا غیر آن). و این است معنی آیه «اگر مرا تخطئه نکنید من بوی یوسف را می شنوم» [۱۷۸] و این همان پیراهن است که جبرئیل از بهشت آورد. مفضل می گوید عرض کردم: آن پیراهن کجاست؟ فرمودند: در نزد اهلش و آن با مهدی ما است، وقتی که قیام کند. و بدان هر پیامبری که علم یا چیز دیگری داشته است همه آنها به جدم حضرت محمد صلی الله علیه و آله داده شده است.امام صادق علیه السّلام درباره چگونگی قدرت حکومت حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء توضیح می فرمایند که باید کوردلان توجه کنند تا بدانند چگونه حکومت واحد جهانی را بر اساس عدل و داد اجتماعی تشکیل می دهد و همه حکومتها و رژیمهای خون آشام را از بین می برد و پرچم مقدس قرآن و مکتب اهل بیت را در سرتاسر جهان به اهتزاز در می آورد. و اینک روایت و ترجمه اش:انه اذا تناهت الامور الی صاحب هذا الامر رفع الله تبارک و تعالی کل منخفض من الارض و خفض له کل مرتفع منها حتی یکون الدنیا عنده بمنزلهٔ راحته فایکم لو کانت فی راحته شعرهٔ لم یبصرها. [۱۷۹] .هرگاه قائم ما قیام کند خداوند بزرگ تمام پستیها و بلندیهای زمین را برای او یکسان می کند تا همه چیز را ببیند و دنیا برای او درست مانند کف دستی می شود. آیا اگر یکی از شما مویی در کف دستش باشد می شود که آن رانبینند؟این است معنای قدرت بی نهایت و این است جلوه گاه حکومت واحد جهانی آن سرور بر اساس عدالت.امام صادق علیه

السّلام درباره برخورد بعضـی از علما و پیروان آنها با امام عصر روحی له الفداء چنین می فرماید:اعدؤ اه مقلدهٔ الفقهاء اهل الاجتهاد لما یرونه یحکم بخلاف ما ذهب الیه ائمتهم ولولا ان السیف بیده لافتی الفقهاء بقتله ولکن الله یظهره بالسیف والکرم فیطیعونه و یخافون فیتقبلون حکمه من غیر ایمان بل یضمرون خلافه اذا خرج فلیس له عدومبین الا الفقهاء خاصهٔ هو والسیف اخوان. [۱۸۰] .دشمنان روزهای اول قیام حضرت مهدی علیه السّلام مقلدان و پیروان فقها هستند؛ چون می بینند احکامی که از طرف آن حضرت صادر می شود برخلاف فتوای پیشوایان آنهاست. نه تنها مقلدان فقها دشمن امام عصر هستند بلکه خود فقها هم اگر آن حضرت قیام به شمشیر نکرده بودند و قدرت در دستشان نبود هر آینه فتوای کشتن آن سرور را صادر می کردند، اما چون آن حضرت با شمشیر برنده و دست بخشنده ظهور می کند، از روی ترس و به طمع مقام اظهار ایمان و پیروی از او می کنند و خلاف آن را در دل پنهان می دارند. هنگامی که خروج کند دشمن آشکاری بجز فقها ندارد. امام و شمشیر برادر هستند (کنایه از اینکه در همه جا و با همه کس از موضع قدرت سخن می گوید).امام ششم علیه السّلام در هنگام ظهور حضرت بقیهٔ الله روحی له الفداء به مردم هشدار می دهند:یخرج علی فترهٔ من الدین و من ابی قتل و من نازعه خذل یظهر من الدین ما هو الدین علیه فی نفسه ما لو کان رسول الله یحکم به. اعداؤ ه الفقهاء المقلدون یدخلون تحت حکمه خوفا من سیفه و سطوته و رغبهٔ فیما لدیه یبایعه العارفون بالله تعالی من اهل الحقائق عن شهود و کشف بتعریف الهی. [۱۸۱] .مهدی ما در زمان فترت دین قیام می کند (زمان فترت دین به از اول غیبت صغری تا ساعت آخر غیبت کبرای آن حضرت گفته می شود؛ یعنی در این مدت دست مردم به رهبر واقعی آسمانی نمی رسیده است). هر کس دعوت و امر آن حضرت را نپذیرد حتما کشته می شود و کسی که سر ستیز و مبارزه داشته باشد مخذول و منکوب خواهد شد. او چهره واقعی دین را ظاهر می کند که اگر رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود همان سیما را به عنوان دین به مردم نشان می داد. دشمنان او در آن زمان فقهایی هستند که مقلدانی دارند که از ترس شمشیر و برای رسیدن به مقام و جاه به آن حضرت اظهار ایمان می کنند. مردان حق و تربیت شدگان آغوش مقدس توحید که تا اندازه ای پرده از جلوی چشمشان بالا رفته است با حضرت بقیهٔ الله روحی له الفداء بیعت می کنند.خواننده عزیز!ممکن است این تظاهر به ایمان به حضرت مهدی روحی له الفداء مربوط به روزهای اول باشد، چون امام دوازدهم باطن افراد را می بیند و بر حسب واقع با مردم برخورد می کند.امام صادق علیه السّلام درباره برنامه های ابتدایی قیام حضرت قائم روحی له الفداء می فرماید:انه اول قائم منا اهل البیت یحدثکم بحدیث لا تحتملونه فتخرجون علیه برمیلهٔ الدسکر فتقاتلونه فیقتلکم و هی آخر خارجهٔ تکون. [۱۸۲] .امام مهدی علیه السّلام اولین قائم ما خاندان رسالت است که قیام می کند و به شما سخنی می گوید که تاب تحمل شنیدن آن را ندارید. از این جهت، در مقابل او در تپه های دسکره خروج می کنید و با او می جنگید و او شما را طعمه شمشیر خود می سازد. و این آخرین جمعیتی است که در مقابل حضرت می جنگد.دسکره در لغت به معنای قریه بزرگ و دهکده آمده، شاید این حدیث اسم مکانی در عراق باشد).امام ششم علیه السّلام در تاءویل آیه «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهرهٔ علی الدین کله و لو کره المشرکون» [۱۸۳] (خدا آن کسی است که پیامبرش را با دین حق فرستاد تا اینکه بر همه ادیان و مذاهب غلبه پیدا می کند ولو اینکه مشرکان و کافران ناراحت باشند) می فرماید:والله ما نزل تاءویلها بعد ولا ینزل تاءویلها حتی یخرج القائم علیه السّلام فاذا خرج القائم علیه السّلام لم یبق کافر بالله العظیم و لا مشرک بالامام الا کره خروجه حتی ان لو کان کافرا و مشرکا فی بطن صخرهٔ لقالت یا مؤ من فی بطنی کافر فاکسرنی واقتله. [۱۸۴] .به خدا سوگند هنوز تاءویل این آیه نیامده است تا اینکه قائم ما ظهور کند. وقتی که قائم علیه السّلام ظهور کرد هیچ کافری به خداوند بزرگ و هیچ مشرکی نسب به امام نمی ماند مگر اینکه خروج حضرت مهدی علیه السّلام را دوست ندارند؛ اما آنچنان عرصه بر دشمنان خداوند تنگ می شود که اگر کافری یا مشرکی در شکاف کوهی پنهان شده باشد آن کوه فریاد می زند: ای سپاهیان حضرت مهدی! بیایید یک دشمن اینجاست؛ او را بیرون کنید و بکشید.آری حکومت امام عصر روحی له الفداء حکومت خداوند است و درباره این حکومت فرموده اند:«ولا یمکن الفرار من حکومتک» (هیچ کس نمی تواند از حکومت خداوند

بگریزد).ابان بن تغلب از امام صادق علیه السّلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند:اول من یبایع القائم علیه السّلام جبرائیل علیه السّلام فینزل فی صورهٔ طیر ابیض فیبایعه ثم یضع رجلا علی البیت الحرام و رجلا علی المسجد الاقصی و ینادی بصوت طلق ذلق تسمعه الخلائق اتی امرالله فلا تستعجلوه. [۱۸۵] .اول کسی که با قائم ما بیعت می کند جبرئیل علیه السّلام است که به صورت پرنده سفیدی از آسمان به زیر می آید و با حضرت بقیهٔ الله روحی له الفداء بیعت می کند. سپس یک پای خود را بر روی بام کعبه می گذارد و پای دیگر را بر روی بام بیت المقدس. آنگاه فریاد می زند که همه مردم صدایش را می شنوند و می گوید: «امر خدا آمد، در آن شتاب نکنید».امام ششم علیه السّلام در ارتباط با روزهای اول ظهور، از امام عصر علیه السّلام بیانی نقل فرمودند که خلاصه و جان این خطبه به فرمایش علامه مجلسی چنین است: «من مجموعه ای از کمالات انبیاء و ائمه معصومین هستم و آنچه سبب شد که مردم از آنها متابعت کنند همه در وجود من جمع شده است». به گفته شاعر آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری. اکنون به متن و ترجمه فرمایش امام صادق علیه السّلام توجه فرمایید:و سیدنا القائم مسندا ظهره الی الکعبهٔ و یقول یا معشر الخلائق الا و من اراد ان ینظر الی آدم و شیث فها اناذا آدم و شیث الا ـ و من اراد ینظر الی نوح و ولده سام فها اناذا نوح و سام الا و من اراد ان ینظر الی ابراهیم و اسمعیل فها اناذا ابراهیم و اسمعیل الا و من اراد ان ینظر الی عیسی و شمعون فها اناذا عیسی و شمعون الا و من اراد ان ینظر الی محمد و امیرالمؤ منین صلوات الله علیهما فها اناذا محمد و امیرالمؤ منین الا ـ و من اراد ان ینظر الی الحسن و الحسین فها اناذا الحسن و الحسین الا و من اراد ان ینظر الی الائمهٔ من ولد الحسین فها اناذا الائمهٔ. [۱۸۶] .آقای ما قائم پشت به خانه کعبه می زند و مردم را مخاطب قرار داده، چنین می فرماید: هر کسی بخواهد آدم و شیث را ببیند بیاید مرا ببیند. ای مردم! هر کس بخواهد نوح و پسر او سام را ببیند من نوح و سام هستم. آگاه باشید هر کس بخواهد ابراهیم و اسماعیل را ببیند بیاید مرا ببیند. ای جهانیان! آن کسی که مایل باشد عیسی و شمعون را زیارت کند بداند که من عیسی و شمعون هستم. ای مردم دنیا! اگر کسی بخواهد محمد و امیرالمؤ منین صلوات الله علیهما را زیارت کند من محمد و امیرالمؤ منین هستم. ای مردم عالم! هر کسی بخواهد حسن و حسین را زیارت کند بیاید مرا ببیند، من حسن و حسینم. ای مردم! هر کسی که بخواهد ائمه معصومین از فرزندان امام حسین (علیه السلام) را ببیند من همان ائمه از فرزندان حسین هستم.خواننده عزیز!تمام صفات و کمالات که در پیامبران و اوصیای آنها جمع شده و همه اوامری که خداوند بزرگ درباره آنها صادر فرموده که وجوب اطاعت از آنها و ترک نافرمانی این ذوات مقدسه زیربنای آن را تشکیل می دهد، همه اینها در وجود مقدس حضرت بقیهٔ الله ارواحنا له الفداء جمع است و می توان گفت به عنوان مثال وجود عزیزش آیینه ای است که تمام فرستادگان خداوند در آن نمایان اند – اللهم عجل فرجه –.عیسی بن اعین از حضرت صادق علیه السّلام نقل می کند که آن سرور فرمودند:السفیانی من المحتوم و خروجه فی رجب و من اول خروجه الی آخرهٔ خمسهٔ عشر شهرا، ستهٔ اشهر یقاتل فیها فاذا ملک الکور الخمس ملک تسعهٔ اشهر لایرید علیها یوما. [۱۸۷] .خروج سفیانی از حتمیات است (باید واقع شود) و تمام مدت خروجش بیش از پانزده ماه نخواهد بود که شش ماه آن را می جنگد و چون بر پنج ایالت فرمانروایی پیدا کرد نه ماه بدون یک روز زیادتر حکومت می کند.گفته شده است که پنج ایالت عبارتند از: دمشق، فلسطین، اردن، حمص و حلب.عبدالله سنان از حضرت صادق علیه السّلام حدیث می کند که آن حضرت فرمودند:النداء من المحتوم و السفیانی من المحتوم و قتل النفس الزکیهٔ من المحتوم و کف تطلع من السماء من المحتوم و قال فزعهٔ فی شهر رمضان توقظ النائم و تفزع الیقظان و تخرج الفتاهٔ من خذرها. [۱۸۸] .ندای آسمانی حتمی است، خروج سفیانی حتمی است، کشته شدن نفس زکیه حتمی است، پیدا شدن دستی در آسمان حتمی است و ترس و فزعی در ماه مبارک رمضان پیش می آید که افراد خوابیده را بیدار کند، آنهایی که بیدارند به فزع درآیند و دختران از پس پرده بیرون بیایند (البته از ترس).امام صادق علیه السّلام به معلی بن خنیس که از اصحاب آن حضرت است فرمودند:ان امر السفیانی من الامر المحتوم و خروجه فی رجب. [۱۸۹] .خروج سفیانی از اموری است که حتما باید قبل از ظهور واقع گردد و خروج او در ماه رجب است.امام ششم علیه السّلام می فرمایند:للقائم علیه السّلام خمس علامات السفیانی و

الیمانی و الصیحهٔ من السماء و قتل النفس الزکیهٔ و الخسف بالبیداء. [۱۹۰] .برای قائم ما پنج نشانه است:۱. خروج سفیانی۲. خروج یمانی۳. صیحه آسمانی۴. کشته شدن نفس زکیه۵. فرورفتن لشکر سفیانی در زمین بیداءحمران بن اعین از امام ششم علیه السّلام والصلوهٔ حدیث کرده است که آن بزرگوار فرمودند:من المحتوم الذی لابد ان یکون من قبل قیام القائم علیه السّلام خروج السفیانی و خسف بالبیداء و قتل النفس الزکیهٔ و المنادی من السماء. [۱۹۱] .از علائمی که حتما باید پیش از ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء در خارج محقق شود خروج سفیانی و فرورفتن در زمین بیداء و کشته شدن نفس زکیه و ندای آسمانی است.زرارهٔ بن اعین می گوید: از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم که می فرمایند:ینادی مناد من السماء ان فلانا هو الامیر و ینادی مناد «ان علیا و شیعته هم الفائزون» قلت فمن یقاتل المهدی علیه السّلام بعد هذا فقال علیه السّلام ان الشیطان ینادی «ان فلانا و شیعته هم الفائزون» یعنی رجلا من بنی امیهٔ قلت فمن یعرف الصادق من الکاذب قال علیه السّلام یعرفه الذین کانوا یروون حدیثنا و یقولون انه یکون قبل ان یکون و یعلمون انهم هم المحقون الصادقون. [۱۹۲] .منادی از آسمان فریاد می زد به اینکه فلان (حضرت مهدی روحی له الفداء) امیر بر مردم است و نیز منادی از آسمان می گوید که علی (علیه السّلام) و شیعیانش رستگارند. گفتم: پس از این دو ندای آسمانی دیگر چه کسی با حضرت مهدی علیه السّلام جنگ می کند؟ امام صادق علیه السّلام فرمودند: بعد از این دو ندا شیطان فریاد می زند که فلانی و پیروانش رستگارانند. منظور از فلانی یعنی مردی از بنی امیه. عرض کردم: چگونه راستگو از دروغگو تمیز داده می شود؟ (بین این دو برنامه چگونه می توان حق را شناخت؟). فرمودند: آنهایی که احادیث ما خاندان رسالت را خوانده اند، می دانند و می گویند از پیش به ما گفته شده که حق با صیحه اول و برنامه اول است و صدای دیگر صدای شیطان است و نباید از آن پیروی کرد.مرحوم شیخ صدوق رضوان الله علیه از عبدالله بن عجلان نقل می کند که ایشان فرمودند:ذکرنا خروج القائم علیه السّلام عند ابی عبدالله فقلت له کیف لنا ان نعلم ذلک فقال یصبح احدکم و تحت راءسه صحیفهٔ علیها مکتوب طاعهٔ معروفهٔ. [۱۹۳] .در خدمت امام صادق علیه السّلام شرفیاب بودیم، سخن از خروج حضرت قائم علیه السّلام به میان آمد. عرض شد: ما چگونه از روز قیام آگاهی پیدا کنیم؟ فرمودند: سر از خواب بر می دارد کسی از شما در حالی که می بیند ورقه ای زیر سر او گذاشته اند و روی آن نوشته شده «طاعهٔ معروفهٔ».عبدالله بن سنان می گوید:کنت عند ابی عبدالله علیه السّلام فسمعت رجلا من همدان یقول له ان هولاء العامهٔ یعیرونا و یقولون لنا انکم تزعمون ان منادیا ینادی من السماء باسم صاحب هذا الامر و کان علیه السّلام متکاءفغضب و جلس. ثم قال لاترووه عنی و ارووه عن اءبی و لا حرج علیکم فی ذلک اشهد انی قد سمعت ابی علیه السلام یقول و الله ان ذلک فی کتاب الله عزوجل لبین حیث یقول «ان نشاء ننزل علیهم من السماء آیهٔ فظلت اعناقهم لها خاضعین» فلا یبقی فی الارض یومئذ احد الا خضع و ذلت رقبته لها فیومن اهل الارض اذا سمعوا الصوت من السماء الا ان الحق فی علی بن ابی طالب علیه السّلام و شیعته قال فاذا کان من لغد صعد ابلیس فی الهواء حتی یتواری عن الارض ثم ینادی الا ان الحق فی عثمان بن عفان و شیعته فانه قتل مظلوما فاطلبوا بدمه قال علیه السلام فیثبت الله الذین آمنوا بالقول الثابت علی الحق و هو النداء الاول و یرتاب یومئذ الذین فی قلوبهم مرض، و المرض و الله عداوتنا فعند ذلک یتبرؤ ون منا و یتناولونا فیقولون ان المنادی الاول سحر من سحر اهل (هذا) البیت. [۱۹۴] .در خدمت حضرت صادق علیه السّلام بودم، شنیدم مردی از اهل همدان به آن حضرت عرض کرد: دشمنان شما ما را سرزنش می کنند و می گویند شما گمان می کنید که منادی از آسمان به نام صاحب این امر (ولایت) صدا می زند؟ امام علیه السّلام همان گونه که تکیه داده بودند نشستند در حالی که آثار غضب از چهره مبارکشان نمایان بود. فرمودند: این مطلب را از من روایت نکنید بلکه از پدرم روایت کنید. به خدا قسم، شنیدم پدرم می فرمود این مطلب (صیحه آسمانی) در قرآن خداوند است آنجایی که می فرماید «ااگر ما بخواهیم، از آسمان آیت قهر نازل گردانیم که همه به جبر گردن زیر بار ایمان فرود آورند». [۱۹۵] در آن روز در سرتاسر کره زمین نمی ماند کسی مگر اینکه در مقابل این صیحه به زانو در می آید و گردنها کج می شوند. پس، وقتی که صیحه آسمانی بلند شد و حجت خداوند (حضرت مهدی روحی له الفداء) را معرفی کردند تمام ساکنان کره زمین ایمان می آورند. مضمون صدا این

است که ای مردم دنیا! آگاه باشید که حق با علی بن ابی طالب علیه السّلام و پیروان اوست. فردای آن روز شیطان در میان زمین و آسمان فریاد می زند که حق با عثمان بن عفان و پیروان اوست؛ او مظلوم کشته شده است؛ پس انتقام خون او را بگیرید. آنگاه خداوند دوستان ما را بر ندای اول ثابت قدم می دارد (به دوستی امیرالمؤ منین علیه السّلام و فرزندانش)، اما آنهایی که دارای قلبهای بیمار هستند در وادی هلاکت سقوط خواهند کرد. و به پروردگار سوگند که امراض قلبی آنها غیر از دشمنی ما اهل بیت چیز دیگری نخواهد بود و می گویند صدای اول از سحر و جادوهای این خانواده بود (اهل بیت عصمت و طهارت سلام الله اجمعین).سدیر از امام صادق علیه السّلام حدیث می کند که آن حضرت فرمودند:یا سدیر الزم بیتک و کن حلسا من احلاسه واسکن ماسکن اللیل و النهار فاذا بلغ ان السفیانی قد خرج فارحل الینا ولو علی رجلک قلت جعلت فداک هل قبل ذلک شیء قال نعم و اشاربیده بثلاث اصابعه الی الشام و قال ثلاث رایات رایهٔ حسنیهٔ و رایهٔ امویهٔ و رایهٔ قیسیه فبیناهم (علی ذلک) اذ قد خرج السفیانی فیحصدهم حصد الزرع ما راءیت مثله قط. [۱۹۶] .ای سدیر! در خانه خودت قرار بگیر و مانند فرش منزل باش و ساکت بمان تا وقتی که سفیانی خروج می کند. به مجرد رسیدن خبر خروج سفیانی فورا به سوی ما (مهدی ما) حرکت کن اگر چه با پای پیاده باشد. عرض کردم: آیا پیش از این جریان نشانه ای هست که دلیل بر تحقق خروج سفیانی باشد؟ فرمودند: آری. و با سه انگشت اشاره به شام فرمودند و توضیح دادند که سه پرچم در اهتزاز می آید:۱. پرچم حسنیه۲. پرچم امویه۳. پرچم قیسیهدر همین اثنا سفیانی خروج می کند و پیروان هر سه پرچم را مانند محصولات زراعی درو می کند و به کشتاری دست می زند که مانند آن را هیچگاه ندیده ای.امام صادق علیه السّلام فرمودند:خروج الثلاثهٔ الخراسانی والسفیانی والیمانی فی سنهٔ واحدهٔ فی شهر واحد فی یوم واحد و لیس فیها رایهٔ باهدی من رایهٔ الیمانی یهدی الی الحق. [۱۹۷] .خروج خراسانی و سفیانی و یمانی هر سه در یک سال و در یک ماه و در یک روز است؛ اما هیچ پرچمی هدایتگرتر از پرچم یمانی نیست. آری، مردم را دعوت به حق می کند.ابان بن تغلب از حضرت صادق علیه السّلام روایت می کند که فرمودند:سیاءتی فی مسجدکم ثلاثمائهٔ و ثلاثهٔ عشر رجلا یعنی مسجد مکهٔ یعلم اهل مکهٔ انه لم یلد (هم) آباؤ هم ولا اجدادهم علیهم السیوف مکتوب علی کل سیف. کلمهٔ تفتح الف کلمهٔ فیبعث الله تبارک و تعالی ریحا فتنادی بکل واد هذا المهدی یقضی بقضاء داود و سلیمان علیهماالسلام لایرید علیه البینهٔ. [۱۹۸] .زود باشد که در مسجد شما (مکه معظمه) سیصد و سیزده نفر اجتماع می کنند. مردم مکه می دانند که اینها در مکه متولد نشده اند. شمشیرهایی به دست دارند و روی لبه هر شمشیر جمله ای نوشته شده است که هزار کلمه از آن گرفته می شود (در این جمله از روایت سری از اسرار بزرگ ولایت نهفته است که در ظهور معلوم می شود). خداوند تبارک و تعالی بادی را ماءمور می کند که در تمام دنیا فریاد بزند: ای مردم جهان! این است مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله که داوری می کند مانند سلیمان و داود علیهماالسلام و احتیاج به دلیل و برهان ندارد (قضاوت آن حضرت بر اساس واقع است).

حضرت امام رضا و نشانه های ظهور

حسن بن محبوب از وجود مقدس حضرت ثامن الائمه علی بن موسی الرضا علیه السّلام حدیثی بیان کرده که ذیلا به نظر خوانندگان عزیز می رسد:انه قال لابد من فتنهٔ صماء صیلم یسقط فیها کل بطانهٔ و ولیجهٔ و ذلک عند فقدان الشیعهٔ الثالث من ولدی یبکی علیه اهل السماء و اهل الارض و کم من مؤ من متاءسف حران حزین عند فقد الماء المعین کانی بهم اسرما یکونون وقد نودوا نداء یسمعه من بعد کما یسمعه من قرب یکون رحمهٔ للمؤ منین و عذابا للکافرین فقلت و ای نداء هو (قال علیه السّلام) ینادون فی رجب ثلاثهٔ اصوات من السماء صوتا منها الا لعنهٔ الله علی الظالمین و الصوت الثانی ازفت الازفهٔ یا معشر المؤ منین والصوت الثالث یرون بدنا بارزا نحو عین الشمس هذا امیرالمؤ منین قد کر فی هلاک الظالمین (و فی روایهٔ الحمیری) و الصوت بدن یری فی قرن الشمس یقول ان الله بعث فلانا فاسمعوا له و اطیعوا و قالا جمیعا فعند ذلک یاءتی الناس الفرج و تود الناس لو کانوا احیاء و یشفی الله

صدور قوم مؤ منين. [۱۹۹] .امام عليه السّلام فرمودند: ناچار بايد فتنه ای سخت و بزرگ و بلايی و بنيان كن دامن مردم را بگيرد كه تمام سدهای دوستی و رابطه های خويشاوندی و اعتمادهای قومی و دوستی درهم كوبيده شود (پناهگاهی نباشد) و اين سختيها و بلاها در وقتی است كه شيعه سومين فرزندم را از دست بدهند (يعنی امام حسن عسكری وفات كند و حضرت مهدی عليه السّلام غايب باشد). پنهان بودن او چندان سنگين است كه ساكنان آسمانها و نيز اهل زمين بر او و از فراق او گريه می كنند و چه بسيار افراد با ايمان كه در اين زمان در آتش هجران می سوزند و به آب گوارا (ماء معين) دست نمی يابند. گويی می بينم سرور و خوشحالی آنان را كه در نتيجه شنيدن يک صدا به آنها دست می دهد. شنيدن اين صدا برای آنهايی كه نزديک يا دورند يكسان است (همه می شنوند) و آن ندا رحمت است برای اهل ايمان و عذاب است برای كافران. عرض كردم: آن ندا چيست؟ فرمودند: سه صدا در ماه مبارک رجب شنيده می شود البته از آسمان:اول. آگاه باشيد كه ستمگران از رحمت خداوند دور و ملعون اند.دوم.«ازفت الازفة يا معشر المؤ منين»(نزديک شد نزديک شونده ای گروه مؤ منان!).سوم. بدنی را در خورشيد می بينند. گوينده آسمانی فرياد می زند: اين است اميرالمؤ منين كه به دنيا برگشته است برای هلاک كردن ستمگران (اين بدن، وجود مقدس حضرت اميرالمؤ منين عليه السّلام است).روايت حميری می گويد: صوت سوم از آسمان گوينده ای می گويد: ای مردم! خداوند فلان بن فلان (يعنی حجة بن الحسن العسكری) را ماءمور فرموده است بر شما، واجب است او را اطاعت كنيد. در اين موقع برای همه مردم فرج می شود و آنهايی كه از اين دنيا رفته اند آرزو می كنند ای كاش زنده بودند. و خداوند دلهای مؤ منان را شفا می دهد.

امام رضا و اجتماع شيعه در ظهور

والله لو ان قائمنا قام يجمع الله اليه شيعته من جميع البلدان.به خدا سوگند اگر مهدی ما قيام كند خداوند تمام شيعيانش را از سرتاسر جهان در اطراف او جمع می كند.اباصلت می گويد: به حضرت علی بن موسی الرضا عليه السّلام عرض كردم نشانه قائم چيست؟ فرمودند:ما علامة قائمكم قال علامته ان يكون شيخ السن شاب المنظر حتی ان الناظر ليحسبه ابن اربعين سنة او مادونها و ان علاماته ان لايهرم بمرور الليالی و الايام حتی ياءتيه اجله. [۲۰۰] عيكی از علائم قائم ما اين است كه بزرگ سن و جوان منظر است بطوريكه بيننده خيال می كند او چهل سال يا كمتر دارد و تا فرا رسيدن مرگ اثر پيری در او ظاهر نخواهد شد.اين است معنی خليفة الله و فرمانروای عالم هستی كه تمام قوانين و سنن طبيعی اين جهان محكوم اراده او هستند.بزنطی از حضرت علی بن موسی الرضا عليه السّلام در باب نشانه های ظهور حضرت بقية الله روحی له الفداء نقل می كند كه آن حضرت می فرمايند:قبل هذا الامر السفيانی و اليمانی و المروانی و شعيب بن صالح و كف يقول هذا و هذا. [۲۰۱] .در مقدمه قيام فرزندم حضرت مهدی (عليه السّلام) پنج علامت ديده می شود:۱. خروج سفيانی۲. قيام يمانی۳. خروج مروانی۴. شعيب بن صالح۵. بيرون آمدن دستی از آسمان بطوريكه افراد آن را به يكديگر نشان بدهند.

حضرت امام حسن و امام حسين و اصحاب ائمه و نشانه های ظهور

عميره بنت نفيل از حضرت امام حسن يا از حضرت امام حسين عليهماالسلام نقل كرده است كه فرمودند:قالت سمعت الحسن (الحسين) بن علی سلام الله عليهما يقول لا يكون الامر الذی تنظرون (امر ظهور) حتی يبراء بعضكم من بعض و يتفل بعضكم فی وجوه بعض و يشهد بعضكم علی بعض بالكفر و يلعن بعضكم بعضا فقلت له ما فی ذلک الزمان من خير فقال الحسين عليه السّلام الخير كله فی ذلک الزمان يقوم قائمنا و يدفع ذلک كله. [۲۰۲] .امری كه (به آن) چشم دوختيد (ظهور مهدی ما) محقق نخواهد شد مگر بعد از به وجود آمدن نشانه های زير:۱. بيزاری جستن مؤ من و مسلمان از برادر خويش.۲. آب دهان به صورت يكديگر می

اندازند.۳. بعضی شهادت بر کفر بعضی دیگر می دهند.۴. بعضی از مسلمانان دیگری را لعن می کنند.می گوید عرض کردم: پس خیری در این زمان نخواهد بود؟ فرمودند: این طور نیست، تمام خیرات و خوبیها در این زمان است؛ چون قائم ما قیام می کند و تمام صفات مذمومه ذکر شده را از بین می برد – اللهم عجل فرجه –.فضل بن شاذان از عمار یاسر نقل می کند که فرمودند:دعوهٔ اهل بیت نبیکم فی آخر الزمان فالزموا الارض و کفوا حتی تروا قادتها فاذا خالف الترک الروم و کثرت الحروب فی الارض ینادی مناد علی سور دمشق ویل لازم من شر قد اقترب و یخرب حائط مسجدها. [۲۰۳] .دعوت اهل بیت پیامبر شما در آخرالزمان است. ملازم خانه های خود باشید و از جای خود حرکت نکنید و صبر پیشه سازید تا اینکه رهبر قیام را ببینند. پس، هرگاه ترکها با رومیها درگیر شوند و جنگ و خونریزی در زمین بالا گیرد منادی بر دروازه دمشق فریاد خواهد زد که وای از شری که نزدیک شده است، و نیز دیوار مسجد دمشق فرو ریزد.شیخ الطائفه (طوسی) در کتاب غیبتش از سعید بن جبیر نقل فرموده است:السنهٔ التی یقوم فیها المهدی تمطر اربعا و عشرین مطرهٔ یری آثرها و برکتها. [۲۰۴] .در آن سالی که حضرت مهدی ارواحنا له الفداء قیام می کنند بیست و چهار ساعت باران می بارد و آثار و برکات آن بارانها دیده می شود.محمد بن بشر از جناب محمد حنیفه نقل می کند که فرمودند:قلت له قد طال هذا الامر حتی متی؟ (قال) فحرک راءسه ثم قال انی یکون ذلک ولم یعض الزمان یکون ذلک ولم یجفوا الاخوان انی یکون ذلک ولم یظلم السلطان انی یکون ذلک ولم یقم الزندیق من قزوین فیهتک ستورها و یکفر صدورها و یغیر سورها و یذهب بهجتها من فرمنه ادرکه و من حاربه قتله و من اعتزله افتقر و من تابعه کفر حتی یقوم باکیان باک یبکی علی دینه و باک یبکی علی دنیاه. [۲۰۵] .به آن حضرت عرض کردم که قیام و دولت شما طول کشیده است. این امر کسی خواهد شد؟ پس، سر مبارک را تکان داده، فرمودند: هنوز اوضاع جهان دگرگون نشده و برادر درباره برادر جفا نکرده است. کجاست آن قیام و حال آنکه سلطان درباره رعیت ظلم نکرده است. کجاست آن حکومت و حال آنکه زندیقی از قزوین حرکت نکرده است که پرده های عصمت را بدرد و قلبها را انباشته از کفر کند، دیوارهای آن را تغییر دهد و طراوت و بهجت آن را از بین ببرد؟ کسی که از او فرار کند او را می گیرد و هر کسی با او بجنگد او را می کشد و کسی که خانه نشینی اختیار کند فقر او را فرا می گیرد و آن کسی که از او متابعت نماید کافر می شود. سرانجام کار به جایی می رسد که با یک چشم بر دنیای خود گریه کند و با چشم دیگر بر آخرت (کنایه است از کسی که بر دین و دیگری که بر دنیای خود خواهد گریست و ممکن است اشاره به قیام رضان و جنایات او باشد).محمد بن مسلم خبر می دهد که:ینادی مناد من السماء باسم القائم فیسمع ما بین المشرق الی المغرب فلایبقی راقد الا قام و لا قائم الا قعد و لا قاعد الا قام علی رجلیه من ذلک الصوت و هو صوت جبرئیل علیه السّلام الروح الامین. [۲۰۶] .منادی، حضرت قائم آل محمد (ارواحنا له الفداء) را به اسم صدا می زند و معرفی می کند و همه مردم روی زمین از مشرق تا مغرب و آنچه بین ایندوست این صدا را می شنوند. آنهایی که خواب هستند بیدار می شوند و می ایستند و آن دسته ای که ایستاده اند می نشینند؛ افرادی که نشسته اند از هیبت این صدا بر می خیزند و می ایستند و این صدای جبرئیل روح الامین علیه السّلام است.سید بن طاوس اعلی الله مقامه در کتاب خود به یکی از نشانه های ظهور حضرت بقیهٔ الله روحی له الفداء تحت عنوان ستاره دنباله دار اما پرفروغ چنین اشاره فرموده اند:یطلع نجم من المشرق قبل خروج المهدی له ذنب یضی ء لاهل الارض کاءضاءهٔ القمر لیلهٔ البدر. [۲۰۷] .قبل از خروج حضرت مهدی علیه السّلام ستاره دنباله دار طالع می شود که تمام ساکنان کره زمین از نور استفاده می کنند، مانند ماه شب چهارده که جهان را غرق در نور می سازد. این ستاره قبل از ظهور چنین است. [۲۰۸] .سید بن طاوس اعلی الله مقامه از ابن شهر آشوب در ارتباط با ایوان کسری روایتی نقل می کند که مشروح آن به خاطر اهمیت فوق العاده اش در اختیار خوانندگان عزیز قرار می گیرد. امید است برای همه ما در تحکیم عقائدمان مؤ ثر باشد. البته به گفته سید بن طاوس ابن شهر آشوب این مطلب را در باب امامت حضرت قائم روحی له الفداء نقل فرموده است (در جلد هشتم از «مناقب»). محمد بن علی نوشجانی خبر داده است که:اخبر یزجرد بیوم القادسیه و انجلائها عن خمسین الف قتیل من الفرس فخرج یزدجرها ربا فی اهل بیته فوقف بباب الایوان فقال

السلام علیك ایها الایوان ها انا ذا منصرف عنک و راجع الیك انا او رجل من ولدی لم یدن زمانه ولا آن اوانه قال سلیمان الدیلمی فساءلت الصادق علیه السّلام عن معنی قوله او رجل من ولدی قال ذلك قائمکم السادس من ولدی وقد ولده یزجرد ابن شهریار من قبل ام علی بن الحسین علیه السّلام شهر بانو بنت یزجرد فهو ولده من الحسین علیه السّلام و فی هذا الحدیث آیات منها ان الصادق علیه السّلام اخبر ان القائم هو السادس من ولده کما جرت الحال علیه فلا بد ان یکون علم ذلك من جانب الله و عن آبائه الطاهرین والا کیف کان یعلم انه یکون له عقب متصل الی السادس من ولده و منها تصدق النقل لما تجدد للسادس من ولده علیه السّلام من اعتقاد انه القائم ولم یعتقد ذلك فی احد من آبائه قبله و منها بقاء الایوان الی الان وقد هدم جمیع دور کسری و آثارها و منها معرفهٔ کسری بطریق النجوم او غیرها تحدید ذلك و تصدیق اهل بیت النبوهٔ فی اعتقادهم ولله الحجهٔ البالغهٔ. [۲۰۹] .یزدجرد پادشاه ایران در شکست با مسلمانان و کشته شدن پنجاه هزار سرباز ایرانی که منجر به گریختن یزدجرد و خانواده اش شد، می گوید: پس یزدجرد در حالی که خودش و اهل بیتش فرار می کردند آمد در ایوان پادشاهی مدائن ایستاد و گفت: سلام بر تو ای ایوان پادشاهی من! اکنون من ناگزیرم که از تو جدا بشوم و بروم، اما طولی نمی کشد که به سوی تو باز می گردم: یا خود من یا یکی از فرزندان من. سلیمان دیلمی می گوید از امام صادق علیه السّلام پرسیدم: معنی کلام یزدجرد (یا خود من یا یکی از فرزندان من) چیست؟ حضرت فرمودند: این مردی از فرزندان من است و او قائم شماست که ششمین فرزند من است که از طرف مادر فرزند یزدجرد است؛ (چون) حضرت علی بن الحسین علیهماالسلام نوه یزدجرد بوده و شهربانو دختر یزدجرد همسر حضرت امام حسین علیه السّلام است (بنابراین، حضرت بقیهٔ الله روحی له الفداء از طرف مادر نوه یزدجرد می شود). مرحوم سید بن طاوس می فرماید: در این روایت آیاتی از قدرت خداوند است:۱. اینکه حضرت امام صادق علیه السّلام خبر داده که حضرت قائم فرزند ششم آن حضرت است لابد از طرف خداوند یا آباء گرامی اش به او گفته شده که حضرت قائم فرزند ششم شماست، والا از کجا می دانسته که از اعقاب او مردی به وجود می آید که نامش قائم است؟۲. از آیات قدرت خداوند اینکه تمام کاخها و قصرها و خانه های کسری ویران شده است فقط ایوان مانده است تا الان، آن هم ایوانی با آن ارتفاع که میان زمین و آسمان مانده است.۳. خبر داشتن کسری از طریق علم نجوم یا غیره از اینکه در آینده فرزندی از او به وجود می آید و برمی گردد به سمت ایوان مدائن (اتفاقا مرکز سلطنت حضرت مهدی روحی له الفداء در عراق - مسجد سهله - خواهد بود).۴. دیگر اینکه ممکن است عالم غیب ناخودآگاه بر زبان یزدجرد جاری کرده باشد که در آینده چنین خواهد شد. به هر حال، حجتهای خداوند باید بر بندگانش به صورتهای مختلف تمام بشود تا راه بهانه ای برای کسی نماند.

نشانه های ظهور در کتب معتبر اهل سنت و جماعت

اشاره

در این فصل روایات رسیده از وجود مقدس رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اوصیای عزیزش را که در کتابها معتبر اهل سنت و جماعت، آن هم در معتبرترین آنها (صحاح سته) و کتابهای معتبر دیگر در باب علائم ظهور آمده است عنوان می کنیم تا خوانندگان عزیز بدانند که تنها علمای شیعه درباره علائم و نشانه های ظهور حضرت بقیهٔ الله ارواحنا له الفداء کتاب ننوشته و نقل احادیث نکرده اند، بلکه حتی آنهایی که بر حسب ظاهر ولایت و امامت را از مسیر اصلی خودش تغییر داده و بزرگان آنها آنچه نباید بکنند، کرده اند (اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و آل محمد و آخر تابع له علی ذلک)نیز درباره آن حضرت و نشانه های ظهور او روایات عدیده نقل کرده اند.اینک به خواست خداوند و الطاف کریمانه امام مظلوم و عزیز ما، حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، به سراغ کتابهای یاد شده می رویم و تا آنجایی که عنایت بشود در جمع روایات رسیده از پیشوایان معصوم

سلام الله علیهم اجمعین پیگیری خواهیم کرد و امید است برای عموم مسلمانان راهنمای خوبی باشد.

امام عصر در کتابهای اهل سنت

محمـد بـن الحسـن بن علی بن محمـد بن علی بن موسـی الرضـا بن جعفر بن محمـد بن علی بن الحسـین بن علی ابی طـالب و کنیته ابوعبـدالله و ابوالقـاسم و هو الخلف الحجـهٔ صاحب الزمان القائم المنتظر و التالی و هو آخر الائمـهٔ. انباءنا عبـدالعزیز بن محمود البزاز عن ابن عمر قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله یخرج فی آخر الزمان رجل من ولدی اسمه کاسمی و کنیته ککنیتی یملاء الارض عدلا کما ملئت جورا فذلک هو المهدی. [۲۱۰] .او محمد فرزند حسن فرزند علی فرزند محمد فرزند علی الرضا فرزند موسی فرزند جعفر فرزنـد محمـد فرزنـد علی فرزنـد حسـین فرزنـد علی بن ابی طـالب کنیه او ابوعبـدالله و ابوالقاسم. او تنها بازمانـده از حجتهای خداونـد است و صاحب الزمان و قائم منتظر و آخرین امام معصوم. این خبر از زبان عبـدالعزیز فرزنـد محمود پسـر بزاز از فرزند عمر نقل شـده است که پیامبر خدا صـلی الله علیه و آله فرمودند: در آخرالزمان مردی از عترت و فرزندان من که اسـمش مانند اسم من و کنیه او مانند کنیه من است زمین را پر از عدل و داد می کند همچنانکه پر از جور شده باشد و این است مهدی (آل محمد).

رسول اکرم و تعریف امام

من مـات ولم یعرف امام زمانه مات میتـهٔ الجاهلیهٔ. [۲۱۱] .هر کس بمیرد در حـالی که امـام زمـان خود را نشـناخته باشـد، به مرگ جـاهلیت مرده است.در این روایت بنیانگـذار اسـلام در ارتبـاط با شخصـیت امام علیه السّـلام به اصولی اشاره فرموده انـد:۱. وجوب شناسـایی امام در هر زمان.۲. امـام بایـد معصوم از خطا باشـد تا به جاهلیت گرایش نیابـد.۳. امام بایـد به تمام احکام اسـلام، اعم از واجب و حرام، آگاه باشـد.۴. امام بایـد حتما از طرف خداونـد انتخاب شـده و علم او علم خـدایی باشد.۵. بدون شـناخت امام بهره برداری از نعمتهـای عالم آخرت میسـر نیست.۶. نظـام عـالم هستی در سایه وجود امام باقی می مانـد.۷. بـا این اوصاف، حکومت بر جهان حق مسلم امام است.۸. تنها امام معصوم است که با اتکا به قـدرت بی نهایت خداونـد، جهان را پس از پرشـدن از ظلم و جور مملو از عـدل و داد می کند.۹. نفی امامت امام غیر معصوم و مـدعیان مهـدویت.۱۰. برنامه کار و دولت امام آسـمانی بایـد از طرف خداونـد عالم تـدوین شود و آن حضـرت همان را در اجتماع پیاده کنـد.در پایان، شایان ذکر است که منظور از این بحث (شـناخت امـام علیه السّـلام) شـناسایی آن حضـرت از لحاظ کمالات روحی و جسـمی است و نیز نحوه ارتباط آن سـرور با خداونـد بزرگ و کیفیت استیلای آن وجود مقـدس بر عالم هستی و شـکل پیاده شـدن سـلطنت آن امام عزیز و برنامه حکومت آن تنها یادگار رسول اکرم صـلی الله علیه و آله، والا نه تنها بنده بی بضاعت، عاجز و از پا درآمده هسـتم بلکه به طور مسـلم بزرگان ما نیز از بیان شناخت واقعی امام عاجزنـد. لـذا رسول اکرم صـلی الله علیه و آله به امیرالمؤ منین فرمودنـد: ای علی! غیر از خـدا و تو کس دیگری مرا نمی شناسد و نیز غیر از من و خداوند کس دیگری نمی تواند تو را بشـناسد. البته شناخت ظاهری از لحاظ پدر و مادر و سایر مشخصات، عملی و ممکن است و همه می توانند و باید این شناخت را داشته باشند.

مهدی کیست

حضرت امیرالمؤمنین و تعریف امام

و انمـا الائمـهٔ قوام الله علی خلقه و عرفـاؤ ه علی عبـاده لایـدخل الجنـهٔ الا من عرفهم و عرفوه و لایـدخل النار الا من انکرهم و انکره. [۲۱۲] .و پیشوایان برای خلق پیرو (امر و نهی) خداونـد هسـتند و او را به بندگانش می شـناسانند. داخل بهشت نمی شود مگر کسـی

که آنها را بشناسد و ایشان هم او را بشناسند و داخل آتش نمی شود مگر کسی که منکر آنان باشد و ایشان هم او را از آن خویش ندانند.امام امیرالمؤ منین در این خطبه کوتاه در اوصاف ائمه معصومین و فرستادگان خداوند با اشاره به سه اصل مسلم فرموده اند:اول:این ذوات مقدسه از طرف خداوند متعال ماءمور قیام برای هدایت و ارشاد مخلوقات الهی هستند. نهایت اینکه برای هر کدام برنامه خاصی از طرف آفریننده جهان تدوین شده است که ناگزیر باید بر طبق آن عمل کنند (خانه نشینی، دست به شمشیر بردن، با دشمن صلح کردن، معارف عالیه اسلام را به زبان دعا به مردم رساندن، باب مکتب علوم اهل بیت را به روی افراد گشودن و تربیت هزاران شاگرد برجسته، در زندانها جان دادن و به وسیله مناجات مردم را متوجه مبداء و معاد کردن) تا وقتی که ان شاءالله نوبت به حضرت بقیهٔ الله ارواحنا له الفداء برسد و جهان را آباد و معمور فرماید و ریشه ظلم و بیدادگری را از بیخ و بن برکند و عدل و داد واقعی را در سرتاسر جهان پیاده کند و حکومت جهانی الله را در سرتاسر گیتی فرمانروایی بخشد.دوم:ائمه معصومین مرکز عرفان و شناسایی ذات حق در میان مردم هستند و اگر افراد جامعه بخواهند نسبت به عالم غیب عرفانی پیدا کنند و احکام و مقررات الهی را فرا بگیرند، تنها این ذوات مقدسه هستند که می توانند به آنها آگاهی بدهند، همان گونه که در زیارت مبارک «جامعه کبیره» می خوانیم «السلام علی محال معرفهٔ الله». (سلام بر جایگاههای شناخت خدا).سوم:بهره برداری از بهشت و نعمتهای ابدی آن در گرو عرفان و شناسایی ائمه دوازده گانه سلام الله علیهم اجمعین و دور ماندن از جهنم و عذابهای دردناکش در سایه ایمان و اعتقاد به این ذوات مقدسه است.به هر حال، وصول به سعادت ابدی در سایه پیروی و اطاعت از فرمان این عزیزان خواهد بود.در روایت زیر به مناسبت آیه شریفه «واستمع یوم الخ» [۲۱۳] از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده است که فرمودند:قال ینادی المنادی باسم القائم واسم ابیه علیهما السلام و الصیحهٔ فی هذه الایهٔ صیحهٔ من السماء و ذلک یوم خروج القائم علیه السّلام. [۲۱۴] .منادی از آسمان قائم ما را به اسم و نیز اسم پدرش معرفی می کند و صیحه در این آیه صیحه از آسمان است و آن روز، روز قیام مهدی ما است.معاویهٔ بن عمار از حضرت امام صادق علیه السّلام در تفسیر آیه ۴۱ سوره رحمان [۲۱۵] نقل می کند که فرمودند:لو قام قائمنا علیه السّلام یعرف اعداؤ نا بسیماهم فیاخذهم بنواصیهم واقدامهم یخبطهم هو و اصحابه بالسیف خبطا. [۲۱۶] .در هنگام قیام مهدی قائم ما دشمنان ما به وسیله صورتهایشان شناخته می شوند. آنگاه آن حضرت و یاران عزیزش آنها را دستگیر و منکوب خواهند ساخت.عمر بن خنظله روایت می کند که ضمن خواندن آیه ۴ سوره اشعرا [۲۱۷] از امام صادق علیه السّلام پرسیدم: نشانه های قیام قائم شما چیست؟ فرمودند:خمس علامات لقیام القائم علیه السّلام الصیحهٔ و خروج السفیانی والخسف و قتل النفس الزکیهٔ و الیمانی قال فتلوت هذه الایهٔ فقلت له اءهی الصیحهٔ قال نعم. [۲۱۸] .برای قیام قائم ما پنج علامت است:۱. صیحه آسمانی (که البته تمام مردم کره زمین آن را می شنوند و به زبانهای مختلف ترجمه می شود تا همه مردم بدانند).۲. خروج سفیانی (که از نوادگان بنی امیه است).۳. خسف و فرورفتن (در زمین بیداء که ظاهرا فرورفتن لشکر سفیانی باشد).۴. کشتن نفس زکیه (در بین رکن و مقام که البته از دوستان خوب امام عصر روحی له الفداء است).۵. خروج یمانی.می گوید: آیه بالا را خواندم و عرض کردم: این است صیحه؟ فرمودند: آری.ابی سعید در حدیث زیر، از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند که آن حضرت به چند نشانه از مشخصات وجودی حضرت بقیهٔ اللّه ارواحنا له الفداء چنین اشاره فرموده اند:المهدی منی اجلی الجبههٔ اقنی الانف یملاء یملا الارض قسطا و عدلا کما ملئت ظلما و جورا [۲۱۹] .۱. مهدی از من است (بنابراین، حتما باید از فرزندان آن حضرت باشد، و در نتیجه، مدعیان دروغگو رسوا خواهند بود).۲. پیشانی او (مهدی روحی له الفداء) گشاده است.۳. بینی او قلمی و کشیده است.۴. کره زمین را پر از عدل و داد می کند و چناچه از ظلم و جور پر شده باشد.ابو داود، ابن ماجه، طبرانی و حاکم از ام سلمه نقل کرده اند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:المهدی من عترتی من ولد فاطمهٔ. [۲۲۰] .مهدی از خاندان من است و او از فرزندان دخترم فاطمه علیهاالسلام خواهد بود.بنابراین حدیث، مدعیان مهدویت که از فرزندان فاطمه علیهما السلام نباشد دروغگو خواهند بود. – لعنهٔ الله علیهم –.ابی سعید از رسول اکرم صلی الله علیه و آله حدیث می کند که آن حضرت فرمودند:ابشرکم بالمهدی رجل من قریش (من

عترتی) یبعث فی امتی علی اختلاف من الناس و زلازل فیملاء الارض قسطا کما ملئت جورا و ظلما و یرضی عنه ساکن السماء و ساکن الارض و یقسم المال صحاحا فقال له رجل ما صحاحا قال بالسویه بین الناس و یملاء قلوب امهٔ محمد غنی و یسعهم عدله حتی انه یاءمر منادیا فینادی من له حاجهٔ الی فما یاءتیه احد الا رجل واحد یاءتیه فیساءله فیقول ائت السادن حتی یعطیک. [۲۲۱] .بشارت بدهم به شما به مردی از خاندانم که نام او مهدی است. در میان امت من برانگیخته می شود در حالتی که اختلاف فوق العاده ای در میان مردم به وجود آمده و ارکان اجتماع متزلزل است. او (مهدی من) جهان را پر از عدل و داد می کند بعد از اینکه پر از ظلم و جور شده باشد. در سایه حکومت عدل پرورش اهل آسمانها و ساکنان زمین راضی و خوشحال هستند، اموال بیت المال را بالسویه تقسیم می کنند (آری، در آن دولت تبعیض وجود ندارد)، قلبهای امت من پر از بی نیازی خواهد بود و عدل حکومتش سرتاسر دنیا را خواهد گرفت و چندان عدالت گسترش می یابد که منادی از طرف آن حضرت ندا می دهد که هر کس نیازی دارد به سوی ما بیاید تا احتیاج او تاءمین شود. فقط یک نفر مراجعه می کند. پس، از او درخواست می کند. می فرماید: پیش خادم و پرده دار برو تا به تو بدهد.احمد، نعیم بن حماد، حاکم و ابونعیم از ثوبان نقل می کنند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:اذا راءیتم الرایات السود قد اقبلت من خراسان فاءتوها ولو حبوا علی الثلج فان فیها خلیفهٔ الله المهدی. [۲۲۲] .هنگامی که پرچمهای سیاه را که از خراسان می آیند مشاهده کردید به آن جمعیت ملحق شوید اگر چه روی برفها (با سینه) حرکت کنید؛ زیرا جانشین خداوند حضرت مهدی (روحی له الفداء) در آن لشکر خواهد بود.حذیفه نقل می کند که پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند:المهدی رجل من ولدی وجهه کالکوکب الدری. [۲۲۳] .مهدی مردی از فرزندان من است که صورتش مانند ستاره درخشان است.حذیفه می گوید که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند:المهدی رجل من ولدی لونه لون عربی و جسمه جسم اسرائیلی علی خده الایمن خال کانه کوکب دری یملاء الارض عدلا کما ملئت جورا یرضی فی خلافته اهل الارض و اهل المساء و الطیر فی الجور. [۲۲۴] .مهدی مردی از فرزندان من است. اما نشانه های وجودی او:۱. از نظر رنگ و قیافه، عربی است.۲. از لحاظ جسم و قوای جسمی اسرائیلی است (اشاره به قدرت جسمی فوق العاده آن سرور است).۳. در سمت راست صورت مبارکش خال سیاهی است که مانند ستاره ای پرفروغ بر روی صفحه صورتش می درخشد.۴. برنامه کار دولتش: جهان را پر از عدالت می کند چناچه پر از جور شده باشد. به نحوی که در دوران خلافتش اهل زمین و اهل آسمان و پرندگان در فضا خشنود می شوند.طبرانی در کبیر و ابونعیم از علی بن هلالی نقل می کند که پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله به حضرت فاطمه سلام الله علیها فرمودند:والذی بعثنی بالحق ان منهما – یعنی من الحسن و الحسین – مهدی هذه الامهٔ اذا صارت الدنیا هرجا مرجا و تظاهرت الفتن و تقطعت السبل و اغار بعضهم علی بعض فلا کبیر یرحم صغیرا ولا صغیر یوقر کبیرا بعث الله عند ذلک منهما من یفتح حصون الضلالهٔ و قلوبا علفا یقوم بالدین فی آخر الزمان کما قمت فی اول الزمان و یملاء الارض عدلا کما ملت جورا. [۲۲۵] .دخترم! به آن خدایی که مرا مبعوث به رسالت فرموده مهدی از امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) است. [۲۲۶] دخترم! آنگاه که دنیا از هرج و مرج پر شد و انواع فتنه ها جهان را فرا گرفت و عدم امنیت راه زندگی را بر مردم مسدود نمود، مردم اموال یکدیگر را به غارت بردند، بزرگسالان به کوچکتر از خود رحم نکردند و افراد کم سن و سال احترام بزرگان را رعایت ننمودند، در این موقع، خداوند از فرزندان امام حسن و امام حسین (سلام الله علیهما) مهدی این امت را ماءمور به قیام می فرماید و کاخهای ضلالت و گمراهی (شرک و کفر و نفاق) را درهم می کوبند و خلاصه به عمر تمام مکتبهای ضد خدایی و ضد ولایی خاتمه می دهد و قلبهای غافل از حق را مسخر می کند و دین را در آخرالزمان برپا می دارد (احکامش را در سرتاسر گیتی اجرا می کند) – چنانچه من به دوران جاهلیت دین مقدس اسلام را در تاریکترین محیطها (شبه جزیرهٔ العرب) برپا داشتم – و جهان را پر از عدل و داد می کند چنانکه پر از ظلم و جور شده باشد.طبرانی از عوف بن مالک روایت کرده است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:تجی فتنهٔ غبراء مظلمهٔ ثم یتبع الفتن بعضها بعضا حتی یخرج رجل من اهل بیتی یقال له المهدی (علیه السّلام) فان ادرکته

فاتبعه و کن من المهتدین. [۲۲۷] .فتنه ای بس تاریک جهان را دربر می گیرد، آنگاه فتنه ها یکی پس از دیگری در دنیا پدید می آیند و مردم از آنها متابعت می کنند تا آنکه مردی از فرزندان من که او را مهدی (علیه السّلام) می گویند قیام کند. پس، اگر زمان او را درک کردی فرمانش را اطاعت کن تا از هدایت شوندگان حق باشی.در روایت زیر که از رسول معظم صلی الله علیه و آله نقل شده است، آن حضرت ضمن اشاره به قیام سید حسنی که مبداء حرکتشان از خراسان است، چنین امر فرموده اند:فلا یبقی اهل بیته حتی یبعث الله راءیهٔ من المشرق سوداء من نصرها نصره الله و من خذلها خذله حتی یاءتوا رجلا اسمه کاسمی فیولیه امرهم فیویده الله و ینصره. [۲۲۸] .پس، باقی نماند اهل بیتش تا اینکه خداوند برانگیزد پرچم سیاهی را از مشرق. هر کس او را یاری کند خداوند را نصرت نموده و هرکس او را رها سازد (یاری اش ننماید) خداوند او را خوار می کند. صاحب پرچم سیاه خود را به کسی می رساند که همنام من است (حضرت محمد بن الحسن العسکری روحی له الفداء). آنگاه آن حضرت آنان را زیر پرچم ولایتش جای می دهد و خداوند هم او را تاءیید می فرماید و نصرت می دهد.سعید بن مسیب از بنیانگذار اسلام صلی الله علیه و آله حدیث می کند که فرمودند:تخرج من المشرق رایات سود لبنی العباس ثم یمکثون ماشاء الله ثم تخرج رایات سود صغار تقاتل رجلا من ولد ابی سفیان و اصحابه من قبل المشرق یؤ دون الطاعهٔ للمهدی. [۲۲۹] عپرچمهای سیاه از مشرق ظاهر می شوند که مربوط به اولاد عباس هستند. آنها حکومت را به دست می گیرند و مدت زمامداری آنها آنچه خداوند بخواهد می شود (اشاره به قیام علیه بنی امیه و به حکومت رسیدن بنی عباس به دست ابومسلم خراسانی و طول دوران زمامداری آنها و نیز اشاره به قیام جناب سید حسنی است). سپس پرچمهای سیاه کوچک دیگری ظاهر می شوند که با سفیانی و لشکریانش مبارزه می کنند و مردم را به فرمانبرداری از حضرت ولی عصر (علیه السّلام) فرا می خوانند.(ممکن است اشاره به لشکریان جناب سید حسنی باشد که روزهای اول کم اند). ابی سعید خدری گفته است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:المهدی منی اجلی الجبهٔ افنی الانف یملاء الارض قسطا و عدلا کما ملئت جورا و ظلما. [۲۳۰] .مهدی از من است. پیشانی اش گشاد و پرفروغ و بینی اش کشیده و قلمی خواهد بود. صفحه گیتی را پس از انباشته شدن از ظلم و جور، از عدل و داد پر می کند.صالح فرزند ابی خلیل از دوستش نقل می کند که ام سلمه همسر رسول گرامی صلی الله علیه و آله فرمودند:یکون اختلاف عند موت الخلیفهٔ فیخرج رجل من اهل المدینهٔ هاربا الی مکهٔ فتاءتیه ناس من اهل مکهٔ فیخر جونه و هو کاره فیبایعونه بین الرکن والمقام و یبعث الیه بعث من الشام فیخسف بهم بالبیداء بین مکهٔ والمدینهٔ فاذا راءی الناس ذلک اتاه ابدال الشام و عصائب اهل العراق فیبایعونه ثم ینشاء رجل من قریش اخواله کلب فیبعث الیهم بعثا فیظهرون علیهم و ذلک بعث کلب والخیبهٔ لمن لم یشهد غنیمهٔ کلب فیقسم المال و یعمل فی الناس بسنهٔ نبیهم صلی الله علیه و آله وسلم. [۲۳۱] .هنگام مرگ خلیفه اختلافی به وجود می آید و مردی از اهل مدینه به سوی مکه می گریزد و جمعی از مردم مکه بین رکن و مقام با او بیعت می کنند. آنگاه جمعیتی از شام به خلاف او قیام می کنند و به طرف مکه به حرکت درمی آیند. پس، در زمین بیداء بین مکه و مدینه به زمین فرو می روند و چون مردم از این جریان آگاه می شوند برجستگان شام و نیز جمعی از مردم عراق به سوی او می آیند و با او بیعت می کنند و مردی از طایفه کلب به سوی کسانش می فرستد. پس جمعیتی به سوی آنها می آیند و درگیری بین آنها پیدا می شود و آنان شکست می خورند و در این پیروزی هرکس که از غنائم طایفه کلب نصیبی نداشته باشد زیان کرده است و اینان به روش رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در میان مردم عمل می کنند و اموال و غنائم را بین مردم تقسیم می نمایند.مسلم از ابی نضره نقل می کند:کنا جالسا عند جابربن عبدالله فقال یوشک اهل العراق ان لا یجبی الیهم قفیز ولا۔ درهم قلنا من این ذاک؟ قال من قبل العجم یمنعون ذلک ثم قال یوشک اهل الشام ان لایجبی الیهم دینار ولا مدی قلنا من این ذاک قال من قبل الروم ثم سکت هنیئهٔ ثم قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم یکون فی آخر امتی خلیفهٔ یحثی المال حثیا و لایعده عدا قیل لابی نضرهٔ وابی العلاء اتریان انه عمر! بن عبدالعزیز قالا لا. [۲۳۲] .در خدمت جابربن عبدالله انصاری نشسته بودم. فرمود: در آینده به اهالی عراق درهم و دیناری نخواهد رسید. عرض شد: چرا؟ فرمود: عجم ممانعت خواهد

کرد. سپس فرمود: از طرف رومیها. آنگاه مکثی فرمود و گفت: رسول اکرم صلی الله علیه و سلم فرموند: در آخر الزمان خلیفه ای بر جهان حکم می راند که اموال را بدون حساب و شمارش می دهند. شنوندگان به ابی نضره و ابی علاء گفتند: آیا احتمال می دهید که این خلیفه با این اوصاف عمر بن عبدالعزیز باشد؟ هر دو گفتند: نه، چنین نیست. ثوبان درباره آینده دنیا از زبان بنیانگذار اسلام صلی الله علیه و آله چنین می گوید:یقتتل عند کنزکم ثلاثهٔ کلهم ابن خلیفهٔ ثم لایصیر الی واحد منهم ثم تطلع الرایات السود من قبل المشرق فیقتلونکم قتلا لم یقتله قوم ثم ذکر شیئا لا احفظه فقال فاذا راءیتموه فبایعوه ولو حبوا علی الثلج فانه خلیفهٔ الله المهدی. [۲۳۳] .سه نفر در کنار کعبه می جنگند که تمامشان فرزند یک خلیفه هستند (کنز راکنایه از کعبه گرفته اند). آنگاه حکومت به هیچ کدام از آنها نمی رسد؛ سپس پرچمهای سیاه از جانب شرق به اهتزاز درمی آید و نبرد سختی درمی گیرد (که مانند آن دیده نشده است). چون این پرچمها را مشاهده کردید با صاحب آن (فرمانده) بیعت کنید حتی اگر روی برفها راه بروید ولو با سرزانو یا سینه. زیرا آن فرمانده نماینده و جانشین خدا مهدی منتظر است.عبدالله می گوید:بینا نحن عند رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم اذا اقبل فتیهٔ من بنی هاشم فلما رآهم رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم اغرورقت عیناه و تغیر لونه فقلت ما نزال فی وجهک شیئا نکرهه فقال انا اهل بیت اختار الله لنا الاخرهٔ علی الدنیا و ان اهل بیتی سیلقون بعدی بلاء و تشدیدا و تطریدا حتی یاءتی قوم من قبل المشرق معهم رایات سود فیسئلون الخیر فلا یعطونه فیقاتلون فینصرون فیعطون ما ساءلوا فلا یقبلونه حتی یدفعوها الی رجل من اهل بیتی فیملؤ ها قسطا کما ملؤ وها جورا فمن ادرک ذلک منکم فلیاءتهم ولو حبوا علی الثلج. [۲۳۴] .همینطوری که در خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بودیم ناگهان عده ای از بنی هاشم (البته از جوانان) بر آن حضرت وارد شدند. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نگاهی به آنها فرمودند و چشمان مبارکشانپر از اشک شد و رنگ صورت شریفشان تغییر کرد. عرض کردم: یا رسول الله! همیشه در رخسار شما حالتی را می بینم که ما ناراحت می کند (در حقیقت، سؤ ال از علت تغییر قیافه و ناراحتی بوده است). در جواب فرمودند: ما اهل بیتی هستیم که خداوند عالم آخرت را بر دنیا برای ما اختیار فرموده است. بعد از من خاندانم گرفتار مصائب و بلایا و سختیها خواهند شد (قتل، اسارت، زندان، تبعید و خانه نشینی) تا اینکه مردمی از جانب مشرق بیایند در حالی که پرچمهای سیاه به دست دارند و از مردم می خواهند که از کارها و مردم بد دوری گزینند و به سوی خوبیها روی آورند. آنها را اجابت نمی کنند. سرانجام می جنگند تا پیروز می شوند. آنگاه مردم اعلام آمادگی برای قبول خیرات و خوبیها می کنند، اما آنها نمی پذیرند تا اینکه می آیند و پرچم پیروزی را به یکی از مردان خاندان من می دهند و او جهان را پر از عدل و داد می کند پس اینکه از ظلم و جور انباشته شده باشد. پس، هر کس از شما آن زمان را درک کرد به سراغ آنها برود ولو به نحو سینه خیز روی برف باشد.خواننده عزیز!ممکن است فرمایش رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله اشاره به قیام جناب سید حسنی باشد که از خراسان با یارانش حرکت می کند و جمع کثیری از دشمنان اهل بیت را به هلاکت می رساند و خدمت امام عصر روحی له الفداء می رسد و با یارانش تسلیم آن حضرت می شوند و اسلام واقعی پیاده می شود و جهان از عدالت لبریز می گردد- اللهم عجل فرجه -.عبدالله بن عباس روایت کرده است از رسول اکرم صلی الله علیه و آله که فرمودند:ان خلفائی و اوصیائی و حجج الله علی الخلق بعدی لاءثناعشر اولهم اخی و آخرهم ولدی قیل یا رسول الله و من اخوک قال علی بن ابی طالب قیل فمن ولدک قال المهدی الذی یملؤ ها قسطا و عدلا کما ملئت جورا و ظلما والذی بعثنی بالحق بشیرا (و نذیرا) لولم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتی یخرج فیه ولدی المهدی فینزل الله عیسی بن مریم فیصلی خلفه و تشرق الارض بنور ربها و یبلغ سلطانه المشرق و المغرب. [۲۳۵] .جانشینان من و اوصیای من و حجتهای خداوند بر مردم بعد از من دوازده نفرند که اول آنها برادرم آدم است و آخرین آنان فرزندم خواهد بود. عرض شد: یا رسول الله! برادر شما کیست؟ فرمودند: علی بن ابی طالب. عرض شد: فرزندتان کیست؟ فرمودند: مهدی که جهان را پر از عدل و داد می کند بعد از اینکه از ظلم و جور پر شده باشد. آنگاه اضافه می فرمایند: به حق آن خداوندی که مرا به راستی و حق مبعوث فرموده است برای راهنمایی بشر و بشارت دادن آنها به نعمتهای ابدی خداوند و ترسانندنشان از عذابهای

او،که اگر از عمر دنیا جز یک روز نماند پروردگارم آن روز را آنقدر طولانی می کند تا اینکه فرزندم مهدی در آن روز قیام کند و عیسی بن مریم روح الله از آسمان به زیر آید و پشت سر او نماز بخواند و جهان به نور پروردگارش روشن گردد و حکومت فرزندم شرق و غرب عالم را فراگیرد.ابو نعیم به سند خودش از ثوبان نقل می کند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:«اذا راءیتم الرایات السود من خراسان فاتوها و لو حبوا علی الثلج فان فیها خلیفه الله المهدی». [۲۳۶] .هرگاه دیدید که از جانب خراسان پرچمهایی به رنگ سیاه به اهتزاز در آمد، از آنها استقبال کنید و لو اینکه پای پیاده بلکه با سر زانو روی برفها راه بروید؛ زیرا حجت و جانشین خداوند در این جمعیت است و آن حضرت مهدی (علیه السلام) است.حضرت جواد الائمهٔ علیه السلام درباره نشانه های ظهور و روز اول آن چنین فرموده است:«قال ینادی مناد من السماء باسم المهدی فیسمع من بالمشرق و المغرب حتی لا یبقی راقد الا استیقظ». [۲۳۷] .منادی از آسمان به نام حضرت مهدی فریاد می زند و اهل مشرق و مغرب همه آن صدا را می شنوند. حتی افرادی که در خواب هستند از شنیدن آن بیدار می شوند.خواننده عزیز!با قدرت بی نهایت خداوند صدا به زبانهای مختلف ترجمه می شود و اهل هر زبانی آن را می شنود.امّ سلمه بانوی حرم رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است که آن حضرت فرمودند:«یبایع لرجل من امتی بین الرکن و المقام کعدهٔ اهل بدر فتاتیه عصب العراق و ابدال الشام فیاتیهم جیش من الشام حتی اذا کانوا بالبیداء خسف بهم ثم یسیر الیه رجل من قریش اخوا له کلب فیهزمهم الله تعالی قال و کان یقال ان الخائب یومئذ من خاب من غنیمهٔ کلب». [۲۳۸] .در بین رکن و مقام (کنار کعبه معظمه) با مردی از امت من بیعت می شود.بیعت کنندگان به تعداد اهل بدر هستند (یعنی سیصد و سیزده نفرند). پس، جمعیتی نیرومند از عراق و برجستگانی از شام خواهند آمد و در این موقع لشکری از شام می آید که چون به سرزمین بیداء می رسد (نزدیک مکه مکرمه) در این سرزمین همه جمعیت فرو می روند. آنگاه مردی از قریش با اقوامش از قبیله کلب می آید. خداوند آنها را از بین می برد و در آن روز مغبون کسی است که از غنائم بنی کلب محروم بماند.ابی سعید خدری در ارتباط با سالهای قبل از ظهور حضرت بقیهٔ الله ارواحنا له الفداء از آورنده اسلام صلی الله علیه و آله حدیثی نقل نموده است که آن حضرت می فرماید:«ستکون بعدی فتن منها فتن الاطلاس یکون فیها هرب و حرب ثم من بعدها فتن اشد منها کلما قیل انقطعت تمادت حتی لایبقی بیت من العرب الا دخلته و لا مسلم الا وصلته حتی یخرج رجل من عترتی.» [۲۳۹] .زود است که بعد از من فتنه هایی بر پا می شود (اطلاس). در این فتنه هرج و مرج و نبرد به چشم می خورد. بعد از این، فتنه هایی سنگین تر و شدیدتر به وجود خواهد آمد که مردم پیوسته انتظار تمام شدن آن را می کشند، اما متاءسفانه ادامه خواهد داشت تا اینکه خانه ای در دنیای عرب نماند مگر اینکه این فتنه داخل آن خانه شود. بعلاوه، شعاع این فتنه چندان وسیع است که هر مسلمانی در هر کجا که باشد دچار آن فتنه خواهد شد تا اینکه مردی از دودمان من قیام کند.ابی هریره از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل می کند که آن حضرت فرمودند:«یخرج رجل یقال له السفیانی فی عمق دمشق و عامهٔ من تبعه من کلب فیقتل حتی یبقر بطون النساء و یقتل الصبیان فتجمع لهم قیس فیقتلها حتی لایمنع ذنب تعلهٔ و یخرج رجل من اهل بیتی فی الحرم فیبلغ السفیانی فیبعث الیه جندا من جنده (او من اجناده) فیهزمهم فیسیر الیه السفیانی بمن معه حتی اذا جاز ببیداء من الارض خسف بهم فلاینجو الا المخبر عنهم. [۲۴۰] .مردی از شام به نام سفیانی خروج می کند و تمام افرادی که از او متابعت می کنند از طایفه کلب هستند. پس، کشتار می کنند؛ حتی شکم زنها را می درند و بچه ها را می کشند. آنگاه طایفه قیس با او جنگ می کنند و همگی کشته می شوند و کسی که بتواند مقاومت کند نمی ماند. در این هنگام مردی از خاندان من در مکه مکرمه قیام می کند و خبر قیامش به سفیانی می رسد.پس، از لشکریان خود جمعیتی را به جنگ او می فرستد و خود با لشکریانش به طرف مکه معظمه حرکت می کند. وقتی که به سرزمین بیداء (در نزدیکی مکه مکرمه) می رسند به امر خداوند، زمین آنها را فرو می برد و نمی ماند از آن لشکر مگر خبردهنده ای (که خبر نابودی لشکر را به مکه معظمه یا شام می رساند).یکی از مهاجران قبطیه از امّ سلمه همسر گرامی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل می کند که ایشان فرمودند:«لیخسفن بقوم یغزون هذا البیت ببیداء من الارض فقالت امّ سلمهٔ یا رسول الله ارایت ان کان فیهم

الکاره فقال (ص) یبعث کل رجل علی نیته.» [۲۴۱] .همانا گروهی که عازم نبرد با خانه کعبه هستند در سرزمین بیداء فرو می روند. امّ سلمه عرض می کند: یا رسول الله! آیا امکان دارد که یک نفر در میان این مردم مجبور باشد؟ فرمودند: هر کسی بر اساس نیتی که دارد (در پیشگاه خداوند) محشور می شود.خواننده محترم!البته منظور از نبرد با خانه کعبه یعنی جنگ با حضرت بقیهٔ الله روحی لـه الفداء و مراد از این لشکر، لشکر سفیانی است.از حذیفه روایت شده است که حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله فرمودند:«تکون وقعه بالزوراء قالوا یا رسول الله و ما الزوراء قال مدینه بالمشرق بین انهار سکنها شرار خلق الله و جبابرهٔ من امتی تقذف باربعهٔ اصناف من العذاب بالسیف و الخسف و القذف و المسخ.» [۲۴۲] .فاجعه ای بس بزرگ در زوراء پیاده می شود. عرض کردند: زوراء کجاست؟ فرمودند: شهری است در مشرق و در اطرافش نهرهایی قرار گرفته است. ساکنان آن از ستمگران امت من و بدترین مخلوقات روی زمین هستند که به وسیله چهار نوع از بلا عذاب می شوند:۱. کشتار به وسیله شمشیر۲. فرو رفتن در زمین۳.پرتاب کردن و درهم کوبیدن۴.مسخ شدن.پیامبر بزرگ اسلام فرمودند:«اذا خرجت السودان طلبت العرب ینکشفون حتی یلحقوا ببطن الارض او قال ببطن الاردن فبینماهم کذلک اذا خرج السفیانی فی ستین و ثلاثمائهٔ راکب حتی یاتی دمشق فلا یاتی علیهم شهر حتی یبایعه من کلب ثلثون الفا فیبعث جیشا الی العراق فیقتل بالزوراء مائهٔ الف و یخرجون الی الکوفه فینهبونها صالح فیستنفذ ما فی ایدیهم من سبی اهل الکوفهٔ و یقتلهم و یخرج جیش آخر من جیوش السفیانی الی المدینهٔ فینهبونها ثلاثهٔ ایام ثم یسیرون الی مکهٔ حتی اذا کانوا بالبیداء بعث الله تعالی جبرئیل علیه السلام فیقول یا جبرئیل عذبهم فیضربهم برجله ضربهٔ یخسف الله عزوجل بهم فلا یبقی منهم الا رجلان فیقدمان علی السفیانی فیخبرانه بخسف الجیش فلا یهوله ثم ان رجالا من قریش یهربون الی قسطنطنیهٔ فیبعث السفیانی الی عظیم الروم ان ابعث بهم فی المجامع فیبعث بهم الیه فیضرب اعناقهم علی باب المدینه بدمشق.»«قال حذیفهٔ حتی انه یطاف بالمراهٔ فی مسجد دمشق بالثوب علی مجلس مجلس حتی تاءتی فخذ السفیانی فتجلس علیه و هو فی المحراب قاعدا فیقوم رجل من المسلمین فیقول و یحکم اکفرتم بعد ایمانکم ان هذا لا یحل فیقوم فیضرب عنقه فی مسجد دمشق و یقتل کل من شایعه علی ذلک فعند ذلک ینادی مناد من السماء یا ایها الناس ان الله عزوجل قد قطع عنکم مدهٔ الجبارین و المنافقین و اشیاءهم و ولاکم خیر امهٔ محمد صلی الله علیه فالحقوا به بمکهٔ فانه المهدی.»«قال حذیفهٔ فقام عمر بن الحصین فقال یا رسول الله کیف لنا حتی نعرفه قال هو رجل من ولدی کانه من رجال بنی اسرائیل علیه عباءتان قطوانیتان کان وجهه الکوکب الدری فی اللون فی خده الایمن خال اسود بن اربعین سنهٔ فیخرج الابدال من الشام و اشباههم و تخرج الیه النجباء من مصر و عصائب اهل الشرق و اشباههم حتی یاتوا مکهٔ فیبایع له بین الرکن و المقام ثم یخرج متوجها الی الشام و جبرئیل علی مقدمته و میکائیل علی ساقته فیفرح به اهل السماء و اهل الارض و الطیر و الوحوش و الحیتان فی البحر و تزید المیاه فی دولته و تمد الانهار و تضعف الارض اکلها و تستخرج الکنوز کلها فیقدم الشام فیذبح السفیانی تحت الشجرهٔ التی اغصانها الی بحیرهٔ طبریهٔ و یقتل کلبا.»«قال حذیفهٔ قال رسول الله صلی الله علیه و سلم فالخائب من خاب یوم کلب و لو بعقال قال حذیفهٔ یا رسول الله یحل قتالهم و هم موحدون فقال رسول الله صلی الله علیه و سلم یا حذیفهٔ هم یومئذ علی ردهٔ یزعمون ان الخمر حلال و لا یصلون.» [۲۴۳] .هرگاه سودان برای دست یافتن به عرب حرکت کرد و در زمین اردن، در این موقع، سفیانی قیام می کند و در حالی که سیصد و شصت هزار سوار در اختیار او هست، می آید تا به شهر شام می رسد و در بین راه تمام شهرها با او بیعت می کنند، از جمله سی هزار تن از طایفه کلب با او بیعت می نمایند. پس، سفیانی لشکری به عراق می فرستد و در زوراء (ظاهرا بغداد باشد) صد هزار تن از جمعیت آن شهر را می کشد. آنگاه از آنجا به سمت کوفه می رود و کوفه را خراب می کند. در این موقع، پرچمهایی از مشرق حرکت می کنند و رهبری آنها را مردی به نام شعیب بن صالح به عهده دارد که با سفیانی درگیری پیدا می کند و اسرای کوفه را نجات می دهد. بعد از این جریان، لشکر دیگری از جانب سفیانی به سمت مدینه حرکت می کند و سه روز آنجا را مورد تعدی و تجاوز قرار می دهد. آنگاه به سمت مکه حرکت می کنند تا اینکه به سرزمین بیداء می رسند. جبرئیل علیه السّلام از طرف خداوند ماءموریت پیدا می کند و با اشاره به زمین، تمام

این جمعیت را فرو می برد مگر دو نفر که خودشان را به سفیانی می رسانند و او را از هلاکت لشکریانش آگاه می سازند. مقارن این وضع، عده ای از قریش به قسطنطنیه می گریزند و سفیانی از پادشاه روم می خواهد که آنها را تسلیم وی کند. او هم این کار را می کند و پناهندگان را تسلیم سفیانی می نماید و او همه آنها را در ابتدای شهر در دمشق گردن می زند.حذیفه گفت: سرانجام کار به جایی می رسد که زنها در مسجد جامع دمشق حرکت می کنند و محافلی تشکیل می دهند و در حالی که سفیانی در محراب نشسته است بعضی از زنان در دامن او می نشینند. در این موقع، یک نفر بلند می شود و فریاد می زند:ای مردم! این عمل حرام است، مگر کافر شده اید؟ به امر سفیانی گردنش را می زنند و هر کسی که متابعت از این شخص بکند او را می کشند. پس، در این موقع منادی از آسمان فریاد می زند:ای مردم روی زمین! خداوند به زندگی ستمکاران خاتمه داد و منافقان و پیروان آنها از بین رفتند (حکومت باطل و اهل آن واژگون شد). خداوند برای شما فرمانروایی از آل محمد صلی الله علیه و آله معین فرموده که در مکه است. بشتابید و از دستورهایش پیروی کنید و نامش مهدی است.حذیفه گوید: عمر بن حصین برخاست و عرض کرد: یا رسول الله! مشخصات او را برای ما بیان فرمایید تا او را بشناسیم. حضرت فرمودند: او مردی از فرزندان من است که از نظر جسم و قوای جسمانی مانند اسرائیلیان است. دو عبای سفید پوشیده است، صورتش مانند ستاره درخشان می درخشد، در طرف راست صورتش خالی سیاه است و از لحاظ سن به مرد چهل ساله ای می ماند. مردانی از شام به نام ابدال و پیروانشان و نیز نجبا و یاران آنها از مصر و جمعیتی از مشرق حرکت می کنند تا اینکه به مکه معظمه می رسند و در بین رکن و مقام با آن حضرت بیعت می کنند. در این موقع، مهدی ما به طرف شام حرکت می کند در حالتی که جبرئیل علیه السّلام پیشاپیش او و میکائیل به دنبال او در حرکت اند. موجودات آسمان و زمین - اعم از حیوانات دریایی، پرندگان و چرندگان - از حکومت و قیام او خوشحال هستند. در دولت او نهرهای آب زیاد می شود و زمین برکات خود را مضاعف می کند و تمام گنجهای نهفته آشکار می گردد. او با لشکریانش به شام می رسند و سفیانی را در زیر درختی که شاخه های آن به طرف دریاچه طبریه است سر می برند و طایفه بنی کلب را می کشند.حذیفه گوید: حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: چه روز بدی است روز کلب. حذیفه عرض کرد: یا رسول الله! چگونه می شود با آنها جنگید و حال آنکه آنها مسلمان اند؟ پیامبر فرمود: اینها در آن روز مرتد هستند و گمان می کنند مشروبات الکلی حلال است و نماز نمی خوانند.حضرت امام امیرالمؤ منین علیه السّلام خبر از قیام سفیانی و آمدنش به کوفه می دهد و نیز می فرماید:«اذا خرجت خیل السفیانی الی الکوفه بعث فی طلب اهل خراسان و یخرج اهل خراسان فی طلب المهدی فیلتقی هو والهاشمی برایات سود علی مقدمته شعیب بن صالح فیلتقی هو والسفیانی بباب اصطخر فیکون بینهم ملحمهٔ عظیمه فتظهر رایات السود و تهرب خیل السفیانی فعند ذلک یتمنی الناس المهدی و یطلبونه.» [۲۴۴] .در این موقع سفیانی از کوفه قصد حمله به خراسان دارد و مردم خراسان در طلب حضرت مهدی (علیه السّلام) به حرکت در می آیند و با سید هاشمی ملاقات می کنند در حالی که پرچمهای سیاه در اهتزاز است (رایات جنات سید حسنی). پیشاپیش سپاه، شعیب بن صالح قرار گرفته است و در جایی به نام اصطخر نبرد شدیدی در می گیرد که لشکریان سفیانی از بین می روند و آنگاه مردم تمنای دیدار حضرت مهدی (علیه السّلام) را دارند.نعیم بن حماد در کتاب فتن با سند صحیح از علی علیه السّلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند:«والفتن اربع فتنهٔ السراء و فتنهٔ الضراء و فتنهٔ کذا فذکر معدن الذهب ثم یخرج رجل من عترهٔ الرسول علیه الصلوهٔ و السلام یصلح علی یدیه امرهم». [۲۴۵] .فتنه (فتنه های آخر الزمان) بر چهار قسم است: فتنه سراء، فتنه ضراء و فتنه کذا(ممکن است اشاره به فتنه های عقیدتی باشد). آنگاه اشاره به معدن طلا فرمودند. در این هنگام، مردی از آل رسول صلی الله علیه و آله قیام می کند و امور مردم به دست پرقدرتش اصلاح خواهد شد.نعیم بن حماد از علی علیه السّلام نقل می کند که فرمودند:«و اذا نادی مناد من السماء ان الحق فی آل محمد (صلی الله علیه و آله) فعند ذلک یظهر المهدی علی افواه الناس و یشربون حبه و لا یکون لهم ذکر غیره.» [۲۴۶] .هرگاه منادی از آسمان (جبرئیل علیه السّلام) ندا در داد که حق با آل محمد (صلی الله علیه و آله) است، در این هنگام، مهدی این خاندان ظاهر می شود

که همه مردم او را می بینند و محبت نسبت به آن سرور در دلهای مردم متمرکز می شود بطوریکه یادی از غیر آن حضرت نمی کنند.ابی اسحاق از امام امیرالمؤ منین علیه السّلام روایت می کند که فرمودند:«نظر الی ابنه الحسین فقال ان ابنی هذا سید کما سماه النبی صلی الله علیه و آله سیخرج من صلبه رجل یسمی باسم نبیکم یشبهه فی الخلق و لا یشبهه فی الخلق ثم ذکر قصهٔ یملا الارض عدلا.» [۲۴۷] .آن حضرت نگاهی به حضرت امام حسین (علیه السّلام) کردند و فرمودند: این فرزند من سید و آقاست چنانکه جدش او را سید خوانده است (شاید اشاره به حدیث «الحسن و الحسین سید اشباب اهل الجنهٔ» باشد). بزودی خداوند از نسل او مردی را بوجود می آورد که همنام (محمد) و از نظر ظاهر و قیافه شبیه پیامبر شماست اما از نظر اخلاق با او فرق می کند(ممکن است اشاره به اختلاف برنامه کار باشد که وجود مقدس رسول الله صلی الله علیه و آله ماءمور به ظاهر بود، اما حضرت مهدی علیه السّلام چون باید جهان را اصلاح کند ماءمور به واقع است).سپس داستانی را که زمین را پر از عدل می کند، ذکر کرد.هلال بن عمرو از امام امیرالمؤ منین علیه السّلام حدیث می کند که آن سرور فرمودند:«قال النبی صلی الله علیه و آله یخرج رجل من وراء النهر یقال له الحارث بن حراث علی مقدمته رجل یقال له المنصور یواطی ء او یمکن لآل محمد کما مکنت قریش لرسول الله صلی الله علیه و آله وجب علی کل مؤ من نصره او قال «اجابته». [۲۴۸] .از رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم شنیدم مردی از وراءالنهر که او را حارث بن حراث می گویند قیام می کند. در پیشاپیش او مردی در حرکت است که نامش منصور است (یکی از نامهای مبارک آقا حضرت مهدی روحی له الفداء منصور است) و زمینه را برای حکومت آل محمد آماده می سازد چنانچه قریش نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم همین معامله را کردند (آماده ساختن زمینه پیشرفت). فرمودند: بر هر مسلمانی واجب است او را یاری کند (یا دعوتش را اجابت نماید).محمد بن صامت می گوید:«قلت لاءبی عبدالله الحسین بن علی علیهما السلام اما من علامهٔ بین یدی هذا الامر - یعنی ظهور المهدی علیه السّلام - فقال بلی قلت و ما هی قال هلاک بنی العباس و خروج السفیانی والخسف بالبیداء قلت جعلت فداك اخاف ان یطول هذا الامرقان انما هو کنظام الخرز یتبع بعضه بعضا. [۲۴۹] .از حضرت امام حسین علیه السّلام پرسیدم: آیا برای ظهور حضرت مهدی علیه السّلام نشانه هایی هست؟ فرمودند: آری. عرض کردم: چیست؟ فرمودند: هلاکت بنی عباس، قیام سفیانی (از شام) و فرو رفتن در سرزمین بیداء (نزدیکی مکه معظمه لشکریان سفیانی به زمین فرو می روند). عرض کردم: فدایت شوم، می ترسم این امر به طول انجامد. فرمودند: این سه نشانه منظم یکی بعد از دیگری خواهد آمد.بخاری در کتاب خودش از عوف بن مالك از حضرت امام حسین علیه السّلام روایت کرده که آن حضرت فرمودند:اذا هدم حائط مسجد الکوفهٔ مما یلی دار عبدالله بن مسعود (او دار عبدالملك) فعند ذلك زوال ملك القوم و عند زواله خروج المهدی. [۲۵۰] .هرگاه دیوار مسجد کوفه که در جنب خانه عبدالله بن مسعود (یا خانه عبدالملك است) خراب شد، در این هنگام، سلطنت دشمنان ما (کنایه از انقراض بنی العباس یا دیگران) ساقط می شود و در این زمان است که مهدی ما قیام می کند.(اللهم عجل فرجه).

پاورقی

[۱] فصلت / ۵۳.

[۲] بقره / ۱۵۶.

[۳] آل عمران / ۷.

[۴] غیبت نعمانی، ص ۲۵۰.

[۵] انعام / ۳۷.

[۶] در باب «دابهٔ الارض» بعضی گفته اند منظور، حضرت امیرالمؤ منین سلام اللّه علیه است و بعضی دیگر برآنند که منظور، حضرت بقیهٔ الله روحی له الفداء است.

[۷] بحارالانوار، ج ۵۲ / ص ۱۸۱.

[۸] انعام / ۶۵.

[۹] بحارالانوار، ج ۵۲ / ص ۱۸۲. [

[۱۰] یونس / ۵۱.

[۱۱] سباء / ۵۰.

[۱۲] بحارالانوار، ج ۵۲ / ص ۱۸۵.

[۱۳] معارج / ۱.

[۱۴] بحارالانوار، ج ۵۲ / ص ۱۸۸.

[۱۵] بصائر الدرجات، ص ۱۴۷.

[۱۶] اصول کافی، ج ۱ / ص ۱۹۲.

[۱۷] همان ماءخذ، ج ۱ / ص ۱۹۲.

[۱۸] همان ماءخذ، ج ۱ / ص ۱۹۳.

[۱۹] همان ماءخذ، ج ۱ / ص ۲۶۴.

[۲۰] همان ماءخذ، ج ۲، / ص ۱۷.

[۲۱] همان ماءخذ، ج ۱ / ص ۲۳۹.

[۲۲] بحار النوار ج ۵۲ / ص ۱۹۰.

[۲۳] البته در بعضی روایات دعای یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک به نام دعای غریق ذکر شده.

[۲۴] بحار الانوار ج ۵۲ / ص ۱۹۰

[۲۵] این آیینه در مقابل اسلام و کشورهای به اصطلاح مسلمان قرار بده مسلما غیر از اسم و رسم از قرآن و اسلام چیز دیگری نمی بینی.

[۲۶] همان ماخذ ج ۵۲ / ص ۱۹۱.

[۲۷] همان ماءخذ، ج ۵۲ / ص ۱۹۲.

[۲۸] الامام المهدی عند اهل السنه، ج ۲، مشارق الانوار، ص ۲۹.

[۲۹] نوائب الدهور، ج ۱ / ص ۱۵۰.

[۳۰] اثباه الهداه، ج ۷ / ص ۳۹۰ و ۳۹۱.

[۳۱] فرورفتگی زمین

[۳۲] غیبت طوسی، ص ۲۷۵.

[۳۳] نوائب الدهور، ص ۲۹۱.

[۳۴] انعام / ۶۵.

[۳۵] مؤ منون / ۱۱۵.

[۳۶] بحارالانوار، ج ۵۲ / ص ۲۶۲ – ۲۶۴.

[۳۷] الملاحم و الفتن، ص ۵۴.

[۳۸] نوائب الدهور، ص ۱۰۶.

[۳۹] الملاحم و الفتن، ص ۲۱.

[۴۰] الملاحم و الفتن، ص ۵۲.

[۴۱] الملاحم والفتن، ص ۱۰۰.

[۴۲] یکی از نامهای حضرت مهدی روحی له الفداء.

[۴۳] نوائب الدهور، ص ۱۳۱. طبق روایات زیادی مراد از «دابهٔ الارض» حضرت علی علیه السلام است (ناشر).

[۴۴] نوائب الدهور، ص ۱۴۶.

[۴۵] نوائب الدهور، ص ۱۶۶.

[۴۶] نوائب الدهور، ص ۱۷۰.

[۴۷] نوائب الدهور، ص ۱۶۸.

[۴۸] هود / ۱۵.

[۴۹] شوری / ۲۰.

[۵۰] کهف / ۱۱۰.

[۵۱] زخرف / ۶۷.

[۵۲] نساء / ۱۳۵.

[۵۳] لیل / ۲۰.

[۵۴] الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۵۰ – ۱۵۲.

[۵۵] آنگاه آیاتی از قرآن تلاوت فرمودند از سوره «تبارک». طالبان به شرح آیات مراجعه نمایند.

[۵۶] روزگار رهایی، ص ۴۵۰.

[۵۷] همان ماءخذ، ص ۴۵۱.

[۵۸] همان ماءخذ، ص ۴۵۲.

[۵۹] همان ماءخذ، ص ۴۵۳ و ۴۵۴.

[۶۰] همان ماءخذ، ص ۴۶۷.

[۶۱] بحار، ج ۵۳، ص ۱۰.

[۶۲] روزگار رهایی، ص ۴۲۹.

[۶۳] همان ماءخذ، ص ۵۵۴.

[۶۴] الامام المهدی (عج) من المهد الی الظهور، ص ۳۶۵.

[۶۵] بحارالانوار، ج ۵۲ / ص ۲۶۶.

[۶۶] اختصاص مفید، ص ۲۰۷.

[۶۷] با این تفاوت که جناب ایوب تقریبا هفت سال در مصائب و بلاها صبر کرد، اما حضرت مهدی ارواحنا له الفداء بیش از یکهزار و صد و چهل و چند سال در مقابل همه مصائب و سختیها و هجوم دشمنان و تبلیغات مسموم منافقان و معاندان صبر کرده اند تا زمانی که خداوند فرمان ظهورشان را امضاء فرماید.

[۶۸] بحارالانوار، ج ۵۲ / ص ۱۹۳.

[۶۹] اثباهٔ الهداهٔ، ج ۷ / ص ۴۱۴.

[۷۰] اشاره به شخصیت مادر مکرمه حضرت بقیهٔ الله، حضرت نرجس خاتون سلام الله علیها، فرموده اند.

[۷۱] غیبت نعمانی، ص ۲۷۸.

[۷۲] کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۴.

[۷۳] الملاحم و الفتن، ص ۵۹.

[۷۴] همان ماءخذ، ص ۳۵.

[۷۵] قابل توجه اینکه خطبه مزبور با تفاوتهایی نقل شـده است، از جمله در خود الزم الناصب (ج ۲ / ص ۲۱۳ و سپس در ص ۲۳۲). ضمنـا در مورد ترجمه، آنچه که به ذهن نزدیکتر می آمـد ذکر شـد و ممکن است معـانی دیگری هم از آن بتوان اسـتفاده کرد، که حتمـا نیز چنین است و مـا به خـاطر عـدم اطـاله کلام آنها را ذکر نکرده، این کار را به خود خواننـدگان پژوهشـگر واگـذار نموديم. همچنین، باید متذکر این نکته شد که خطبه مورد بحث دارای مضامین بسیار عالی است و گویا اصلا طوری القاء شده که احتمالات مختلف در آن مطرح و ملحوظ گردد، و به اصـطلاح، اسـتعمال لفـظ در اکثر از معنی که نزد محققـان صـحیح است در اینهـا انجـام شده، یعنی هر فقره چندین معنی دارد.

[۷۶] الزم الناصب، ج ۲ / ص ۱۸۱.

[۷۷] شایـد هم کلمه مزبور «شـقاق» به ضم «شـین» باشد به معنای مرضـی که در پای چارپا پیدا می شود و او را از رفتن و دویدن باز می دارد، که کنایه از این است که اگر در جایی به مانعی برخورد کردند، با خونریزی هم که شده است خود را از آن مانع عبور می دهند و هیچ ابایی از هیچ کاری ندارند.

[۷۸] روضهٔ کافی، ج ۲ / ص ۳۵۹ – ۳۶۲.

[۷۹] روزگارهایی، ص ۴۵۹.

[۸۰] توبه / ۳۳.

[۸۱] روزگارهایی، ص ۴۶۱.

[۸۲] همان ماءخذ و صفحه.

[۸۳] بحارالانوار، ج ۵۲ / ص ۲۷۵.

[۸۴] روزگار رهایی، ص ۴۲۹.

[۸۵] همان ماءخذ، ص ۴۷۱.

[۸۶] طرطوس از شهرهای بندری سوریه است.

[۸۷] استانبول فعلی.

[۸۸] روزگارهایی، ص ۵۵۴.

[۸۹] بحار الانوار، ج ۵۲ / ص ۲۶۵.

[۹۰] بحارالانوار، ج ۵۲ / ص ۱۹۰.

[۹۱] البته در بعضی روایات دعای (یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک)به نام دعای غریق ذکر شده.

[۹۲] بحار الانوار، ج ۵۲ / ص ۱۹۰.

[۹۳] این آیینه را در مقابل دنیای اسـلام و کشورهای به اصـطلاح مسـلمان قرار بـده، مسـلما غیر از اسم و رسم از قرآن و اسـلام چیز دیگری نمی بینی.

[۹۴] همان ماءخذ ج ۵۲ / ۱۹۱.

[۹۵] همان ماءخذ، ج ۵۲ / ص ۱۹۲.

[۹۶] الامام المهدی عند اهل السنه، ج ۲؛ مشارق الانوار، ص ۲۹.

[۹۷] نوائب الدهور، ج ۱/ ص ۱۵۰.

[۹۸] اثباة الهداه، ج ۷ / ص ۳۹۰ و ۳۹۱.

[۹۹] فرورفتگی زمین.

[۱۰۰] بحارالانوار، ج ۵۲ / ص ۲۶۵.

[۱۰۱] ارشاد مفید، ج ۳، ص ۳۴۷.

[۱۰۲] همان ماءخذ، ص ۳۵۸.

[۱۰۳] همان ماءخذ، ص ۳۶۰.

[۱۰۴] تاریخ ما بعد الظهور، ص ۷۶۲.

[۱۰۵] هود / ۸۶.

[۱۰۶] اثباة الهداة، ج ۷ / ص ۳۹۲.

[۱۰۷] غیبت طوسی، ص ۲۷۴.

[۱۰۸] غیبت نعمانی، ص ۲۷۹.

[۱۰۹] همان ماءخذ، ص ۲۷۹.

[۱۱۰] غیبت نعمانی، ص ۲۸۰.

[۱۱۱] نساء / ۴۷.

[۱۱۲] آل عمران / ۳۴.

[۱۱۳] بقره / ۱۴۸.

[۱۱۴] الامامة و التبصرة، ص ۱۳۱.

[۱۱۵] الملاحم و الفتن، ص ۵۶.

[۱۱۶] غیبت نعمانی، ص ۲۵۷.

[۱۱۷] همان ماءخذ، ص ۲۶۴.

[۱۱۸] روزگارهایی، ج ۱ / ص ۴۵۳.

[۱۱۹] اصول کافی، ج ۱، ص ۲۳۱.

[۱۲۰] روزگارهایی، ج ۱ / ص ۴۵۸.

[۱۲۱] الامام المهدی علیه السّلام من المهد الی الظهور، ص ۳۹۰.

[۱۲۲] اثباة الهداة، ج ۷ / ص ۴۲۶.

[۱۲۳] مکیال المکارم، ج ۲ / ص ۱۸۴.

[۱۲۴] همان ماءخذ، ص ۱۸۶.

[۱۲۵] همان ماءخذ، ص ۱۸۷.

[۱۲۶] همان ماءخذ، ص ۱۸۹.

[۱۲۷] مکیال المکارم، ج ۲ / ص ۱۸۹.

[۱۲۸] بحارالانوار، ج ۵۲ / ص ۲۱۷.

[۱۲۹] بحارالانوار، ج ۵۲ / ص ۲۴۹.

[۱۳۰] ارشاد مفید، ص ۳۵۳.

[۱۳۱] همان ماءخذ، ص ۳۵۲.

[۱۳۲] بقره / ۱۵۵.

[۱۳۳] ارشاد مفید، ص ۳۵۳.

[۱۳۴] روزگارهایی، ج ۱ / ص ۵۱۷.

[۱۳۵] آل عمران / ۸۳.

[۱۳۶] ارشاد مفید، ص ۳۵۹.

[۱۳۷] همان ماءخذ، ص ۳۶۱.

[۱۳۸] همان ماءخذ، ص ۳۶۱.

[۱۳۹] حجر / ۷۵ و ۷۶.

[۱۴۰] اثباة الهداة، ج ۷ / ص ۴۰۳.

[۱۴۱] همان ماءخذ، ص ۳۹۷.

[۱۴۲] همان ماءخذ، ص ۳۹۶.

[۱۴۳] همان ماءخذ، ص ۳۹۶.

[۱۴۴] غیبت طوسی، ص ۲۷۱.

[۱۴۵] نفس زکیه طبق روایات معتبر جوانی است از آل محمد که پیش از ظهور در بین رکن و مقام در کنار خانه کعبه شهید می شود.

[۱۴۶] آل عمران / ۱۷۹.

[۱۴۷] نوائب الدهور، ج ۱، ۷۸.

[۱۴۸] بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۴ - ۲۶۰.

[۱۴۹] این عبارت یا از باب تقیه است یا جهت امتحان و آزمایش منصور؛ والا حجت خداوند که تمام عالم هستی به امر خداوند متعال در دست اوست چگونه نیاز به دشمن خدا دارد؟.

[۱۵۰] در انگلستان عمل شنیع لواط قانونی اعلام شده و مساءله همجنس بازی فوق العاده شایع است و نیز در بعضی از کشورهای اروپایی دیگر - مانند فرانسه - عمل لواط شایع است و خودفروشان خودشان را عرضه می دارند.

[۱۵۱] بحارالانوار، ج ۵۳ / ص ۷.

[۱۵۲] زمر / ۷۴.

[۱۵۳] غیبت طوسی، ص ۲۶۷.

[۱۵۴] همان ماءخذ، ص ۲۷۴.

[۱۵۵] غیبت نعمانی، ص ۲۷۰.

[۱۵۶] همان ماءخذ، ص ۲۷۲.

[۱۵۷] همان ماءخذ، ص ۲۷۴.

[۱۵۸] همان ماءخذ، ص ۲۷۴.

[۱۵۹] الامامهٔ و التبصرهٔ، ص ۱۳۰.

[۱۶۰] الزام الناصب، ج ۲ / ص ۱۶۳.

[۱۶۱] همان ماءخذ، ص ۱۵۹.

[۱۶۲] همان ماءخذ، ص ۱۶۴.

[۱۶۳] بقره / ۱۴۸.

[۱۶۴] الزام الناصب، ج ۲ / ص ۲۸۷.

[۱۶۵] غیبت نعمانی، ص ۲۵۲.

[۱۶۶] روزگارهایی، ص ۴۵۸.

[۱۶۷] همان ماءخذ، ص ۴۵۸.

[۱۶۸] همان ماءخذ، ص ۴۲۹.

[۱۶۹] همان ماءخذ، ص ۴۳۰.

[۱۷۰] همان ماءخذ، ص ۴۳۰.

[۱۷۱] همان ماءخذ، ص ۴۳۱.

[۱۷۲] همان ماءخذ، ص ۵۱۳.

[۱۷۳] همان ماءخذ، ص ۵۱۴.

[۱۷۴] همان ماءخذ، ص ۵۱۵.

[۱۷۵] همان ماءخذ، ص ۵۱۵.

[۱۷۶] کمال الدین صدوق، ج ۲ / ص ۳۹۰ (چاپ جدید، ص ۶۷۲، ح ۲۵).

[۱۷۷] همان ماءخذ، ص ۳۹۱ (چاپ جدید، ص ۶۷۴، ح ۲۸).

[۱۷۸] یوسف / ۹۴.

[۱۷۹] کمال الدین صدوق، ج ۲ / ص ۳۹۲ (چاپ جدید، ص ۶۷۴، ح ۲۹).

[۱۸۰] روزگارهایی، ص ۵۱۵.

[۱۸۱] همان ماءخذ، ص ۵۱۶.

[۱۸۲] همان ماءخذ، ص ۵۱۶.

[۱۸۳] توبه / ۳۳.

[۱۸۴] کمال الدین صدوق، ج ۲ / ص ۳۸۷ (چاپ جدید، ص ۶۷۰، ح ۱۶).

[۱۸۵] روزگارهایی، ج ۱ / ص ۵۰۶.

[۱۸۶] الامام المهدی علیه السّلام من المهد الی الظهور، ص ۵۱۶.

[۱۸۷] اثبات الهداهٔ، ج ۷ / ص ۴۳۰.

[۱۸۸] همان ماءخذ، ص ۴۲۳.

[۱۸۹] همان ماءخذ، ص ۳۹۶.

[۱۹۰] مکیال المکارم، ج ۲ / ص ۱۸۵.

[۱۹۱] همان ماءخذ، ص ۱۸۸.

[۱۹۲] همان ماءخذ، ص ۱۸۸.

[۱۹۳] همان ماءخذ، ص ۱۸۹.

[۱۹۴] همان ماءخذ، ص ۱۸۷.

[۱۹۵] شعرا / ۴.

[۱۹۶] بحارالانوار، ج ۵۲ / ص ۲۷۰ و ۲۷۱.

[۱۹۷] همان ماءخذ، ص ۲۱۰.

[۱۹۸] همان ماءخذ، ص ۲۸۶.

[۱۹۹] غیبت طوسی، ص ۲۶۸.

[۲۰۰] اثباة الهداه، ج ۷ / ص ۳۹۸.

[۲۰۱] مکیال المکارم، ج ۲ / ص ۱۸۶.

[۲۰۲] غیبت نعمانی، ص ۲۰۶.

[۲۰۳] غیبت طوسی، ص ۲۶۸.

[۲۰۴] همان ماءخذ، ص ۲۶۹.

[۲۰۵] همان ماءخذ، ص ۲۶۹.

[۲۰۶] همان ماءخذ، ص ۲۷۴.

[۲۰۷] الملاحم و الفتن، ص ۴۶.

[۲۰۸] در سال تاءلیف این کتاب ستاره مذکور در کره زمین دیده شد، حتی با چشمهای غیر مسطح.

[۲۰۹] الملاحم و الفتن، ص ۲۰۰،.

[۲۱۰] تذکرة الخواص، ص ۱۳۸.

[۲۱۱] الامام المهدی عند اهل السنة، ج ۱ / ص ۱۲.

[۲۱۲] شرح ابن الحدید، ج ۹ ص ۱۵۲.

[۲۱۳] «و استمع یوم یناد المناد من مکان قریب. یوم یسمعون الصیحة بالحق ذلک یوم الخروج» (ق / ۴۱ و ۴۲).

[۲۱۴] ینابیع المودة (چاپ بمبئی)، ص ۴۳۹.

[۲۱۵] «یعرف المجرمون بسیماهم فیوخذ بالنواصی و الاقدام» (رحمان / ۴۱).

[۲۱۶] ینابیع المودة، ص ۴۳۹.

[۲۱۷] «ان نشاء ننزل علیهم من السماء آیة فظلت اعناقهم لها خاضعین.»

[۲۱۸] ینابیع المودة، ص ۴۲۶.

[۲۱۹] الحاوی للفتاری، جزء دوم، ص ۳۵۵.

[۲۲۰] مهدی از خاندان من است و او از فرزندان دخترم فاطمه علیهماالسلام خواهد بود.

[۲۲۱] همان ماءخذ، ص ۳۵۵.

[۲۲۲] همان ماءخذ، ص ۳۶۴.

[۲۲۳] همان ماءخذ، ص ۳۶۸.

[۲۲۴] همان ماءخذ، ص ۳۶۸.

[۲۲۵] همان ماءخذ، ص ۳۶۸.

[۲۲۶] اشاره به اینکه همسر حضرت سجاد علیه السّلام دختر حضرت امام حسن است. بنابراین، امام زمان روحی له الفداء از طرف پدر از حضرت امام حسین و از طرف مادر از امام حسن علیهما السلام است. آری نوشته اند که مادر مکرمه حضرت باقر علیه السّلام ام عبدالله دختر حضرت امام حسن علیه السّلام بوده است.

[۲۲۷] الحاوی الفتاری، جزء دوم، ص ۳۶۹.

[۲۲۸] همان ماءخذ، ص ۳۷۱.

[۲۲۹] همان ماءخذ، ص ۳۷۲.

[۲۳۰] سنن ابی داود (مختصر)، جزء ۶ / ص ۱۶۰.

[۲۳۱] همان ماءخذ، ص ۱۶۱.

[۲۳۲] تذکرة القرطبی، ص ۶۰۹ و صحیح مسلم، ج ۴ / ص ۲۲۳۴.

[۲۳۳] النهایهٔ ابن اثیر، ص ۳۰۰ و ۳۰۱.

[۲۳۴] همان ماءخذ، ص ۳۰۰.

[۲۳۵] فرائدالمسطین ج ۲ / ص ۳۱۲.

[۲۳۶] فصول المهمه، فصل دوازدهم، ص ۲۹۵.

[۲۳۷] عقد الدرر،ص ۱۳۷.

[۲۳۸] همان ماءخذ، ص ۷۰.

[۲۳۹] همان ماءخذ، ص ۵۱.

[۲۴۰] همان ماءخذ، ص ۷۳.

[۲۴۱] همان ماءخذ، ص ۷۴.

[۲۴۲] همان ماءخذ، ص ۸۱ تا ۸۴.

[۲۴۳] همان ماءخذ، ص ۸۱ تا ۸۴.

[۲۴۴] الحاوی، ص ۳۷۲.

[۲۴۵] همان ماءخذ، ص ۳۶۹.

[۲۴۶] همان ماءخذ، ص ۳۷۱.

[۲۴۷] سنن ابی داود (مختصر)، جزء ۶، ص ۱۶۲.

[۲۴۸] همان ماءخذ، ص ۱۶۲.

[۲۴۹] عقدالدرر، ص ۴۹.

[۲۵۰] همان ماءخذ، ص ۵۱.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سـایت: www.ghaemiyeh.com ایمیـل: Info@ghaemiyeh.com فروشـگاه اینترنـتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگـانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابـل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عـده ای خیر انـدیش اداره و تامین گردیـده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضـر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صـاحب اصـلی ایـن خـانه (قـائمیه) امیـد داشـته و امیـدواریم حضـرت بقیه الله الأعظم عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف تـوفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شـماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شـماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سـندش، از امام حسـین علیه السـلام -: هر کس عهـده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جـدا کرده است و از علوم مـا که به دسـتش رسـیده، به او سـهمی دهـد تا ارشاد و هـدایتش کنـد، خداونـد به او می‌فرمایـد: «ای بنـده بزرگوار شریـک کننـده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سـزاوارترم. فرشـتگان من! برای او در بهشت، به عـدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسـکری علیه السـلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشـتن بینـوایی ضـعیف را دارد و تـو او را از دسـتش می‌رَهـانی، یـا مردی نـاصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضـعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زیـد: امام حسین علیه السـلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخوانـد و او اجابت کنـد، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان


WWW